

#سالیوان من 🐼:sparkles:

#پارت 224

آروم آروم تو راهرو قدم میزدم و به سمت کلاس میرفتم...

الان چه بهونه ای جور کنم بهش بگم؟!

دوباره گند خورد تو همه چی..

مگه من به کیهان نگفته بودم که گوشی نیاره برام؟!

تو همین فکر بودم که یه لحظه چهره ی خانومی که وارد دفتر شد اومد
تو ذهنم!!

چقدر قیافه اش آشنا بود...

کجا دیده بودمش خدایا!!!

پله ها رو بالا میرفتم، یه پله مونده برسم به راهروی طبقه ی بالا که یهو
بشکنی زدم و گفتم:

+آرهههه این زن بابای عسل بود

اینجا چیکار میکرد؟؟

عسل و که کشتن الان اومده مدرسه اش برای چی؟؟

چشم‌ام و ریز کردم و با خودم گفتم:

+شاید اومده پرونده اشو بگیرع هوم؟؟

به سمت کلاس حرکت میکردم و الان مغزم درگیر دوتا چیز بود

یکی اینکه جواب ناظم و چی بدم؟؟

دومیش اینکه مامان عسل اینجا چیکار میکرد؟

برای اینکه مغزم آروم بگیره نفس عمیقی کشیدم

چرا انقدر خودم و اذیت میکنم؟؟

از همه چی زنده اومدم بیرون اینم یکی از اونا..

اینم می‌گذشت.

پشت در کلاس وایسادم و چندتا نفس عمیق کشیدم و تقه ای به در
زدم و رفتم داخل

معلممون پای تخته مشغول درس دادن بود که آروم گفتم:

+سلام...

532.7K

Noushin

22:19

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت 223 زنی ن...

شخصیت گنگ کیهان:facepunch::fire::sunglasses:👓

ویرایش شده

535.2K

Noushin

22:25

پارت جدید بیبی ...:blue_heart::sparkles:

534.7K

Noushin

22:26

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت 224 آروم ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

در موردش ناراحت نیستم، در موردش از خودم متنفرم (:

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

530.7K

Noushin

23:56

دوشنبه، 8 مرداد 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از دست دادن تا ابد سخته، هیچوقت قرار نیست بهش عادت کنی...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

520.3K

Arsam

7:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

منم یه جایی رد میدم و میزنم زیر قولام ...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

517.1K

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سوپرایز میشی اگه بفهمی چقد میتونم سنگدل باشم!

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
514.3K

11:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من همونم که تو حتی همونم نیستی..

•• SaLiVanMaNi@ ••

512.1K

Noushin

13:26

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرچیو هرکسی که خط قرمز بودو از دست دادم دیگه هیچی برام مهم
نیس (:

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

511.6K

Noushin

13:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خیلی پیچیدش نکن همین که اولویتت باشم منو Turn on میکنه .

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

507.4K

Noushin

16:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ای بابا دیدی چیشد؟
دیگه هیچی حسابت نمیکنم..

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

507.5K

royal -

17:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من هیچوقت یه خطا رو دو بار انجام نمیدم، معمولا پنج یا شش بار

گاه‌ها حتی ده بار اینا...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

510.4K

Noushin

19:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه فکر کردی میتونی منو با بغل گول بزنی، کاملاً درست فکر کردی ...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

510.5K

,ad

21:50

سه شنبه، 9 مرداد 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عطرای گرون به درد نمیخوره آدم باید بوی معرفت بده...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

521.2K

Noushin

0:01

سلام سلام...

522.4K

Noushin

0:11

شبتون بخیر خوشگلام:relieved::raised_hands:

ویرایش شده

524.7K

Noushin

0:14

یه پارت نصفه شبی بخونیم؟! joy:

526.5K

Noushin

0:15

دیره فقط بدویید:strawberry::stuck_out_tongue_closed_eyes:

532.7K

Noushin

0:16

آماده خوندن پارت هستین جوجوها?! hatched_chick:

536.6K

Noushin

0:17

بریم تو کارش:fire:

550.6K

Noushin

0:25

#سالیوان من: sparkles: 88

#پارت 225

معلممون سرشو پایین آورد و از بالای عینک نگاهم کرد و گفت:

-الان چه وقت اومدن سر کلاسه؟؟

سرم و پایین انداختم و گفتم:

+ببخشید خانوم دیر شد دفتر کارم داشتن!!

کلافه سری تکون داد و گفت:

-برو سر جات بشین

چشمی گفتم و به سمت صندلیم رفتم و کتاب عربی رو باز کردم و از بغل دستیم پرسیدم:

+صفحه ی چنده؟؟

ریحانه که متوجه نشده بود سرشو نزدیک تر آورد و گفت:

-چی؟!

یکم صدامو بالا تر بردم و گفتم:

+میگم صفحه چن...+

حرفم تموم نشده بود که معلمون عصبی گفت:

-یاوری؟!!

دیر اومدی حالا داری صحبتتم میکنی؟!!

به کتاب اشاره کردم و گفتم:

+خانوم بخدا میخواستتم بپرسم کدوم صفحه اس

اخماش بیشتر توهم رفت و داد زد:

-ساکت باش ببینم!!!

سرمو پایین انداختم و تو کتاب دنبال صفحه ای بودم که رو تابلو متنش
و نوشته بود...+

انگار امروز همه از دنده ی چپ بلند شدن!!

553.6K

Noushin

0:26

› تو سالیوانِ منی...!♡ ❀ ‹

#ساليوان من 8:sparkles: #پارت224 آروم ...
بابا جاذاب؛ بابا خفننن:sunglasses::joy::hearts:
ویرایش شده
553.4K
Noushin
0:31

پارت جدید قلب من . . .:relieved::cherry_blossom::seedling:
553.2K
Noushin
0:33

› تو ساليوان منی!...! 8:sparkles: #ساليوان من 8:sparkles: #پارت225 معلم...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

بهم درباره زیبایی ماه و ستاره نگو من چشمتو دیدم..

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
542.9K
Arsam
6:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مردم احساساتشونو مخفی میکنن، من قبرشونو میکنم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

536.3K

10:30

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من به همون اندازه که باهات گرم و صمیمی ام میتونم خیلی راحت
قیدتو بزنم، پس مراقب حرفات و حرکاتت باش :))

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

533.5K

Noushin

12:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اعتمادم به آدمای در این حده که حس میکنم همه چیز یه نقشه اس...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

533.5K

Noushin

12:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدمی که حرفاشو با موزیک بهم میزنه واسم 10/10 .

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

532.4K

PARIA

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من حرفاتو میشنوم اما به رفتارت نگاه میکنم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

531.9K

PARIA

13:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیدي آدم دلش به حال خودش بسوزه؟!
همونم.

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

528.9K

Noushin

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فدای سرم اگه یه جاهایی خراب کردم ؛
منم دفعه‌ی اوله دارم زندگی می‌کنم!!

•• SaLiVanMaNi@ ••

527.6K

.Delvan

17:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بغل محکم تو ۳ نخ سیگاره (:

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

527.9K

parii

19:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حالا یکی هست از ته دل ازت متنفره..

•• SaLiVanMaNi@ ••

526.9K

,ad

21:47

چهارشنبه، 10 مرداد 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

توصیفه رو عوض کردی؛

من کتاب سوزوندم..

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

517.1K

parii

8:14

:Porf:sunflower::crescent_moon#

-غرور خوشحالی تو ازت میگیره و من ترجیح میدم خوشحال نباشم!

•• SaLiVanMaNi@ ••

515.8K

Noushin

10:27

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لول آدمارو از چیزایی که بهش میخندن میشه شناخت!

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

514.8K

12:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خودم پاک کردم عکسایی رو که مراقب بودم ی وقت پاک نشن!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

512.3K

PARIA

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگر پایان را می دانستم آغاز نمی کردم .

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

509.2K

Noushin

13:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر ادمی با اومدنش پکیج آموزش بیشتر اعتماد نکن همراهش میاره ..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

503.7K

Noushin

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خودخواهیه ؟ اینکه بخوام تو بیست و چهار ساعت فقط 25 ساعت
نگاهم کنی و باهام صحبت کنی؟

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

503.3K

Noushin

18:05

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ولی او زیباترین خلق خداست .

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

502.1K

!Khadi

19:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کار ما از قهرگذشته ما کلا دیگه کاری به هم نداریم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

505.2K

,ad

21:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انگار یکی قند روزای تلخ مون رو با چایی خورده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

502.3K

Noushin

23:59

پنجشنبه، 11 مرداد 1403

:Hi . . . 😊:strawberry

ویرایش شده

503.8K

Noushin

0:03

چطورید زیباها؟! :relieved::cherry_blossom:

506.2K

Noushin

0:07

به به استقبالو:joy::no_mouth:

507.6K

Noushin

0:09

پارت آوردما!!! 🤗:hearts:

509.1K

Noushin

0:10

زودی بریم

بخونیم?!:revolving_hearts::stuck_out_tongue_closed_eyes:

513.6K

Noushin

0:12

#سالیوان من 🧸:sparkles:

#پارت226

بیخیال شونه ای بالا انداختم و با خودکارم گوشه ب صفحه ی کتاب

نقاشی میکشیدم!!

تمام فکرم درگیر این بود که جواب ناظمونو چی بدم؟!

چه دروغی بسازم؟!

نگاهم و سمت رها چرخوندم که دستش و زیر چونه اش زده بود و به
تخته نگاه میکرد!!

چند لحظه نگذشته بود که اونم نگاهشو سمتم چرخوند و بعد با نفرت
نگاهشو ازم گرفت!!

دوباره به کتابم نگاه کردم

فکر کنم رها خیلی از دستم شکاریه...
حقم داره خیلی پاستوریزع بازی در آورده بودم...

تو همین فکرا بودم که با صدای معلمون رشته افکارم پاره شد:

-یاوری؟!!

فوری توجام سیخ شدم و گفتم:

+بله خانوم؟!!

-بگو چی گفتم؟!!

ترسیده نگاهش کردم و گفتم:

+چی؟!!

اومد چیزی بگه که بلاخره زنگ تفریح به صدا در اومد...

همه بچها خوشحال از جاشون بلند شدن و هرکی با رفیقش از کلاس
میرفت بیرون!!!

داخل همون کلاس نشستم و لقمه امو از کیفم در آوردم و مشغول
خوردن شدم که یکی از بچها دوید اومد تو کلاس و گفت:

-یاوری دفتر کارت دارن!!!

517.2K

Noushin

0:14

‹ تو سالیوانِ منی...! ♥ ❄ ›

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 225 معلمم...

تو سالیوان منی و من دختر کوچولوت (((: ❄:blue_heart::sparkles:
ویرایش شده

516.7K

Noushin

0:18

:nEw...:scream::chestnut

516.7K

Noushin

0:19

‹ تو سالیوانِ منی...! ♥ ❄ ›

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 226 بیخیا...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دقیقا همونجایی که خیلی رو یکی حساب باز کردید، پشیمون می‌شید!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

505.6K

Noushin

9:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همه اونایی که جلوت خوبن پشت سر بدتو میخوان...

• SaLiVanMaNi@ ••

504.8K

Delvan

10:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تا چشم کار میکنه کسایی هستن که هیچی حساب نیستن ولی فکر میکنن خیلی مهمن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

502.2K

Noushin

11:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گرون ترین چیزی که تا حالا دیدم، تجربه بود!

• SaLiVanMaNi@ ••

499.9K

PARI

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قلبش ترمیناله و پیچش خصوصی (:

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

498.8K

Noushin

13:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من احترام رو به شعور آدمای میذارم نه به سانشون!

• SaLiVanMaNi@ ••

496.1K

AsaL

16:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سکوت می‌کنم چون ارزش بحث کردنم ندارم!

• SaLiVanMaNi@ ••

495.4K

aida -

17:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

محبت زیادی سگم هار می‌کنه؛

چه برسه به آدمای...

• SaLiVanMaNi@ ••

495.1K

!Khadi

19:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

میشه بارها بخشید ولی دیگه هیچوقت اعتماد نکرد...

• SaLiVanMaNi@ ••

495.6K

,ad

21:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه می‌دونستم چه آشغالی هستی هیچوقت بازیافتت نمی‌کردم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

494.1K

Noushin

23:54

سلام...

493.8K

Noushin

23:58

دوباره نخوابیدم ؛

494.3K

Noushin

23:59

جمعه، 12 مرداد 1403

افکار پریشون...

495.8K

Noushin

0:01

از در دوستی وارد میشن 🤝:sparkles:

496.5K

Noushin

0:03

شب میزنن شبیخون! :fire::joy:

501.6K

Noushin

0:04

هستی پارت بخونیم بیبی؟! 🤪:strawberry:

نظرسنجی

بلیبی منتظریم

من که خوابم

7613 رای

508K

Noushin

0:07

آماده؟!::icecream::relieved:

515.5K

Noushin

0:13

› تو سالیوانِ منی...!♡🌸‹
هستی پارت بخونیم بیبی؟!🤪🍓
#سالیوان من 🌸:sparkles:
#پارت 227

ترسیده لقمه امو دوباره تو کیفم گذاشتم و از جام بلند شدم و گفتم:

+با من؟!!

-آره گفتن سریع بری!!

آب دهنمو قورت دادم و سری به نشونه ی تایید تکون دادم...
وای بدبخت شدم، هیچ بهونه ای هیچی نداشتم که بخوام ناظمونو
قانع کنم هیچ صنمی با پسرش ندارم...

واقعا هم ندارم یه دوست معمولیم ولی مگه باور میکنه،؟!
کی برای دوست معمولیش گوشی میاره؟!!

آروم آروم پله هارو می اومدم پایین و آرزو میکردم کاش هیچوقت نرسم
به دفتر...

انقدر فکر کرده بودم سرم داشت میترکید!!

با دست شقیقه هامو ماساژ دادم و آخرین پله رو هم اومدم پایین!!!

از دور به در دفتر نگاه کردم و دعا دعا میکردم یه چیز بشه تا من نرم اونجا!!

نفس عمیقی کسیدم و به سمتش حرکت کردم...

حس میکردم قلبم نمیزنه!!
دستام از استرس زیاد عرق کرده بود...
سرم گیج میرفت و حس میکردم همه چی داره دور سرم میچرخه!!

از اضطراب زیاد حالت تهوع بهم دست داده بود!!

نزدیک در دفتر بودم که ناخودآگاه عوقی زدم...

یکی از بچه‌ها که همون نزدیکی ها بود فوری اومد پیشم و گفت:

-خوبی؟!

با دست دیوار و نگه داشتم و گفتم:

+آره خوبم!!

گنگ نگاهم کرد و گفت:

-خوب بنظر نمیای، رنگت شده گچ دیوار...

518.3K

Noushin

0:15

› تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت226 بیخیا...

کاری که تو با قلب من کردی:(((❄ ❄

ویرایش شده

517.8K

Noushin

0:17

پارت جدید قند من . . . @:sparkles::fire:

ویرایش شده

517.1K

Noushin

0:20

› تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت227 ترسید...

. :sparkles:GoOd NiGhT :new_moon_with_face: ❄

512.6K

۵۱۲.۶

1:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش کیک بودم، واگعی بودن خیلی سخته..

• SaLiVanMaNi@ ••

510.8K

Mozhi

6:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از عادت کردن فرار میکرد و به فرار کردن عادت کرد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

511.9K

aida -

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه روز آدمی که میترسی نباشه رو خودت حذف میکنی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

510.6K

aida -

11:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه يا خوش بختانه؛
هرچی بهم الهام میشه، بعدش ثابت میشه!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

507.6K

PARI

13:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به هیچ دویایی من ندارم اعتماد!!

• SaLiVanMaNi@ ••

501.9K

AsaL

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

باگ حس ششم قوی اینه که میفهمی جریان چیه ولی مدرکی برای اثباتش نداری...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

499.3K

.Delvan

17:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیگه بردنی نبودى، از قصد باختمت..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

498.1K

nil

20:08

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لیست "اشکال نداره تجربه شد " هام خیلی داره زیاد میشه..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

499.5K

Fati

21:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دوتا پرنسس واسه یه رابطه زیادیه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

497.1K

Noushin

23:58

سلام سلام....

497.4K

.Yas

23:59

شنبه، 13 مرداد 1403

حالتون چطور یاس نینیا؟! :relieved::baby_bottle:

498.8K

.Yas

0:01

اوضاع به کامه؟! joy:😊

499.7K

.Yas

0:03

یه خبر دارم براتون...:dizzy_face::dizzy::lollipop:

500.7K

.Yas

0:05

خاله یاسی پارت آورده واستون 🌸 🍷 😊

502.6K

.Yas

0:07

چه هم قافیه..

507.4K

Noushin

0:09

« تو سالیوان منی!..! 🌸 ♡ »

...:stuck_out_tongue_closed_eyes: خاله یاسی پارت آورده واستون

👓:sunglasses::facepunch:!! زیباها!

511.3K

.Yas

0:10

#سالیوان من 🌸:sparkles:

#پارت228

دو دستی چندتا به صورتم ضربه زدم و با خنده ی ساختگی گفتم:

+نه خوبم اوکیه!!

دختره که معلوم بود حرفمو باور نکرده سری تکون داد و گفت:

- باشه هر جور خودت میدونی

بعد از رفتنش پشت در دفتر وایستادم و چند تا نفس عمیق کشیدم...

حالم اصلا خوب نبود و به زور جلوی سنگینی پلکامو می‌گرفتم..

تقه ای به در زدم و با صدا بفرمایید ناظممون در و باز کردم اومدم برم داخل که همونجا سرم گیج رفت و دیگه چیزی نفهمیدم....

#چند ساعت بعد

با احساس دردی بدی تو سرم چشمام و باز کردم!!

نور چشمام و اذیت میکرد برای همین دوباره چشمام و بستم!!

صدای مامانم و ناظممون می اومد که داشتن با هم حرف میزدن!!

احساس تشنگی شدیدی داشتم...

به زور لبای خشکم و باز کردم و گفتم:

+آب؟! تشنمه!!

با احساس گرفته شدن دستم دوباره چشمام و باز کردم...

چشمام و باز کردم باز نور اذیت میکرد ولی میتونستم تحمل کنم!!

مامان محکم دستمو فشار داد و گفت:

-خوبی دورت بگردم؟!

514.3K

Noushin

0:17

› تو سالیوانِ منی...!♡ ❀ ‹

#سالیوان من ❀:sparkles: #پارت 227 ترسید...

زیبا بود...:sparkles::cherry_blossom:

ویرایش شده

513.1K

Noushin

0:26

:nEw...scream::strawberry

513.1K

Noushin

0:27

› تو سالیوانِ منی...!♡ ❀ ‹

#سالیوان من ❀:sparkles: #پارت 228 دو دس...

«:Good night . . 🌸🌸:sparkles ›

509.3K

.Yas

1:12

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه مشت ادم فیک بی منطق دور منو احاطه کردن (:

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

503K

Arsam

6:38

:Porf:sunflower::crescent_moon#

. بهت ک فکر میکنم لبام میخنده،قلبم میخنده،روحم میخنده،چشام
میخنده (:

• SaLiVanMaNi@ ••

498K

10:32

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آسمونم که باشی یه وقتایی شب میشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

495.6K

12:11

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فقط اون همه حرفامو میفهمه پس حق بده بهش وابسته بشم .

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

494.6K

PARI

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کار من دیگه از شنبه شروع کردن گذشته، من دقیقا باید یبار بمیرم از اول شروع کنم.

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

494K

PARI

14:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از چشم افتادگان را میل دیدار دوباره نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

493.1K

Noushin

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی باهاش حرف میزنم کنترل نیشمو از دست میدم..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

495.6K

Noushin

17:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دللم برات تنگه اندازه تهران...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

494.8K

Noushin

20:05

:Hello...🤪:strawberry

495.5K

.Yas

20:15

:relieved::fire:!!؟ قیشنگام:

496.1K

.Yas

20:18

:joy:🤪|| او مدما||

498.8K

.Yas

20:21

🤪:stuck_out_tongue_closed_eyes:!!؟ نوشین یا ترم مهربون

499.9K

.Yas

20:24

› تو سالیوانِ منی...! ♥ 🦋 ‹

من باز اومدم!! 😊:joy:

معلومه که من... 😊 🦋

500.7K

.Yas

20:27

پارت آوردم براتووون:joy::dizzy::dizzy_face:

501.6K

.Yas

20:30

هستید بخونیممم؟! 🦋

514.4K

.Yas

20:34

#سالیوان من 🦋:sparkles:

#پارت 229

لبخندی زدم و آروم با سر تایید کردم...

دوباره یکم لبامو با زبون تر کردم و گفتم:

+تشنمه فقط!!

مامان سری تکنون داد و آبمیوه ای که خریده بود و باز کرد و داخل لیوان ریخت و گرفت سمتم!!!

اومدم يه قلب از آبميوه امو بخورم كه ناظممون نزديك تر اومد و
پوزخندی زد و پرسید:

-خوبی؟!

با دیدنش ناخودآگاه استرس گرفتم و گفتم:

+بله خانوم خوبم ممنون!!

سری تـکـون داد و گفت:

-فردا مدرسه میای دیگه؟!

وای چه کلیدی بود، هنوز ول کن نبود، حتما فکر کرده من خودمو الکی به
مریضی زدم...

لبخندی زدم و گفتم:

+بله خوب باشم حتما میام!!

سری تـکـون داد و روبه مامانم گفت:

-خب خانوم یآوری با من کاری ندارید؟!

مامانم لبخندی زد و گفت:

-ممنون از شما خیلی زحمت کشیدید مزاحمتون شدیم...

-نه این چه حرفیه وظیفه منو مدرسه اس که حواسمون باشه به دانش آموزا!!

مامان لبخندی زد و گفت:

-مچکرم خیلی لطف کردید

ناظممون سری تکون داد و از مامان خداحافظی کرد و بعد رو به من گفت:

-خب پناه جان کاری نداری؟!

فردا مدرسه میبینمت...

528.1K

Noushin

20:35

› تو سالیوانِ منی...!♡ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت 228 دو دس...

#سالیوان من ❄️:sparkles:

#پارت 230

آب دهنمو قورت دادم و گفتم:

-نه ممنون خانوم...

بعد از رفتن ناظممون حس میکردم دوباره از استرس تپش قلب گرفتم...

این چه بلایی بود سر من اومد آخه!!

به نقطه ی نا معلوم خیره شده بودم و داشتم فکر میکردم که مامانم گفت:

-چرا نمیخوری؟! مگه تشنه ات نبود!!!

به لیوان آب میوه نگاه کردم و باز رفتم تو فکر!!

+باید با کیهان صحبت میکردم، باید بهش میگفتم مامانش کلید کرده روم

با حرص چشمام و بستم و با خودم ادامه دادم:

+گندیه که خودش زده خودشم باید جمع کنه!!

تو همین فکرا بودم که باز مامانم نگران پرسید:

-پناه خوبی؟!!

چته تو چرا انقد به یه جا خیره میشی!!

لبخندی زدم و برای اینکه خیالشو تخت کنم گفتم:

+خوبم فداتشم!!

دوباره به آبیموه اشاره کرد و گفت:

-پس آبمیوه اتو بخور یکم جون بگیری!!

چشمی زیر لب گفتم و یه قلپ از نوشیدنیمو خوردم!!

مامان یه موز پوست کند و گرفت طرفمو گفت:

-بیا اینم بخور!!

گنگ نگاهش کردم و گفتم:

+مادر من بزار این از گلوم پایین بره بعد چشم اونم میخورم!!

ویرایش شده

529.5K

Noushin

20:36

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت229 لبخند...

آقا کیهان تو استخر 🤪:joy::hearts:

ویرایش شده

527.1K

Noushin

20:51

پارت جدیدو خوندی بیبی؟! :relieved::strawberry::lollipop:
525.4K

Noushin

20:51

› تو سالیوانِ منی!..! ♡ ❄ ›
#سالیوان من ❄ :sparkles: #پارت229 لبخند...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

به تو تکست میده ولی منتظر نوتیف منه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

522.8K

Noushin

21:55

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو چشمات فرق میکرد غرق میکرد!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

518K

Noushin

23:50

یکشنبه، 14 مرداد 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

با همه فرق داشت؛ یادمه حرفاش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

504.2K

Noushin

10:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها چیزی که روی صورتت کم داری جای بوسه منه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

502K

- aida|اک مشترک

11:45

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آرزو میکنم در ناباورانه‌ترین حالت زندگیتون، اون اتفاق قشنگی که

فکرشو هم نمیکنید بیفته..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

500.2K

PARI

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جالبه خودمم میدونم قراره گند بزnm ولی انجامش میدم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

499.3K

royal

14:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شاید الان فقط یه بغل بخوام که بتونم توش گریه کنم:)

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

493.9K

Noushin

16:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

این تیکه هایی که میندازین مخاطبش خودتونین؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

492.2K

Noushin

18:06

همین الان پارتو گذاشتم داغ داغ🌹:joy::hearts:

پارت بعدی هم اونجاست لف ندیدایی

491.9K

Noushin

18:07

› تو سالیوان منی...!💖🌸‹

#سالیوان من💖:sparkles: #پارت230 آب ده...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از هر جا بیوفتی زمین دستتو میگیرم و بلندت میکنم الی چشمام!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

492.3K

Selin

20:02

:Porf:sunflower::crescent_moon#

واقعی ترین آدمای کمترین دوستارو دارن (:

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

490.9K

Noushin

21:54

اهم اهم

491K

.,YasI

22:07

سلام؛ عرض ادب و احترام

491.7K

.,YasI

22:09

492.3K

.,YasI

22:11

« تو سالیوان منی!..! ♥ 🍀 »
سلام؛ عرض ادب و احترام
چطوره حال شما؟! :relieved: 🙌
492.7K

.,YasI

22:16

دماغا چاقه؟! :joy: :stuck_out_tongue_closed_eyes:
493.7K

.,YasI

22:18

شنیدم پارت خونتون افتااااده... 🤪 💧
497.5K

.,YasI

22:20

بیاید که دَوای دردتون پیش منه 🤪 🤍
499.2K

.,YasI

22:22

آماده خوندن پارت هستینن؟! :sunglasses: :hearts:
505.2K

.,YasI

22:24

#سالیوان من 🍀 :sparkles:
#پارت 231

نگاه چپی بهم انداخت و با حرص گفت :

- نخور اصلاً..

خوبی نیومده به کسی!!

انقد نخور که بازم تو مدرسه غش و ضعف بری بچه ها اسمتو بزارن
غشی!!

شاکی اسمش رو صدا زدم .

+ مامان...

- مامان و یامان...

دم دفتر چیکار می کردی؟!

با شنیدن این حرف یاد اتفاقات امروز افتادم .

به کل یادم رفته بود که می خواستم به کیهان زنگ بزنم و بگم به خاطر
گوشی که فرستاد تو چه دردسری افتادم .

من که گوشی نداشتم پس باید دوباره با گوشی مامان بهش زنگ می زدم
.

لب هام رو با زبونم تر کردم و قیافه مظلومی به خودم گرفتم و آروم
گفتم :

+ مامان جونی؟!!

همونطور که سرش توی کیفش بود و وسایل توش رو پایین و بالا می‌کرد
گفت :

- الان شدم مامان جونی؟؟
چی می‌خوای وروجک؟!!

ریز خندیدم و بعد با مظلومیت ساختگی گفتم :

+ میشه گوشیتو بدی بهم یه زنگ بزنم؟!!

فوری سرش رو بالا آورد با چشم غره گفت :

- به کیهان می‌خوای زنگ بزنی؟!!

دروغ گفتن فایده ای نداشت .

ناچار گفتم :

+ آره..

بی مخالفت گوشیش رو به سمتم گرفت و گفت :

- بیا فقط زود تمومش کن...

آخرش با این قایم موشک بازیات تو دردسر میوفتی!!

این بار که دست پیمان بهت برسه ضمانت نمی‌دم زنده ولت کنه .

پوفی گفتم و گوشی رو از دستش گرفتم .

+ خبر نداری ماما که تو دردرس افتادم!!

البته جرعت بلند گفتن این حرف و نداشتم .

خواستم ازش خواهش کنم بره بیرون که خودش زودتر متوجه شد و
همونطور که از جا بلند می‌شد گفت :

- من میرم از دکترا بپرسم ببینم کی مرخص میشی؟!
تا برمی‌گردم تموم کن..

خوشحال "باشه" ای گفتم که از اتاق بیرون رفت .

بی معطلی گوشیش رو روشن کردم و بعد از باز کردن قفلش وارد تماس
ها شدم .

شماره کیهان رو که از آخرین باری که بهش زنگ زده بودم یادم مونده
بود رو زدم و منتظر جواب دادنش شدم .

چند ثانیه بیشتر نگذشته بود و هنوز به بوق دوم نرسیده بود که صدای
خواب آلودش تو اتاق پیچید .

ویرایش شده

508.7K

.,YasI

22:32

› تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄ ›
#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 230 آب ده...
پناه مظلوممون 😊 😊 😊 (الکی مثلا)
ویرایش شده

509K

Noushin

22:40

پارت بلند و بالا تقدیم چشمتون :(((::sparkles::hearts::eyes:
ویرایش شده
506.5K

Noushin

22:41

› تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄ ›
#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 231 نگاه ...
•:TweeT •:joy::sunflower#

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

502.7K

Noushin

23:59

دوشنبه، 15 مرداد 1403

دخترِا وقتی قهرن...:sob:🌀:hearts:

501.1K

Noushin

0:01

« تو سالیوانِ منی...!♡🌀 »

تصویر, @SaLiVanMaNi# •• :joy::sunflower: •• TweeT ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه چیزی گفتم که ناراحت شدی بگو دوباره بگم!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

492.2K

7:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

موندنت اجباری نیست ولی میشه نری؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

489.1K

Delvan

10:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از قلبم گذشتم و با مغزم زندگی بهتری دارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

486.8K

Noushin

11:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من میدونستم میفتم تو چاه ولی انتظار نداشتم تو هُلم بدی (:

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

485.7K

Noushin

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من ادم یک ماه پیشم نیستم چه برسه یه سال پیش؛ اگه رفتی درو
پشت سرت ببند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

485.8K

Noushin

13:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی به اون مرحله میرسونیم که سر هیچی باهات بحث نمیکنم، شک
نکن گذاشتمت کنار..

• SaLiVanMaNi@ ••

482.5K

AsaL

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

راست میگفتی ما با هم فرق داشتیم، من با عشق نگاهت میکردم؛
تو هر وقت عشقت میکشید منو میدیدى...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

481.2K

.Delvan

17:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کارما صبورترین گنگستر تاریخه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

479.1K

Noushin

19:51

پارت جدیدو خوندی زیبام؟! :relieved::fire:

پارت بعدی ساعت 22:00

479.9K

Noushin

20:04

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️ :sparkles: #پارت 231 نگاه ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه دستتون رو میشه ولی روتون کم نمیشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

479.5K

Noushin

21:50

ابراز وجود کنم یا زوده؟! 🤪:joy:

481.6K

Noushin

21:55

پرسش این است!!! 🤪:hearts:

نظرسنجی

زوووده

دیرههه هزار پارتو

6703 رای

483.2K

Noushin

22:01

› تو سالیوان منی!..! 🤪❤

ابراز وجود کنم یا زوده؟! 🤪:joy:

نوشین بکش کنار که من اومدم:sunglasses:🤝

484.2K

.,YasI

22:13

از اینجا به بعدشو با یاسی

باشید:joy::stuck_out_tongue_closed_eyes:

489.3K

Noushin

22:16

› تو سالیوان منی...! ♥ 🍷 ‹

نوشین بکش کنار که من اومدم:sunglasses:👓...

خب خوشگلا هستید بریم پارت؟!::dizzy:dizzy_face:🤪

491.9K

.,YasI

22:18

:Let's go...:fire::no_mobile_phones

495.8K

.,YasI

22:21

#سالیوان من 🍷:sparkles:

#پارت232

-الو؟!!

به اطرافم نگاهی انداختم و بعد آروم گفتم:

+سلام!!

فوری با صدای رسا گفت:

-پناه تویی؟! خوبی؟!!

آهی کشیدم و گفتم:

+مرسی خوبم!!
ولی یه اتفاق هایی افتاده که گفتم زنگ بزnm بهت بگم!!

مکثی کرد و گفت:

-چیشده؟!
کجایی الان؟! گوشی رسید به دستت؟!

پوفی کشیدم و گفتم:

+همون گوشی برام دردرست درست کرد
مگه نگفتم نفرست؟!
گوشی و دادی دوستم برام بیاره
داشت بهم میداد که لو رفتیم و مامانت فهمید...

تک خنده ای کرد و گفت:

-همین؟!
خب فدای سرت یه گوشی دیگه میگیرم برات!!!

متعجب لب زدم:

+یعنی چی؟!
میگم مامانت گوشی و دیده شناخته!!!
فهمیده تو برام فرستادیش!!

از صبح گیر داده بهم که چه صنمی با تو دارم!!

با همون خنده گفت:

-خب عزیز من این مشكله الان؟!

حرفی گفتم:

+نیست!؟

-بِنظر من نه!!

په ذره تن صدامو بالا بردم و با حرص گفتم:

+کیہاااننن

497.6K

Noushin

22:24

« تو ساليوان منى!..! ♥ 🦋 »

#ساليوان من 🐻sparkles: #پارت 231 نگاه ...

:sunglasses::joy::blue_heart: کیهان خنده رو رو بیبین یاپا

ویرایش شده

497.9K

Noushin

22:35

پارت جدید نفس جااان:relieved::strawberry:
498.2K

Noushin

22:36

« تو سالیوانِ منی...!♡🌸 »
#سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت232-الو؟...
سه شنبه، 16 مرداد 1403
•:TweeT •:joy::sunflower#

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

495.4K

Noushin

0:04

حکایت من و رفیقام : 🌸🌸🌸

495K

Noushin

0:10

« تو سالیوانِ منی...!♡🌸 »
تصویر, @SaLiVanMaNi# ••:joy::sunflower:••:TweeT...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

تا دیر نشده برگرد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

487.5K

Arsam

6:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ابتدای خواندنت بودم که قصه به پایان رسید.

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

485.8K

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سکوت کردیم بلکه شرمسار شوند؛ وقیح‌تر شدند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

485.7K

Noushin

11:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

طلا رو که با ترازوی بقالی نمیسنجن؛ از هرکس اندازه‌ی خودش توقع داشته باش...!

• SaLiVanMaNi@ ••
489K
Mozhi
13:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش به لفظایی که تایپ می‌کنی بخوری...

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
490.5K
Noushin
14:03

سلام سلام ...
492.5K
Noushin
14:08

حذف شده

بیاید ببینم کوجایید؟! 😊:joy:

494.1K

Noushin

14:13

کی بود پارت میخواست؟! 🤔🤝

496.6K

Noushin

14:15

نیستید؟! 😊

505.9K

Noushin

14:21

باشید یا نباشید من پارتو میذاارم:seedling::relieved:

517.1K

Noushin

14:28

#سالیوان من 🧸:sparkles:

#پارت233

میخندید و منو بیشتر حرصی میکرد...

یعنی واقعا براش مهم نیست که مامانش فهمیده؟!

چرا انقدر ریلکس رفتار میکنه!!

به حالت زار گفتم:

+من الان جواب مامانتو چی بدم؟!

-راستش و بگو!!

پوفی کشیدم و گفتم:

+راستش چیه؟! چی بگم؟!

چند لحظه ای گذشت که هیچی نگفت و دوباره پرسیدم:

+چی بگم؟!

پوفی کشید و گفت:

-نمیدونم

نسبت ما چیه؟!

شونه ای بالا انداختم و گفتم:

+رفیقیم دیگه!!

-عه رفیقیم؟!

+نیستیم؟!

دوباره پوفی کشید و گفت:

-بیشتر از یه رفیق دوست دارم!!

با حرفی که زد یه لحظه مات موندم، منظورش چی بود؟!
چرا انقدر گنگ حرف میزنه؟!
مگه خودش قبلا نگفته بود رفیقیم؟!
الان این حرفش یعنی چی?!

تو همین فکر بودم که ادامه داد:

-خودم جواب مامانمو میدم!!

ویرایش شده

518.9K

Noushin

14:29

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت232 -الو؟...

خودت نمیدونی؛

همه بود و نبودمی (((♥ 📞

ویرایش شده

518.1K

Noushin

14:32

(6.4MB) 0:19

پارت جدیدو خوندی بیبی؟! :sparkles: 🙌:relieved:

518.1K

Noushin

14:33

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄️ »

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت233 میخند...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اهمیت بیخود دادن باعث هار شدن این جماعت میشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

514K

.Delvan

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به گرد پامم که برسی؛ تو رد پام گم میشی!

• SaLiVanMaNi@ ••

512K

.Delvan

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پشت سر که هیچی؛ جلو رومم حرفاتونو بزنید اهمیتی نداره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

510.4K

Noushin

20:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برای کسی که به دامپزشک نیاز داره؛ روان پزشک نباشید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

508K

Noushin

21:54

🕶️:relieved::fire:شخصیت ناز پناهم

ویرایش شده

507.7K

Noushin

22:22

:sunglasses:🕶️:sparkles:؟!مخترم:پارت امروزو خوندی دخترم

507.9K

Noushin

22:23

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ❁ ‹
#سالیوان من ❁:sparkles: #پارت233 میخند...
چهارشنبه، 17 مرداد 1403
•:TweeT •:joy::sunflower#

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

505K

Noushin

0:01

به جز پول با چی میشه گولت زد؟! 😬:joy::sparkles:

505.3K

Noushin

0:02

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ❁ ‹

تصویر, @SaLiVanMaNi# ••:joy::sunflower:•:TweeT...

نظراتون راجب رمان سالیوان منی رو به صورت ناشنااااس بهم

بگین 😬:hearts::sparkles:

<https://harfeto.timefriend.net/17229798648546>

منتظر انرژیای خفنتون هستمممم

500.4K

.Yas

1:09

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همه چی رو مخمه؛
از خودم بگیر تا خودت...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

495.5K

Noushin

7:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

رقصیدن به ساز این دنیا اجباریست...

• SaLiVanMaNi@ ••

493.1K

Delvan

10:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اونی که فروختت رو نفروش؛ مجانی و رایگان بده بره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

492.5K

Noushin

12:07

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدما با گذشت زمان عوض نمی‌شن؛ هویت واقعیشون مشخص می‌شه!

• SaLiVanMaNi@ ••

492.3K

nilo2

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضیا همه چی دارن؛ جز لیاقت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

491.6K

Arsam

14:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از من متنفری؟!
به راست ترین نقطه چپم!...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

485.5K

Noushin

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچکس ماندگار نیست؛ این را تمام کافه های شهر می دانند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

483.3K

Noushin

17:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به هرکسی اعتماد نکن؛ اسیدم قیافه ش شبیه آبه...

• SaLiVanMaNi@ ••

482.4K

🌿..*Salia*•

19:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دل شکستی و شبی یک نفر از جنس خودت؛
خندهایی تلخ به چشمان ترت خواهد زد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

482.5K

Noushin

21:51

👁️:Hi...:relieved

482.8K

Noushin

21:59

چطورید؟! 😊:joy:

483.6K

Noushin

22:05

ایهیم؛ هستید؟!

489.8K

Noushin

22:12

چشممم؛ سعیمو میکنمم 🤪🤪:hearts:

ویرایش شده

493.5K

Noushin

22:19

دارید کشتی میبینید؟! 🤪🤪

503.1K

Noushin

22:23

بیاید یه پارت بخونید بعد برید ادامه...

508.4K

Noushin

22:24

آماده؟! 🤪

518.6K

Noushin

22:27

#سالیوان من 🤪:sparkles:

#پارت 234

#کیهان:

همه رفته بودن و پناه تنها سر خاک عسل عزاداری میکرد...

تو ماشین نشسته بودم و از دور نگاهش میکردم!!
معلوم بود خیلی داره اذیت میشه
چه حرفاس که میزنم هرکی بود اذیت میشد ، بهترین رفیقش بود...

هوا کم کم داشت تاریک میشد و دیگه صلاح نبود تو قبرستون بمونه!!

عینک دودیمو به چشمم زدم و از ماشین پیاده شدم و به سمت پناه
رفتم!!

سرش پایین داشت ریز ریز گریه میکرد..

خم شدم تا فاتحه بخونم و متوجه شدم که پناه سرشو بلند کرده و داره
نگاهم میکنه!!

بعد از این که فاتحه رو خوندم سرمو بلند کردم و با دیدن پناه که داشت
با تعجب نگاهم میکرد لبخندی زدم و گفتم:

+چطوری شما؟!

با لکنت گفتم:

-ش ش شما اینجا چیکار میکنی؟!

با حسرت آهی کشیدم و گفتم:

+اومدم سر خاک کسی که نشونه گیری دقیق داشت!!

نا خودآگاه بغض کردم و ادامه دادم:

+چقدر حیف شد که رفت...

پناه دوباره زد زیر گریه و گفت:

+راحت شد... خیلی اذیت میشد
داشت زندگی نمیکرد...

لبخندی زدم و رفتم کنارش و دستش و گرفتم و آرام گفتم:

+ولی دختر کوچولوی مارو تنها گذاشت!!!

با حرفم لبخندی زد و گریه هاشو پاک کرد که از جام بلند شدم و خاک
لباسمو تکون دادم و گفتم:

+خب بلند شو هوا داره تاریک میشه تا خونتون میرسونمت...

این حرفو که زدم شروع کرد به مخالفت کردن و هی تعارف میکرد که
عصبی شدم و گفتم:

+همین که گفتم!!

521.2K

Noushin

22:29

› تو سالیوانِ منی!..! ♡ ✨ ‹
#سالیوان من ✨:sparkles: #پارت 233 میخند...
تو مثل مهتابی توی آسمونم
••:new_moon_with_face::crescent_moon:••

ویرایش شده

520.5K

Noushin

22:39

(5.7MB) 0:23

پارت جدید زیبا... ♡:sparkles:

518.9K

Noushin

22:39

› تو سالیوانِ منی!..! ♡ ✨ ‹
#سالیوان من ✨:sparkles: #پارت 234 #کیها...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

نه بابا ناراحت نشدم؛ فقط از چشمم افتادی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

514.1K

Noushin

23:55

پنجشنبه، 18 مرداد 1403
نظراتون راجب رمان سالیوان منی رو به صورت ناشنااااس بهم
بگین:hearts::sparkles:🥰
<https://harfeto.timefriend.net/17229798648546>
منتظر انرژیای خفنتون هستممممم

- :Good night 🦋🌙:sparkles -

ویرایش شده

505.1K

Fati

1:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گفت از حالت بگو؛ گفتم :
- دلی ویران ، سری حیران ، غمی پنهان ، تنی بی جان...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

507.4K

Arsam

6:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ماهت رو با یه ستاره عوض نکن؛ دنیات تاریک میشه...!

• SaLiVanMaNi@ ••

503.2K

10:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من کسیو مجبور به تحمل نمی‌کنم؛ اگه از من بهتر بود سفت بچسب
بهش...

• SaLiVanMaNi@ ••

500.2K

12:06

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو تنهایی خودت بسوز ولی محتاج محبت با منت دیگران نباش...

• SaLiVanMaNi@ ••

497.9K

PARIA

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نه انتظار از کسی؛ نه در انتظار کسی!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

497.9K

Noushin

13:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قوی ترین ورژن خودمو تو اوج تنهاییم می سازم....!

• SaLiVanMaNi@ ••

494.2K

.Delvan

16:32

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به قول شایع :

- ای بابا؛ کی می فهمه حال مارو آخه؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

493.6K

Noushin

17:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

می کنن با یه مشت لفظ حس گادی...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

492.8K

Noushin

19:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

احترام به همه؛ اعتماد به هیچکس...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

492.8K

Noushin

21:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شخصیت اصالت می‌خواد؛ نه ادعا...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

487.2K

Noushin

23:58

جمعه، 19 مرداد 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حرفای من تک سایزن؛ تن هر مغزی نمیرن!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

484.2K

Arsam

6:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اونی که فرصت دوباره بهت می‌ده؛ رمز گوشیت نه من...

• SaLiVanMaNi@ ••

482.6K

Fati

10:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه دنيا خوب بود كه اولش با گريه شروع نمى شد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ويرايش شده

481.8K

Noushin

12:02

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تحويل گرفتن بعضى از آدما؛ پايين آوردن شخصيت خودمونه!

• SaLiVanMaNi@ ••

ويرايش شده

478.4K

Noushin

14:05

خب...

477.6K

Noushin

14:14

سلام سلااااام

477.6K

Noushin

14:17

چطورید زیباها؟! 😊:crescent_moon:

478.2K

Noushin

14:20

پارت آوردماااا براتون 😊:joy:

480.7K

Noushin

14:23

نهههه...:hearts::joy::tired_face:

عشقای منین شمااااااااا

ویرایش شده

486.9K

Noushin

14:24

هستید یه پارت بخونیم؟! 🌹:fire:

489.1K

Noushin

14:26

#سالیوان من 🐼:sparkles:

#پارت 235

باهم دیگه به سمت ماشین رفتیم و سوار شدیم و به سمت خونشون حرکت کردیم و از اونجایی که قبلا رسونده بودمش آدرسشونو بلد بودم!!

تو کل مسیر حرف خاصی بینمون رد و بدل نشد و هر از چندگاهی زیر چشمی نگاهش میکردم!!

این دختر بدجور تونسته بود قلب منو به دست بیاره!!
انگار خدا اونو فرستاده بود تا وابستگی که به فرناز داشتم و بشوره ببره...

سر خیابون رسیدیم که خواست پیاده شه که پرسیدم:

+دوباره کی ببینمت؟!

برگشت سمتمو لبخندی زد و گفت:

-هر وقت فرصتش پیش بیاد!!

نه دیگه من کسی نبودم که یارو تایم خالیشو بهم اختصاص بده من
کسیم که باید برام تایم خالی کنن!!

نگاهی بهش انداختم و گفتم:

+نه دیگه فرصت و باید ساخت!!

لبخندی زد و سری به نشونه ی تایید تکون داد که از هم خداحافظی کردیم!!

هنوز ۵۰متر بیشتر جلو نرفته بودم و داشتم از آینه پناه و نگاه میکردم که هنوز سر خیابونشون وایساده بود..

لبخندی زدم و گوشیم و در آوردم و شماره اشو گرفتم که بعد از یکی دوتا بوق جواب داد:

-الو؟!!

+هنوز که وایسادی خانوم کوچولو!!

-چشم الان میرم!!

حس کردم که حالش واقعا خوب نیست، برای اینکه حالشو بهتر کنم از روشی که همیشه برای فرناز استفاده میکردم استفاده کردم:

+برات شعر بخونم؟!!

ته صداش یه ذوق خاصی ایجاد شد و فوری قبول کرد و شروع کردم به خوندن آهنگ قفلیم...

تموم شدن شعر من مساوی شد با رسیدن پناه به خونشون که از هم
خداحافظی کردیم و منم ماشین و روشن کردم و راندم سمت خونه...

وسطای راه بودم و یه آهنگ ملایم اسپانیایی هم داشت پخش میشد و
تمام فکر و حواس من پیش پناه بود..

یه جوری منو تو خودش غرق کرده بود که انگار دریاس لامصب!!!

490.7K

Noushin

14:29

› تو سالیوانِ منی...! ♡ 🍷 ‹

#سالیوان من 🍷:sparkles: #پارت234 #کیها...

آقا کیهان؛ باشه؟! :stuck_out_tongue_closed_eyes: 🍷

تیپشووووووو

ویرایش شده

489.4K

Noushin

14:36

:nEw...:scream::strawberry

پارت بعدی 18:00...

ویرایش شده

488.5K

Noushin

14:39

› تو سالیوان منی...! ♡ 🦋
#سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت235 باهم ...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

اشتباهات تورو عاقل تر و دردها تورو قوی تر می کنند...

• SaLiVanMaNi@ ••
487.2K
مهدیه
16:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدمای عصبی؛
مهربون ترین قلب هارو دارن (:

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
486.6K
Noushin
18:11

👁️:Hi...:stuck_out_tongue_closed_eyes
486.8K
Noushin

18:17

من اومدم با یه ربع تاخیر 😊:joy:

488.7K

Noushin

18:18

490.8K

Noushin

18:19

من :

497.3K

Noushin

18:21

› تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄ ‹

استیکر

جونم به شما که انقد قشنگین 😊:hearts:

500.2K

Noushin

18:26

زودی بریم پارت؟! 😊:dizzy:

504.8K

Noushin

18:28

#سالیوان من ❄:sparkles:

#پارت 236

تو همین فکر بودم و اصلا تو یه دنیای دیگه سر میکردم و با تمام سرعت گاز میدادم که یهو با صدای بوق ماشینی رشته ی افکارم پاره شد هر چی تلاش کردم ماشین و نگه دارم اما سرعتم انقدر بالا بود که کنترل ماشین از دستم در رفت و تصادف بدی رخ داد..

فوری از ماشین پیاده شدم و ترسیده به سمت پراید ۱۳۱ مشکی که قسمت کاپوت جلوش کاملا له شده بود رفتمو فقط آرزو میکردم که کسی چیزیش نشده باشه وگرنه خسارت ماشین هر چقدر باشه میدم!!

همزمان با من راننده اش از ماشین پیاده شد و دو دستی زد روی سرش و گفت:

-وایی بدبخت شدممم...

با دیدنش که سالمه نفس حبس شدمو بیرون دادم و گفتم:

+وای خدارو شکر که خوابید!!

راننده عصبی با داد و هوار داد زد:

-مشتی حواست کجاست؟!

زدی زندگیمو نابود کردی..

من هنوز قسط این ماشینو نداده بودم!!!

رفت روی جدول نشست و دو دستی سرشو نگه داشت و به ماشین نگاه میکرد و گریه میگرد!!

رفتم کنارشو گفتم:

+من شرمندم، من...

حرفمو قطع کرد و عصبی گفت:

-مشتی شرمندگی تو به چه درد من میخوره؟!
نه تنها زدی ماشینمو...

اینبار من حرفشو قطع کردم و گفتم:

+خسارتشو میدم!!

از جاش بلند شد و با توهین گفت:

-خسارتشو میدم ، خسارتشو میدم..
همه ی شما بچه پولدارا همینید فقط بلدید بزنیید زندگی یکی و نابود
کنید بعد بگید پولشو میدم...

506.8K

Noushin

18:32

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 235 باهم ...

"دلم می ریزه وقتی می خنده....!" :blue_heart::sparkles:
ویرایش شده

505.6K

.Yas

18:49

(6.1MB) 0:27

پارت جدیدو خوندی بیبی؟! :koala::feet:

504.6K

Noushin

18:49

‹ تو سالیوان منی!...! ♡ ❄ ›

#سالیوان من ❄ :sparkles: #پارت236 تو هم...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ما خودمون کوتاه اومدیم وگرنه کسی قدش بهمون نمی‌رسید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

505.8K

Noushin

19:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسی که بخواد بره رو براش دربست می‌گیرم؛ آخه زشته پیاده خسته می‌شه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

504.6K

Noushin

21:50

پارتای امروزو خوندی قشنگم؟! :panda_face:🐼

504.9K

Noushin

21:53

› تو سالیوانِ منی...!💖🌸‹

#سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت235 باهم ...

#crescent_moon:::sunflower:Porf:

دورم حصاری از جنس غرور کشیده شده...!

• SaLiVanMaNi@ ••

501.7K

♥nil

23:55

شنبه، 20 مرداد 1403

#crescent_moon:::sunflower:Porf:

زمین گرده و کارما هم کار بلد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

492.2K

Noushin

6:07

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حرفی که حقیقت داشته باشه؛ پشت سرت گفته نمی‌شه...

• SaLiVanMaNi@ ••

488.1K

10:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دوستی با یه سری از آدم‌ها؛ در واقع دشمنی با خودته...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

485.4K

Noushin

11:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تا درد کسی رو تجربه نکردی؛ رفتارش رو قضاوت نکن!

• SaLiVanMaNi@ ••

482.8K

PARI

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دنبال همراه آخر باش؛ همراه اول که زیاده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

481.9K

PARI

13:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از چیزای عمومی متنفرم؛ درست مثل تو...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

477.4K

Noushin

16:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نظرت محترمه ولی مهم نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

476.3K

Noushin

17:54

🐭:relieved::mouse:...!!!! پارت داریم! ساعت 22:00

476.3K

Noushin

18:02

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ادعاتون عقاب؛ خودتون موش فاضلاب...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

475.6K

Noushin

20:12

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تجربه را تجربه کردن؛ خطاست...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

475K

Noushin

21:52

:Hiiiiii:relieved::sunflower

475.8K

.Yas

22:00

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❄ ‹

ساعت 22:00 پارت داریم!!!!...❖...

آنتایم بودن و حال کردین یا چی؟! :stuck_out_tongue_closed_eyes:



476.4K

.Yas

22:03

پااارت داریم موش موشیا.. 😊 :hamster:

479.7K

.Yas

22:06

بهترین و خوشگل ترین ممبر : تو :relieved::joy::strawberry:
ویرایش شده

484.9K

Noushin

22:18

هستید بریم پارت؟! :neutral_face:🤝

486.9K

.Yas

22:19

:Let's go...:sunglasses::fire::sparkles

491.6K

.Yas

22:23

#سالیوان من 🧸:sparkles:

#پارت 237

پوفی کشیدم و سعی کردم اعصابانیتم و کنترل کنم...

داشت زر مفت میزد، نمیدونم چندتا پولدار به تورش خورده بودن که
انقدر راحت راجب همه نظر میداد...

نفس عمیقی کشیدم و گفتم:

+یه دقیقه آرام باش!!

سرشو به نشونه منفی تکون داد و همونطور عصبی غرید:

-آروم نمیشم، نمیششششممم
زنگ بزن افسر بیاد...

اگه افسر بیاد کلی دردسر واسم درست میشه!..
باید یه طوری خودم قضیه رو جمع میکردم
اونم حق داشت، هم وسیله اش داغون شده بود هم کلی از قیمتش
افتاده بود...

چشمام و با حرص بستم و گفتم:

+افسر بیاد خسارتت نصف خسارتی میشه که قراره من بهت بدم..

سوالی نگاهم کرد و گفت:

-مگه چقدر میخوای بدی؟!..

به ماشینش اشاره کردم و گفتم:

+به اندازه ای که بتونی یه نوشو بخری!!

چشماشو ریز کرد و گفت:

-از کجا بدونم راستشو میگی؟!
اگه قبول کنم بری و دیگه نتونم پیدات کنم چی؟!

تک خنده ای کردم و گفتم:

+به من میخوره بخوام سر کارت بزارم؟!

یارو قهقهه ای زد و گفت:

-اتفاقا شما پولدارا از همه بدترید..

یکی از یکی حریص تر!

494.1K

Noushin

22:26

› تو سالیوانِ منی...! ♡ ❄ ›

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت236 تو هم...

یادی کنیم از پناه نازم""":relieved: 🤔 ♡

ویرایش شده

495.2K

Noushin

22:33

:nEw...:scream::strawberry

495.1K

Noushin

22:35

› تو سالیوانِ منی...! ♡ 🦋 ‹

#سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت237 پوفی ...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

مثل دریا باش؛ آشغالارو پس بزن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

491.7K

Noushin

23:57

یکشنبه، 21 مرداد 1403

نظراتون راجب رمان سالیوان منی رو به صورت ناشنااااس بهم

بگین 😊:hearts::sparkles:

<https://harfeto.timefriend.net/17229798648546>

منتظر انرژیای خفنتون هستمممم

- :Good night 🦋 🦋:sparkles -

486.5K

Mozhi

1:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عذرخواهی موقع اشتباهات شکستن غرور نیست؛ نمایش شعوره...

• SaLiVanMaNi@ ••

484.4K

Mozhi

7:34

ماه شب تارم؛ تو که باشی کنارم؛
دیگه غم مگه دارم؟! ♡:sparkles:

ویرایش شده

480.6K

Admin

10:10

(5.1MB) 0:23

پارت اول رمان زیبامون...:seedling::green_heart::relieved:

480.6K

Noushin

10:13

› تو سالیوان منی...! ♡ ❁ ‹

#سالیوان من:sparkles::blossom: #پارت 1-خانوم...

#:crescent_moon::sunflower:Porf:

واسه کسی که از ارتفاع بترسه؛ بالا اومدن یه اشتباه محضه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

476.2K

Noushin

12:02

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من نسخ کام سنگینی از آرامشم (((:

• SaLiVanMaNi@ ••

474.2K

paria

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سکوت خود قوی ترین فریاد است...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

473K

Noushin

13:55

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ستاره ای باش که در حسرت رسیدن به تو خیلی ها کور شوند...

• SaLiVanMaNi@ ••

468.4K

AsaL

16:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو مخاطباش دنبال من نگرد؛ من تو قلبشم عزیزم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

467.5K

Noushin

17:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تهمت نالایقی برما زدی رفتی قبول؛
در پی لایق بگرد ماهم تماشايت كنيم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

467.3K

Noushin

20:07

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حافظه قوی خودش یه نوع مجازاته...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

466.9K

Noushin

21:51

سلام عرض شد...

467K

Noushin

21:55

:koala::feet:!!؟ کوچولو هام؟

469.5K

Noushin

22:03

:stuck_out_tongue_closed_eyes::strawberry:!!؟ میقولید؟

نظرسنجی

بلییییی

خیر

5539 رای

471.3K

Noushin

22:06

هستید یه پارت فوری بخونیم؟! joy::scream_cat:

474.5K

Noushin

22:16

ای تنبلا...

476K

Noushin

22:19

بریم پارت!!! 😊:cherry_blossom:

480.9K

Noushin

22:21

#سالیوان من 🐼:sparkles:

#پارت 238

حوصله ی بحث کردن باهاشو نداشتم...

کلافه گفتم:

+باشه هر چی تو میگی درسته!!

-پس زنگ بزن افسر بیاد!!

تک خنده ای کردم و گفتم:

+نه دیگه نشد
مگه نمیگی من دروغ میگم؟! میخوام نارو بزnm؟!!

-شک ندارم!!

نمیدونستم از حرفش باید بخندم یا عصبی بشم
معلوم بود خیلی شکاریه!!

سری تکنون دادم و گفتم:

+اوکیه، میریم که بهم ثابت کنم داری اشتباه میکنی!!

دستشو گرفتم و اومدم باهم بریم سمت ماشینم که فوری دستم و
کشید و با اعصابانیت گفت:

-کجاااا؟! میخوای منو ببری چه بلایی سرم بیاری?!

پوفی کشیدم

اگه الان اون کیهان سابق بودم میزدم همینجا خودشم میکشتم یهو هم
دیه ی خودشو میدادم هم خسارت ماشینشو!!!

عصبی گفتم:

+چیکار کنم من الان؟!

اوکی همون زنگ بزنی افسر بیاد یه وقت ما حق شما رو نخوریم!!

با این حرفم قیافه اش یکم منقلب شد و بر و بر نگاهم میکرد که گفتم:

+ها چته؟! زنگ بزنی...

484.9K

Noushin

22:28

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ›

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 237 پوفی ...

جون بابا کیهان عصبیووووو:stuck_out_tongue_closed_eyes:

:cherry_blossom:🌸

ویرایش شده

485.9K

Noushin

22:31

پارت جدید و خوندی خفتم؟!!!!:scream::strawberry:

ویرایش شده

486.1K

Noushin

22:33

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ›

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 238 حوصله...

دوشنبه، 22 مرداد 1403

پارت امشب مطالعه شد زیبا؟! 😊:koala::feet:

...Good night

482.8K

Noushin

0:05

› تو سالیوان منی!..! 🌸 🌸

#سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت238 حوصله...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سنگین باش؛ سبکهارو باد می بره...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

476.9K

Ar sam

6:43

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انقدر هوا گرمه احساس می کنم آدم پخته ای شدم...

• SaLiVanMaNi@ ••

474.1K

Delvan

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همه از مرگ می ترسن؛ من از این جمله :
- بسته اینترنت شما رو به پایان است....

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

472.5K

Noushin

12:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حالا که مشکلاتم حل نمی شن؛ پس می خوابم که ته نشین بشن...

• SaLiVanMaNi@ ••

469.7K

paria

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به هرکس خوبی نمودیم؛ به خوبی مارا نمود....!

• SaLiVanMaNi@ ••

467.2K

paria

13:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خیلی دوست دارم صبحا برم پیاده روی ولی؛ من صبحا تازه می خوابم...

• SaLiVanMaNi@ ••

462.8K

Noushin

16:27

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دختر بودن اینطوریه که :
- فعلا ازت ناراحتم دلیلشم بعدا پیدا می کنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

461.4K

Noushin

18:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مود من تو تابستون :
- با پتو گرمه؛ بدون پتو خوابم نمی‌بره |:

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

459.6K

Noushin

19:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شازده کوچولو گفت :
- چیکار کنم که همیشه یادم باشه؟!
روباه جواب داد :
+ ازش پول قرض بگیر ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

458.9K

Noushin

21:52

:Hi... 😊:strawberry

458.9K

Noushin

22:06

:joy: 😊(((: شرمنده بابت تاخير

459K

Noushin

22:10

:dizzy_face::dizzy::cherry_blossom:!!؟ چيه وقت گفديد

459.4K

Noushin

22:14

🕶️:sunglasses:!!؟ كنم؟ راهنماييتون

460.3K

Noushin

22:15

› تو ساليوان منى!..! 🌸 ‹

:dizzy_face::dizzy::cherry_blossom:!!؟ چيه وقت گفديد

آشناشيد با كراش

👉:point_left:👈:laughing::scream_cat::point_right:...جديدم

473.9K

Noushin

22:26

حذف شده

:relieved::tada:""" خب خب برميمم

478.3K

Noushin

22:27

#سالیوان من 🐼:sparkles:

#پارت 239

وقتی دید کاملاً مسمم شدم که زنگ بزنه افسر اومد کنارم و گفت:

-داداش نظرم عوض شد
من فکر کردم از افسر ترس داری که میگی زنگ نزّم

پوزخندی زدم و گفتم:

+آره میترسم، زنگ بزن بیاد خسارت و حساب کنه...

زد رو شونه ام گفت:

-حالا عصبی نشو
کنار میایم باهم...

به سمت مردمی که دورمون جمع شده بودن رفت و داد زد:

-چیه اینجا وایسادید؟!
دیدنی هس مگه؟!
برید رد کارتون!!!

مردم همه پچ پچ میکردن و از کنارمون رد میشدن

دوباره اومد نزدیک منو گفت:

-داداش حرف شما سند ، هرچی بگی درست
فقط یه شماره بهم بده من بهت زنگ بزنم

پوفی کشیدم و گفتم:

+نیاز نیست

به ماشینش اشاره کردم و گفتم:

+زنگ بزن امداد خودرو بیاد ماشینتو تا تعمیرگاهی چیزی ببره
خودتم بیا با ماشین من بریم اول ماشینتو بزاریم تعمیرگاه بعدش بریم
من خسارتتو بدم

چشماش از خوشحالی برق زد و گفت:

-چشم داداش الان!!

رفتم داخل ماشین نشستم و منتظر موندم تا امداد خودرو بیاد...

تو همین حین گوشیم و در آوردم تا یه زنگ به پناه بزنم!!!

480.6K

Noushin

22:29

› تو سالیوانِ منی...!♡🌸
#سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت238 حوصله...
یه سیلام از پناه داشته باشیم!!!:joy:sunglasses:🕶️
ویرایش شده
480.2K
Noushin
22:41

پارت جدیدو خوندی
بیبی؟!::sparkl:cherry_blossom::stuck_out_tongue_closed_eyes:
:es
479.1K
Noushin
22:42

› تو سالیوانِ منی...!♡🌸
#سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت239 وقتی...
سه شنبه، 23 مرداد 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

اینکه همه می‌تونن داشته باشند به شخصیت نداشتت بر نمی‌خوره؟!

• SaLiVanMaNi@ •
ویرایش شده
475.2K
Noushin
0:01

•:TweeT •:joy::sunflower#

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

476.5K

Noushin

0:01

:fact... 📄 :hearts

ویرایش شده

475.9K

Noushin

0:09

« تو سالیوان منی!..! 🌸❤️ »

تصویر, @SaLiVanMaNi# •• :joy::sunflower: •:TweeT ...

پارت امشبو خوندی عسلم؟! :sparkles: 🍷 :yum:

نظراتون راجب رمان سالیوان منی رو به صورت ناشنااااس بهم

بگین: 🤪 :sparkles::hearts:

<https://harfeto.timefriend.net/17229798648546>

منتظر انرژییای خفنتون هستمممم

476.8K

Noushin

0:11

› تو سالیوانِ منی...!♡🦋
#سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت239 وقتی ...
-♥🦋...GOOD NIGHT-

473.6K

۵۸۱۶۸

1:08

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انسان‌های جذاب دچار سندرم
«خندیدن در موقعیت های جدی و حساس» هستند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

471.2K

Noushin

6:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همیشه سعی کن رگ بی‌خیالیت برجسته تر باشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

467.7K

10:29

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فیلمتونو بازی کنید ما که پشت صحنه‌تونو دیدیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

464.7K

11:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ی چیزایی دیگه تموم شدس؛ آدم که دستمال کاغذیو نمیشوره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

463.5K

Noushin

13:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دورمون پر از مارمولکایی شده که شدیدا احساس اژدها بودن می‌کنن...

• SaLiVanMaNi@ ••

463.3K

PARI

13:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حوصله ثابت کردن خودم و ندارم؛ هرچیزی راجبم شنیدی دوتا بزار
روش...

• SaLiVanMaNi@ ••

459.9K

AsaL

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خودت باش؛
این یعنی نمادی از خاص بودن...!

• SaLiVanMaNi@ ••

459.2K

.Delvan

17:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از سیگار یاد بگیرید؛
به پای کسی بسوزید که نفسشو بهتون می‌ده...

• SaLiVanMaNi@ ••

460.1K

Selin

20:02

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به قول تتلو :
- قوی اما بی حس؛ شلوغ اما بی کس...!

• SaLiVanMaNi@ ••

462.1K

Noushin

21:48

:Hello...☺:cactus

463K

Noushin

21:52

چطورید لاولیا؟!♡

463.9K

Noushin

21:58

اوفیش؛ پارت داریم!!! joy: 😊

469.5K

Noushin

22:01

پارت بزارم آیا!!!!!!?!:tada::sunglasses:

Yes or No???

نظرسنجی

Yessssss

Noooooooo

6770 رای

477.7K

Noushin

22:04

ای جان، فوری فوتی بریم

پارت؟!:cherry_blossom::stuck_out_tongue_closed_eyes:

491.8K

Noushin

22:12

#سالیوان من 8:sparkles:

#پارت240

چندتا بوق خورد که بلاخره جواب داد...

فیس کال کرده بودم و با دیدنش باز دلم واسش رفت!!

لبخندی زدم و شروع به حرف زدن باهم کردیم!!!

هیچی تنش نبود و پتو رو تا بالای سینه اش کشیده بود..

رنگ پتو مشکی بود و با پوست سفیدش هارمونی عجیبی ایجاد میکرد...

مشغول حرف زدن بودیم که یه لحظه همه چی عوض شد!!!

صدای جر و بحث بلند شد و انگار یکی داشت باهاش دعوا میگرفت!!!

چند بار اسمشو صدا کردم اما جوابی نداد که یهو با دیدن چهره ی پسری برای آخرین بار تماس قطع شد...

دوباره شماره اشو گرفتم تا ببینم چی شده اما گوشیش خاموش بود.

چندتا محکم روی فرمون کوبوندم و گفتم:

+خاک تو سرت کیهان خاک تو سرت براش دردرس درست کردی!!!

همینطوری داشتم خودمو لعنت میکردم که با صدای تقه ی شیشه ی

ماشین از نگاهمو سمت پنجره چرخوندم و شیشه رو آوردم پایین...

-داش امداد اومد ببریم تعمیرگاهی که من میشناسم یا خودت سراغ داری کسیو؟!

کلافه گفتم:

+هرجا میشناسی ببریم..

-حله داداش پس من با ماشین شما میام امداد جلوتر میره به آدرسی که بهش میگم...

سری تکنون دادم که دوباره رفت سمت خودروی امداد...
495.7K

Noushin

22:18

› تو سالیوان منی...!♡ ❀ ‹

#سالیوان من ❀:sparkles: #پارت239 وقتی ...

زیبایی موی فر:((((🥰❀❀

494.9K

Noushin

22:33

:nEw...:scream::strawberry

494.5K

Noushin

22:33

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ✨
#سالیوان من ✨:sparkles: #پارت240 چندتا...
چهارشنبه، 24 مرداد 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

خودتو که پیدا کنی؛ خیلپارو گم می کنی؛ این شروع یه مسیر طولانیه که
تهش قشنگه...!

• SaLiVanMaNi@ ••

490.8K

nilo2

0:06

پارت جدیدو خوندی قشنگم؟! 😊:umbrella::sparkles:
489.2K

Noushin

0:29

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ✨
#سالیوان من ✨:sparkles: #پارت240 چندتا...
--:Good night-- 🌑:new_moon--
486.3K

Kosar. Asa

1:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مثل خورشید باش؛ به درخشیدن ادامه بده و بزار بقیه از دیدنت
بسوزن...

• SaLiVanMaNi@ ••

480.2K

8:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با قانون خودت زندگی کن؛ اینجا پشت سر خداهم حرف می‌زنن...

• SaLiVanMaNi@ ••

478.9K

10:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نگاه نکن ساکتم؛ دهنم که باز بشه چیزایی بارت می‌کنم که معنیشونو
تو گوگل سرچ کنی...!

• SaLiVanMaNi@ •
475.5K

12:11

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه سکوت می‌کنم فکر نکن حق با توعه؛
در واقع من دارم به شخصیت‌م احترام می‌ذارم که با هر خری هم‌کلام
نشم...

• SaLiVanMaNi@ •
473.9K
PARIA
13:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

« قلوبتونو سنگی کنید، همه بت پرستند...! »

• SaLiVanMaNi@ •
474.8K
PARIA
13:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کارما میگه :

- هرچه با هرکه کنی؛ برتو همان میگذرد...!

• SaLiVanMaNi@ ••

473.7K

AsaL

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تفاوت بین ما اینه؛

تو آرزو می کنی و من اراده...

• SaLiVanMaNi@ ••

471.8K

.Delvan

17:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به این که هدف چند نفری دلخوش نباش؛ خر بی صاحبو همه سوار
می‌شن...

• SaLiVanMaNi@ ••

471.9K

nina

19:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کات مات نداریم؛ قهرکنی بغلت می‌کنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

472K

Fati

21:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مارا خیالِ بی خیالی خوش تر است...!

• SaLiVanMaNi@ ••

467.5K

Noushin

23:56

پنجشنبه، 25 مرداد 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچ وقت به ظاهر کسی نگاه نکن؛
نمک هم خیلی شبیه شکره...

• SaLiVanMaNi@ ••
457.1K

8:10

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بهت گفته بودم تو همه چیز منی؟!

• SaLiVanMaNi@ ••
454.3K

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قبل از گرفتن قیافه از داشتن آن اطمینان حاصل کنید؛ با تشکر

• SaLiVanMaNi@ ••

452.1K

12:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زندگی می‌چرخه مثل یه تاس؛ امروز حُکم می‌کنی و فردا التماس...!

• SaLiVanMaNi@ ••

453K

.Yas

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عزیزم من یه شهرو آدم حساب نمی‌کنم؛ تو که دیگه شهروندی!

• SaLiVanMaNi@ ••

459K

paria

13:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حالو باید فهمید؛ پرسیدنو که همه بلدن...

• SaLiVanMaNi@ ••

457.7K

Noushin

16:18

:Hi!!!:yum::cactus

458.8K

Noushin

16:20

:stuck_out_tongue_closed_eyes::cherries:؟! لاوليام؟!

461.5K

Noushin

16:23

:joy::cherry_blossom: 😊 با تاخير پارت آوردم واستون

463K

Noushin

16:26

هستيد كه؟!

463.7K

Noushin

16:28

:Let's go...:scream::fire

476K

Noushin

16:31

#ساليوان من 8:sparkles:

#پارت 241

تموم فکرم پیش پناه بود
فکر کنم بد در دسری واسش درست کردم...

سرمو روی فرمون گذاشتم و با خودم گفتم:

+چرا جدیداً انقدر بد میارم؟!
زندگی انگار داره خراب میشه تو سرم...

نفس عمیقی کشیدم که در ماشین باز شد و یارو نشست و همزمان
گفت:

-خب داداش بریم!!

سوالی نگاهش کردم و گفتم:

+الان کجا بریم!؟

تعمیرگاه یا خسارتتو بدم؟!

با نیش باز خوشحال گفت:

-هرچی باشه پول شیرین تره
میگیری که چی میگم!!

پوزخندی زدم و گفتم:

-اوکیه میریم خسارتتو پرداخت کنم!!

ماشین و روشن کردم و حرکت کردیم که این یارو شروع کرد به حرف
زدن.

از همه چی حرف میزد...

از خانواده اش تا اوضاع مملکت

از کارش تا کارخونه ای که توش کار میکنه!!!

پوفی کشیدم و وسط حرفش پرسیدم:

+راستی اسمتو بهم نگفتی!!!

-کوچیک شما رضام!!

لبخندی زدم و گفتم:

+به به خوشبختم آقا رضا!!

-چاکریم داداش...

یه چند ثانیه سکوت کرد و دوباره شروع کرد به حرف زد...

با تمام سرعت میروندم تا سری به نمایشگاه برسیم و این دهنشو
ببند...

487.3K

Noushin

16:33

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت 240 چندتا...

#سالیوان من ❄️:sparkles:

#پارت 242

بلاخره به نمایشگاه رسیدیم و ماشین و نگه داشتم و رو به رضا که
همچنان داشت حرف میزد گفتم:

+خب داداش رسیدیم پیاده شو!!

نگاهشو سمت نمایشگاه چرخوند و بهت زده گفت:

-اینجا؟!!

تگ خنده ای کردم و گفتم:

+آره دیگه!!

ابروهاشو بالا انداخت و دوتایی از ماشین پیاده شدیم و به سمت
نمایشگاه رفتیم...

بابا پشت میز نشسته بود و مشغول حساب کتاب کردن بود که به
محض دیدن ما از جاش بلند شد و خوشرویی خوش آمد گویی کرد...

رفتیم روی مبل نشستیم که بابام به رضا اشاره کرد و گفت:

-معرفی نمیکنی!!

تک خنده ای کردم و گفتم:

+امروز تو راه خسارت سنگینی به آقا رضا زدم!!
تصادف کردیم و اومدیم اینجا خسارتشو بش بدم!!

بابا با ترس گفت:

-تصادف؟! خودت خوبی جاییت درد نمیکنه؟!

نگاهم سمت بابام چرخید و گفتم:

+ من اوکیم مشکلی ندارم
فقط لطفاً به چک ۳۰۰ تومنی برای فردا بکش براش...

بابا سری تکون داد که تو همین حین گوشه رضا زنگ خورد و جواب داد:

-بهههه سلام داداش پیمان!!

.....

-داش یادم رفت بهت خبر بدم تو راه تصادف کردم نشد پیام!!

.....

رضا نگاهی به ما انداخت و بعد صداشو آرام تر کرد و گفت:

-الان جاییم نمیتونم حرف بزنم برو کافه ی احمد تا نیم ساعت دیگه

میام اونجا...

ویرایش شده

488.7K

Noushin

16:34

› تو سالیوانِ منی...!♡🌸‹

#سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت 241 تموم ...

کاری که بغل تو باهام میکنه : 🌸:sparkles:

ویرایش شده

487.3K

Noushin

16:57

(1.1MB) 0:04

پارت جدیدو خوندی بیبی؟! :sparkles::cactus::sunglasses:

پارتای بعدیو تو کانالی که گفتم میذارماIIIIII

485.9K

Noushin

16:58

› تو سالیوانِ منی!..!♡ ❁ ‹

#سالیوان من ❁:sparkles: #پارت 241 تموم ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خدایا شکرت؛ به خاطر داشتن دلی که هیچوقت بد کسی و نخواست...

• SaLiVanMaNi@ ••

485.4K

- aida|اک مشترک

17:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدما از دور و شهر از بالا قشنگه...

• SaLiVanMaNi@ ••

482.6K

sa|a

19:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من ضعف نمی‌شناسم؛ وجودم پر از غروره...

• SaLiVanMaNi@ ••

483.4K

Fati

21:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شاید بتونی از من تقلید کنی؛
ولی هیچوقت نمی‌تونی خود من باشی...!

• SaLiVanMaNi@ ••

479.6K

♥ nil

23:55

جمعه، 26 مرداد 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

موج میزنه عقده از رفتاراتون....!

• SaLiVanMaNi@ ••

469.9K

Noushin

6:02

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیگه اهمیت نداره؛
باد وزید و شاخه شکست...

• SaLiVanMaNi@ ••

467.5K

Mozhi

10:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سبز ماندن دربین ویرانه ها؛ ریشه می‌خواهد...

• SaLiVanMaNi@ ••

465.4K

Mozhi

11:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسی شو که هیچوقت هیچکس فکرشم نمی‌کرد، یه روزی بتونی به اون
نقطه برسی...

• SaLiVanMaNi@ ••
463.2K
Mozhi
13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به امروزت نناز؛ نوبت ماهم می‌رسه...

• SaLiVanMaNi@ ••
462.3K
Mozhi
13:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جوری بعضی‌ارو سوزوندم؛ که حتی با کولر گازی هم دلشون خنک
نمی‌شه...

• SaLiVanMaNi@ ••

459.5K

AsaL

16:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو آرزوی منی؛

پس برای کسی برآورده نشو...

• SaLiVanMaNi@ ••

457.2K

Noushin

18:06

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اخلاقم بده؟!

تو بیا ثابت کن ارزششو داری روی خوبمو ببینی...!

• SaLiVanMaNi@ ••

454.5K

.Yas

19:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ناموسا تویی که قیافت مثل تراکنش ناموفق می‌مونه؛ خودتو برامون
نگیر

• SaLiVanMaNi@ ••

453.5K

Noushin

21:26

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شاید به روت نیارم ولی؛ شک نکن جبراناش می‌کنم!

• SaLiVanMaNi@ ••

454.6K

Noushin

21:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

توانایی اینو دارم که در عرض یک صدم ثانیه؛ از همتون حالم بهم
بخوره...

• SaLiVanMaNi@ ••

459.4K

Noushin

21:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همیشه که ورق برنمی‌گردد؛ بعضی وقتا کلا کتاب بسته می‌شه...

• SaLiVanMaNi@ ••

457.2K

.Yas

23:48

شنبه، 27 مرداد 1403

:Hi!!!:scream_cat::cherry_blossom

458.4K

Noushin

0:06

:purple_heart: 😊!؟ عروسکام؟

459.6K

Noushin

0:10

:tired_face::joy: دیرشدددد: آخ بشه ها

461.8K

Noushin

0:16

هستید پارت بخونید؟! :stuck_out_tongue_closed_eyes:

465.9K

Noushin

0:19

بشتااا بید بشتااا بید... :sparkles: 😏 😏

468.3K

Noushin

0:21

:Let's go...:fire

472K

Noushin

0:23

#سالیوان من :sparkles: 🐼

#پارت 243

بعد از اینکه رضا تماسو قطع کرد بابام چک و طرفش گرفت و گفت:

-بفرمایید اینم خسارت شما

فردا صبح برو بانک نقدش کن!!

رضا گنگ نگاهی به چک کرد و معلوم بود شک داره که چک پاس میشه

یا نه...

مردد گفت:

-دست شما درد نکنه فقط... چیز... چطوری بگم

قبل اینکه حرفش تموم شه تک خنده ای کردم و گفتم:

+نگران نباش
خیالت تخت نقد میشه!!

نگاهی به پدرم انداختم و ادامه دادم:

-بعد جا و مکان ما مشخصه، نقد نشد بیا همینجا یقه‌مونو بگیر

رضا شرمسار خارشنی به سرش داد و گفت:

-نه اختیار دارید حرف شما سنده
اگه کاری ندارید من با اجازه اتون مرخص بشم!!

بابا از جاش بلند شد و رضا باهامون دست داد و از نمایشگاه رفت بیرون
که بابا فوری رو به من گفت:

-تو رانندگی حواست کجاست؟!
پول و ماشین به جهنم خودتو نکشی یه وقت...

حواسم پیش یه دختر کوچولوی مو بلند ناز بود که مدت هاس دلمو
برده...

تک خنده ای کردم و بلند گفتم:

+نترس بابا جان سگ جون تر از اين حرفام...

بابا اومد چیزی بگه که با زنگ خوردن گوشیم و شماره ی ناشناسی که
روش افتاد فوری تماس و وصل کردم:

+الو؟!

ویرایش شده

474.6K

Noushin

0:24

› تو سالیوانِ منی...!♡ ❀ ‹

#سالیوان من ❀:sparkles: #پارت 242 بلاخر...

وقتی باهاش قهرم و

بهم میگه عشق من کیه :☹️:joy::cherry_blossom:

ویرایش شده

473.5K

N - Y

0:33

(1.4MB) 0:05

:nEw...:scream::strawberry

472.8K

Noushin

0:35

› تو سالیوانِ منی...!♡ ❀ ‹

#سالیوان من ❀:sparkles: #پارت 243 بعد ا...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسی که لیاقت صداقت رو نداره؛ لیاقتش سیاسته...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

466.1K

Noushin

8:06

:Porf:sunflower::crescent_moon#

غم ما داستان روزگار بود؛ نه پسر مردم!

• SaLiVanMaNi@ ••

464K

Delvan

10:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سنگایی که میزارید سر راهمونو بزارید تو جیبتون؛ شاید یکم سنگین
شدید..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

462.9K

Noushin

11:55

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو که از چشم من افتادی؛ اما کاش منم از زبون تو بیوفتم...

• SaLiVanMaNi@ ••

461K

paria

13:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جایی که همچی غلطه؛ درست بودنم غلطه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

460.9K

Noushin

13:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دلم کسی رو می‌خواد؛ که دلش کس دیگه ای رو نخواد....

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

454.8K

Noushin

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضی قطع ارتباطها؛ به زندگی شما برکت میده....

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

453.4K

Noushin

17:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه نوع آرامشم داریم که بقیه رو دیوونه می‌کنه....

• SaLiVanMaNi@ ••

451.4K

- aida|اک مشترک

20:14

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضی روزا حس میکنم یه ماشین ایرانی ام که تو سربالایی کولر زده؛
همون قدر نمیکشم!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

450.5K

Noushin

21:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به بعضیا هم باید گفت :
- ریشه تون کجاست که ساقه اینه؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

448.2K

Noushin

23:58

یکشنبه، 28 مرداد 1403

سلام سلام...

448.6K

.Yas

0:00

عرض ادب!!!

449.1K

.Yas

0:03

449.8K

.Yas

0:05

« تو سالیوان منی!...! ♥ ❄️ »

عرض ادب!!!

پارت آوردم واستون گوگولیا IIII :panda_face: ♥...!

450.2K

.Yas

0:08

دا IIII غ دا IIII غ :weary::fire:

453K

.Yas

0:10

« تو سالیوان منی!...! ♥ ❄️ »

پارت آوردم واستون گوگولیا IIII ❄️...!

عسل IIII حجم پیامای دریافتی خیلی زیاده؛ صبور باشید..

از طرفی قشنگ ترین نظارو میذارم اینجا: joy::sob: ♥

ویرایش شده

459.8K

Noushin

0:14

هستید بریم بخونیم؟! cherries::relieved:

463.3K

.Yas

0:17

#سالیوان من 8:sparkles:

#پارت 244

چند ثانیه گذشت که صدای عصبی مردی به گوشم رسید:

-مرتیکه ی بی همه چیز تو غلط میکنی به خواهر من زنگ میزنی
د به ابلفضل که دستم بهت برسه خونتو میریزم!!

تازه دو هزاریم افتاد بود که این داداش پناه و الان غیرتی شده...

نمیدونم چرا ولی با تهدیدش خندم گرفته بود...

برای اینکه بیشتر فشاریش نکنم خودمو کنترل کردم و گفتم:

+داداش پناهی؟!!

عصبی تر داد زد:

-اسم خواهر منو به زبون کثیفت نیار عوضییی...

مکشی کردم و با خونسردی گفتم:

+اوکیه، اوکیه

-آدرس بده!!

هیچی نگفتم چون نمیخواستم بیشتر از این برای پناه دردرس درست کنم که قهقهه ای زد و با اعصابانیت گفت:

-ها چیه میترسی؟!

پوزخندی زدم و با خودم گفتم:

+این بچه چی داره میگه الان به من؟!
بترسم؟!

از چی از داد و فریادهاش...

دستامو مشت کردم و با خودم ادامه:

+اخ اگه برادر پناه نبود میدادم یه دست چند نفر تا میخوره بزرنش تا دیگه فکر قلدری هم به سرش نزنه...

تو همین فکر بودم که صداش رشته ی افکارم و پاره کرد:

-د بگو د بی وجود!!!

465.7K

Noushin

0:21

› تو سالیوانِ منی...! ♡ ✨
#سالیوان من ✨:sparkles: #پارت 243 بعد ا...
اوخ خوودااا
پناه گوگولیو ببینید.. 😊:joy::purple_heart:
ویرایش شده
465.6K

Noushin

0:23

پارت جدیدو خوندی بیبی؟! :joy::interrobang::open_mouth:
464.4K

Noushin

0:27

› تو سالیوانِ منی...! ♡ ✨
#سالیوان من ✨:sparkles: #پارت 244 چند ث...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

شهر عجیبیه؛ استوریا رو که باز میکنی میبینی خائنا از وفاداری گذاشتن؛
دروغو ها از صداقت؛ بی لیاقتا از لیاقت...

• SaLiVanMaNi@ ••

456.9K

Mozhi

7:30

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پشت ما قصه زیاد است ؛ فدای سرمان...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

453.4K

Noushin

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

صبر این دل؛ به زیبا شدنش می‌ارزد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

450.5K

Noushin

11:57

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قانع نشو؛ مگه به بهترین...!

• SaLiVanMaNi@ ••

449.3K

paria

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حالا شاید یه ذره عصبی؛ روانی و سگ اخلاق باشم ولی دل مهربونی
دارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

449.2K

paria

13:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو این دنیا با کمترین تقصیر؛ بیشترین تقاص هارو پس می‌دیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

445.9K

Noushin

16:17

پارت دیشبو خوندی بیبی؟! 🌸:purple_heart:
پارت بعدی ساعت 18:00....
447.8K

Noushin

16:21

« تو سالیوانِ منی!..! 🌸❤️ »
#سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت244 چند ث...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

از این ظاهر پرستان؛
باطن آرایی نمی آید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
448.4K

Noushin

18:13

دروود فراوان!!!:relieved::cherry_blossom:
448.8K

Noushin

18:15

« تو سالیوانِ منی!..! 🌸❤️ »
پارت دیشبو خوندی بیبی؟! 🌸:purple_heart: پا...
دیرشد ولی مهم نیته 🙄:joy:
449.8K

Noushin

18:21

من وقتی میخوام گند کاریمو توجیه کنم :(((

449.9K

Noushin

18:23

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄️ »

دیرشد ولی مهم نیته 😞:joy:

تشریف بدارید؟!

451.5K

Noushin

18:26

:Yes or No???:sunglasses::interrobang

455.2K

Noushin

18:27

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄️ »

تشریف بدارید؟!

پسرم خوش خندس خب:/ 😞 🌀:sparkles:

ویرایش شده

467.9K

Noushin

18:31

:Let's go...:fire::o

473.5K

Noushin

18:35

#سالیوان من 🐼:sparkles:

#پارت 245

دیگه تحملشو نداشتم و مطمئن بودم اگه ادامه بده میزنم به سیم آخر
و همه چیو خراب میکنم...

گوشی و قطع کردم و اومدم بزارم تو جیبش که باز صدای زنگش بلند
شد...

با دیدن شماره ی ناشناس دیگه که باز حس میکردم همین پسره اس
پوفی کشیدم و تماس وصل کردم که اینبار با شنیدن صدای پناه انگار یه
جون به جونام اضافه شد...

داشت گریه میکرد و فهمیدم تقصیر داداششه اما خودمو بیخبر نشون
دادم و گفتم:

+داری گریه میکنی؟! چیشده؟!

شروع کرد صفرتا صد ماجرا رو برام تعریف کردن و به حدی عصبی شده
بودم که قابلیت کشتن پیمانم داشتم...

بعد از تموم شدن حرفاش گفتم:

+فردا واست گوشی میارم!!!

شروع کرد به مخالفت کردن و اینکه پیمان قراره دیگه مثل سایه کنارش
باشه و این چیزا
ولی مگه گوش من به این حرفت بدهکار بود؟! نه...

من تنها چیزی که میخواستم بودن پناه بود، همیشه و همه جا...

پس با هیچ منطقی توجیح نمیشدم و آخر خودش کنار کشید و قبول
کرد گوشی و بگیره ازم...

بعد از حرفامون تموم شد اومدم چیزی بگم که متوجه شدم تماس و
قطع کرده...

حتما باز داداشش سر رسیده بود!!

دستامو محکم توهم مشت کردم و گفتم:

+دست رو پناه دراز کرده بود؟!!

به وقتش ادبش میکنم...

475.6K

Noushin

18:38

› تو سالیوانِ منی...! ♡ ❄

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت244 چند ث...

منی که پرروی دو عالمم؛

جلو تو سرم زیره ♡ ❄ (...)

ویرایش شده

475.1K

Noushin

18:49

پارت جدید بوقولید

:scream_cat::cherry_blossom::sparkles:!!!ام

474.7K

Noushin

18:49

› تو سالیوان منی!...! ♥ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت245 دیگه ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شما برای قیافه گرفتن؛ باید واجد شرایط باشی قربونت برم...

• SaLiVanMaNi@ ••

474.1K

این کاربر مرد.

19:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

میان تمام از دست رفته هایم؛ هنوز خودی دارم که سرسختانه پای من ایستاده است...

• SaLiVanMaNi@ ••

473.3K

- aida|اک مشترک

21:46

#crescent_moon::sunflower:Porf:

منفعت که نباشه؛ معرفت کم میشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

467.5K

Noushin

23:58

دوشنبه، 29 مرداد 1403

پارت امروزو خوندی عزیزدلم؟!::rainbow::sparkles::relieved:

467.7K

Noushin

0:00

› تو سالیوان منی!...♡ 🌸 ‹

#سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت245 دیگه ...

#crescent_moon::sunflower:Porf:

مثل سه نقطه شدم؛ همون اندازه پایانی بدون پایان...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

463K

Arsam

6:44

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نکن بیش از گلیمت پا درازی؛ که پا را بشکند اُستاد بازی...!

• SaLiVanMaNi@ ••

459.6K

10:27

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آره تو برنده میشی؛ ولی به شرطی که من توی زمین نباشم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

457K

Noushin

12:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

راهمو عوضی می‌رم ولی با یه آدم عوضی راه نمی‌رم...

• SaLiVanMaNi@ ••

455.3K

PARI

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها کسی که هیچ وقت اشتباه نمی‌کنه؛ کسیه که اصلا کاری انجام نمیده...

• SaLiVanMaNi@ ••

455.3K

PARI

13:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پر نور تر از الانم می‌شم؛ تا چشم همه شما بدخواها کور بشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

451.6K

Delvan

16:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدما بدون عكس العمل شما هيچ قدرتي ندارن؛ انرژیتونو حفظ کنید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

451.1K

Noushin

18:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بدون از دست دادن چیزی به دست نمیداد؛ حتی برای رفتن به بهشت هم باید مُرد...!

• SaLiVanMaNi@ ••

452.4K

این کاربر مرد.

19:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خداوشکر جوری بزرگ شدیم که نه به داشته های کسی حسادت کنیم

و نه با داشته‌هامون
جلو بقیه پز بدیم...

• SaLiVanMaNi@ ••
452.1K
Fati
21:51

سه شنبه، 30 مرداد 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

با دیدن بعضیا؛ می‌رم و دست پدر و مادرم و به خاطر تربیت درستشون
می‌بوسم...

• SaLiVanMaNi@ ••
458.4K
yAsI
0:05

🌸 😊...Hi lovi
459.7K
yAsI
0:06
چطور مطورید؟!

461.5K

yAsI

0:08

ای ای

469.9K

yAsI

0:10

میدونستید پارت بداریم؟! :relieved::hatching_chick:

478.5K

yAsI

0:12

اگه نمیدونستید بدانید...

486.6K

yAsI

0:14

خب دیره بریم پااارت!!! :scream:🤯

495.5K

yAsI

0:16

#سالیوان من 8:sparkles:

#پارت246

#پناه :

بعد از اینکه صحبتیم با کیهان تموم شد گوشه و به حالت متفکرانه
جلوی لبم گرفتم و با خودم گفتم:

+یعنی چی میخواد راجب من به مامانش بگه؟!
یه چی نگه حالا بیشتر دردسر درست کنه واسم

با مشت چندتا آروم به سرم ضربه زدم و با خودم ادامه دادم:

-چه گرفتاری شدما
اد مامان این باید ناظم ما میشد؟!!

توهمین فکر بودم که با اومدن مامان به داخل اتاق رشته ی افکارم پاره شد:

-خب کارای ترخیصتو انجام دادم میتونیم بریم خونه

سری تکون دادم که یهو با دیدن گوشیش عصبی اومد از دستم گرفتش و گفت:

-این کوفتی اینقد تو معرض دید نزار الان جای من پیمان می اومد که میفهمید چرا گوشی دستته...

تک خنده ای کرد و گفتم:

+خب حالا بزرگش نکن
حالا که نیومده

مامان پوفی کشید و گفت:

-آخر من از دست شما سخته میکنم...

+خداااا نكنههههههه

همونطوری که اخماش توهم بود گفت:

-سری بلند شو لباس تو عوض کن بریم خونه هزارتا کار داریم!!

چشمی گفتم و از جام بلند شدم و فوری فوتی لباسمو عوض کردم و همراه مامان از بیمارستان خارج شدیم...

مامان از قبل اسنپ گرفت که دیگه معطل نشدیم و سوارش شدیم و حرکت کردیم سمت خونه...

ویرایش شده

501.4K

 $yAsI$

0:18

﴿ تو سالیوان منی...! ♥ ﴾

#ساليوان منَ 🐼:sparkles: #پارت245 ديگه ...

برا ماشین دوست یسرتون از اینا بخریددد تباهاااا...🤪

:hatching_chick: 🐣

ویرایش شده

501.3K

 $yAsI$

0:23

(2.4MB) 0:08

پارت جدید نفس من.. 🦋 😊

- GOod night .. 🦋 ✨

ویرایش شده

500.8K

yAsI

0:24

› تو سالیوان منی!..! 🦋 ♥ ‹

#سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت246 #پناه...

#crescent_moon:::Porf:sunflower#

امیدوارم اون چیزی که می‌خرین؛ ارزش چیزی که به خاطرش فروختین رو داشته باشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

491.6K

8:05

#crescent_moon:::Porf:sunflower#

خاموش بنشینی و دیگران به سُخت آورند؛
بِهتر از آنست؛ که سخن بگویی و خاموشت کنند!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

488.1K

Noushin

10:31

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نجات دهنده؛ فقط دهنده که باید ببندیش:)))

• SaLiVanMaNi@ ••

487K

Noushin

10:33

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ما دیوار ریخته سرمون؛ بعد شما آجر پرت می کنی مهربون؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

485K

Noushin

11:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از پشت که بزنی؛
از ریشه میزنمت...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

482.9K

Noushin

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

می‌رسد آن روز که چرخ بر مدار حق بگردد...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

481.5K

Noushin

14:04

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حالم از تایمایی که فکر می‌کردم آدمید بهم می‌خوره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

479.1K

Noushin

16:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ما همانیم که به هیچ سرانجام خوشیم!...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

478.5K

Noushin

17:59

:Hello...🤪:cherry_blossom

478.7K

Noushin

18:00

خبر آمد خبری در راه

:stuck_out_tongue_closed_eyes::strawberry:...است

479.6K

Noushin

18:05

پااارت بزارم واستون جوجوها؟! :relieved::hatching_chick::sparkles:

نظرسنجی

بلییییی

صددرصد

7463 رای

480.8K

Noushin

18:13

پارت خونای همیشه حاضر در صحنه...:joy:♥

483.7K

Noushin

18:20

« تو سالیوان منی!..!♥🦋»

پااارت بزارم واستون جوجوها؟!😊🤔💎

ناناعت نباش دیگه..🙄♥

ببین پارت آوردم واستوووون

ویرایش شده

493.2K

Noushin

18:21

بریم پارت؟!::scream::strawberry:

494K

Noushin

18:22

#سالیوان من 🦋:sparkles:

#پارت 247

این پارت به خاطر یه سری محدودیتااااا همین الان تو کانال پایین گذاشته شددددددددد:scream::interrobang:...

<https://rubika.ir/joinc/DAIABIBG0PRZEWIQTEPBAPHBYHXJWFUT>

<https://rubika.ir/joinc/DAIABIBG0PRZEWIQTEPBAPHBYHXJWFUT>

هرکی می‌خواد بخونتش فوووری عضو بشه چون تا چند دقیقه دیگه
لینکو باطل می‌کنم...🔥:no_pedestrians::

بچه ها!!!!
پارت بعدی هم راس 00:00 اونجا!! گذاشته میشه پس لفت ندید و
منتظر باشید!!!!👁!!!!

ویرایش شده
495.3K
Noushin

18:33

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت 246 #پناه...

استایل متفاوت کیهان خاان!!!:rainbow::blue_heart::sunglasses:

ویرایش شده

495.1K

Noushin

18:41

پارت جدیدو خوندی بیبی؟! ❄️:joy::no_pedestrians:

493.4K

Noushin

18:43

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت 247 ا...!

#crescent_moon::sunflower::Porf:

لیاقت نمی بینم؛ وگرنه من اصلا آدم کم گذاشتن نیستم...

• SaLiVanMaNi@ ••

491.5K

Fati

20:03

#crescent_moon::sunflower::Porf:

لباس های مارک دار ذات آدم و نمی پوشونه؛ وگرنه که گاوم پوستش
چرمه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

488.8K

Fati

21:49

چهارشنبه، 31 مرداد 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بزرگ نیستم ولی؛ بزرگاتونم آدم حساب نمی کنم....

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

483.6K

Noushin

0:02

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از هر چیزی بهترینش رو میخام؛ خودخواه نیستم ارزشم بالاست!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

473.5K

Arsam

6:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سکوت کن تا خنده هایت سیاست کند و ساده باش تا چشم هایت؛
حکومت کند...

• SaLiVanMaNi@ ••

469.2K

10:26

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از این به بعد هرکسو تحویل گرفتم؛ بهش رسید می دم تا دیگه واسم
شاخ نشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

466.9K

Noushin

11:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نیستی تورا با هیچ هستی دیگری؛ جبران نخواهم کرد...!

• SaLiVanMaNi@ ••

464.8K

PARI

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اصالت خلق می‌کند و جهالت؛
جعل می‌کند....

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

464.5K

Noushin

13:57

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من برای همه ساز مخالف می‌زنم اما؛ هرچی تو بگی چشم (((:

• SaLiVanMaNi@ ••

460.6K

- aida|اک مشترک

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تماشاگرت خواهم بود؛ زمانی که تاوان همه چیز را خواهی داد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

459.9K

Noushin

17:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه دیدی هرچی می‌دویی بهش نمی‌رسی؛ بدون از بی لیاقتیه اونه؛ نه تو!

• SaLiVanMaNi@ ••

458.6K

این کاربر مرد.

19:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عزیزم من حقوق نخوندم ولی؛ خوب می‌دونم که تو حق من از دنیایی...

• SaLiVanMaNi@ ••

457.8K

«سایلا

21:52

پنجشنبه، 1 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خدایا حکمتتو شکر؛ ولی وجدانا روی عدالتت بیشتر کار کن....!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

457.9K

Noushin

0:01

:Hi...:yum::cherry_blossom

457.9K

Noushin

0:03

چطورید قلبا؟! 😬👁️

458.4K

Noushin

0:07

یه سوال بپرسم؟!

460.2K

Noushin

0:08

چرا انقد قشنگین؟؟؟🥰:two_hearts:

466.7K

Noushin

0:13

› تو سالیوانِ منی!...!💎❤️ ‹

یه سوال بپرسم؟!

واسه شما دلبرا؛ پارت آوردماااا...

469.8K

Noushin

0:14

هستید بریم پارت بخونیم؟!🥰:sparkles:

477.5K

Noushin

0:15

#سالیوان من💎:sparkles:

#پارت248

به حالت مسخره اداشو در آوردم که دستشو به شکل بغل باز کرد و گفت:

-حالا بیا بغلم...

چشم غره ای براش رفتم و گفتم:

+از اتاقم برو بیرون...

بدون توجه به مخالفت های شدید من محکم بغلم کرد و ماچی از سرم کرد و گفت:

-عصبی شدم روت دست بلند کردم
ای دستم بشکنه!!

با دست سعی کردم پشش بزنم و همزمان گفتم:

+ولم کن بابا مرتیکه ی دو قطبی!!

با حرفم تک خنده ای کرد و گفت:

-چیکار کنم ببخشی؟!

به زور خودمو از بغلش بیرون کشیدم و گفتم:

+نمیبخشم!!

از جاش بلند شد و شونه ای بالا انداخت و گفت:

-لیاقت نداری دیگه...

منو باش که یه چی برات خریده بودم
الان که آشتی نمیکنی پس هیچی دیگه میبرم پیش میدم

با شنیدن اسم هدیه یهو گوشام تیز شد...

قشنگ قلقم دستش بود و میدونست میتونه با کادو گولم بزنه!!

با اخم گفتم:

+حالا چی هست؟!

با خنده گفت :

-نه دیگه تو که آشتی نمیکنی!!!

پوفی کشیدم و با کنایه گفتم:

+حالا بگو چیه!!

اگه ارزششو داشت از خونت میگذرم...

479.5K

Noushin

0:21

› تو سالیوان منی!..! ♡ ❄

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 247 ا...!

بالاخره یه عکس از کیهان پیدا کردم که توش نمی‌خنده... 😞
:cherry_blossom: 🌸

ویرایش شده

477.6K

Noushin

0:32

پارت جدید و خوندی
قشنگم؟! :cherries::stuck_out_tongue_closed_eyes:

ویرایش شده

474.4K

Noushin

0:33

› تو سالیوانِ منی!..! 🌸 ♡ ‹
#سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت 248 به حا...
از فردا با کلی پارت خفن و جنجالی هستم در
خدمتتون...:fire:🔥:sunglasses:
قراره حسابی عشق کنید....

یه انرژیمون نشه؟!

<https://harfeto.timefriend.net/17229798648546>

472.6K

Noushin

0:42

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من کنار میام، کنار میام، کنار میام، یهو از همون کنار می‌رم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

466.9K

Arsam

7:07

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جوری بازی می‌کنن؛ یادشون می‌ره دیالوگاشونو خودم می‌سازم!...

• SaLiVanMaNi@ ••

460.1K

.

11:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچوقت صدتو واسه کسی نزار؛ همه از نم‌نم بارون خوششون میاد؛ اما
از سیل نه...

• SaLiVanMaNi@ ••

457K

PARI

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تویی که هنوز پیتزا می خوری استوری ش می کنی؛ حرف از لول نزن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

453K

Noushin

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دست من به جای نمک کوکائین داشت؛ هرکی اومد سمتم اعتماد به نفس گرفت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

452.6K

Noushin

18:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فقط ظاهرش فرق کرده ولی باطنش همونه؛ حکایت خیلیاست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

452.3K

Noushin

20:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه نصیحت از من به تو :

- قلبتو درگیر آدمای دو هزاری نکن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

454.5K

- aida|اک مشترک

21:51

جمعه، 2 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همه دنبال تنوعن؛ ولی من تورو برای تکرار می‌خواهم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

450.2K

♡ nil

0:06

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برای دیدن بعضیا باید بلیط باغ وحش بگیری...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

439.6K

Noushin

9:12

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تا وقتی ناز من هست؛ چرا سیگار می‌کشی؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

437.2K

Noushin

10:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو مخفیانه ازم متنفری؛ ولی من آشکارا بهت اهمیت نمیدم (:

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

434.2K

Noushin

12:04

خب خب کوشولوها؛ تشریف بیاورید...

اینجا بهم انرژی بدید که ساعت 14:00 پارت بزارم

براتووون!!!poi::cherry_blossom::stuck_out_tongue_closed_eyes::

nt_down: ▨

<https://harfeto.timefriend.net/17229798648546>

ویرایش شده

433.9K

Noushin

12:04

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یکی از اخلاقای بدم اینه که :

- اگه بخوام علت عصبانیتم رو توضیح بدم؛ بیشتر عصبانی میشم...

• SaLiVanMaNi@ ••

434K

PARI
13:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با کسی که باید شوخی رو براشون توضیح بدید؛ شوخی نکنید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

434.4K

Noushin

13:53

👁️🤪...Hello

434.2K

Noushin

13:55

حالتون چطوره کیوتام؟!

434.3K

Noushin

13:57

🙏:relieved: امیدوارم عالی باشید؛

434.5K

Noushin

14:00

› تو سالیوانِ منی!..! 🌸❤‹

حالتون چطوره کیوتام؟!
تو این گرمای هوا؛ می‌دونید چی می‌چسبه؟!
434.8K

Noushin

14:02

آفرین پالارت!!!:joy::laughing:
435.7K

Noushin

14:07

« تو سالیوان منی...! ♥ ❄️ »
تو این گرمای هوا؛ می‌دونید چی ...
وات د فاز؟!🤔:joy:

ویرایش شده
437.7K

Noushin

14:14

از پشت صحنه خبر رسیده زودتر بندو بساطو جمع کنیم..🤔🤔
438.7K

Noushin

14:16

بریم پارت؟!
440.2K

Noushin

14:18

#سالیوان من ❄️:sparkles:

#پارت 249

تک خنده ای کرد و گفت:

-اوه نه بابا
ترسیدم به ابلفضل

چپ چپ نگاهش کردم و گفتم:

+برو بیرون پس
آشتی نمیکنم، لیاقت نداری که

شونه ای بالا انداخت و داشت به سمت در میرفت که دستو بلند کردم و
گفتم:

+کجااا مگه نمیگم یواش یواش...
حالا من یه چی گفتم

با خنده گفت:

-دارم میرم کادوتو بیارم بچه

با ذوق دستی زدم و گفتم:

+زود بیا...

سری تکون داد و از اتاق رفت بیرون...

دل تو دلم نبود که بدونم چی واسم خریده؟!

لامصب اصلا قلقمو بلده میدونه چطوری باید دلمو به دست آورد.

اگه من یه پارتنر مثلش داشتم الان بچه ی سومم تو راه بود!!

تو همین فکر بودم که در باز شد و پیمان با یه ساک کوچیک اومد داخل...

با ذوق به دستش نگاه میکردم و منتظر بودم تا بیاره بهم بده..

اومد کنارم نشست و ساک و پیش خودش نگه داشت و گفت:

-خب حدس بزن داخلش چیه؟!

انگشت اشاره امو روی شقیقه ام گذاشتم و گفتم:

+سایزش چطوره؟!

تو جیب جاش میشه؟!

ویرایش شده

441.7K

Noushin

14:19

› تو سالیوانِ منی...!♡ ❀ ‹

#سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت 248 به حا...
اگه «وای کاش همون موقع اینارو بهش میگفتم» عکس بود :
:tired_face:🤔:fire:

ویرایش شده
440.5K

Noushin

14:31

:nEw PaRt...💰:money_with_wings
439.2K

Noushin

14:32

› تو سالیوان منی!..!💖🦋
#سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت 249 تک خن...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچ وقت انقد گرسنه نشو که از هر بشقابی بهت تعارف شد؛ غذا
بخوری...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
437.2K

Noushin

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها چیزی که میتونه سرنوشت آدم رو تغییر بده؛ بابای پولداره!

• SaLiVanMaNi@ ••

436.1K

Delvan

17:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عاشق شدن اینجوریه که :

- دراز میکشی، به سقف نگاه میکنی، به اون فکر میکنی، به سقف
میخندی :)...

• SaLiVanMaNi@ ••

435.1K

نینی.

19:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شعور؛ طاقچه بلندیه که دست هرکسی بهش نمی‌رسه...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

434.5K

Noushin

21:55

پارت جدیدو خوندید بریم بعدی؟! ❀:sparkles:

434.9K

Noushin

21:55

« تو سالیوانِ منی!..! ❀ ♥ »

#سالیوان من ❀:sparkles: #پارت 249 تک خن...

قرار ما ساعت 00:00 به صرف پااارت...:sob::joy::cherry_blossom:

435.9K

Noushin

21:59

« تو سالیوانِ منی!..! ❀ ♥ »

پارت جدیدو خوندید بریم بعدی؟! ❀... ❀

شنبه، 3 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اخلاق من به :

- گرسنگی؛ دمای هوا و موجودی حسابم بستگی داره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

433.5K

Noushin

0:01

🦋:is typing...:yum

434K

Noushin

0:03

خب خب...

433.7K

Noushin

0:10

:money_with_wings: 😊... سلام عرض شد...

434K

Noushin

0:11

:oncoming_automobile::joy:!!!! من اومدم کنار؛ بکشید

436.3K

Noushin

0:12

439.4K

Noushin

0:13

› تو سالیوانِ منی...! ♥ 🦋 ‹

:oncoming_automobile::joy:!!!! من اومدم کنار؛ بکشید

:tired_face::joy:!!!! خوابم میاد:

440.4K

Noushin

0:17

زودی بریم پارت؟!

443.7K

Noushin

0:22

#سالیوان من 8:sparkles:

#پارت250

پیمان مکثی کرد و گفت:

-آره میشه!!

چشم‌ام و ریز کردم و به ساک نگاه کردم و گفتم:

+شکل و قیافه اش چطوره؟!

با خنده گفت:

-یعنی چی؟!

+مثلاً، مثلاً، مثلاً، مربعه، و...

-آها مستطیله!!!

کلافه محکم زدم رو پاهام و گفتم:

+خب چیه؟!

-حدس بزن خب!!

لبامو آویزون کردم و گفتم:

+طاقت ندارم بیشتر وایسم دیگه، تورو خدا بگو!!!

پیمان لبخندی زد و گفت:

-باشه

فقط قبلش یه حدس بزن درست یا غلط هرچی بود باز میکنم بعدش

کلافه سری تکون دادم و دوباره نگاهی به ساک انداختم!!

چی میتونست باشه؟!

یه چیز کوچیک و مستطیل شکل...

یه حدس ته دلم زدم..

نمیدونم بود یا نه!!

با اینکه میدونستم امکان نداره باشه نا امید لب زدم:

+گوشی؟!

پیمان چشماش گرد شد و با خنده چشمکی زد و گفت:

-آفرین درست حدس زدی!!

446.4K

Noushin

0:26

› تو سالیوانِ منی...!♡ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت 249 تک خن...

تو چند کلمه :

- کیوت؛ خوشگل؛ نازنازی؛ از اونا که دلت واسشون ضعف می‌ره:

🥰:purple_heart:...:

ویرایش شده

444.7K

Noushin

0:40

:NeW...:strawberry

443.9K

Noushin

0:43

› تو سالیوانِ منی...!♡ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت 250 پیمان...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برای آرامشم؛ حذف می‌کنم؛ بلاک می‌کنم؛ انکار می‌کنم؛ ترک می‌کنم و

نادیده می‌گیرم...

• SaLiVanMaNi@ ••

437.9K

8:05

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به نظر من مزخرف ترین حس؛ حس شیشمه که می فهمی ولی نمی تونی اثباتش کنی:...

• SaLiVanMaNi@ ••

435.6K

Delvan

10:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرچه تاج از حد سر؛ سرتر شود؛
صاحبش هم کور و هم کر تر شود...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

433.7K

Noushin

12:02

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مداد خودکاراتونو در بیارید؛ دور ما یه خط قرمز گنده بکشید؛ مرسی..

• SaLiVanMaNi@ ••

431.6K

PARI

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه سوال :

- انقد سبکین؛ رو هوا شناور نمی‌شین؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

431.8K

PARI

14:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

باورش نمی‌شد نسبت به همه پسرا بی تفاوتم؛ تا اینکه خودشم یکی از
اونا شد....

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

429.3K

Noushin

16:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خود خداهم فهمید دنیاش مالی نیست؛ گفت بیاین بهشت جبران میکنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

429.6K

Yas .

18:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بازی با دشمن یه تمرینه؛ فینال بین خودیاست!...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

433K

Noushin

19:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نیازمند یه تکست " نخوابیا الان میام باهم حرف بزنییم ببینم بچم
چشه " هستم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

433.4K

Noushin

21:51

سلام سلام...

429.5K

Noushin

23:59

یکشنبه، 4 شهریور 1403

کوشید؟! :eyes:

431.1K

Noushin

0:03

:relieved::waning_crescent_moon:...ماهتونو ببینم...

432.8K

Noushin

0:06

:cherry_blossom: 😊! ببینمتون

437.2K

Noushin

0:08

خوابم میاد زیاد طولانی‌ش نکنیم 😊:joy:

439.3K

Noushin

0:10

بریم پارت :) ...

441.9K

Noushin

0:12

#سالیوان من 🧸:sparkles:

#پارت 251

دهنم از تعجب باز شد و با ذوق نگاهش کنم و گفتم:

+شوخی میکنی؟!

پلاستیک و دستم داد و گفت:

-بازش کن

بهت زده از دستش گرفتم و فوری درش آوردم و با دیدن جعبه ی گوشی
با ذوق گفتم:

+واییییی مرسیییییی

پیمان همونطوری داشت با لبخند بهم نگاه میکرد که گوشی و در آوردم و روشنش کردم که پیمان همزمان گفت:

-یه مدل از گوشی قبلیت بالا تره!!

سرمو با لبخند بلند کردم و گفتم:

+مرسی ازت زحمت کشیدی

خارشی به سرش داد و گفت:

-نه بابا چه زحمتی
گندی بود که خودم زدم باید جمعش میکردم

بدون اینکه چیزی بگم فقط نگاهش کردم که لبخندی زد و گفت:

-الان بخشیدی؟!
آشتی؟!

سری به نشونه ی تایید تکون دادم و گفتم:

+متاسفانه هدیه ات ارزش آشتی کردن و داشت...

چپ چپ نگاهم کرد و با خنده گفت:

-ای بچه پرو

منم مثل خودش خندیدم که از جاش بلند شد و گفت:

+خب کاری نداری؟!

من برم بیرون کار دارم..

-نه بسلامت

درم ببند!!!

ویرایش شده

444.2K

Noushin

0:17

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄️ ‹

#سالیوان من ❄️ sparkles: #پارت 250 پیمان...

یهویی؛ اومدی؛ شدی همه چیزم :) ♥️ ❄️ ...

ویرایش شده

443.6K

Noushin

0:27

(6.9MB) 0:24

🍓 😊 ...NeW PaRt

پارت بعدی ساعت 14:00 ، منتظر باشید!!!!

443.4K

Noushin

0:28

› تو سالیوانِ منی...! ♡ 🍷 ‹

#سالیوان من 🍷:sparkles: #پارت 251 دهنم ...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها اشتباه زندگیم؛ پرو بال دادن به آدمای بی چشم و رو بوده...

• SaLiVanMaNi@ ••

435.7K

8:06

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اولین حسی که بعد از شنیدن خبر پیشرفت کسی بهت دست میدی؛
معرف شخصیت درونته...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

433.3K

Noushin

11:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نه تنها احساس ناکافی بودن ندارم؛ بلکه از سرتونم زیادم...

• SaLiVanMaNi@ ••

440.1K

paria

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضی وقتا تنها انتخابی که جلوته؛ سیم آخره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

443.8K

Noushin

14:18

:Hi..🤪:strawberry

445K

Noushin

14:20

:fries:🤪!؟بیبی

446.4K

Noushin

14:22

پر انرژی اومدممم...

447.7K

Noushin

14:24

پااارت آوردم واستون!!! 🤪:blue_heart:

456.9K

Noushin

14:26

قاشق رمانمیی؟! 🤪🤪

آخه قاشق مومننن؟؟؟؟

ویرایش شده

473K

Noushin

14:28

بریم پارت؟!::kiss::mask:

489.5K

Noushin

14:34

#سالیوان من 🤪:sparkles:

#پارت252

سری از تاسف تکنون داد و گفت:

-چشم امپراطور

امر دیگه باشه?!

با همون خنده گفتم:

+وای برو بیرون دیگه مسخرههه..

همونطوری داشتیم باهم حرف میزدیم که در اتاق باز شد و مامان اومد داخل و گفت:

-چه خبرتونه شما؟!!

یه بار عین موش و گریه میفتید به جون هم

یه بار اینطوری باهم خوبید..

اسکلی چیزی هستید؟!!

با حرف مامان جفتمون زدیم زیر خنده که پیمان گفت:

-خواهر و برادر دعوا کنند ابلهان باور کنند..

با این حرفش مامان محکم با کفگیر داخل دستش زد به پشت پیمان و گفت:

-ای زلیل مرده الان احمق منم؟!!

پیمان آخی گفت و دوید از اتاق بیرون که مامان هم همونطوری که غر میزد رفت..

طبق معمول و عادت همیشگیشون در اتاقمو نبستن که از جام بلند شدم و با غرغر بلندشدم و رفتم بستمش...

خوشحال بودم خیلی خوشحال...

نه بابت گوشی!!

بخاطر اینکه میتونستم دیگه با خیال راحت با کیهان صحبت کنم...

کاش حداقل زودتر این گوشی و برام میگرفت که تو دردسر نمی افتادم..

با یادآوری فردا و دیدن مادر کیهان دوباره استریش کل وجودمو گرفت...

492.1K

Noushin

14:38

‹ تو سالیوانِ منی!..! ♡ ❄ ›

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 251 دهنم ...

اع بچه ها اینجا نیشش بااازه...:fire:🔥:sob:

ویرایش شده

492K

Noushin

14:42

:nEw...:scream::strawberry

491.6K

Noushin

14:44

‹ تو سالیوانِ منی!..! ♡ ❄ ›

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 252 سری ا...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جوری که تو ذهنتون تصورم می‌کنید نیستم؛ از تصورتون خطرناک ترم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

486.9K

Noushin

18:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

در رفتن هیچ چاره و در ماندن؛ هیچ امیدی نبود...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

487.7K

Noushin

18:03

چیزی که این روزا ؛

زیاد بهش نیاز دارم (🌙 ✨ ...

ویرایش شده

488.5K

Noushin

18:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قبلا مشکلم با خواب حل میشد؛ الان خوابیدنم خودش یه مشکله...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

489.7K

.

20:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

در سن عیاشی هستم؛ اما ذهن آرامش طلب
و سالمندی دارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

488.5K

Noushin

22:01

دوشنبه، 5 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مقام شخصیت نمیاره؛ ولی شخصیت مقام میاره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

484.3K

Noushin

0:02

•:TweeT •:joy::sunflower#

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

484.1K

Noushin

0:02

:neutral_face::sob::joy:///حقیقققق: تا فردا صب

483.4K

Noushin

0:08

› تو سالیوان منی!...! ♡ ❄ ›

تصویر, @SaLiVanMaNi# •• :joy::sunflower: ...TweeT

:stuck_out_tongue_closed_eyes:!!؟قشنگم

:sparkles: ❄

483.3K

Noushin

0:09

› تو سالیوانِ منی!..! ♡ ✨ ‹

#سالیوان من ✨:sparkles: #پارت252 سری ا...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

نه ازت خوشم میاد؛ نه بدم میاد؛ میانگین که بگیری میبینی اصلا مهم نیستی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

472.9K

Mozhi

7:43

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عجیبه که وقتی مثل خودشون باهاشون رفتار می کنی؛ بهشون بر می خوره...

• SaLiVanMaNi@ ••

470.9K

Mozhi

10:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من ترجیح می‌دم اصل بی کیفیت باشم؛ تا کپی با کیفیت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

467K

Noushin

12:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من یه اشتباهو تا وقتی خودم بخوام تکرار می‌کنم؛ بیخودی بهم هشدار
ندید...

• SaLiVanMaNi@ ••

465.5K

Mozhi

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عزیزم قیافه گرفتن؛ قیافه می‌خواد..
در جریانی دیگه؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

464.3K

Noushin

14:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بحث ادب و احترامه؛ وگرنه با دوتا جمله توی جمع؛ می‌تونم رنگ صورتتو
عوض کنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

461.9K

CN SatoNP ۴

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دورمون پر شده از پوچ هایی که فقط؛ خوب بلدن حرف بزnen...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

460.1K

Mozhi

18:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شاخه ات رو میشکنن و به نداشتن سایه؛ متهمت میکنن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

459.6K

Mozhi

19:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خوب بودن گذشته تیکه پاره میخواد؛ شما نو تر از این حرفایی عزیزم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

458.1K

,ad

21:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش بشه اینو به بعضیا فهموند؛ "بیشعور" بودن با "بامزه" بودن فرق داره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

455.7K

♥ nil

23:56

سه شنبه، 6 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به چیزی که قلبت باهاش راحت نیست؛ اعتماد نکن؛ قلب از چشم
بیناتره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

446.7K

Noushin

6:55

:Porf:sunflower::crescent_moon#

راستشو بخواید حیغم میاد؛ کاراتونو به عضوی از بدنم بگیرم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

443.3K

Mozhi

10:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حسود؟!

من سر اونی که دوسش دارم؛ روانی ام :(((

• SaLiVanMaNi@ ••

441K

Mozhi

11:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نه درخت سیب گلابی میده؛ نه شغال شیر می‌زاد؛ بیخود کوچیکی رو
بزرگ نکنیم...
"بزرگی ذات میخواد!"

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

439.6K

Noushin

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیگه کار از افسردگی گذشته؛ جدیداً راه به راه می‌خندم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

438.5K

Noushin

13:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه چیزی گفتم که ناراحت شدی؛ بگو دوباره بگم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

435.1K

Noushin

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو کتاب گفتارها؛ از هیچ شیری به خوبی یاد نمی‌شه...!

• SaLiVanMaNi@ ••

433.8K

Mozhi

17:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من دیگه سنم از بحث کردن گذشته؛ چرت و پرت بگی با پشت دست
میزنم تو دهننت...

• SaLiVanMaNi@ ••

434K

Mozhi

20:04

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اُسکار جمله زر مفت هم می‌رسه به :
" همه چی درست می‌شه..."

• SaLiVanMaNi@ ••

435.9K

Mozhi

21:47

چهارشنبه، 7 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

می‌کاپو بخور؛ شاید درونتو زیباتر از ظاهره‌ت کرد...

• SaLiVanMaNi@ ••

432.9K

♥ nil

0:04

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نمی‌خوره لفظات به پروفت...!

• SaLiVanMaNi@ ••

420.2K

Mozhi

10:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

این جماعت اینجورین که بمیری هم می‌گن خودشو زده به خواب جلب
توجه کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

417.3K

Mozhi

11:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اعصاب چیست؟!

- چیزی که هیچکس نداره و توقع داره تو داشته باشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

416.3K

Noushin

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

توقع چیست؟!

- چیزی که همه دارن و انتظار دارن تو نداشته باشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

420K

Noushin

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه بیشعوری درد داشت؛ بازم یه عده مسکن می‌خوردن و به کارشون
ادامه می‌دادن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

416.4K

Noushin

16:17

🦋🤪...Hello

416.5K

Noushin

16:20

چطورید لاوام؟! :relieved::cactus:

416.8K

Noushin

16:22

اع برق اومد...🤪:joy:

417.6K

Noushin

16:24

تا نرفته بیاین یه پارت بزارم بخونید!!! :expressionless:👉

420.8K

Noushin

16:26

هستید که؟! 🤪:chestnut:

422.2K

Noushin

16:28

🤪:Let's go...:stuck_out_tongue_closed_eyes

424.4K

Noushin

16:31

#سالیوان من 🤪:sparkles:

#پارت 253

پوفی کشیدم و به سمت کمد رفتم و لباسمو با لباس راحتی عوض کردم

سیمکارتمو که گوشه ی کمدم قایم کرده بودم برداشتم

دوباره به سمت تخت رفتم و سیمکارت و داخل گوشی گذاشتم و اول از همه شماره ی کیهان و در آوردم و بهش پیام دادم:

+سلام!!!

نمیدونم چرا انقدر استرس گرفته بودم..
انگار دفعه ی اولی بود که بهش پیام میدادم!!

گوشی و روی سکوت گذاشتم و گذاشتمش زیر بالش و از اتاق رفتم

بیرون تا یکی دوساعت دیگه چکش کنم...

نگاهی به سالن و آشپزخونه انداختم اما مامان نبود!!
کجا رفته بود؟! غذاش روی گازه که...

بیخیال شونه ای بالا انداختم و به سمت آشپزخونه رفتم و یه سیب از
یخچال برداشتم و اولین گاز و بهش زدم که در ورودی باز شد و مامان غر
غرکنان اومد داخل و گفت:

-دیگه نمیشه تو این هوا نفس کشید

گاز بعدی و به سیبم زدم و گفتم:

+کجا رفته بودی؟!+

چادرشو از سرش در آورد و روی مبل گذاشت و همونطور که داشت به
سمت آشپز خونه اومد

به پلاستیک دستش اشاره کرد و گفت:

-نمیبینی؟؟

رفته بودم تا سوپری حسن آقا یکم سبزی و یه نوشابه بخرم...

سری تکون دادم و گفتم:

+آها!!!!

425.5K

Noushin

16:35

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄️ »

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت 252 سری ا...

شخصیت کیهان...:sparkles:♥:sunglasses:

ویرایش شده

425K

Noushin

16:43

:nEw...:scream::strawberry

424.6K

Noushin

16:43

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄️ »

#سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت 253 پوفی ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

باید موجودی داشته باشی؛ تا موجود حساب بشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

423.7K

Noushin

18:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هزار تا بی ریشه؛ نمی‌تونن کسی که ریشه
داره رو از پا در بیارن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

424.8K

Noushin

20:06

واللهی؛ یادتونه اینارووو؟! 🤔:joy::blue_heart:

#نوستالژی:sparkles:

ویرایش شده

425K

Noushin

20:06

پارت خوندید بریم بعدی؟! :panda_face::shell::sparkles:

425K

Noushin

20:06

› تو سالیوان منی...! ♡ 🌸 ‹

#سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت253 پوفی ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه لوکیشن برای خدا بفرستید؛ شاید ایران و گم کرده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

421.1K

Noushin

23:13

:Porf:sunflower::crescent_moon#

درد ؛

ازت یه بی احساس با استعداد می‌سازه...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

421.3K

Noushin

23:14

ساعت 00:00 پارت

:relieved::shaved_ice::revolving_hearts:!!! داریم

420.6K

Noushin

23:15

سیلام...

419.8K

Noushin

23:53

من اومدماللا

420.2K

Noushin

23:59

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »

ساعت 00:00 پارت

...:relieved::shaved_ice::revolving_hearts:!!! داریم

پنجشنبه، 8 شهریور 1403

شما کجایی؟! 😊:womans_hat:

420.7K

Noushin

0:01

هی داد...

421.2K

Noushin

0:03

:innocent::sparkles:!!! فرداشب آسارو میارم شادش کنه براتون

423.5K

Noushin

0:04

بیااا تزریق کنم واستتت...:sob::joy::syringe:

ویرایش شده

432.2K

Noushin

0:07

بریم پارت کیوتام؟! :yum::strawberry:

436.7K

Noushin

0:08

#سالیوان من 8:sparkles:

#پارت254

مامان ریز ریز نگاهم کرد و گفت:

-خوشحالی!!

چشمم و تو حلقه چرخوندم و نیمچه لبخندی زدم و گفتم:

+خیلی...

سری تگون داد و گفت:

-چیشده؟!

باقی مونده ی سیبمو داخل سطل آشغال انداختم و دستمو شستم و با
شلوارم خشک کردم و گفتم:

+پسرت سوپرایزم کرد.

مامان ابروهاشو بالا داد و گفت:

-آها پس بگو
امروز بخاطر همین باهم خوب بودید
حالا چی بود سوپرایزش؟!

تک خنده ای کردم و گفتم:

+عذاب وجدان گرفته بود فکر کنم
گوشی خریده برام..

مامان خندید و ضربه ای به قفسه ی سینه اش زد و گفت:

-آخ الهی مادر فداش بشه
میبینی پسرمو

سری از تاسف تکون دادم و گفتم:

+پسرم پسرمن نکنا
یادت رفته همین پسرت چطوری زد منو؟!

-تقصیر خودت بود دیگه!!

چشمام از تعجب درشت شد و بلند گفتم:

+ماما|||اننن

گفتم و به حالت قهر به طرف اتاقم رفتم...

روی تخت نشستم و با لب های آویزون؛ از روی بیکاری پاهام رو تکون دادم...

گوشیمو برداشتم؛ روشنش کردم و بی هدف صفحه هارو ورق زدم...

خالی خالی بود..

پیامی هم از طرف کیهان نیومده بود..

ناخودآگاه بغض کردم و با اعصابی خورد؛ از برنامه ای که توش بودم بیرون اومدم..

ویرایش شده

439K

Noushin

0:12

› تو سالیوان منی!..! ♡ ❄ ›

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت253 پوفی ...

شخصیت پناه خانوم...:womans_hat: 🌀:dizzy::dizzy_face:

ویرایش شده

436.8K

Noushin

0:29

پارت جدید بیبی: (💎❤️....

436.2K

Noushin

0:32

› تو سالیوان منی!..!❤️🌀‹

#سالیوان من 🌀:sparkles: #پارت254 مامان...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زندگی زیباست...

فقط قسمت های زیباش پولیه (:

• SaLiVanMaNi@ ••

429.1K

Mozhi

6:40

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی به کسی بیشتر از لیاقتش خوبی کنی؛ اونم بیشتر از لیاقتت بهت
بدی می‌کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

425.9K

Noushin

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قید آدمایی که موقع عصبانیت نقطه ضعفاتو هدف می‌گیرن؛ بزن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

423.6K

Noushin

11:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بالاترین دادگاه ؛

شرافت انسان و مهمترین قاضی؛ وجدان اوست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

421.7K

Noushin

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دایورت کنید؛ همانا آرامش با دایورت کنندگان است...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

422.4K

Noushin

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسی که بعد از بی احترامی سکوت می‌کند؛
واقعا آدم ترسناکیه...

• SaLiVanMaNi@ ••

420.2K

Delvan

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ریال و چه به رقابت با دلار؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

418.9K

Delvan

17:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جای غلط با آدم غلط سوار شدی؛ هر جا پیاده شدی درسته...

• SaLiVanMaNi@ ••

419.5K

نینی.

20:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دور باشه و دلتون پیش هم باشه؛ شرف داره به اینکه نزدیک باشه؛ ولی ندونی دلش کجاست...

• SaLiVanMaNi@ ••

418.7K

,ad

21:48

سلام...

415.5K

Noushin

23:54

شایع میگه که :

415.8K

Noushin

23:56

جمعه، 9 شهریور 1403

خوشحال نمیشه از خوشیت کسی ؛

416.3K

Noushin

0:00

اون که تو شرایط ضرورت از جیب...

415.8K

Noushin

0:01

› تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄️ ‹

خوشحال نمیشه از خوشیت کسی ؛

گذاشت و موند کنارت ؛

415.9K

Noushin

0:02

بگو بهش رفیق (((: ❄️ ♥ ...

417.9K

Noushin

0:02

این منم؛

وقتی منتظرم بیاین واستون پارت

بزارممم:///sob::joy::revolving_hearts:

ویرایش شده

420.8K

Noushin

0:04

گیف

هستید رفقا؟! 😊👁️

423.2K

Noushin

0:06

› تو سالیوان منی!...! 🌸💖

بگو بهش رفیق (((: 🌸 two_hearts:....

سالیوان من 🌸 sparkles:

#پارت256

بغضم و قورت دادم و صفحه ی گوشی و خاموش کردم...

روی تخت دراز کشیدم و گوشی رو زیر بالشتم گذاشتم...

با کلافگی پتورو رو سرم کشیدم و ناخودآگاه شروع کردم به گریه کردن...

خودمم نمی‌دونستم دقیقا چه مرگمه!؟

نمیدونم چقدر گذشته بود که احساس کردم در اتاق باز شد...

اشکامو فوری پاک کردم و خواستم خودم رو به خواب بزنم که با صدا

زدن اسمم؛ فهمیدم مامان اومده:

-پناه؟!!

سعی کردم لرزش صدامو پنهون کنم و آروم گفتم :

+بله؟!!

صدای قدم هاش رو که نزدیکم می‌شد رو می‌شنیدم...

وقتی بهم رسید خواست پتورو از روم برداره که محکم نگهش داشتم و نذاشتم..

وقتی این حرکتو دید بهت زده گفت :

-بردار پتورو ببینم
داری اون زیر گریه میکنی؟!!

چشمام و با درد محکم بستم..

باز لو رفتم و مامان دستمو خوند!!

وقتی چیزی نگفتم دوباره خواست پتورو از روم بکشه که این بار مخالفتی نکردم...

مامان با دیدن صورت اشکیم اخم کرد؛ پوفی کشید و گفت :

-بخاطر یه کلمه حرف من داری گریه میکنی؟!
بچه شدی پناه؟!

مامان چه ساده بود فکر میکرد واسه حرف اون گریه میکنم ؛
ولی بهتر بزار فکر کنه بخاطر همینه...

ولی از اون جایی که دلم نمی اومد اذیتش کنم ؛ آهی کشیدم و گفتم :

+نه واسه اون نیست..

یهو دلم گرفت...

427K

Noushin

0:14

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ‹

#سالیوان من ❄:sparkles: #پارت254 مامان...

زاویه دید دوست پسر : :blue_heart:angel:☞

ویرایش شده

425.9K

Noushin -Yas

0:31

(2.6MB) 0:06

پارت جدید بیب...❄:sparkles:

429.1K

Noushin -Yas

0:31

› تو سالیوان منی...!♡🦋
سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت256 بغضم و...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

برتری آدما رو نسبت به هم دیگه؛ تربیت مادر تعیین میکنه؛ نه دارایی
پدر...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

423.6K

Arsam

6:23

:Hi...😊:strawberry

ویرایش شده

420.8K

Noushin

10:02

صبحتون بخیر کوشولوها:relieved:🥰

426K

Noushin

10:05

یه پارت یهویمون نشه؟!

428.3K

Noushin

10:06

هستید آیا؟!

431K

Noushin

10:10

:stuck_out_tongue_closed_eyes::interrobang:... به به بریم پارت

436.8K

Noushin

10:13

:sparkles: 8 سالیوان من

#پارت 257

بلند شدم سر جام نشستم که مامان اومد و کنارم نشست..

بغلم کرد و گفت:

- چرا دورت بگردم؟!

خودمو تو بغل مامان جا کردم و سرمو رو سینه‌ش گذاشتم..

بی اراده شدت گریه هام بیشتر شد و هق زدم :

+دلم برای بابا تنگ شده...

مامان با آرامش همیشه‌ش موهامو نوازش کرد و بوسه ای روشون زد و گفت :

-شرمنده دورت بگردم...
که اگه طوری رفتار کردم که نبود بابا رو امروز حس کنی!

وای گند زدم..

خودمو ازش جدا کردم و دستشو گرفتم و محکم بوسش کردم و گفتم :

+نه نه دورت بگردم...
بخدا بخاطر موضوع پیمان ناراحت نشدم ؛
تو بهترین مامان دنیایی...
هیچوقت نداشتی حس کمبود داشته باشم!!
اصلا همینطوری یهویی دلم گرفت..

برای جمع کردن وضعیت؛ تکونی به خودم دادم و اشکامو پاک کردم..

لبخندی زدم و گفتم :

+ الانم ببین؛ حالم خیلی خیلی خوبه...

قیافه ی مامان یه طوری شده بود و عجیب نگاهم می کرد..

معلومه خیلی ناراحت شده...

آخه چطوری باید بهش می گفتم چون کیهان بهم پیام نداده اینطوری
شدم؟!!

خاک تو سرت پناه؛ بخاطر یه پسر مادرتو ناراحت کردی، ارزششو داشت؟!

برای اینکه از اون حال و هوا درش بیارم گوشی و از زیر بالش در آوردم و خواستم نشونش بدم که با دیدن یه پیام از کیهان؛ با ذوق فوری پیامشو باز کردم :

- مایک؟!

437.9K

Noushin

10:20

› تو سالیوان منی...!♡🌸‹

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت256 بغضم و...

کیهان زیبامون...:sparkles:♡:sunglasses:

ویرایش شده

437.3K

Noushin

10:33

پارت جدیدو خوندی قشنگم؟!🌸:sparkles:relieved:

436.8K

Noushin

10:35

› تو سالیوان منی...!♡🌸‹

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت257 بلند ش...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جدیدا رابطه‌ها مثل بلوتوث شده؛ یکم که دور میشی یکی دیگه وصل میشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

434.4K

Noushin

12:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ترجیح میدم یه آدم ساده لوح و مهربون باشم؛ تا یه آدم زرنگ و بی‌شعور ...

• SaLiVanMaNi@ ••

432.1K

Mozhi

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تحمل بزرگای بچه سال؛ از تحمل بچه‌ها برام سخت‌تره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

430.5K

Noushin

14:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی لیاقت نژادتو نداری؛ اصلا می فهمی اصالت چیه؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

426.7K

Noushin

16:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسایی که بی ریشه‌ان؛ آویزون این و اون می شن تا نیوفتن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

426.4K

-aida

17:57

:Porf:sunflower::crescent_moon#

98 درصد مشکلات ؛
با رفتن زیر دوش حل میشه...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

425.8K

نینی.

19:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فقط جلدید؛
محتوا مضر و نامفهوم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

425.8K

Noushin

21:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

منتظر نباش خدا انتقامتو بگیره؛ خودت جوری انتقام بگیر که خدا
ایستاده تشویقت کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

421.3K

Noushin

23:55

پارت امروزو خوندی قلب؟! 🤩👁️:sparkles:

421K

Noushin

23:57

› تو سالیوان منی!..! 🌸💖

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت257 بلند ش...

شنبه، 10 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پسر تو بخندونش؛ خانوادش به اندازه کافی اشکشو در میارن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

412K

Arsam

6:01

- کی به شما اجازه داده انقدر ازم دل ببری بچه؟!
با ناز و کرشمه گفت: + خانوم جون گفتن دختر خوب باید برای شوهری
دلبری کنه.. خ.خب تو هم شوهرمی دیگه

تک خنده ای زدم: رگ خواب منو گرفتی دستت فسقلی نظرت چیه بجای
لباس بچه گونه اون لباس عروس خوشگل تو بیوشی من کیف کنم هوم؟!
با خجالت خندید و گفت: آخه روم نمیشه پسر عمو!!
با این حرفش عصبی شدم و اخم کردم:- کی تاحالا آدم از شوهرش
خجالت میکشه؟! لعنتی میفهمی چقدر این سرخ و سفید شدنات دلمو
می لرزونه؟!!! 🙄:heart::fire::no_pedestrians:

<https://rubika.ir/join/CJFBCIIF0FMOKJQPECFQGBBZWUWBN>
NCF

ویرایش شده
mahlam_mozh
10:04
باز ارسال از
sadra

- اون لباس پرنسسی مشکو رو برای چی خریدی هوم؟!
با شنیدن صدام از جا پرید: + خب خریدم که بیوشمش پسر عمو!!
زیر چشمی نگاهش کردم:- برا کی میخوای بیوشی اینو لامصب؟!
دختر کوچولوی خنگ بدجوری داشت روی اعصابم میرفت و گفت: هر
وقت شوهر کردم برای اون می پوشم میدونم بلدم باهاش دل ببرم..
درحالی که چشمام کاسه خون شده بود غریدم:- تو غلط میکنی از خر
دیگه ای دل ببری.. تو فقط باید دلبر خودم باشی و اون لباس تو برای
خودم بیوشی، همین امشب عقدت میکنم تا زبونت کوتاه شه!!

🙄:x::heart:🙄

<https://rubika.ir/join/CJFBCIIF0FMOKJQPECFQGBBZWUWBN>
NCF

ویرایش شده
mahlam_mozh

10:04

باز ارسال از

sadra

پسرعموی سگ غیرتش وقتی این دختر کوچولوی جذاب و توی لباس
پرنسسی می‌بینه دلش میزه و عقدش می‌کنه...🔥:fire:

410.3K

mahlam_mozh

10:04

› تو سالیوانِ منی!..!❤️🌸 ‹

تصویر، - اون لباس پرنسسی مشک‌رو برا...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو راهی که قدم می‌زنی منتظرِ کسی نباش؛
اگه کارش بیفته خودشو میرسونه بهت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

410.9K

mahlam_mozh

10:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بی معنا؛ فاقد اهمیت؛ پوچ؛ تهی و لبریز از هیچ چیز و همه چیز ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

408.3K

Noushin

12:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه بدی دیدی ولی بدی نکردی؛ اصیلی...!

• SaLiVanMaNi@ ••

410K

Noushin -Yas

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش بجای اینکه دستی بالای دست بود؛ دستی توی دست بود...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

412.5K

Noushin

13:48

بشه هاا

از اونجایی که امروز تولدمه؛ می‌خوام پاپااارتای خفن بزارم واستوووون...

joy:😊🌸

زودی بیاید اینجا بهم انرژی بدیدددد :

<https://harfeto.timefriend.net/17229798648546>

413.5K

Noushin

13:51

به به...

414.9K

Noushin

13:58

جون دوباره گرفتم اصلا :(((::sparkles::revolving_hearts:

416.5K

Noushin

13:59

› تو سالیوانِ منی!..!♡🌸 ‹

بشه هاا از اونجایی که امروز ت...

چی بگم بهتون که انقدر قشنگین؟!😊🌸

425K

Noushin

14:03

سلامم سلامم:joy::neutral_face:

بیا گذاشتممممم

ویرایش شده

439K

Noushin

14:07

با پارت خوشحالتون کنم؟!bug::relieved:

444.7K

Noushin

14:08

☞:Let's go...:sunglasses

461.4K

Noushin

14:13

:sparkles: سالیوان من 8

#پارت258

هان؟!!

مایک یعنی چی؟؟

چند بار از اول پیامش رو خوندم تا بالاخره دو هزاریم جا افتاد...

کیهان فکر کرده اونی که بهش پیام داده من نیستم و اینطوری رفتار کرده تا توی دردرس نیوفتم!!

لبخندی زدم و نوشتم :

- بله..

جواب پیاممو نداد و همون لحظه بهم زنگ زد که تماس و ریجکت کردم و
براش نوشتم :

- نمیتونم حرف بزنم
مامانم اینجاست...

از گوشه چشم نگاهی به مامانم انداختم که سرش پایین بود و داشت با
گوشه ی لباسش بازی میکرد...

مشخص بود که هنوز خیلی ناراحته...

باید یه طوری از دلش در میاوردم، اما چطوری؟!

ناراحتیش تمام فکرمو درگیر خودش کرده بود؛ کاش از اول راستشو
بهبش می‌گفتم...

اومدم ابرو رو درست کنم زدم چشمش کور کردم...

پوفی کشیدم و برای باز کردن سر حرف گفتم :

- راستی مامان؟!

سرشو بالا آورد و سوالی نگاهم کرد که ادامه دادم :

-میخوام یه چیزی بهت بگم...

کنجکاو لب زد :

+ باز چیشده؟!

آب دهنمو قورت دادم و گفتم :

- اون پسره بود کیهان گفتم رفیقیم و فلان...

+ خب؟!

حرفی چشمام و بستم یهویی گفتم:

- پسر ناظممونه...

با حرفم چشمای مامان ازتعجب درشت شد و گفت:

+ وای خاک بر سرم...

این چه کاری بود که تو کردی پناه؟!

ویرایش شده

464.3K

Noushin

14:18

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ‹

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت257 بلند ش...

شخصیت کیوت پناهمونه...:fire: 🌪🔥

ویرایش شده

464.2K

Noushin

14:21

پارت جدیدو خوندی عسلم؟! :sunglasses::honey_pot::sparkles:

464.3K

Noushin

14:22

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ ‹

سالیوان من ❄️ :sparkles: #پارت258 هان؟! ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

صدای درونم آژیر پخش میکنه؛ وضعیت روح و روانم اضطراریه...

• SaLiVanMaNi@ ••

461.9K

Delvan

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرچی بیشتر بهش اهمیت بدی؛ تو چشمش بی اهمیت تر میشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

460.2K

Delvan

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

استعداد در تنهایی و شخصیت در زندگی
رشد می‌کند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

459.1K

Noushin

19:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی نشستی پشت سر من حرف زدی؛ زندگیت بهتر شد یا هنوز
همونجور بدبختی؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

456.7K

,ad

21:48

یکشنبه، 11 شهریور 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

منتظر چهره ناراحت‌م نباش؛ تُخص بار اومدم؛ همیشه میخندم...

• SaLiVanMaNi@ ••
441.3K
Noushin
7:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من سپردم به خودش؛ هرچه خدا می‌خواهد...

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
438.5K
Mostafa -
10:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سقف رو ستون نگه میداره ، دختر رو توجه و محبت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

435.9K

Mostafa -

12:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نظر شما محترمه؛ اما مهم نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

428.7K

Niyaz

18:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به هرچی بخوای می‌رسی؛ به شرطی که بخوای...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

430.1K

نینی.

19:55

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نازک دلیم و حادثه در جستجوی ما...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

428.2K

آرمان

21:53

دوشنبه، 12 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر رهگذری محرم اسرار نگردد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

416.3K

Mostafa -

8:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ریشه داران را هراسی از هجوم باد نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

414.2K

Noushin

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اونایی که همش دنبال یکی بهترشن؛ سهم خودشونم از دست میدن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

412.3K

Mostafa -

12:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ترجیح میدم خودمو گم نکنم؛ تا اینکه تورو پیدا کنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

411K

Noushin -Yas

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با حقیقت بهم صدمه بزن؛ ولی با دروغ آرومم نکن..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

405.2K

,
16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ناراحتم کن ولی نذار ناراحت بمونم..

• SaLiVanMaNi@ ••

403.8K

Delvan

17:47

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه ما نبودیم؛ شما میخواستی پیگیر کی بشی اخه؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
401.8K
mahlam_mozh
20:05

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زندگی جریان داره؛ حتی اگه تو نباشی...

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
400.5K
Noushin
22:04

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مخفی کردن ناراحتی‌ها؛ از خود ناراحتی دردش بیشتره...

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
404.1K
Noushin
22:05

شخصیت کیهان...:four_leaf_clover:♡:panda_face:

ویرایش شده

406K

Noushin

22:05

ساعت 00:00 پارت داریم!!!:sparkles:🌸:relieved:

406.6K

Noushin

22:06

سه شنبه، 13 شهریور 1403

:Hi...🤪:cactus

404.1K

Noushin

0:01

ببینید کی اومده؟!::pizza:relieved:

404.7K

Noushin

0:03

› تو سالیوان منی!..♡🌸‹

ساعت 00:00 پارت داریم!!!:sparkles:🌸:relieved:...:

هستید بیبی کوشولوها؟!:

405K

Noushin

0:07

پارت داریم؛ دااغ داااغ:fire::yum:

405.7K

Noushin

0:11

:dizzy_face::dizzy::clap:داره میسوزه اصلا:

411K

AsA

0:13

‹ تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄ ›

پارت داریم؛ دااغ داااغ:fire::yum:

Let's go... 😊💞

415.4K

Noushin

0:14

‹ تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄ ›

:dizzy_face::dizzy::clap:داره میسوزه اصلا:

:sparkles:سالیوان من ❄:

#پارت259

اومدم چیزی بگم که طبق معمول خروس بی محل سر رسید و در اتاق و باز کرد...

با نیشخند به قیافه فشاریم نگاه کرد و رو به مامان گفت:

+ اع مامان اینجایی؟!!

دوساعته دنبالتم...

مامان نگاهش و از من گرفت و رو به پیمان گفت :

- باز چیشده؟!

پیمان همونطور که نفس نفس میزد با دست به مامان اشاره کرد که
باهاش بره بیرون...

مامان سری به نشونه تاسف تگون داد و از جاش بلندشد..

نگاه چپی بهم انداخت و تو همون حال از اتاق بیرون رفت..

نفس راحتی کشیدم و لش خودم و روی تخت انداختم..

فوری گوشی و برداشتم پیام کیهان رو دیدم که گفته بود :

+ تو اولین فرصت باهام تماس بگیر
منتظرتم...

لبخندی زدم و با خیال راحت شمارهشو گرفتم...

چندتا بوق خورد و طولی نکشید که صدای بم و مردونه اش به گوشم
رسید :

+ الو؟!

آروم و با خجالت لب زدم :

- سلام..

مکثی کرد و بعدش با مهربونی گفت :

+ سلام خانوم کوچولو!!
چقدر خوشحالم صداتو میشنوم...

از خجالت لیام گل انداخت و هیچی نگفتم که خودش ادامه داد :

+ چطوری بهم زنگ زدی؟!

حالت خوبه؟!

جاییت درد نمیکنه؟!

419K

Noushin

0:18

› تو سالیوان منی...! ♥ ❁ ‹

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت258 هان؟! ...

NEW PART.. 😊 ❁

ویرایش شده

416.6K

Noushin

0:33

گیف

› تو سالیوان منی...! ♥ ❁ ‹

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت259 اومدم ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من بستنی نیستم که هرچی سردی ببینم؛ محکم تر سرجام بمونم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

404.5K

Noushin

10:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شریک جرم؟!

تو حتی شریک شادی هامم نبودی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

400.5K

Mostafa -

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اونقدی که از بیخودی مهربون شدنم پشیمون میشم؛ از بیشعور بازیام
پشیمون نمیشم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

399.3K

Noushin

13:53

ساعت 16:30 پارت داریم!!!:sparkles: 🍷:yum:

398.8K

Noushin

13:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از راست بزنی؛

به وقتش از چپ فرو می‌کنم (:

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

396.4K

Noushin

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو از تنها بودن می‌ترسی؛ من می‌ترسم بقیه بهم نزدیک بشن؛ ما باهم
فرق داریم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

397.7K

Noushin

16:18

:Hello.. 🍓:strawberry

397.6K

Noushin

16:19

🍷:relieved:!!؟ کیوتی

397.7K

Noushin

16:22

:sunglasses::hatching_chick:!!؟ اینجاس کی

398.1K

Noushin

16:26

› تو سالیوان منی!..! 🍷 ♥ ‹

ساعت 16:30 پارت داریم!!!:sparkles: 🍷:yum:...

:money_with_wings: 🍷 واستون

398.4K

Noushin

16:29

:stuck_out_tongue_closed_eyes::revolving_hearts:!!؟ هستید که

400.1K

Noushin

16:33

جووونم؛ تو همزاد منی:(((joy::purple_heart:

بشه بشهههه...

ویرایش شده

404.9K

Noushin

16:35

اوفیش؛ بریم پارت!!! 😊:rabbit::sparkles:

407.6K

Noushin

16:36

سالیوان من 🐰:sparkles:

#پارت260

از این توجهش قند توی دلم آب شد...

ناخودآگاه لوس شدم؛

آهی کشیدم و با ناز گفتم :

- حالم جسمیم که خوبه ؛

حال روحیمی که افتضاحه..

چند ثانیه صدایی ازش درنیومد ولی خیلی زود

نگران و با بهت گفت :

+ چرا مگه چیشده؟!
باز با داداشت دعوات شده؟!
آها راستی گوشی گرفتی؟!

باز گند زدم...

برای اینکه از نگرانی درش بیارم فوری گفتم :

+نه نه دعوا نگرفتیم...
اتفاقا گوشیمم داداشم برای اینکه منو از اون حال و هوا در بیاره خریده!

ریز خندیدم و ب شیطنت ادامه دادم :

- امروز حالم بد شد؛ عذاب وجدان گرفته...

صدای نفس راحتی که کشید رو شنیدم..

قهقهه ای زد و گفت :

+ آها که اینطور...
حالا ولش اینارو ؛ بگو ببینم حال دلت چرا بده؟!

پوفی کشیدم و گفتم :

- آخه گفتنشم فایده نداره...

تک خنده ای کرد و گفت :

+ داره؛

هر چی باشه درستش میکنم تا حالت خوب شه..

با حرفش ته دلم قرص شد..

حالم بخاطر اینکه فردا برم مدرسه و با مادرش روبه رو شم بد بود...

استرس کل وجودم رو گرفته بود و الان با حرف های کیهان آروم تر شده بودم...

ولی می ترسیدم دلیل حال بدم رو بهش بگم و همه چیز بدتر بشه!!

گفته بود خودش جواب مامانشو می ده و من همش استرس اینو داشتم
که قراره بهش چی بگه؟!

ویرایش شده

410.7K

Noushin

16:43

› تو سالیوان منی...! ♥ ✨ ‹

سالیوان من ✨:sparkles: #پارت259 اومدم ...

پناه و پیشی کوچولوش :(((😊 😊 ...

ویرایش شده

410K

Noushin

16:50

پارت جدیدو خوندی قشنگم؟! :seedling:🌱:relieved:
409.6K

Noushin

16:52

› تو سالیوان منی!..! 🌱❤ ‹
سالیوان من 🌱:sparkles: #پارت260 از این...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

پشت هر دختری که شیکو پیک میره مهمونی؛ اتاقیه که از شلوغی
ترکیده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

405.9K

Noushin

19:47

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچوقت بیشتر از حد توضیح نده؛ شاید داری دشمننتو آگاهتر میکنی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

404K

Noushin

21:48

کیوت بودن اگه عکس بود :(((🐣🦋🐾...
ویرایش شده

404.5K

Noushin

21:49

پارت جدیدو خوندی ببی؟! :fire:🔥:relieved:🥰
پارت بعدی ساعت 00:00...

404.9K

Noushin

21:55

› تو سالیوان منی!..!❤️🦋‹
سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت260 از این...
سلام سلام...

399.1K

Noushin

23:57

من تنهای بدون تو ؛
399.3K

Noushin

23:57

به دلم یاد داده بودم، بمونه تو خوشش (:

399.6K

Noushin

23:59

« تو سالیوانِ منی...! ♥ ❁ »

منِ تنهایِ بدونِ تو ؛

چهارشنبه، 14 شهریور 1403

گفتم هرکی اومد بگو بره..

400.2K

Noushin

0:01

"بگو نه!!!"

400.5K

Noushin

0:02

« تو سالیوانِ منی...! ♥ ❁ »

گفتم هرکی اومد بگو بره..

ببین چه چشمایی داری ؛

401.7K

Noushin

0:04

که به چشمم اومد :(((❁ ❁ ...

403.2K

Noushin

0:05

« تو سالیوانِ منی...! ♥ ❁ »

ببین چه چشمایی داری ؛

Hameye Man (WwW.Noostalgic.ir).mp3

4:32

Shayea (WwW.Noostalgic.ir) •

409.2K

Noushin

0:12

:sparkles::crescent_moon:!!؟من ماه پارت بریم

413.1K

Noushin

0:12

:sparkles: 8 سالیوان من

#پارت 261

همینطور توی فکر بودم که صداش؛ رشته ی افکارمو پاره کرد :

+ کجا رفتی؟!

یا پیغمبر ...

قلبم افتاد تو شرتم که!!

دستم رو روی سینه‌م گذاشتم و عین خل و چلا چشم غره ای به صفحه
سیاه گوشی رفتم...

بعد از گذشت چند ثانیه؛ آب دهنمو قورت دادم و گفتم :

- دلپشو قبلأ بهت گفتم...

مکشی کرد و با تردید گفت :

+یادم نمیاد؛

چی بود؟!

دوباره بگو...

با یاد آوری دوباره اون موضوع؛ استرس سر تاپام رو گرفت..

با کلافگی گفتم :

- همون قضیه ی مامانت دیگه...

دوباره خندید و برخلاف منی که از استرس داشتم پاره می شدم؛ با لحن شاد و شنگولی گفت :

+ آها اون؟!

گفتم که حلش میکنم و البته...

با کنجکاوی گفتم :

- البته؟!

باز با همون خنده ی همیشگیش گفت :

414.3K

Noushin

0:28

(7.1MB) 0:27

:nEw...:scream::strawberry

413.9K

Noushin

0:28

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄ »

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت261 همینطو...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو این دنیا هرچیزی که بریزی تو آشت؛ تو قاشقت در میاد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

405.8K

Noushin

7:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه گوشیت موقع سختی زنگ نمیخوره؛ وقتی موفق شدی سایلنتش کن...

• SaLiVanMaNi@ ••

402.8K

Mostafa -

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شاید هرکاری و بشه کرد؛ ولی لیاقت رو نمی‌شه تزریق کرد...

• SaLiVanMaNi@ ••

399.9K

mostafa-

11:57

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هزار تا رویا کشته می‌شه؛ تا یاد بگیری زندگی رویایی نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

399.3K

Noushin

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

می‌گن به اندازه دردی که داری داد بزن؛ اگه واسم حنجره نموند چی؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

399.2K

Noushin

13:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو زندگیم از هرچی ترسیدم رفتم تو دلش؛ برا من از عاقبت بد داستان
حرف نزن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

397.3K

Noushin

16:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو بگو قصر شاه؛ خرابش می‌کنم اگه باعث بشه حس بد بگیرم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

398.6K

Noushin

16:23

اهم اهم...

398.9K

Noushin

16:26

سلام عرض ادب!!!

398.7K

Noushin

16:28

بعد از ظهر آفتابیتون بخیر...:sunglasses::partly_sunny:

398K

Noushin

16:30

آیا میدانستید پارت داریم؟!

399.6K

Noushin

16:31

400.5K

Noushin

16:34

« تو سالیوانِ منی...! ♥ ❄ »

آیا میدانستید پارت داریم؟!

خب گفتم که بدونید 😊:joy:

403.8K

Noushin

16:35

بچه هام دافین برا خودشونننن:sob::joy::hearts:...

ویرایش شده

415.6K

Noushin

16:37

بریم پارت؟! 😊:dancer:

422.7K

Noushin

16:37

سالیوان من 🧚:sparkles:

#پارت262

انقدر عصبی شده بودم و فشار روم بود که دیگه نمی‌تونستم باهاش حرف بزنم...

من از استرس داشتم س‌قط می‌شدم و اون کلا همه چیزو به شوخی گرفته بود!!

اجازه حرف زدن بهش ندادم و با عصبانیت گوشی و قطع کردم...

همونطور به صفحه گوشی نگاه می‌کردم که انگار بعد از چند لحظه کیهان متوجه قطع شدن تماس شد؛ چون دوباره بهم زنگ زد....

بدون معطلی تماس و ریجکت کردم..

دوباره زنگ زد و باز من ریجکت کردم که این بار ایموجی خنده فرستاد و گفت :

+ گوشی و رو من قطع میکنی بچه؟!

چشمام و ریز کردم و برو بابایی زیر لب نثارش کردم که باز ایموجی خنده فرستاد و گفت :

+ دلم میخواد الان قیافه ی عصبیتو ببینم؛ بیا فیس کال...

چه پررویی بود این!!

دیگه کم مونده بود از دستش بزنم زیر گریه...

با بغض و بیچارگی براش نوشتم :

- واقعا الان چی خنده داره؟!

الان چرا می‌خندی و عصبیم میکنی؟!

آیا من برای شما یک شوخی هستم؟!

باز ایموجی خنده فرستاد که جیغی زدم و از حرص چندتا محکم با دستم رو پام کوبیدم..

به زور جلوی خودم رو گرفتم تا گوشی رو تو دیوار نکوبم و براش نوشتم

:

- بخدا يه بار ديگه بخندي بلاکت ميکنم!!!

بلافاصله جواب داد :

+ اهوع نه بابا..

از کی تا حالا جوجه ها عصبی میشن؟!

ایموجی عصبانی براش فرستادم و خواستم شدت فشاری شدنمو به
رخش بکشم شاید دست از سرم برداره که با فرستادن ایموجی جوجه
کیش و ماتم کرد..

بحث کردم باهاش فایده نداشت!!

در هر صورت اون کار خودشو میکرد تا بیشتر اذیتم کنه...

بهتر بود حداقل بپرسم چی به مادرش گفته..

مکثی کردم و بعد از چند دقیقه نوشتم :

- حالا چی گفتی به مامانت راجب من؟!

424.5K

Noushin

16:45

› تو سالیوانِ منی...!♡ ❀ ‹

سالیوان من 8:sparkles: #پارت 261 همینطو...
عکس جدید کیهان خان!!!:yum::fries::partly_sunny:
ویرایش شده
423.9K
Noushin
16:53

پارت جدیدو خوندی کوچولو؟!🤪:sparkles::wave:
پن : امشب بازم پارت داریم!!!!...
422.8K
Noushin
17:58

› تو سالیوان منی!..!💎💎💎
سالیوان من 8:sparkles: #پارت 262 انقدر ...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

با روانی که در حال فروپاشی بود؛ سعی کردم واست بهترین باشم...

• SaLiVanMaNi@ •
423.4K
Shiva -
19:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همون موقع که حالمون خوب بود نباید می داشتیم فردا بشه؛ الان دیگه

دیر شده...

• SaLiVanMaNi@ ••

423.1K

آرمان

21:53

پنجشنبه، 15 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از شرایط مهاجرت؛ فعلا فقط میتونم اسنپ بگیرم و تا فرودگاه برم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

405.9K

Noushin

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قبل از اینکه کلماتو تف کنی بیرون؛ حتما قبلش اونارو بچش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

405.3K

Ms-

11:55

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جذابیت بعضیام با باز کردن دهنشون به اتمام می‌رسه!

• SaLiVanMaNi@ ••

406.9K

Shiva.Yeganeh

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مگه قبلا اینکه اصلا تو باشی، طبیعت مارو لنگ میذاشت؟

• SaLiVanMaNi@ ••

406.9K

Delvan

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

در اخر توی سخت ترین روزای زندگیتون تنهاییید.

• SaLiVanMaNi@ ••

405.3K

آرمان

21:49

سلامممم نفس بانووو👁️👁️:fire:

403.6K

AsA

23:54

نفس بانو چه سمیه اصلا

404.7K

AsA

23:55

« تو سالیوانِ منی...!❤️🌸 »

سلامممم نفس بانووو👁️👁️:fire:

سلام رفقا:kissing::raised_hands:

405.8K

AsA

23:55

بچه‌ای اینوری:stuck_out_tongue::point_left:

407K

AsA

23:55

اونوری:scream_cat::point_right:

408.6K

AsA

23:55

قررر قررر قرش بدیدد 😊:dancer:

409.6K

AsA

23:59

خوشگل خانوما 🥰❤

411.2K

AsA

23:59

جمعه، 16 شهریور 1403

بقورم شمارو 🥰:clap:

421.6K

AsA

0:00

بریمم برای پارت 🥰:facepunch: 📺

431K

AsA

0:00

سالیوان من 🧚:sparkles:

#پارت263

چند دقیقه ای منتظر جوابش بودم اما چیزی نگفت..

الان که باید جواب اصلی ترین سوالمو میداد غیبتش زده بود...

مرض داشت دیگه!!

کم کم از استرس زیاد دست و پام شروع به لرزیدن کردن..

الان فردا چطوری توی روی ناظممون نگاه کنم؟!

وای کاش میشد مدرسه امو عوض کنم..

خم شدم و از روی کنسول کنار تختم بطری آب معدنیمو برداشتم و یک نفس سر کشیدم تا بلکه آتیش وجودمو خاموش کنه..

وسطای خوردن بودم که با شنیدن صدای نوتیف گوشیم هول شدم و آب پرید تو گلو..

همونطور که پشت هم سرفه میکردم گوشیمو برداشتم و با دیدن پیام کیهان اومدم بازش کنم که در باز شد و طبق معمول آقای مزاحم ترسیده اومد داخل اتاق و گفت :

+ چیشده؟!

چرا انقدر سرفه میکنی؟؟

همونطور که سعی میکردم جلوی سرفه هامو بگیرم به بطری آب معدنی اشاره کردم و به سختی گفتم :

- د داشتم آ آب میخوردم

پ پ پرید تو گلوم..

پیمان پوفی کشید و گفت :

+ آب میخوای برات بیارم؟؟

به حالت زار محکم کوبوندم رو پیشونیم و با خودم گفتم :

- خدایا چرا هر چی خل وچله گیر من میفته؟!
آب تو دستمه؛ پریده تو گلوم..
بعد داداش نابغه ام میگه برات آب بیارم!؟

عادل اندر سفیه نگاهش کردم که تازه فهمید چی گفته و..

433.4K

AsA

0:04

› تو سالیوان منی..! ♥ ✨ ‹

سالیوان من ✨:sparkles: #پارت262 انقدر ...

زیبایی این تصویر.. 😊 ♥ ∞! <<

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

431.9K

AsA

0:14

پارت جدید سالیوانم؛ 🧡👁️

430.7K

AsA

0:15

› تو سالیوان منی!..! 🧡🌸 ‹

سالیوان من 🧡:sparkles: #پارت263 چند دق...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از من بدش میاد؛ چون کل رفیقاش از من خوششون میاد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

419.2K

Noushin

11:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من همیشه اولم؛ جایی هم که دومم؛ حتما رفیقم اول شده...

• SaLiVanMaNi@ ••

417.4K

Noushin -Yas

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها کسی که تا الان واسم جنگیده؛ گلبول‌های سفیدم بوده...

• SaLiVanMaNi@ ••

417.3K

Noushin -Yas

13:45

:Porf:sunflower::crescent_moon#

می‌گویند تو چه می‌فهمی از عشق؛ نمی‌دانند که من خود روزی مجنونی
بودم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

416.7K

Arad

16:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من همونی‌ام که می‌بینی و هیچی نمی‌گه؛ توام فکر می‌کنی هیچی ندید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

415.2K

Noushin -

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه کسی برمی‌گرده به این معنی نیست که دلش برات تنگ شده..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

416.3K

Shiva -

19:57

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با احساسات من بازی نکنید من پول ندارم برم تراپی.

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

414K

آرمان

21:53

شنبه، 17 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با کاراشون روانیت می‌کنن؛ بعدم دنبال دلیل می‌گردن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

400.8K

. kosar-Ms .

8:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از چپ بخورم؛ از راست می‌زنم...

کینه ای نیستم ؛ جبران لطفه!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

398.9K

. kosar-Ms .

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به امید آمدن فردایی که تمام دیروز ها در مقابل شکوهش زانو بزنند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

393.8K

Noushin -Yas

13:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه یا خوشبختانه؛ زمان همتونو ثابت می‌کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

390.5K

Delvan

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو منو هول دادی؛ به تو چه که کی منو گرفت؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

391.7K

Delvan

17:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عوضی بودن بسه؛ بیا یه تکونی به خودت بده و عوض شو...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

389.9K

Noushin -

21:46

سلام!!!:yum::fries:

ویرایش شده

386K

Noushin -

23:54

جون:neutral_face::hearts:

385.8K

Noushin -

23:58

یکشنبه، 18 شهریور 1403

بینازم اصلا استقبالوووو...:joy::raised_hands:

389.9K

Noushin -

0:01

پارت میقولید خوشگلا!?:kiss: @

نظرسنجی

بلیبی

خیرررر

7199 رای

397.8K

Noushin -

0:05

پارت داغ داغ رسید...:sunglasses::fire:

405K

Noushin -

0:12

سالیوان من 8:sparkles:

#پارت264

با افسوس نگاهش کردم و طوری که انگار ازش قطع امید کرده باشم
گفتم :

- نه داداش من آب نمیخوام؛ فقط لطف کن خودتو از زندگیم دیلیت
کن...

چپ چپ نگاهی بهم انداخت و گفت :

+ باید چند رکعت نماز شکر بخونی که خدا منو تو زندگیت اد کرده...

تک خنده ای کردم و چون سرفه هام بهتر شده بود راحت تر گفتم:

- باشه میخونم فقط الان از اتاقم گمشو بیرون..

چشم غره ای برام رفت و بعد مثل دخترایی که قهر کردن با ادا پشتش و بهم کرد و به طرف در اتاق رفت..

قبل از بیرون رفتن کامل زیر چشمی نگاهم کرد و وقتی بیخیالیم رو دید با حرص از اتاق بیرون رفت و در و محکم کوبید..

گاو بود دیگه؛ گاو!!

پوفی کشیدم و بیخیالش شدم..

الان که سرفه هام بند اومده بود یه قلپ از آبمو خوردم و با تردید پیام کیهان و باز کردم :

+ حقیقت و گفتم دیگه...

نفس عمیقی کشیدم و براش نوشتم :

- خب حقیقت چیه؟!

بلا فاصله جوابش اومد :

+ وقتی میدونی چرا میپرسی؟!

واقعا نمیدونستم چی به مامانش گفته، اصلا نمیدونستم حقیقت ارتباط ما از نظر کیهان چیه؟!

فوری نوشتم:

- نمیدونم
میدونستم که نمیپرسیدم.

ایموجی خنده فرستاد و گفت :

+ به مامانم گفتم همون جوجه ای که بهش شک کردی با پسرت در
ارتباطه؛
واقعا در ارتباطه..

محکم زدم تو سرم و گفتم:

- خبیب
چیزی نگفت؟!
409K

Noushin -
0:21

› تو سالیوان منی...!♡ ❄️ ‹
سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت263 چند دق...
آخه تو شاهرگ منی (: :sparkles::hearts:...
ویرایش شده
408.7K

Noushin -
0:29

(6.3MB) 0:25

پارت جدیدو خوندی کیوتی؟! :yum::two_hearts:
407.7K

Noushin -

0:31

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❀ »

سالیوان من ❀ :sparkles: #پارت264 با افس...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو قلبم حبس ابد خورده بودی؛ آزادیت مبارک...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

397.8K

Noushin -

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من با اومدن تو شکل نگرفتم؛ که بعد از تو از هم بیپاشم!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

394.8K

...*Shiva*

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همه از غریبه خوردن ولی من از نوشین...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

392.6K

Shiva -

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

صدای شادی گفتار ها؛ خبر می‌دهد گرگی زمین افتاده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

389.4K

Fati-

21:49

عرض ادب!!!

384.8K

Noushin -

23:56

👁️:eyes::raised_hands:...یه زمان می‌زدن همه دورم...

384.8K

Noushin -

23:58

دوشنبه، 19 شهریور 1403

الان جین تو دستم و همه دورم (: 🌱 🤪 ...

385.9K

Noushin -

0:00

با بچه بدا زدیم قد هلند... 🤪 NL

387K

Noushin -

0:02

🤪:stuck_out_tongue_closed_eyes:!!!قد بلند!

388.8K

Noushin -

0:03

« تو سالیوان منی!... 🤪 ♡ »

با بچه بدا زدیم قد هلند... 🤪 N...

Ghade Man Nisti ~ Music-Fa.Com.mp3

2:36

Unknown Artist ~ Music-Fa.Com •

391.4K

Noushin -

0:06

به قرآن :(((

399.2K

Noushin -

0:06

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄️ »

❄️:stuck_out_tongue_closed_eyes:!!! بلند با قد نیستی

بریم پارت؟! 😊👁️

404.4K

Noushin -

0:08

سالیوان من ❄️:sparkles:

#پارت265

باز خندید..

ای الهی رو آب بخندی...

باز زنگ زد که این بار جوابش رو دادم تا ببینم چی می‌گه؟!

با همون خنده بی توجه به حال منی که به سختی جلوی خودم رو

می‌گرفتم تا پاره‌ش نکنم؛ گفت :

+ چرا گفت...

نا خودآگاه محکم تر از قبل زدم تو سر خودم و گفتم :

- وای لال نمی‌ری..
بدبخت شدم که!!
چی گفت حالا؟!

صدای خش خش از اون ور خط اومد و چند لحظه گذشت که جوابمو داد
:

+ عرض به حضورتون که گفت ما تو مدرسه مون جایی برای جوجه ها
نداریم و اخراجه...

از ترس آب دهنمو قورت دادم و ناخودآگاه زدم زیر گریه و با همون گریه
گفتم :

- دیدی آخر کار خودتو کردی..
همینو میخواستی؟!
بدبخت شدم الان کجا برم مدرسه؟!

همینطوری داشتم تند تند حرفام و پشت هم می‌چیدم و مثل رادیوی
خراب وز وز می‌کردم که صدای خنده‌ش رو شنیدم..

من گریه می‌کردم و اون می‌خندید؟!

با حرص جیغ کشیدم :

- نخند!!!! اعصاب ندارم الان..

دارم گریه میکنم...

اینو که گفتم فوری ساکت شد و با تعجب گفت :

+ گریه؟!

چرا اونوقت؟!

بچه دارم باهات شوخی میکنم..

تو فکر کردی من میزارم تورو اخراج کنن؟!

جوری که با حرص کلمه هاش رو به زبون می آورد قشنگ مشخص بود که
چقدر عصبی شده..

با شنیدن حرف هاش مثل بچه ها اشکام رو پاک کردم و با بغض گفتم :

- یعنی چی؟!

407.3K

Noushin -

0:14

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ›

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت264 با افس...

همین قدر بهت نیاز دارم :(((😊 ♥ ...

407K

Noushin -

0:21

پارت جدیدو خوندی قشنگم؟! ❄:sparkles:

405.6K

Noushin -

0:22

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »

سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت265 باز خن...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پایان حکایتم عجیب دیدن دارد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

396.5K

.

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بدترین نوع کوری؛ وقتی که طرف نمی‌خواهد واقعیت و ببیند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

393.5K

Noushin -

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لطفا جایی نگو ما باهم بودیم؛ درسته واسه تو افتخار بزرگیه ولی برای
من اشتباه محض بوده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

396K

Noushin -

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرچیزی که ارزششو داشت براش بجنگ، هرچیزی ام مانع کارت شد
نابود کن...

• SaLiVanMaNi@ ••

394.6K

Delvan

16:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

واقعیت اینه که ما قدیما خوشحال تر نبودیم؛ احمق تر بودیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

386.9K

.Fat

21:48

خب..

383.7K

Noushin -

23:54

سلام سلام!!! 😊❤️

383.7K

Noushin -

23:57

سه شنبه، 20 شهریور 1403

شب‌تون بخیر قشنگام..

384.9K

Noushin -

0:01

بشتااا بید که پارت بداریم:kiss::relieved:

387.8K

Noushin -

0:05

393.8K

Noushin -

0:08

بریم بریم

398.9K

Noushin -

0:16

سالیوان من 8:sparkles:

#پارت 266

به سوالم جواب نداد..

پوفی کشید و گفت :

+ کاری نداری؟!

من برم..

بی طاقت دوباره سوالمو تکرار کردم :

- یعنی چی؟!

چرا جواب سوالمو ندادی...

با حرص نفس حبس شده اشو بیرون داد و گفت :

+ یعنی اینکه شوخی بود...

مامانم ری اکشن خاصی نشون نداد ؛

یعنی یه جووری بهش فهموندم تو خط قرمزمی!!

مامان منم میدونه من چقدر رو خط قرمزام حساسم...

مکثی کرد و کلافه ادامه داد :

+ هوفففف الان روانمو بهم ریختی!!
من برم دیگه...

فکر نمی‌کردم گریه کردنم انقدر روش تاثیر بزاره...

واقعا به همون اندازه که میگفت عصبی بود!!

نمی‌دونستم باید خوشحال باشم که انقدر روم حساسه یا ناراحت که
حالش و بد کردم..

ریز خندیدم و با خودم گفتم :

- ترجیح میدم اولی باشه!!

پیش خودم فکر می‌کردم و حرفی نمی‌زدم..

سکوت‌م رو که دید گفت :

+ کاری نداری باهام؟!!

دوست داشتم یکم بیشتر بدونم، یکم بیشتر بگه که روم حساس شده
و من غش و ضعف کنم..

یکم مکث کردم و با دلبری ریزی گفتم :

- اوممم چیزه؟!
چرا اعصابت خورد شد؟!
403.6K

Noushin -
0:22

› تو سالیوان منی...!♡ ❄️
سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت265 باز خن...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه قابل حله نیازی به نگرانی نیست؛ اگه قابل حل نیست؛ نگرانی
فایده ای نداره...

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
388.7K
Ms-
11:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همه آشغالا که بازیافت نمیشن؛ نمونش تو...!

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
387.4K

Noushin -Yas

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خودتو برای خودت نگه دار؛ آدما امانت دار خوبی نیستن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

382K

Delvan

16:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به جایی رسیدم که اون روی سلیطه مم بی حوصله س...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

378.4K

Noushin -

19:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

چنان خیزم که برخاستن را، معنایی دگر گردد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

379.6K

Noushin -

19:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من 90% از موقعیتای جدی زندگیمو سر اینکه فکر می‌کردم شوخیه از دست دادم..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

381.1K

Noushin -

21:48

تابستون بسه؛

من این هوارو میخوام (((: 🐼 🦋:droplet:

ویرایش شده

382.4K

Noushin -

21:49

ساعت 00:00 پارت

:open_mouth::dash::cherry_blossom::interrobang:!!!داريم
382.6K

Noushin -

21:50

🌸🤪...Hi

378.7K

Noushin -

23:54

:relieved::rabbit:!!؟چطوريد دلبندانم
378.1K

Noushin -

23:59

چهارشنبه، 21 شهريور 1403
:blue_heart:🤪!!!مامان اومده
379.1K

Noushin -

0:01

› تو ساليوان منى!..!🌸❤

ساعت 00:00 پارت داريم!!!:open_mouth::dash:...
چى چى آورده؟!🤪:joy:
382K

Noushin -

0:02

كاملا بى ربط پاارت
:stuck_out_tongue_closed_eyes::heartbeat:!!؟ميقوليد
نظرسنجى

بلیییی

خیر خوابیم

7411 رای

384.8K

Noushin -

0:03

به به بینازم:money_with_wings:💰

389.6K

Noushin -

0:07

› تو سالیوان منی!...!💎❤️ ‹

کاملاً بی ربط پااارت میقولید؟!😏❤️

بریم پارت...:heart_eyes::interrobang:

395.2K

Noushin -

0:08

سالیوان من:sparkles:💎

#پارت267

یه چند لحظه ای سکوت کرد و بعد گفت :

+ نمیدونم...

مثل لاستیک ماشین بادم در اومد و پنچر شدم..

با همون قیافه پوکر به دیوار رو به روم نگاه می کردم که ادامه داد :

+ اصلاً به لحظه گفتمی داری گریه می‌کنی بهم ریختم...

پروانه‌ها تو دلم پرواز کردن و نیشم تا بناگوشم باز شد..

انقدری هول شدم که گوشه‌ای از دستم روی زمین افتاد و نتونستم
واکنشی نشون بدم..

لعنتی به این دست و پا چلفتی بودنم فرستادم و خم شدم گوشه‌ای رو
برداشتم..

از شدت ضربه خاموش شده بود!!

با عجله روشنش کردم و از اونجایی که خجالت می‌کشیدم دوباره بهش
زنگ بزنم؛ با همون لبخند گشادی که روی لبم بود وارد پیامکام شدم و
براش ایموجی ناراحت فرستادم که خندید و گفت :

+ دیگه گریه نکنیا خانوم کوچولو...
من طاقتشو ندارم!!

خوشحال بودم که از دلیل قطع شدن تماسمون چیزی نپرسید..

با تاخیر جواب دادم :

- چشم:)

+ من برم دیگه مراقب خودت باش..

ایموجی قلب بنفش براش فرستادم و گفتم :

- توام همینطور...

یه چند لحظه دیگه گذشت که برام با ایموجی خنده نوشت :

+ اوه اوه قلب بنفش؟!!

ایموجی تعجب واسش فرستادم و گفتم :

- آره مگه چیه؟!!

باز خندید و گفت :

+ هیچی خیلیم عالیه..

پشت بندش پیامش دوباره گفت:

+ بیشتر بفرست بنفش دوست دارم..

یه جوری مشکوک حرف میزد؛ دوست داره بیشتر بفرستم چرا؟!!

لبخندی زدم و با خودم گفتم :

- شاید بنفش رنگ مورد علاقه اشه برای همون!!
398.6K

Noushin -

0:15

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »
سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت266 به سوا...
بیشتر از همیشه تو یادتم؛
معتادتم (((:blue_heart:❄️❄️
ویرایش شده

398.5K

Noushin -

0:25

0:28 (6.9MB)

:nEw...:scream::strawberry

398.1K

Noushin -

0:26

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »
سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت267 یه چند...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

خدایا تو منو از شر دوستانم مصون بدار؛ من از پس دشمنام برمیام...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

387.9K

Noushin -

9:42

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تا وقتی که فکر می‌کنید آدم بهتری وجود داره؛ نمی‌تونید پایبند رابطه ای
باشید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

384K

Noushin -

11:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو صدای شکستن قلبتو می‌شنوی؛ من سنگ شدن قلبمو می‌بینم...

• SaLiVanMaNi@ ••

382.6K

mahlam_mozh

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضیاهم فاز گنگستر دارن؛ ولی تا شب نشده باید خونه باشن...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

381.7K

Noushin -

13:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هم تیپ و ظاهره خوبه؛ هم باطنم سر تا پاتو می‌خره...

• SaLiVanMaNi@ ••

377.5K

🌙 مهدیه

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ولی پسری که دختر بچه درونتو فعال می‌کنه؛ یه ورژن دیگه از
پسراست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

377.8K

Noushin -

17:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من به ماشین بدون ترمز ؛ بیشتر از جمله همیشه کنارتم اعتماد دارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

379.6K

Noushin -

17:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من یه بدی دارم؛ اونم اینه که :
- احساسم جلوی غرورم سجده می‌کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

377.2K

.Fat

21:50

پنجشنبه، 22 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همین که می‌دونم نمی‌شه به کسی اعتماد کرد؛ خودش یه امتیازه...

• SaLiVanMaNi@ ••

374.5K

Noushin -

0:03

:Hello...:sunglasses::fire

374.7K

Noushin -

0:04

📺:relieved::wave:!! خوشگلا؟ و بجز

374.7K

Noushin -

0:06

دیجی نوشین پروداکشن!!! 🤖:joy:

375K

Noushin -

0:08

وقتی خوابم میاد ولی پر انرژی میام پیش شما :

375.1K

Noushin -

0:09

› تو سالیوانِ منی!..! 🌸

دیجی نوشین پروداکشن!!! 🤖:joy:

قدرمو می دونید؟! :kiss: 😘

380.3K

Noushin -

0:10

من همین الان یهویی :joy::heartbeat: 😄

ویرایش شده

383.1K

Noushin -

0:12

گیف

آمدید یا بیشتر زور بزنم؟! :joy: 😄

389K

Noushin -

0:16

بریم پالارت!!! :scream_cat: 🐈

398.6K

Noushin -

0:18

› تو سالیوان منی!..! 🐈 ♡ ‹

آمدید یا بیشتر زور بزنم؟! :joy: 😄

سالیوان من 🐈 :sparkles:

#پارت268

دیگه جواب کیهان و ندادم و بخاطر کنجکاوی که واسم پیش اومده بود؛
ترجیح دادم معنی قلب بنفش و سرچ کنم...

چند لحظه منتظر موندم شاید خودش حرفی بزنه ولی وقتی دیدم خبری نشد؛ از صفحه چتمون بیرون اومدم..

فوری گوگل و باز کردم و تایپ کردم :

- معنی ایموجی قلب بنفش چیه؟!

زیاد طول نکشید که چندتا سایت مختلف واسم بالا اومد..

با اشتیاق روی اولین سایت کلیک کردم و شروع به خوندن مطالب داخلش کردم...

" ایموجی قلب بنفش نمادی از احساسات مختلفی مانند عشق، حمایت، تحسین و مهربانی و قدردانی از کارهای خوب یا حمایت‌های دریافتی است "

صفحه رو پایین کشیدم و خوشبختانه چیز بدی پیدا نکردم!

شونه ای بالا انداختم و متفکر با خودم گفتم :

- خب هیچ معنی خاصی نداره که..

پس منظور کیهان از پیامش چی بود؟!

بیخیال شدم و بی تفاوت خواستم صفحه رو ببندم که یهو یه سایت توجه امو جلب کرد..

مشتاق زدم روش و منتظر موندم تا بالا بیاد..

بلافاصله خلاصه ی معنی رنگ همه قلب هارو آورد..

شروع کردم به دونه دونه خوندنشون که بلاخره به قلب بنفش رسیدم!

رو متنش زوم شدم که چشمام از تعجب درشت شد..

یه دونه محکم زدم تو سرم و گفتم :

- وای یعنی این معنی و میده؟!

به یه نقطه ی نامعلوم خیره شدم و با خودم ادامه دادم :

- یعنی کیهان این منظور و برداشت کرد؟!

شت...

پس برای همین گفتم زیاد بفرست دوست دارم؟!

ناخودآگاه قهقهه ای زدم و گفتم :

- ای پسر ی دیوونه...

401.1K

Noushin -

0:25

› تو سالیوان منی...!♡ ❁‹

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت267 یه چند...

پسرا این مدلی باشید لطفااااا:sob::joy:...!!!!

ویرایش شده

398K

Noushin -

0:37

پارت جدید ملوسم (((: 🎧 🌸 ✨ ...

397.1K

Noushin -

0:38

› تو سالیوان منی!..! 🎧 ♡ ‹

سالیوان من 🎧:sparkles: #پارت268 دیگه ج...ج

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برای رسیدن به هیچ چیزی یک طرفه تلاش نکنید؛ اینطوری احمق به نظر می‌رسید...

• SaLiVanMaNi@ ••

390.6K

6:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پول پرست چه داند؛ قیمت پشیمانی را؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

387.2K

Noushin -

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

براتون پول + اعتماد به نفس + بغل کسی که مثل سگ دوستش دارید و
آرزو می‌کنم (:

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

386.5K

Noushin -

12:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هوا هوای کاراییه که نه در شأن منه؛ نه در شأن اُمت اسلامی...

• SaLiVanMaNi@ ••

386K

Mozhi

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گر خنده را از لب‌هایت گرفتند؛ تو با چشمانت بخند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

382.1K

Noushin -

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من اینطوریم که :

- سکوت می‌کنم؛ چیزی نمی‌گم؛ وقتش که برسه بهت رحم نمی‌کنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

384K

🎁 مهدیه

18:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زمین خوردن یه اتفاقه؛ رو زمین موندن یه انتخاب...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

383.4K

Noushin -

19:39

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از من به شما نصیحت؛ جوهرتونو صرف کاغذ پاره نکنید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

386.4K

Noushin -

19:39

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من خیلی آدم دلسوزیم؛ همیشه دلم برای کسانی که منو از دست دادن
می‌سوزه...

• SaLiVanMaNi@ ••

385.9K

Mozhi

21:46

سلام!!! 🦋😊

380.5K

Noushin -

23:54

جمعه، 23 شهریور 1403

چطورید فسقلیا؟!❤

384.6K

Noushin -

0:02

پارت میقولید؟!👓:sunglasses::wave:

نظرسنجی

بلی بلی

خیر

5820 رای

387.3K

Noushin -

0:05

نشستم به در نگاه می‌کنم...

389.9K

Noushin -

0:11

دری که آه می‌کشد👁:joy::door:

398K

Noushin -

0:12

« تو سالیوانِ منی!..❤🦋 »

نشستم به در نگاه می‌کنم...

هی داد...

401.7K

Noushin -

0:14

بریم پارت کیوتا؟! :yum:🍷

412.4K

Noushin -

0:14

سالیوان من 🍷:sparkles:

#پارت269

روی تخت دراز کشیدم و گوشی و روی قفسه ی سینه م گذاشتم...

مثل بچه ها از ذوق پاهام رو روی تخت می کوبیدم...

به کیهان فکر میکردم و خیره به سقف لبخند میزدم!!!

+ بسم الله...

با شنیدن صدای آشنایی ترسیده و با حرص از جام بلند شدم...

دستم و رو قلبم گذاشتم و سرمو به طرف در چرخوندم و با دیدن مهسا؛

نفس عمیقی کشیدم...

خدایا صبر !

همونطوری سر جام نشستم که مهسا با پرویی لبخندی زد و بدون اینکه برای ورودش اجازه ای بگیره؛ جلو اومد و کنارم نشست و گفت:

+ به چی میخندیدی؟!

به قیافه عنت!

لا اله الا لله...

بی توجه به سوالش کلافه گفتم :

- کی اومدی؟!

لبخندی زد و گفت :

+ همین الان اومدم، با مامان یه سر اومدیم اینجا بعد میریم خونه...

سری تگون دادم و بدون در نظر گرفتن اینکه مهمونه و باید باهاش مهربون باشم؛ با تیکه گفتم :

- اتاقم حریم شخصی منه...

می دونی حریم شخصی چیه دیگه؟!

لازمه قبل از اینکه سرتو مثل گاو بندازی پایین و بیای تو در بزنی!

از اونجایی که فکر می کرد دارم باهاش شوخی می کنم؛ با خنده گفت:

+ ولش کنا...
نگفتی به چی میخندیدی؟!

گفت و خواست گوشیمو از دستم بگیره که فوری دستمو عقب کشیدم و
با اخم گفتم :

- چیکار میکنی؟!

باز خندید که بهت زده نگاهش کردم و با خودم گفتم :

- وای خدای من چطور ممکنه یکی انقدر پرو باشه؟!
اصلا با دیدنش کل اون روز که پیمان گوشیمو شکست واسم تداعی
شد..

415.9K

Noushin -

0:16

› تو سالیوان منی!..! ♡ ✨
سالیوان من ✨:sparkles: #پارت268 دیگه ج...
عادیه آدم بخواد معتادت باشه:)) ♡ ...

ویرایش شده

414.6K

Noushin -

0:24

(10MB) 0:39

پارت جدید بیب...:sparkles:🌸

412.9K

Noushin -

0:25

« تو سالیوان منی...!💖🌸 »

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت269 روی تخ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همون کسی که می‌گه "من به کسی رو نمی‌دم" بیشتر از همه لاس می‌زنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

404.4K

Mozhi

7:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اون آدمی که بهش نیاز داشتم؛ بهم یاد داد که من به هیچکس نیاز ندارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

401.7K

Mozhi

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه نمیتونی مراقبتش باشی؛ حداقل هیولای داستانش نشو ...

• SaLiVanMaNi@ ••

397.9K

Noushin -Yas

13:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها موجودی که میتونه سرمای شدید هوا رو تحمل کنه؛ پسریه که تازه
رفته بدنسازی...

• SaLiVanMaNi@ ••

398.4K

Noushin -Yas

13:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برای اون کسایی که یهو ساکت میشن؛ نگران بشید....!

• SaLiVanMaNi@ ••

395.4K

Delvan

16:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برقا رفته عزیزم؛ فعلا نمیتونی چیزی در من روشن کنی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

392.5K

Mozhi

19:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بهترین پایان ماجرا اینه که؛ بدونی تلاشتو کردی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

393.1K

.Fat

21:48

شنبه، 24 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با دروغ گفتن می‌شه چیزای زیادی به دست آورد، ولی همیشه نگهشون داشت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

389.8K

.Fat

0:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قلبتو به کسی که تو رو نمی‌فهمه؛ امانت نده...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

383.4K

Mozhi

6:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انقدر درگیر به دست آوردن اون بودی؛ که یادت رفت داری خودت از دست میدی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

380.9K

ح ٠

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدم وقتی یه بازی رو شروع میکنه ممکنه ببازه؛ ولی وقتی بازی نکنه همیشه بازنده است...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

376.6K

Noushin -Yas

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زیبایی یه چیزه؛ اما قلب پاک یه چیز دیگه ست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

375.2K

Noushin -Yas

13:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دلم میخواد مثل شماها باشم؛ ولی متاسفانه یا خوشبختانه وجدان دارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

373.2K

AsaL

16:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هنوزم غرورم بزرگتر از قلبمه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

373.5K

Delvan

17:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عزیزم تو راهتو ادامه میدی؛ ولی از رو رد پای من...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

374.9K

نینی.

19:55

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همیشه تیز ترین دندونا؛ پشت چرب ترین زبوناست..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

374.9K

.Fat

21:53

ساعت 00:00 پارت داریم!!! 🎉🎉🎉:sparkles:

375.4K

Noushin -

21:54

تا شیوا نیومده سلام!:joy::grimacing:

371K

Noushin -

23:59

:relaxed::white_check_mark:متاسفم برایت

371.9K

Shiva -

23:59

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❄️ »

:grimacing::joy:تا شیوا نیومده سلام!

یکشنبه، 25 شهریور 1403

•:sparkles:آهویی دارم خوشگله ❄️

373.8K

Shiva -

0:00

•:sparkles:فرار کرده زه دستم 🙄

374.5K

Shiva -

0:02

•:sob::sparkles:دوریش برایم مشکله

376K

Shiva -

0:04

▨:joy::open_hands:ایشالا خدا شفا میده:

378.6K

Noushin -

0:04

:unamused:دور شو مزاحمم نشو ایشششش:

385K

Shiva -

0:08

« تو سالیوان منی...! ♥ ❄ »

ایشالا خدا شفا میدهد:joy::open_hands: ❄

بریم پارت؟! :stuck_out_tongue_closed_eyes::revolving_hearts:

389.9K

Noushin -

0:09

سالیوان من ❄:sparkles:

#پارت270

خواستم دهنمو باز کنم و هرچی دلم خواست بارش کنم ولی اون تیز تر بود...

قبل اینکه بتونم هر واکنشی نشون بدم؛ باز دستشو نزدیک گوشیم آورد که طاقت نیاوردم و با عصبانیت داد زدم :

- مهسا فکر نمیکنی نباید به گوشی من دست بزنی؟!
تو رسماً داری تو زندگی من فضولی میکنی!

قیافه اش پوکر شد و مردد دستشو عقب کشید..

چند لحظه تو همون حال نگاهم کرد و بعد که متوجه عصبانیتم شد؛ با لحن آدم خر کنی گفت :

+ فقط میخواستم نگاهش کنم...

ناراحت نشو!

تازه خریدی؟!

جوابشو ندادم که مثل رادیوی خراب ادامه داد :

+ نکنه همون پسره برات خریده؟!

نتونستم تحمل کنم و با نفرت نگاهش کردم و با کنایه گفتم :

- نه اون نخریده...

پیمان خریده واسم!!

ابرویی بالا انداخت و با لحن مثلاً شادی گفت :

+ عهههه مبارکچههه

خوشگله!

خیلی سرد جواب دادم :

- مرسی!!

جفتمون دیگه چیزی نگفتیم و ساکت موندیم..

بودنش تو اتاقم اذیتم میکرد!

خاله و مهسا جز اون ادمایی بودن که دوست نداشتم هیچوقت
ببینمشون ولی متاسفانه هیچوقت شانس باهام یار نبود!

چشمامو با درد بستم و سعی کردم با کشیدن نفس های عمیق به خودم
مسلط بشم..

نمی دونستم چرا ولی انگار نافشون رو با خونه ما بریدن!

تا تقی به توقی میخورد؛ یا خبری چیزی می شد یا هر اتفاق دیگه ای
می افتاد مستقیم می اومدن خونه ما...

البته ما تو چی شانس آورده بودیم که این بار دوممون باشه؟!

دهن باز کردم حرف بزنم که...

393.8K

Noushin -

0:21

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❄

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت269 روی تخ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدم حسود از دشمن پیگیر تره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

388.1K

Mozhi

6:11

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به آدمایی اهمیت دادیم که در خدمون نبودن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

385K

Mozhi

10:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من واقعا دوستت داشتم؛ ولی تو خیلی خراب کردی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

382.6K

Noushin -

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بال نداشت؛ ولی با همه می‌پرید..

• SaLiVanMaNi@ •

ویرایش شده

379.3K

AsaL

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش باهام طوری رفتار نمی‌کردی؛ که انقدر عمیق بفهمم که برات کم بودم...

• SaLiVanMaNi@ •

ویرایش شده

373.7K

Noushin -

22:01

دوشنبه، 26 شهریور 1403

:Hi:cherry_blossom::fire

372.4K

Noushin -

0:02

374.2K

Noushin -

0:06

من مانده ام؛ تنهای تنهااااا..

377.8K

Noushin -

0:09

بهتر!!!

والا:joy:🤪

384.9K

Noushin -

0:10

« تو سالیوان منی!..!💎💎💎»

من مانده ام؛ تنهای تنهااااا...

هستید دخملا؟!

386.5K

Noushin -

0:15

زودی بریم پارت...:ghost:💔

400.4K

Noushin -

0:21

سالیوان من:sparkles:💎

#پارت271

پشیمون شدم، ساکت و مغموم نشستم تا شاید خودش بفهمه اضافه

و باید بلند شه که بره...

یه چند دقیقه ای بینمون سکوت بود که مهسا این سکوت و شکست و دستمو گرفت و با هیجان گفت :

+ راستی پناه؛ اگه بهت بر نمی‌خوره بگو ببینم...
از اون پسره چه خبر؟!

ای مارموز ؛ من که می‌دونستم قصد و نیتش از این سوالا چیه و می‌خواد به کجا برسه؟!

عمرا اگه دم به تله‌ش می‌دادم...

خندیدم و تیکه وار گفتم :

- باز می‌خوای بهت یه چیزی بگم ببری بزاری کف دست بقیه؟!

لباشو آویزون کرد و لوس گفت :

+ بخدا اون روز از قصد نبود!

آره ارواح عمه مرحومت...

منم که خر ، عر عر...

بر خلاف میل باطنیم سری تکون دادم و با لحن به ظاهر بیخیالی عادی

گفتم :

- در هر صورت اون روز گذشت؛ دیگه واسم مهم نیست ولی در کل ؛
درس عبرت شد برام تا سفره دلم و پیش هر کس و ناکسی باز نکنم...

مهسا با ناراحتی و بغض گفت :

+ هرکس و ناکس چیه؟!
ناسلامتی ما دختر خاله ایم...
معلومه هنوز ازم دلخوری ؛ ببخشید بخدا...

آره دلخور بودم...

خیلی ام دلخور بودم...

چطور میتونستم اون روز نحس و فراموش کنم؟!!

از اون روز به بعد به کل دیده‌م نسبت بهش عوض شده بود!

جفت پا وسط حرفش پریدم و جمله‌ش رو قطع کردم و بی حوصله
گفتم :

- ول کن مهسا؛ واقعا دوست ندارم دیگه چیزی از اون روز بشنوم..
تموم شد رفت!

سرشو پایین انداخت و با شرمندگی گفت :

+ باشه...
ولی انگار تموم نشده!
رفتارت میگه که تموم نشده..

دختره کنه!

404.1K

Noushin -

0:22

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ›
سالیوان من ❄:sparkles: #پارت270 خواستم...
فدا پاهاش بشم یا زوده؟! 🙄:joy::strawberry:
ویرایش شده

402.7K

Noushin -

0:31

:nEw.. ❄:sparkles

401.9K

Noushin -

0:33

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ›
سالیوان من ❄:sparkles: #پارت271 پشیمون...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

این روزاے سختم که تموم بشه؛ من میمونم و یه مشت آدم از چشم

افتاده...

• SaLiVanMaNi@ ••

390K

Noushin -

10:30

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو Bad Boy نیستی؛ خدا زده هولی...!

• SaLiVanMaNi@ ••

385.1K

Mozhi

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اینو همیشه یادتون باشه؛ هر آدمی با کاراش لیاقتشو فریاد می‌زنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

383.9K

Mozhi

14:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لیاقت نمی‌بینم؛ وگرنه من اصلاً آدم کم گذاشتن نیستم...

• SaLiVanMaNi@ ••

381.2K

AsaL

16:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به حرمت دردی که سر عملای زیبایی کشیدی؛ اسنپ چت رو پاک کن...

• SaLiVanMaNi@ ••

380.1K

Delvan

17:55

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حس شیشمم انقدری قویه که موندم چرا اول نشده؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

378.8K

نینی.
19:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مگه چقدر عمر میکنی؛ که نمی‌بینی به آدمی که بهت احساس ناکافی
بودن میده؟!

• SaLiVanMaNi@ ••
378.3K
Shiva -
21:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه گوشیه رو ش قطع کردی ولی دوباره زنگ زد؛ بدون زندگیا بردی...

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
375.4K
`Nil
23:50

سه شنبه، 27 شهریور 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

جوري زندگى كن كه بعد مرگت؛ عزرائيل هم ازت امضا بگيره...!

• SaLiVanMaNi@ ••

368.9K

Mozhi

6:13

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدما قابليت اينو دارن به تو بگن شب بخير ؛ به يکى ديگه بگن خوابم
نميبره...

• SaLiVanMaNi@ ••

367.1K

Mozhi

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وفادارى يعنى؛ اگه تو سيارهت يه گل ديگه بود، تو عاشق گل خودت
باشى...

• SaLiVanMaNi@ ••

363.1K

Noushin -Yas

13:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خدایا خودت بساز؛ من بسازم از سامانه ثنا واسم ابلاغ میاد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

361.9K

Shiva -

16:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نایابترین نوع بشر کسیه که پای حرفش بمونه؛ اگه پیدا کردید دو
دستی بچسبیدش...

• SaLiVanMaNi@ ••

362.1K

Mozhi

19:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

چون فکر می‌کنید همیشه گزینه بهتری هم هست؛ قدر هیچکس و

هیچی رو نمیدونید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

363.2K

.Fat

21:48

اع سلام! 🤪👁

357.9K

Noushin -

23:57

چهارشنبه، 28 شهریور 1403

چطورید قشنگام؟!

360.9K

Noushin -

0:03

دلتون واسم تنگ شده

بود؟!sparkle::cherry_blossom::stuck_out_tongue_closed_eyes::

:s

نظرسنجی

اووو اره خیلییی

خیلی بیشتر از خیلی...

5539 رای

363.9K

Noushin -

0:04

گزینه ای با عنوان تنگ نشده بود نداریم!:relaxed:

369.9K

Noushin -

0:08

« تو سالیوان منی!..! ♡ 🍀 »

دلتنون واسم تنگ شده بود؟! 😊 🍀 ✨

به قول یه بنده خدایی؛ همینه که هست:hocho::no_mouth:

372.4K

Noushin -

0:11

هستید پارت بخونیم?!:scream_cat: 🍀

377.4K

Noushin -

0:12

سالیوان من 🍀:sparkles:

#پارت272

کلافه اومدم چیزی بگم و این بحث مسخره رو تموم کنم که در اتاق باز شد و این بار خاله اومد داخل...

به به؛ گل بود به سبزه نیز آراسته شد!

می‌گن مار از پونه بدش میاد در خونه‌ش سبز می‌شه واقعیه هااا...

چشمام و با حرص بستم و نفس عمیقی کشیدم تا عصبانیتمو کنترل کنم..

مادر و دختر به مزاحم بودن عادت داشتن انگار!

هرچند مهسا دست پرورده ی همین خالمه دیگه؛ توقع دیگه ای نمیشه داشت...

از روی اجبار و برای حفظ ادب آروم و زیر لب گفتم :

- سلام خاله..

برخلاف من خیلی گرم جوابمو داد :

+ سلام خاله جان؛
خوبی دخترم؟!

زیر لب تشکر کردم که خوشبختانه ادامه نداد و رو به مهسا گفت :

+ بلند شو باید بریم...

با حرفش ناخودآگاه لبخندی زدم...

انگار اومدنشم همچین بد نشد!

منتظر به مهسا نگاه کردم که از قیافه ناراضیش معلوم بود که انگار زیاد

خوشش نیومده بود..

فوری گفت:

+ کجا بریم؟!

خاله گنگ نگاهش کرد و گفت :

+ کجا چیه؟!
بریم خونه دیگه!

مهسا پوکر شد و با زاری گفت:

+ تازه اومدیم که!

ای زهرمار پاشو گمشو برو دیگه...

خواستم دخالت کنم و حرفی بزنم ولی زودتر از من خاله لبخندی زد و با ذوق گفت :

+ نه و نو نیارا...
زود باید بریم!
سیامک از آمریکا برگشته..

با آوردن اسم سیامک مهسا عین برق از جاش پرید و با خوشحالی گفت:

+ وای جدیییی؟!

382.1K

Noushin -

0:18

› تو سالیوان منی!..! ♡ ❁ ‹

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت 271 پشیمون...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لطفا منو به جای دعا فراموش کنید؛ شما خیرتون به خودتونم نمی‌رسه...

• SaLiVanMaNi@ ••

374.4K

Shiva -

8:07

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آرامش یعنی؛ بزاری بقیه درموردت اشتباه فکر کنن و به هیچ‌جات
نباشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

373K

Shiva -

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با شرافت کسیه که؛ آبروی بقیه رو مثل آبروی خودش بدونه...

• SaLiVanMaNi@ ••

371.1K

Shiva-Yegan

11:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

درمورد کلمه ها خسیس باشید؛ کلمه هاتونو خرج هر کس و ناکسی
نکنید....!

• SaLiVanMaNi@ ••

368K

Noushin -Yas

13:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از کات کردن نترسید؛ از هر قیافه تو ایران ده تا هست؛ از نو شروع
کنید....

• SaLiVanMaNi@ ••

363.3K

Niyaz

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه آدم هایی ناراحتمون می‌کنن؛ که ما رومون نمیشه از دستتون
ناراحت بشیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

363K

Niyaz

17:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لب گورم که بودین؛ حرمت روزای خوب رو نگه دارین...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

365.3K

نینی.

19:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ندیدم دستی به سنگینی کارما..

• SaLiVanMaNi@ ••

364.5K

.Fat

21:48

ظهور کنم؟!؟

359.3K

Noushin -

23:55

پنجشنبه، 29 شهریور 1403

:Hiii:sunglasses::cherry_blossom

ویرایش شده

365.3K

Noushin -

0:01

گیف

چطورید خوشگلام؟!؟

366.1K

Noushin -

0:09

دماغا چاقه؟! :stuck_out_tongue_closed_eyes: 369.1K

Noushin -

0:09

البته لاغر خوبه 😊:joy: 376.8K

Noushin -

0:13

« تو سالیوان منی!..! 🍷❤️ »

دماغا چاقه؟! :stuck_out_tongue_closed_eyes: چه باگیه... 380.2K

Noushin -

0:16

بریم پارت؟! :yum: 392.7K

Noushin -

0:18

سالیوان من 🍷:sparkles: #پارت273

خاله خوشحال سری تکنون داد..

با بهت داشتم نگاهشون میکردم که مهسا برخلاف مقاومت اولیهش؛ با خنده از جا بلند شد و گونه مامانش رو بوسید..

+ خوش خبر باشی!
اینو از اول می‌گفتی خب...

خاله هم خندید و دست دخترش رو گرفت و بدون خداحافظی از اتاق
بیرون رفتن...

نفسی از سر آسودگی کشیدم و روی تخت دراز کشیدم...

آخیش؛ راحت شدما...

سیمامک پسر عموی مهسا بود که سال های زیادی و آمریکا زندگی
می‌کرد...

تا حالا خودشو ندیده بودم ولی عکساشو که مهسا نشونم داده بود
فهمیده بودم که خیلی خفن و جذابه!

به هر حال ازش ممنون بودم؛ ندیده و نشناخته واسم بانی خیر شده بود!

حالا شاید براتون سوال باشه که مهسا و خاله چرا انقدر خوشحال شدن؟!

چون خاله و مهسا برای سیامک تور پهن کردن تا گیرش بندازن...

هروقت سیامک میاد ایران همینطوری ذوق می‌کنن و میرن سراغش ولی
خوشبختانه هنوز موفق نشدن جوون ملّو بدبخت کنن...

خندیدم و با خودم گفتم :

- پشتکارشونو دوست دارم!

چند لحظه که گذشت و اعصابم نسبتاً آرام شد؛ از جام بلند شدم و گوشیمو برداشتم و از اتاق رفتم بیرون تا ببینم چخبره؟!

مامان تو آشپزخونه بود و داشت ظرفارو می‌شست...

پاورچین پاورچیت سمتش رفتم و روی صندلی ناهار خوری نشستم...

هنوز متوجه ورود من نشده بود..

تک سرفه ای کردم که فوری سرش و به طرفم چرخوند و تازه منو دید..

با خنده کامل به طرفم اومد و رو به روم نشست..

مطمئنم مامان هم داره به همون چیزی که من فکر میکنم فکر می‌کنه!

خندیدم و تو همون حال ابرویی بالا انداختم و گفتم :

- سیامک؟!

مامان قهقهه ای زد و سری به نشونه ی تایید تکون داد!

395.3K

Noushin -

0:29

› تو سالیوان منی...! ♡ 🌸
سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت272 کلافه ...
من و رفیقم وقتی پیش همیم:seedling:🕶️:sunglasses:

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

395.2K

AsA

0:33

(3.5MB) 0:09

🌸...nEw

393.3K

Noushin -

0:35

› تو سالیوان منی...! ♡ 🌸
سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت273 خاله خ...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

خطزدن من پایان من نیست؛ آغاز بی‌لیاقتی توعه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

385.6K

Mozhi

6:36

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگہ با رفتارم مشکل داری؛ من تورو عوض می‌کنم نه رفتارمو...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

381.6K

Mozhi

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مذهب فایده نداره وقتے بویے از انسانیت نبردی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

379.4K

Mozhi

11:45

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یک صبر برایمان مانده و همه دنیا می‌خواهند آن را امتحان کنند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

378K

ح ٠

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو ادای چیزی که نیستی و در میاری؛ من چیزی که هستم نشون
نمیدم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

377.3K

Delvan

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

درست و حسابی که باشی کسی رو از دست نمیدی؛ اونا از دست
می‌دنت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

376.7K

Delvan

17:48

جمعه، 30 شهریور 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بحث احترام و لیاقت؛ وگرنه ماهم می‌تونیم هرحرفی رو هرجایی بزنییم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

363.9K

Mozhi

6:13

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قلبش قلب نبود؛ قلاب بود!

آخه همه جا گیر می‌کرد لامصب...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

363.9K

Mozhi

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

غرور من؛ مهم ترین قسمت از منه...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

352.5K

Noushin -

16:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

واسه این که زود نشون میدین چقد پوچ و بی ارزشین؛ نهایت تشکرو
دارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

351.6K

Shiva-Yegan

19:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

این زندگی کلش چرخ و فلکه؛ بالا جنبه داشته باش؛ پایین صبر ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

351.3K

.Fat

21:47

:sunglasses::cherry_blossom:!!!دروود فراوان

344.4K

Noushin -

23:58

شنبه، 31 شهریور 1403

چطورید کیوتام؟! 🐼 🐼

346.4K

Noushin -

0:01

کجایید کوشولوهاام؟! 🐼

347.9K

Noushin -

0:03

بشتاااابید؛ پارت خفن داریم:(((🐼 🐼 ...

356.4K

Noushin -

0:05

367.7K

Noushin -

0:08

< تو ساليوان منى!..! ♡ 🌸 >
 بشتا|||ابيد؛ پارت خفن داريم:(((...
 بريم پارت؟! :cherry_blossom::stuck_out_tongue_closed_eyes:
 377.8K

Noushin -

0:12

:sparkles: ساليوان من
#يارت274

همونطور که می‌خندیدم گفتم:

- چي پيش خودشون فكر كردن؟!
يسره با اون دك و يز بياد مهسارو بگيره؟!

مامان سری از روی تاسف تکون داد و با حالتی که می‌خواست خنده‌اش رو جمع کنه گفت :

+چی بگم والا!
چند سالیه درگیر سیامکن و با اومدنش ذوق می‌کنن..
فقط خدا می‌دونه آخر و عاقبتشون چی می‌شه!

پشت چشمی نازک کردم و با همون خنده گفتم :

- مامان یہ حرفی میزنیاء..

تو این همه سال کاری از پیش نبردن که!
سیامک یه نگاه ساده هم به مهسا نمیکنه..
اعتماد به نفسشو دوست دارم ولی...

مامان سرشو به چپ و راست تکون داد و با افسوس گفت :

+ حالا شاید بالاخره موفق بشن...
ولشون کن مادر ؛ ما حرف خودمونو بزنیم!

نفس عمیقی کشیدم و از جام بلند شدم .

همزمان که سرم رو به نشونه تایید حرف هاش تکون می‌دادم؛ گفتم :

- انشالله که بشه!
ما که بخیل نیستیم...

خواستم از آشپزخونه بیرون برم که با شنیدن صدای مامان سر جام
وایستادم .

+ از تو چه خبر؟!

متعجب برگشتم و نگاهش کردم...

با بهت خودم اشاره کردم و گفتم :

- من؟!

سری تکون داد و گفت:

+ اره!!!

یا بسملا..

باز چیشده؟!

همونطوری مات و مبهوت نگاهش کردم و گفتم :

- خبری نیست سلامتی...

مامان دستکش و از دستش در آورد و روی صندلی نشست و با لبخند گفت:

+ بعد از سلامتی...

از اوشون چخبر؟!

382.1K

Noushin -

0:14

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄️ ‹

سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت273 خاله خ...

قلب تو شیشه عمرم؛

بشکنه من می میرم (((: ♥ ❄️ ...

382.3K

Noushin -

0:28

پارت جدید بیبی...:fire:👓:sunglasses:

381.4K

Noushin -

0:29

« تو سالیوان منی!..!💖🌸 »

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت274 همونطو...

#crescent_moon::sunflower:Porf:

لِول خیلی مهمه ، پشت هیچ دکوری نمیشه مخفیش کرد. !

• SaLiVanMaNi@ ••

375.3K

Mozhi

6:14

#crescent_moon::sunflower:Porf:

نصف بیشتر حرف نزدنا و سوال نپرسیدنا؛ به خاطر ترس از جوابیه که
قراره بگیری...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

373.1K

Mozhi

10:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حفظ سلامت روان؛ ارزش هر قطع رابطه‌ای رو داره...

• SaLiVanMaNi@ ••

370.5K

Noushin -

12:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یکیم نداریم باهاش از دستورات الهی؛ سرپیچی کنیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

367.8K

حمیده

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچوقت طلای درونت رو؛ به قیمت آهن نفروش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

359.8K

نینی.

19:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اشتباهی که تکراری بشه ، عذر خواهی رو بی ارزش میکنه!

• SaLiVanMaNi@ ••

357.2K

.Fat

21:51

یکشنبه، 1 مهر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به عشق در نگاه اول اعتقاد ندارم؛ ولی به نفرت در کلمه اول اعتقاد دارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

347K
Mozhi
6:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

براتون آرزو می‌کنم به اندازه شخصیتتون؛ پول تو حسابتون باشه...

• SaLiVanMaNi@ ••
343.8K
Mozhi
11:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انسان فقط چیزی را دوست دارد؛ که کاملاً تصاحب نکرده است...

• SaLiVanMaNi@ ••
341.4K
Noushin -
13:55

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زشت باشد که عیب خود پوشی؛ اندر افشای دیگران کوشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

338.7K

MaHNaZ²

16:12

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه روزی با واقعیت تصادف میکنی؛ همون لحظه رویات می‌میره...

• SaLiVanMaNi@ ••

338.9K

.Delvan

17:47

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آره من بهم بر می‌خورم؛ به نفعته که بیشتر به رفتارت توجه کنی...

• SaLiVanMaNi@ ••

340.8K

حمیده

19:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مدرک تحصیلی که هیچی؛ حتی بعضی وقتا
بالا رفتن سن هم شعور نمیاره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

338.9K

.Fat

21:51

🕒 ساعت 00:00 پارت داریم!!!:sunglasses:

339K

Noushin -

21:54

دوشنبه، 2 مهر 1403

:Hi...:sparkles:

332.6K

Noushin -Yas

0:01

:cherry_blossom: چطورید قشنگا؟!🍷

333K

Noushin -Yas

0:03

مدرسه چطور بود؟!🍷

333.5K

Noushin -Yas

0:05

با یه پارت آخر شبی چطورید؟! :sunglasses::link:

337.1K

Noushin -Yas

0:07

344.5K

Noushin -Yas

0:10

« تو سالیوان منی...! ♥ 🍷 »

با یه پارت آخر شبی چطورید؟! :sunglasses::link:...

بریم تو کارش!!! :yum: 🍷

347.8K

Noushin -Yas

0:12

سالیوان من 🍷 :sparkles:

#پارت275

چشمام و ریز کردم و با دقت نگاهش کردم تا شاید متوجه منظورش بشم...

درمقابل مامان هم همین کارو کرد که خندهام گرفت...

خندیدم و بعد چند ثانیه که ویندوزم بالا اومد و تازه فهمیدم چی می‌گه؛
آروم گفتم :

- اهاااا..

داری راجب کیهان حرف می‌زنی؟!

مامان نگاهی به اطرافش انداخت و وقتی از نبود پیمان مطمئن شد؛ با احتیاط گفت:

+ آره...

هنوز حرف می‌زنید باهم؟!

با خجالت سری به نشونه ی تایید تکون دادم و دو دل گفتم :

- آره ولی دوستیم فقط...

اون چیزایی که تو فکر می‌کنی نیست..

مامان سری از روی تاسف تکون داد و به شوخی گفت :

+ حداقل یکم عرضه داشته باش...

شاید بتونی یه شوهر گیر بیاری رو دستم نمونی بترشی!

تک خنده ای کردم و با حرص دندون هام و روی هم سابیدم گفتم :

- مامانننن مگه من چند سالمه که اینطوری میگی؟!

هنوز خیلی زوده..

بعدشم اون چیزایی که فکر می‌کنی بین من و کیهان نیست!

+ اولاً که چیش زوده؟؟

من همسن تو بودم پیمان و باردار بودم...
دوما الانم چیزی بینتون نباشه اگه ارتباطتون ادامه دار بشه اون چیزی
هم که باید به وجود میاد!

- خب اونموقع و شرایط شما فرق میکرد...
بعدشم ببینیم چی می‌شه؛ یطوری حرف می‌زنی انگار چهل سالمه و
موندم رو دستت!

بین صحبتتم خندیدم و با پرویی ادامه دادم :

- حالا من سعیمو می‌کنم مخشو بزنم!
اگه گردن نگرفت دیگه تقصیر من نیستااا...
بعد نگی نگفتی...

مامان خندید و خواست چیزی بگه که با بلند شدن صدای زنگ
گوشیش، حرفش ناتمام موند...

351.4K

Noushin -Yas

0:14

› تو سالیوان منی!...! ♡ ❁ ‹

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت274 همونطو...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سن من دیگه از شکست عشقی گذشته؛ اگه دیدی ناراحتم بدون دردم
پوله...

• SaLiVanMaNi@ ••

345.2K

Noushin -

7:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو قالب شوخی؛ لجن های داخل مغزتون رو به محیط نپاشید؛ با تشکر
!...

• SaLiVanMaNi@ ••

342.5K

حمیده

12:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دل؟!

من دیگه دمپاییم رو هم دست این جماعت نمی دم...

• SaLiVanMaNi@ ••

341.3K

Mozhi

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حرف می‌زنی پشت سرم؛ ولی بی حرفی جلوی سرم...

• SaLiVanMaNi@ ••

337.6K

Niyaz

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از یه جایی به بعد؛ عمدا کاری می‌کنی که تنها باشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

340K

Niyaz

17:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو هر زمینه ای احساساتی شدی؛ مطمئن باش نهایتش قراره ببازی!..

• SaLiVanMaNi@ ••

338.1K

Noushin -

21:52

سه شنبه، 3 مهر 1403

سلام...

332.7K

Noushin -

0:01

چطورید کوشولوها؟!

332.6K

Noushin -

0:05

ای داد؛ نیستید که.. ☹️:two_hearts:

336.1K

Noushin -

0:08

اینطوری منتظر شمام ::cherry_blossom:::sob::joy::

ویرایش شده

343.3K

Noushin -

0:12

گیف

اومدید بریم پارت؟! 🕶️:sunglasses:

347K

Noushin -

0:15

سالیوان من 🧚‍♀️:sparkles:

خندید و با تاسف سری واسم تکون داد و دیگه چیزی نگفت..

از جاش بلند شد و به سمت گوشیش رفت...

خب خداروشکر مثل اینکه ولم کرد!

منم که دیدم مامان رفت بلند شدم و یه چایی برای خودم ریختم...

از روی میز یه شکلات برداشتم و با لیوان چایی تو دستم سمت اتاقم رفتم...

یکی از خوبی هایی که خونمون داشت این بود که چایی همیشه به راه بود!

منم زیاد چای خور نبودم ولی نمی دونم چرا امروز حسابی تشنه م شده بود..

وارد اتاقم شدم و روی تخت نشستم و گوشیم و برداشتم..

هیچ پیامی از کسی نداشتم و برای اینکه حوصله ام سر نره؛ ترجیح دادم فیلم ببینم...

از اونجایی که هیچ فیلمی مدنظرم نبود تو گوگل سرچ کردم :

"عاشقانه ترین فیلم 2024"

چند لحظه که گذشت، چندتا لیست بلند بالا برام بالا اومد...

چون چون حوصله ی خوندن اون همه اسم و نداشتم، برای همین ترجیح دادم همون اولی و ببینم...

وارد سایتش شدم و روی تماشای آنلاین کلیک کردم..

گوشی و داخل دست راستم نگه داشتم و با دست چپم جرعه جرعه چاییم رو خوردم..

حدودا نیم ساعتی گذشته بود و فیلم هیچ محتوای جذابی نداشت..

پوفی کشیدم و با خودم گفتم :

- چه فیلم چرتیه..
این کجاش عاشقانه ترین فیلم ساله؟؟

ریز خندیدم و به شوخی مثل دیوونه ها با خودم ادامه دادم :

- والا رابطه ی منو کیهان با اون یخی بودنش از این عاشقانه تره...
350.4K

Noushin -

0:22

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❀ »

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت275 چشمام ...
چشمانت نمی رود دیگر از یاد (((👁👁👁 ...

ویرایش شده

350.3K

Noushin -

0:27

🌸nEw

350.2K

Noushin -

0:28

› تو سالیوان منی!...! 🌸❤‹

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت276 خندید ...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

انقدر رو داری؛ نمی دونم کدومش رو به روت بیارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

348.4K

Mozhi

6:13

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تماس از دست رفته چیه؟!
از دست ندادمشون، فقط زُل زدم جواب ندادم...

• SaLiVanMaNi@ ••

348.6K

Mozhi

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه کسی با تو بازی کرد؛ شک نکن خدا اونو میبره تو شهربازیش...

• SaLiVanMaNi@ ••

346.2K

Mozhi

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من اینطوریم که خوبم؛ خوبم؛ خوبم؛ یهو بد میشم و بد میمونم...

• SaLiVanMaNi@ ••

337.9K

.Delvan

17:44

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من از اونجایی که تو فکر میکنی میتونی بهم برگردی، خیلی وقته رفتم.

• SaLiVanMaNi@ ••

337.8K

nini

19:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

چه تلخه که دوست صمیمیمون؛ دوست صمیمی داره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

335.7K

.Fat

21:49

🌸:cherry_blossom:👁️!!! داریم پارت

335.8K

Noushin -

21:52

:Hello lovely... 🐱:anger

330.8K

Noushin -

23:56

چطوری؟!

331.1K

Noushin -Yas

23:59

چهارشنبه، 4 مهر 1403

چه برایمان آورده ای مارکو؟! 😊:joy:

333K

Noushin -

0:01

پااارت

:stuck_out_tongue_closed_eyes::cherry_blossom:...پاااارت

337.2K

Noushin -Yas

0:03

« تو سالیوان منی!..! 🌸❤️ »

چه برایمان آورده ای مارکو؟! 😊💎...

پارت میخونید؟! 🤪:bar_chart:

339.3K

Noushin -Yas

0:05

پس بریم که داشته باشیم!!! 🤪🌸

343.7K

Noushin -Yas

0:08

سالیوان من 8:sparkles:

#پارت 277

صفحه ی گوشی و خاموش کردم و کلافه روی تخت دراز کشیدم...

حوصله ام خیلی سر رفته بود و نمی‌دونستم چیکار کنم ...

فیلم دیدنم به من نیومده!

بی هدف به سقف زل زده بودم که صدای نوتیف گوشیم بلند شد..

از اونجایی که فکر کردم کیهان فوری برداشتم و قفلشو باز کردم ولی با دیدن پیام رها با تعجب متن پیامو خوندم :

+ پناه خوبی؟!!

زبان و خوندی؟!!

من هرچی میخونم نمی‌فهمم!!

می‌تونی کمک کنی؟!!

با دیدن پیامش محکم کوبوندم رو پیشونیم و بلند گفتم :

- وای ما امتحان زبان داشتیم؟!!

خاک تو سرم من که اصلا یادم نبود...

فوری جواب دادم :

- وای نه اصلا نخوندم!

زیاده؟!

تورو خدا بگو نههه...

رها پوکر فرستاد برام و پشت بندش نوشت :

+ دروغ؟!

هنوز نخوندی؟!

چیکار می‌خوای بکنی پس؟!

گفته این امتحانه خیلی مهمه و هرکی نمره ی کم بگیره میره دفتر...

با شنیدن اسم دفتر لرزه به جونم افتاد!!!

اصلا هرچی که به مامان کیهان ختم میشه باعث میشه یه لحظه از حالت عادی خارج شم...

من که همینطوریش باید فردا باهاش روبه رو می‌شدم؛ پس نباید با پایین شدن نمره ی زبانم دوباره برم دفتر و بهونه دستش بدم...

بدون اینکه جواب رها رو بدم از تخت پریدم پایین و به سمت کتابام رفتم و زبان و برداشتم...

انقدم زبانم ضعیف بود که فکر نمی‌کردم تو این تایم کم بتونم یاد بگیریم اصلا...

با حرص چشمام و بستم و با خودم گفتم :

- ریدی پناه!

خسته نباشی واقعا

347.2K

Noushin -Yas

0:11

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »

سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت276 خندید ...

#crescent_moon:::Porf:sunflower#

موج میزنه عقده از رفتارتون؛

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

346.8K

Noushin -Yas

0:16

:nEw:fire

345.9K

Noushin -Yas

0:18

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »

سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت277 صفحه ی...

#crescent_moon:::Porf:sunflower#

کاش میشد قبل آشنا شدن با کسی؛ اول تیزرش رو ببینیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

341K

Mozhi

6:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اوج بی‌لیاقتی اونجاس که کسیو ول می‌کنی که وقتی همه ترک‌ت کرده
بودن، کنارت بود...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

338.2K

Mozhi

10:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قرار بود بزرگ شیم و پخته شیم؛ بزرگ شدیم ولی سوختیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

337.8K

Mozhi

12:11

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضی حرف ها هستن که شاید کمرنگ بشن؛ ولی هیچوقت تلخیشون
از بین نمیره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

337.9K

Mozhi

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با ماشینایی که زود جوش میارن همیشه راه دوری رفت ، آدما هم
همینن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

334.6K

.Delvan

16:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انقدر گفتین آدمای اضافی زندگیتو حذف کن، بیا هیشکی نمونده..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

337.2K

.Delvan

17:45

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تاس خوب آوردن هنر نیست؛ تاس بد رو خوب بازی کردن شاهکاره...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

335.9K

Niyaz

19:59

:Hi:stuck_out_tongue_closed_eyes::cherry_blossom

335K

Noushin -

21:46

چطوری ماه من؟! 🍁:maple_leaf:

336.3K

Noushin -

21:49

هستید؟!

338.5K

Noushin -

21:54

آخه پارت داریم:(((🍁 ...

347.2K

Noushin -

21:58

› تو سالیوان منی!..! 🍁 <

هستید؟!

اومدید؟!

350.9K

Noushin -

22:03

بریم پااارت...

354.7K

Noushin -

22:04

سالیوان من: 🍁:sparkles:

#پارت278

کلافه کف دست هام رو به صورتم کشیدم و آب دهنم و قورت دادم...

الان باید چیکار می کردم؟!

یه دور سرسری نگاهی به کتاب انداختم و فهمیدم که طبق معمول حتی یک کلمه هم بلد نیستم...

همونطور بی اعصاب کتاب و ورق می زدم و به خودم فحش می دادم!

بعد از گذشت چند دقیقه که مطمئن شدم حتی اگه خودم و پاره کنم هم چیزی نمی فهمم؛ سرم رو روی بالشت گذاشتم و ادای گریه کردن رو در آوردم...

بی حوصله دوباره گوشیمو برداشتم و به رها اس ام اس دادم :

- من که هیچی نمیفهمم؛
تو چیزی بلدی؟!

بعد از چند دقیقه جواب داد :

-یه چیزایی و میدونم فقط..
اونطوری که باید بلد نیستم!

ایموجی گریه براش فرستادم و نوشتم :

- وای بدبخت شدیم؛ حالا چیکار کنیم؟!

ایموجی خنده داد و مثل همیشه بیخیال گفت :

+ هیچی!

تهش اینه خراب میکنیم دیگه...

واسه رها رها کردن امتحان به اون راحتی بود!

اون که نمی‌دونست من تو چه باتلاقی گیر افتادم...

با زاری گفتم :

- وای نه من بدبخت میشم...

نمیبینی خانوم ناظم چقدر با من بده؟!

رها با کنایه گفت :

+ بله یادم نبود!

با اون گندی که تو زدی بایدم بد باشه باهات...

بلافاصله جواب دادم :

- وایییی تورو خدا یادم نیار ...

ترسیده بودم نفهمیدم چیکار می‌کنم!

با تاخیر جواب داد :

+ آره ولش...

بریم بخونیم بهتر از هیچیه!

ویرایش شده

358.1K

Noushin -

22:06

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »

سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت277 صفحه ی...

میوناسور<<<<<< 😊 🙄:joy:

357.6K

Noushin -

22:16

پارت جدیدو خوندی قشنگم؟!::fire::speak_no_evil:❄️

356.5K

Noushin -

22:17

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »

سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت278 کلافه ...

پنجشنبه، 5 مهر 1403

#crescent_moon::sunflower::Porf:

دوست داشتن آدما از توجهشون پیدااست؛

بیخودی دنبال کلمات نباشید ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

343.9K

حمیده

6:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه سوال...

- چرا هیچ کس شبیه حرف هاش نیست؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

339.6K

Mozhi

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شانس و بد شانسی عین همدیگه هستن؛
دقیقا وقتی بهشون نیاز نداری میان سراغت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

336.7K

Mozhi

11:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سازمان هوا شناسی طی بیانیه ای اعلام کرد :
- یکم هوای همدیگه رو داشته باشین!!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

334.7K

حمیده

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زیادی خوبی کردنم تهش داستانه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

330K

.Delvan

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تمیز بودن؛ مرتب بودن و بوی خوش دادن؛ از خوشگل بودن مهم‌تره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

329K

.Delvan

17:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حواست و جمع کن و ببین؛ وقتی برنده میشی کی واست دست
نمیزنه؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

330.3K

nini

19:18

🦋..Hello

329.5K

Noushin -

21:55

:stuck_out_tongue_closed_eyes::balloon:!!؟!!؟ قشنگااا!!؟

ویرایش شده

330.9K

Noushin -

21:59

گیف

:sunglasses::cherry_blossom:!!؟ بعدی بریم

331.5K

Noushin -

22:02

« تو سالیوان منی...!♡🍀 »

سالیوان من 🍀:sparkles: #پارت278 کلافه ...

نیستید که... 🙄👉

333K

Noushin -

22:05

بی تربیتا

336.4K

Noushin -

22:07

پارت داریم دااااغ داااااغ!!!🙄:fire:

338K

Noushin -

22:11

:Let's go...🙄:maple_leaf

344K

Noushin -

22:15

سالیوان من 8:sparkles:

#پارت 279

از لحنش مشخص بود که تمایلی به چت کردن نداره، به خاطر همین منم دیگه جوابشو ندادم...

حق داشت از دستم عصبی باشه شاید اگه منم جای اون بودم واکنش بدتری نشون میدادم..

ولی خب واقعا وقتی تو اون شرایط قرار گرفتم مغزم به هیچ چیز دیگه ای دستور نداد!

اصلا به عاقبت و نتیجه حرفی که زدم فکر نکردم...

پوفی کشیدم و کتاب و بستم...

بسلامتی من که هیچی حالیم نیست؛ حالا چطوری فردا یه نمره ای بگیرم که پام به دفتر باز نشه؟!

با خوندن که به جایی نمی‌رسیدم باید راه بهتری پیدا میکردم..

راهی مثل تقلب...

کلاس من ۳ تا خرخون بیشتر نداشت؛ یکیش مهسا، یکی دیانا و اون یکی فاطمی بود...

قسمت جالب قصه اینجا بود که از شانس بسیار زیبام هیچکدوم از این سه نفر باهام رفیق نبودن...

با حرص خندیدم و بلند گفتم :

- بدبخت شدنت مبارک پناه جون...
فردا دیگه حتما اخراجی!

از روی ناچاری دوباره کتاب و باز کردم...

هرطور که شده باید در حد پاس شدن می‌خوندمش...

دقیقا درسی و امتحان داشتیم که من سر کلاسش حاضر نبودم تا چیزی هم فهمیده باشم...

همونطوری مشغول خوندن بودم که صدای مامان رو شنیدم :

+ پناه پاشو بیا شام بخور...

انقدر استرس داشتم و غرق خوندن بودم که اصلا جوابشو ندادم..

چند دقیقه بیشتر نگذشته بود که در اتاقم با شدت باز شد و به دیوار خورد...

گیج نگاهمو سمت در چرخوندم که با دیدن مامان اونم درحالی که

دستشو به کمرش زده بود و داشت نگاهم میکرد؛ ناخودآگاه خندم گرفت و گفتم :

- چیزی شده؟!

348.9K

Noushin -

22:16

« تو سالیوان منی...! ♥ ❁ »

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت278 کلافه ...

-:sparkles:♥

ویرایش شده

348.2K

Noushin -

22:30

پارت جدیدو خوندی زیبای من؟!::relieved::yellow_heart:

347.3K

Noushin -

22:30

« تو سالیوان منی...! ♥ ❁ »

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت279 از لحن...

جمعه، 6 مهر 1403

#crescent_moon::sunflower::Porf:

از رفتن هیچکس ناراحت نشید؛ آدما دنبال لیاقتشون می‌رن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

331.7K



10:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به یه نفر شانس دوم دادن یعنی یه گلوله دیگه بهشون بدی؛ چون اولی
خطا رفت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

330.8K

حمیده

12:07

:Porf:sunflower::crescent_moon#

این چیزی که شبا از چشمم میوفته اشک نیست؛ تویی...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

333.5K

حمیده

13:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیگه قهوه و انرژی زا روم تاثیری نداره؛ وقتشه بشینم پای تریاک...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

330.7K

♥ nil

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ته کشیده‌ام از کلمات؛

چشم‌هایم را بخوان...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

330.3K

Noushin -

19:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برای همه "No Time" ؛ برای تو "24/7" ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

329.4K

Noushin -

21:50

سلام سلام!!! 🌸:sparkles:

328.2K

Noushin -

21:52

عرض ادب فسقلیا.. 🐼:cherry_blossom:

328.8K

Noushin -

21:54

بیدارید که؟!

333.9K

Noushin -

21:55

الهی بگردم؛ شکست عسلی خوردید؟! 🐼❤

ویرایش شده

336.1K

Noushin -

22:03

خب خب...

340.8K

Noushin -

22:03

:sunglasses::interrobang:؟! این پارتو خوندید بریم بعدی؟!

355.7K

Noushin -

22:04

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »

سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت279 از لحن...

@stuck_out_tongue_closed_eyes:... پارت پارت...

378.8K

Noushin -

22:07

:sparkles: ❄️ سالیوان من

#پارت280

با حرص و تاسف سری واسم تکنون داد و با حالتی از نا امیدی نگاهم کرد
و گفت :

+ مگه صدات نمیکنم می‌گم بیا شام بخور؟!

اگه با دیوار بودم زودتر به جواب می‌رسیدم!

آخ آخ کند زدم...

زود به کتابم اشاره کردم و با ناراحتی گفتم :

- ببخشید مامان...
فردا امتحان دارم و هیچی نخوندم!
اصلا وقت نمیکنم غذا بخورم هرطور که شده باید چند صفحه شو
بخونم...

+ حالا 10 دقیقه غذاخوردن باعث میشه وقتت گرفته شه؟!
کسی با چند دقیقه بیشتر خوندن نابغه نشده ها...

سرم و دوباره تا ته کردم تو کتابو تو همون حال گفتم :

- مامان می‌شه بری بیرون؟!
من فعلا اشتها ندارم..
درسم تموم شه خودم میام می‌خورم...

مامان خواست چیزی بگه که حرفشو قطع کردم و فوری گفتم :

- توروخدا برو...

دیگه حرفی نزد و با همون اخم های درهم از اتاق بیرون رفت و درو
محکم تر از قبل بست...

بیخیال ناراحتی مامان شدم و شروع کردم به درس خوندن...

بعدا می‌تونستم از دل مامان دربیارم..

یکی دو ساعتی گذشته بود که سخت مشغول درس خواندن بودم..

با احساس خستگی بیش از حدی که سراغم اومده بود، خمیازه ای کشیدم و کتاب و بستم...

به ساعت اتاق نگاهی انداختم که دیدم عقربه ها از نیمه شب گذشته..

باینکه کلی درس خونده بودم ولی چون مغزم خسته شده بود حس می کردم بازم چیزی نمی فهمم...

کتاب و برداشتم و محکم پرتش کردم اونطرف و بلند گفتم :

- اه تف تو هرچی درس و مدرسه س بابا!!!
ول کن اصلا هرچی شد شد..

گوشیم و برداشتم تا ببینم کیهان پیامی چیزی داده که انگار نه انگار ...
از اونم خبری نبود...

باینکه شام نخورده بودم ولی گشتم هم نبود..

البته ناگفته نماند انقدر حرص خورده بودم که سیر شده بودم...

پوفی کشیدم و خودمو روی تخت پرت کردم تا بخوابم...

383K

Noushin -

22:18

› تو سالیوان منی...! ♥ 🌸 ‹

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت279 از لحن...
شخصیت آقا کیهان...:sparkles: 🌸:sunglasses:
ویرایش شده
381.5K

Noushin -

22:33

🌸 😊 ...nEw PaRt

ویرایش شده
379.4K

Noushin -

22:34

› تو سالیوان منی...! ♥ 🌸 ‹

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت280 با حرص...
شنبه، 7 مهر 1403
•:TweeT •:joy::sunflower#

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
374.3K

Noushin -

0:17

کینه ای نیستم؛ جبران لطفه:(((😊 😊 ...

373.8K

Noushin -

0:18

« تو سالیوان منی...! ♥ ❀ »

تصویر, @SaLiVanMaNi# •• joy::sunflower::TweeT ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچوقت دنبال دیده شدن نباش؛ در عوض دیدنی باش...!

• SaLiVanMaNi@ ••

368.4K

حمیده

6:44

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همیشه دلم انتقام میخواست تا وقتی که فهمیدم؛ خدا یکم محکم تر از

من میزنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

366.5K

Mozhi

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سکوت ما کتابیست که خواندن و فهمیدن آن؛ کار هر کسی نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

366.2K

Mozhi

11:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من یه رابطه‌ای میخوام؛ که همه دنبال آدرس دعانویسم بگردن...

• SaLiVanMaNi@ ••

365.8K

Mozhi

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

منو با فاصله گرفتن تست نکنید؛ آدم جالبی نیستم زود عادت میکنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

360.7K

Noushin -

16:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دوست دارم که خودم را ز خودم دور کنم؛ خود من با خود من در خود
من می‌جنگد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

358.7K

nini

19:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو بازاری مرد بمون؛ که توش پرچم نامردا بالاست..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

355.5K

Fati/Ayda

21:46

یکشنبه، 8 مهر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

+ امروز چیکار کردی؟!

- زنده موندم....!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

343.2K

حمیده

7:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضیا خیلی ضایع دروغ می‌گن؛ ولی ما تو ذوق بچه نمی‌زنیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

342K

Mozhi

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انقدر بلند تشویقت می‌کنم؛ که نفهمی کیا تشویقت نکردن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

341.6K

Mozhi

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضی‌ارو که می‌بینم؛ تازه می‌فهمم چقدر آدم خوبی‌م...

• SaLiVanMaNi@ ••

343.7K

Noushin -

14:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدمای ضعیف هرگز نمیتونن ببخشن، بخشش ویژگی آدمای قویه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

340.8K

 NAHAL

15:57

دوشنبه، 9 مهر 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

رفیق همون دشمنه؛ با این فرق که وقتی انتظارشو نداری ضربشو
میزنه...

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
321.2K
Noushin -
10:41

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه نفر آدمم و یه لشکر استرس...!

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
322.4K
Noushin -
10:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه انقد کینه ایم؛ که شتر واسه کلاس خصوصی میاد پیشم...

• SaLiVanMaNi@ ••

323.2K

Mozhi

12:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عجب گفتن پسرا به اندازه اوکی گفتن دخترا ترسناکه...

• SaLiVanMaNi@ ••

323.5K

Mozhi

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مثل سگ که دروغ می‌گی؛ حداقل مثل همون سگ با وفا باش...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

316.5K

sadra

17:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شما مواظب باش تو استوریات به خودت فحش ندی؛ تیکه به ما
پیشکش...

• SaLiVanMaNi@ ••

318.5K

MoStAfA -

19:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نه میشه موند؛ نه میشه رفت؛ نه میشه مُرد؛ نه میشه زندگی کرد...

• SaLiVanMaNi@ ••

318K

Noushin -

21:48

:Hi...👁️:cherry_blossom

318.6K

Noushin -

22:02

چطورید خوشگلاااا؟؟!::yum::balloon:

319.2K

Noushin -

22:07

من اومدماااااا..

323.8K

Noushin -

22:12

325.7K

Noushin -

22:13

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ 🍀 »

من اومدماااااا..

ای داد؛ نیستید؟!

326.3K

Noushin -

22:20

مثل روز و شب بهم وابسته ایم انگار...

329.8K

Noushin -

22:22

تو مثل مهتابی توی آسمونم :(((😊 🌙 ...

343.8K

Noushin -

22:22

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ 🍀 »

مثل روز و شب بهم وابسته ایم ان...

بریم پارت کیوتام؟! 😊 🌙

354.6K

Noushin -

22:25

سالیوان من 8:sparkles:

#پارت 281

خمیازه ای کشیدم و از جام بلند شدم و لامپو خاموش کردم و دوباره به
تختم برگشتم...

با خستگی پتو رو روی سرم کشیدم و چشم هام رو بستم...

یکم تو جام وول خوردم و خمیازه ی بعدی و که کشیدم؛ نفهمیدم کی و
چطوری خوابم برد....

+++++

- نه خانوم تورو خدا منو اخراج نکنید!!!
بخدا من توضیح میدم واستون...

خانوم ناظم عصبی بین حرفم پرید و داد زد :

+ ساکت باش ببینم...

حنات دیگه پیش من رنگی نداره!
برو وسایلاتو جمع کن و گورتو از این مدرسه گم کن...

با گریه و التماس گفتم :

- چرا خانوم؟!
مگه من چیکار کردم اخه؟!

هق زدم و با لحنی که دل سنگم آب می‌کرد ادامه دادم :

- چرا مسائل شخصی و به کارتون ربط میدید؟!
حالا چون من با پسرتون رفیقم باید منو از مدرسه اخراج کنید؟!

با این حرفم انگار آتیشش زده باشم که جلو اومد و مانتومو گرفت و
عصبی داد زد :

+ گمشو بیرون ببینم دختره بی چشم و رو...

گفت و بدون اینکه بهم فرصت بده همونطور که منو به سمت در خروجی
می‌کشید ادامه داد :

+ دختره ی بی حیا...
خجالت نمیکشی جلوی بزرگترت از این حرفا میزنی؟!

از در پرتم کرد بیرون و همزمان داد زد :

+ تو بیخود می‌کنی می‌گی با پسر من رفیقی...

زجه زدم و خواستم چیزی بگم که...

357.6K

Noushin -

22:26

« تو سالیوان منی!..! ♥ 🦋 »

سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت280 با حرص...

وقتی پناه کوچولوی شیطان عاشق

عکس گرفته :joy::sunglasses:📷

ویرایش شده

356.9K

Noushin -

22:41

🦋 🌙 . . . nEw

356.6K

Noushin -

22:43

« تو سالیوان منی!..! ♥ 🦋 »

سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت281 خمیازه...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش بفهمین هرکی با روی باز جوابتونو میده؛ لزوماً نمیخواد عروس
ننتون بشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

353.8K

♥ nil

23:55

سه شنبه، 10 مهر 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

شما گرگ هستی قبول؛ ولی اینجا باغ وحش نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

348.5K

حمیده

6:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچکس توی زندگیت کمکت نمیکنه؛ تنها حامی همیشگیت خودتی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

346.7K

ح ح

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه باید بگم که قلبتم مثل وعده هات؛ پوچ و خالیه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

346.9K

Mozhi

11:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کارما یعنی؛

با یکی مثل خودت رو به رو شی!!!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

345.1K

Mozhi

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سلیطه باشید؛ آدم آروم گُلاهِش پس معرکه ست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

338.4K

👤 Naz

16:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

منطق دخترا اینجوریه که :

- یه لباس رو دو بار نمیپوشن، ولی به یه دلک 48 بار فرصت میدن!...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

337.5K

👤 Naz

17:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تاریختون گذشته بود؛ عیب از ما بود که بهتون اعتبار دادیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

337.6K

nini

19:26

:Porf:sunflower::crescent_moon#

منو تو حال بدم اذیت نکنید؛ حالم خوب شه شلوارتونو دور گردنتون
پاپیون میکنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

335.7K

- aida

21:46

چهارشنبه، 11 مهر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خدارو چه دیدی؟!

شاید یه شبم ما تا سرمونو گذاشتیم رو بالش خوابمون برد...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

324.8K

Mozhi

6:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

درخت از برگ خسته شد :

پاییز و بهونه کرد..!

• SaLiVanMaNi@ ••

324.4K

Mozhi

10:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه تورو مقصر جلوه میده؛ برا آروم کردن وجدان خودشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

323.9K

♡ ح ٠

11:57

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من مغرور نیستم تکلیف اعصاب دارم؛ کسی یادم نکنه منم یادم میره
کی بود...

• SaLiVanMaNi@ ••

317.1K

Noushin -

16:12

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر وقت به حس شیشم خودم اعتماد نکردم؛ با پنج حس دیگه تاوانش
رو دادم...

• SaLiVanMaNi@ ••

316.9K

Niyaz

18:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به هیچکس شانس دوباره نده؛ اونی که بهت صدمه زده دفعه بعدی
میگشتت...

• SaLiVanMaNi@ ••

316.2K

Niyaz

19:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه خوبم بودید با سودش جبران شده؛ پس منتهی نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

316.3K

Fati/Ayda

21:48

گفتم که یار نازنین شیشه ی دلم چی میشه؟!

311.2K

Noushin -

23:57

پنجشنبه، 12 مهر 1403

گفت که دیگه خسته شده با سنگ زده به شیشه..

312.7K

Noushin -

0:02

منم عکساشو پاره کردم! :eyes:👁️

313.5K

Noushin -

0:03

نامه هاشو پاره کردم :(((👁️:scissors:

314.4K

Noushin -

0:05

:sunglasses::bulb:!!! فکر یه چاره کردم

317.1K

Noushin -

0:07

Akshash O Pareh Kardam.mp3

3:23

Bache •

320.6K

Noushin -

0:10

:joy:😊 چاره ش پاره...:joy:

326.8K

Noushin -

0:10

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❄ ›

:sunglasses::bulb:!!! فکر یه چاره کردم

جوووون

328.9K

Noushin -

0:13

:dizzy_face::dizzy::yellow_heart:!!؟ هستید!

339.4K

Noushin -

0:13

:sparkles:💎 سالیوان من

زجه زدم و اومدم چیزی بگم که...

+ پناه پناه؟!!

با شنیدن صدای مامان چشمام و باز کردم و گیج به دور و برم نگاه کردم..

من کجا بودم؟!!

هنوز ویندوزم بالا نیومده بود که مامان ترسیده دستی به پیشونی عرق کرده ام کشید و گفت:

+ خوبی؟!!

چرا انقدر تو خواب هزیون میگفتی؟؟؟

پس همش خواب بود!

خواب که چه عرض کنم؛ یه پا کابوس بود برای خودش...

نفسی از سر آسودگی کشیدم و همونطور که بدنم و کش و قوس می‌دادم گفتم :

- چیزی نیست؛

داشتم خواب بد می‌دیدم...

مامان به ساعت رو دیوار اشاره کرد و گفت :

+ خب حالا دیگه کم کم بلند شو؛
باید بری مدرسه دیرت میشه...

سری به نشونه ی تایید تکون دادم که خوشبختانه مامان هم بیشتر از
این کشش نداد و بلند شد و از اتاق رفت بیرون...

بعد از رفتنش سرجام نشستم و دستمو روی پیشونیم کشیدم و با
کلافگی زمزمه وار گفتم :

- این چه خواب کوفتی بود من دیدم؟!
اگه واقعی بشه چی؟؟؟

من چه جوابی می‌تونستم به مامان بدم؟!

هوفی کشیدم و پتو رو کنار زدم و از جام بلند شدم..

به سمت آینه رفتم و به چهره ی خواب آلودم نگاه کردم و گفتم :

- خدا امروز و بخیر کنه!

از اتاق رفتم بیرون و وارد سرویس شدم تا آبی به دست و صورتم بزنم...

اول کار واجبمو انجام دادم و بعدش شیر آب و تا ته باز کردم...

سرم و کج کردم تا صورتم کامل زیر آب بمونه...

آب سرد و باز کرده بودم تا یکم حالم جا بیاد و این خستگی و رخوت از تنم بره..

یکم که بهتر شدم نفس عمیقی کشیدم و با حوله صورتم و خشک کردم و آخیشی گفتم...

پر انرژی از سرویس بیرون اومدم که...
ویرایش شده
341K

Noushin -
0:21

« تو سالیوان منی...! ♥ ❀ »
سالیوان من ❀:sparkles: #پارت 281 خمیازه...
پناه نازم ؛:cherry_blossom::relieved:👉
339.6K

Noushin -
0:33

(1.5MB) 0:04

پارت جدیدو خوندی دخترم؟! :sunglasses:❀
ویرایش شده
339.3K

Noushin -

0:33

› تو سالیوان منی...!♡🌸‹

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت282 زجه زد...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

تماشاگرتان خواهم بود؛
زمانی که تاوان همه چیز را خواهید داد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

335.4K

Mozhi

6:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به اونایی که ما رو فروختن بگید :
- ما شما رو صدقه دادیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

329.1K

Mozhi

10:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاکتوس را نیازی به آغوش هیچ بادکنکی نیست...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

323.3K

Mozhi

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آره آدمای خوبن؛ ولی تا وقتی که بهتر از تو گیرشون نیاد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

319.7K

Niyaz

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضیا شبیه مسائل ریاضین ؛ راه حل طولانی و حاصل صفر ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

317.7K

Noushin -

18:10

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ما حتی سقوطمونم از پرواز خیلیا تماشایی تره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

322.3K

nini

19:28

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر با احساسی آینده‌ای داره و هر بی‌احساسی گذشته‌ای...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

326.7K

sadra

21:48

جمعه، 13 مهر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه دشمن نداشتم؛ باید به قدرت خودم شک میکردم....!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

318K

Mozhi

7:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه چسب زخم نیستی؛ حداقل ناخنتو رو زخمم نکش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

308.9K

Mozhi

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زیادتر از موجودیمون برا بقیه خرج کردیم؛ طلبکارم شدیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

303.1K

Niyaz

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برای خود زندگی کنیم؛ نه برای نمایش دادن آن به دیگران...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

302K

Niyaz

17:53

اع سلام...

299.6K

Noushin -

19:00

اع خدافظ 😊

299.8K

AsA

19:02

« تو سالیوانِ منی...! ♥ 🍀 »

اع سلام...

بی تربیت:joy::unamused:

300.1K

Noushin -

19:02

« تو سالیوانِ منی...! ♥ 🍀 »

اع خدافظ 😊

پارت آوردی یعنی؟! 😊:cherry_blossom:

300.5K

AsA

19:07

« تو سالیوانِ منی...! ♥ 🍀 »

بی تربیت:joy::unamused:

با اجازه گوه خورا؛ نه یعنی پیگیرا

بله:stuck_out_tongue_closed_eyes:👅

300.9K

Noushin -

19:11

« تو سالیوانِ منی...! ♥ 🍀 »

پارت آوردی یعنی؟! 😊:cherry_blossom:

اومدید؟! 🤔

301.9K

Noushin -

19:20

همین جا بمونید

ویرایش شده

303.6K

Noushin -

19:38

سالیوان من: sparkles: 88

#پارت 283

خواستم به اتاقم برم تا هرچه زودتر حاضر شم و برم مدرسه که با شنیدن صدای مامان به طرفش چرخیدم :

+ پناه؟!

نچ مثل اینکه آب سردم کافی نبود!

خمیازه ای کشیدم و بعد که به خودم مسلط شدم گفتم :

- جان؟!

ریزبینانه نگاهی به سر تا پام کرد و گفت :

+ خوبی؟!

برای اینکه به چیزی شک نکنه سرم و به نشونه تایید تکون دادم و همزمان گفتم :

- آره خوبم؛

چطور؟!

با چند قدم بلند اومد نزدیکم و با دستاش صورتمو قاب گرفت و گفت :

+ خوب بنظر نمیای...
رنگ و روت مثل گچ دیوار شده...

لبخند ساختگی زدم و سعی کردم ناراحتیم و تو صدام نشون ندم :

- نه نه اوکییم...
شاید چون شب دیر خوابیدم اینطوریه!

اخمی کرد و با حرص گفت :

+ صد دفعه نگفتم شبا زودتر بخواب؟!
حتما باید با کفگیر بیوفتم به جونت؟!

لبخندی زدم و بوسه ای رو لپاش نشوندم و گفتم :

- چشممممم..
قول میدم دیگه دیر نخوابم!
حالا برم خانومی؟!

پوفی کشید و گفت :

+ خب حالا برو لباساتو بپوش و بیا به چیزی بخور..

بعد باید بری مدرسه تا دیرت نشده!

فوری سری تکنون دادم و برای اینکه دیگه به چیزیم گیر نده به طرف
اتاقم دوپیادم..

306.3K

Noushin -

19:49

› تو سالیوان منی!..! ♡ ♡›

سالیوان من ♡:sparkles: #پارت282 زجه زد...

دلیل ضربان قلبمی:(((♡ ♡...

ویرایش شده

306.9K

Noushin -

19:58

پارت جدیدو خوندی بیبی؟!:sunglasses: ♡

306.9K

Noushin -

19:58

› تو سالیوان منی!..! ♡ ♡›

سالیوان من ♡:sparkles: #پارت283 خواستم...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حسادت رفیق؛

از رقابت رقیب خطرناک تره!..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

304.1K

Fati/Ayda

21:47

ساعت 00:00 پارت داریم!!! 🤪🦋:link:

303.2K

Noushin -

22:03

:Hi:stuck_out_tongue_closed_eyes::cherry_blossom

298.9K

Noushin -

23:52

« تو سالیوان منی!..! 🤪❤️ »

ساعت 00:00 پارت داریم!!! 🤪🦋...💎?

خوابید یا جغدید؟! 🤪:joy:

نظرسنجی

خوابیممم

جغدیممم

6256 رای

299K

Noushin -

23:56

شنبه، 14 مهر 1403

فردا باید برین مدرسه هاااا

300.7K

Noushin -

0:02

‹ تو سالیوان منی!..! ♥ ❄ ›

خوابید یا جغدید؟! 😴 ❄

بیاید یه پارت بخونید بعد برید لالا:zzz:sleeping:

303.6K

Noushin -

0:08

هستید قشنگام؟! 🧐:link:

305.1K

Noushin -

0:09

جونم؛ بریممم؟! :sunglasses:🕶

308.7K

Noushin -

0:13

سالیوان من ❄:sparkles:

#پارت284

با حوصله موهام و شونه کردم و مثل همیشه دوتا بافت تیغ ماهی
روشون زدم...

همزمان که داشتم لباسامو میپوشیدم گوشیم و چک کردم تا ببینم
پیامی برام اومده یا نه..

با دیدن نوتیف و اسم کیهان بالای صفحه گوشیم جیغی از خوشحالی کشیدم و با ذوق پیامش رو باز کردم...

+ سلام صبح بخیر بانو ...

دستم و روی قلبم گذاشتم و ادای غش کردن در آوردم..

واو چه جنتلمن!

با نیشی که نمی‌تونستم جمعش کنم فوری جواب دادم :

- سلام صبح توام بخیر...

همونطور خیره به صفحه گوشی نگاه می‌کردم که در عرض چند ثانیه جوابش اومد :

+ می‌دونستی دارم برای جنگ آماده میشم؟!

با تعجب و نگرانی نوشتم :

- چه جنگی؟!
اتفاقی افتاده؟!

برخلاف دفعه قبلی این بار هرچقدر منتظر جوابش موندم خبری نشد..

با دیدن ساعت فهمیدم که بیشتر از این نمی‌تونم معطل جوابش
باشیم وگرنه مامانش تو مدرسه رام نمی‌داد!

بیخیال گوشیم شدم و با سرعت بالایی مشغول آماده شدن، شدم...

حدودا یه ربعی طول کشید تا لباسامو پوشیدم و کتابامو مرتب کردم و از
اتاق بیرون رفتم...

با دیدن مامان و پیمان که مشغول صبحانه خوردن بودن؛ به سمتشون
رفتم و صندلی کنار پیمان رو بیرون کشیدم و روش نشستم..

به محض نشستن من پیمان بلند شد و گفت :

+ خب مامان کاری نداری؟!
من برم سر کار دیرم شده...

از اونجایی که مامان دهنش پر بود؛ دستشو جلوی دهنش نگه داشت و
گفت :

+ نه مادر برو؛
مراقب خودت باش...

پیمان نگاهی به من انداخت و گفت :

+ تو چی جوجه؟!
کاری نداری باهام؟!

لبخندی زدم و با حس خوبی که از رفتارش گرفته بودم گفتم :

- نه برو بسلامت...

مراقبت کن

311.3K

Noushin -

0:21

« تو سالیوان منی!...! ♥ 🌸 »

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت283 خواستم...

بغل تو امن ترین پناه منه:(((🌸 🌸 ...

ویرایش شده

310.4K

Noushin -

0:38

♥:nEw PaRt...:rabbit

309.9K

Noushin -

0:38

« تو سالیوان منی!...! ♥ 🌸 »

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت284 با حوص...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من مثل عدد یک جدول ضربم؛ به هیچکس بیشتر از حدش بها
نمیدم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

306.8K

Mozhi

6:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فاز عقاب؛ ادای گرگ؛ رخ کلاغ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

304.5K

Mozhi

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

این حجم از پیگیر بودنونو که میبینم؛ کرک و پرم میریزه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

304.5K

Mozhi

11:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

طرف یجوری میگه من وقتی عصبی میشم هیچی حالیم نیست؛ انگار
وقتی عصبی نیست خیلی حالیشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

303.5K

Mozhi

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پررنگ‌ترین خط قرمز حرمت؛ حرمت که شکسته شد دیگه نباید راه
ارتباطی بمونه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

300K

Niyaz

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اونقدر مهم نیستی که بخوام برات توضیح بدم؛ چون تویی اشتباه
برداشت کن...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

300.6K

Niyaz

17:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بخشنده باش؛ فهمیده باش؛ مهربون باش؛ اما احمق نباش...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

303.6K

nini

19:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرجا تونستی تصمیم آخرو به خدا واگذار کنی؛ برنده ای...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

302.3K

Fati/Ayda

21:48

من که نازتو گرون میخرم...

298.6K

Noushin -

23:48

سنگتو به جون میزنم 🤪:cherry_blossom:

300.3K

Noushin -

23:52

پارتم که آوردم واست... 🤪 🤪

301.4K

Noushin -

23:53

« تو سالیوان منی!..! 🌸 »

سنگتو به جون میزنم 🤪:cherry_blossom:

دیگه چی میخوای؟!::dizzy::stuck_out_tongue_closed_eyes:

308.3K

Noushin -

23:55

318.4K

Noushin -

23:58

› تو سالیوان منی...!♡🌸

دیگه چی میخوای؟!::dizzy::stuck_out_tongue_closed_eyes:

یکشنبه، 15 مهر 1403

اومدید؟!!

332.1K

Noushin -

0:00

سالیوان من 🌸:sparkles:

#پارت285

بعد از رفتن پیمان منم با عجله صبحونمو خوردمو یه لقمه ی کوچیک
برای خودم گرفتم...

همزمان که بلند می شدم با استرس به مامان گفتم :

- من برم دیرم شد قربونت برم؛

کاری نداری؟!!

مامان سری به نشونه ی منفی تکون داد که بوسه ای رو لپش زدم و
ازش خداحافظی کردم و مثل جت از خونه زدم بیرون...

همونطور که با عجله توی کوچه راه می رفتم به این فکر می کردم که چه
بلایی قراره به سرم بیاد؟!!

یعنی خانوم ناظم چیکارم می کنه؟!!

سرم پایین بوا و همونطور که سخت مشغول فکر کردن بودم خیلی زود
به خیابون رسیدم..

خواستم از خیابون رد بشم و برم سمت دیگه ولی هنوز ی قدم بیشتر
برنداشته بودم که با صدای بوق ماشینی توجه ام بهش جلب شد...

با خیال اینکه مزاحمه پوفی کشیدم و بی توجه بهش خواستم راهمو برم
که باز بوق زد...

کوچک ترین نگاهی بهش نکردم و خواستم زود از اونجا برم که ماشین
حرکت کرد و تا بتونم فاصله بگیرم دور زد و درست جلوی پام وایستاد..

بدون اینکه نگاهی به سمت راننده بندازم عصبی شدم و بلبل داد زدم :

- هوی مرتیکه مگه کوری؟!
بکش کنار میخوام رد شم...

با اخمای توهم منتظر به ماشین نگاه می کردم تا شاید بکشه عقب...

برو بر زل زده بودم بهش که یهو شیشه ی ماشین پایین اومد و با دیدن
قیافه ی خندون کیهان چشمام از تعجب گرد شد..

خیره به صورت مبهوت و اخموی من خندید و با لحن حرص دراری گفت :

+ اوه اوه اخماشو نگاه!!!

با لود وضعیت فوری خودم و جمع و جور کردم و ناخودآگاه لبخندی زدم و گفتم :

- عه تویی؟!
ببخشید فکر کردم مزاحمه...

همونطوری که با لبخند نگاهم میکرد گفت :

+ ای جان!!!
335K

Noushin -
0:07

« تو سالیوان منی...! ♥ ✨ »
سالیوان من ✨:sparkles: #پارت284 با حوص...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

قطع کردن ارتباط با کسی که قدر تو نمیدونه، باخت نیست، یه بُرد بزرگه...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
327.9K
Mozhi
6:13

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه کسی خواست بره؛ خودت درو برای رفتنش باز نگه دار...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

323.7K

🔥 Crazy

10:27

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من تلاش کردم همه چیز رو درست کنم؛ ولی دیگه زورم به نخواستن تو
نرسید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

323K

🔥 Crazy

12:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جایی باش که مورد «توجه» باشی؛ نه مورد «تحمّل»...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

322.5K

🔥 Crazy

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

می‌دونن به من نمیرسن؛ میگن مثل تو زیاد هست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

316.8K

Niyaz

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خسته از جماعت زنده کش مرده پرست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

317.1K

Niyaz

17:45

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ذهن زیبا داشته باش؛ ظاهر زیبا رو همه دارن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

317.6K

Niyaz

19:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از من فاصله نگیر؛ لطفا کلا محو شو ...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

315.1K

Fati/Ayda

21:47

دوشنبه، 16 مهر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فدای سرم اگه یه جاهایی خراب کردم؛ منم بار اولمه که دارم زندگی

می‌کنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

304.6K

Noushin -

6:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برا کسی که تو رو تو تاریکی رها کرده؛ چراغ قوه نباش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

302.2K

sadra

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آنکه را ارزش دهی انسان بماند آرزوست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

302.2K

sadra

11:43

:Porf:sunflower::crescent_moon#

میزان تلخی حرفا؛ به این مربوطه که از کی بشنویش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

301.8K

🔥 Crazy

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سکوت آدما؛ نتیجه ی خسته شدن از توضیح دادنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

297.5K

Niyaz

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با همه حرف بزن؛
ولی هر حرفی رو با همه نزن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

297.6K

Niyaz

17:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من خیلی راحت آدمارو بخاطر سلامت روانم حذف میکنم؛ پس بهونه
دستم نده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

302.2K

nini

19:18

الو الو؟!

292.5K

Noushin -

23:50

صدا میاد؟! :eyes:

292.5K

Noushin -

23:53

نشستم به در نگاه می‌کنم...

292.5K

Noushin -

23:58

سه شنبه، 17 مهر 1403

هیچ اتفاق خاصیم

:stuck_out_tongue_closed_eyes::cherry_blossom: نمیوفته

294.9K

Noushin -

0:00

« تو سالیوان منی...! ♥ ❄️ »

نشستم به در نگاه می‌کنم...

درم مگه آه میکشه آخه?!:neutral_face:👁️

295.5K

Noushin -

0:02

:sunglasses::bangbang: از بحث اصلی دور نشیم

296.6K

Noushin -

0:04

:earth_africa:🌍 پارت داریم!!!

301.1K

Noushin -

0:05

میقولیدش؟!

307.5K

Noushin -

0:07

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❄ ›

پارت داریم! 🌀:earth_africa:

سالیوان من ❄:sparkles:

#پارت286

همینطوری بدون پلک زدن نگاهش می‌کردم و اونم خیره به من بود...

همینطوری عین اسکلا زوم هم بودیم که بعد از چندثانیه به خودم
اومدم و با خجالت گفتم :

- ببخشید؛

من باید برم مدرسه دیرم شده...

کیهانم طوری که انگار با شنیدن صدام تازه به خودش اومده باشه نفس
عمیقی کشید..

با کلافگی گفت :

+ چی؟!

چرا یهو انقد پریشون شد؟!

دوباره حرفمو تکرار کردم که سری تکون داد و گفت :

+ بشین خودم میرسونمت...

از اونجایی که دیرم شده بود، برای اینکه زودتر برسم و توی راه هم با کیهان صحبت کنم بدون تعارف قبول کردم و رو صندلی جلوی ماشین نشستم ..

فوقش یه کوچه جلوتر از مدرسه پیاده می‌شدم دیگه..

تو مسیر که بودیم به خاطر سکوتی که هیچکدوم قصد شکستنشو نداشتیم از استرس گوشه های ناخنمو می‌کندم...

مثلا سوار ماشین شدم تا باهم حرف بزنیم!

تو همون وضعیت بودم که صداش و شنیدم :

+ چیکار میکنی؟!

سرمو بلند کردم و سوالی به کیهان نگاه کردم که ادامه داد :

+ چرا پوست دستتو می‌کنی؟!

لبخند ساختگی زدم و سعی کردم انگشتم و که زخم کرده بودم زیر مانتوم قایم کنم ..

- اها..

نه هيچي حواسم نبود...

همونطور كه رانندگي ميكرد با يه دستش دستمو گرفت و آروم گفت :

+ حيف اين دستاي قشنگت نيست؟!

با خجالت سرمو پايين انداختم كه توي يه حركت غير منتظره دستمو
نزديك صورتش برد و بي هوا روش و بوسيد...

بدون اينكه دستم و از لب هاش جدا كنه همونطور نگهش داشته بود..

كم مونده بود از خجالت آب شم و برم تو زمين...

متوجه خجالتم شد و دستمو روي پام گذاشت و بدون اينكه نگاهي بهم
بندازه به رانندگيش ادامه داد...

311.5K

Noushin -

0:08

› تو ساليوان مني...! ♥ ❄

ساليوان من ❄:sparkles: #پارت285 بعد از...

... ❄ ❄ ((:Boy Me

314.3K

Noushin -

0:27

(1.7MB) 0:07

پارت جدیدو خوندی قشنگم؟! 🌀:dizzy:

310K

Noushin -

0:27

« تو سالیوان منی!..! 🌀 ♥ »

سالیوان من 🌀:sparkles: #پارت286 همینطو...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه نه ظاهر دارین؛ نه باطن؛ تنها چیزی که دارین ادعاست...

• SaLiVanMaNi@ ••

303K

Noushin -

7:09

:Porf:sunflower::crescent_moon#

روزی سه بار تکرارش کنید :

- لازم نیست همه ادم ها منو دوست داشته باشن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

301.1K

sadra

10:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من آدمارو فراموش نمی‌کنم؛
فقط دیگه برام اهمیت سابق و ندارن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

300.6K

sadra

11:43

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر جا میرم؛ بی حوصلگی جلوتر از خودم اونجا لنگر انداخته..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

299.4K

💧 Crazy

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی دلم میخواد باشی؛ نیستی!
بعدا که دلم نمیخواد هم نباش لطفا...

• SaLiVanMaNi@ ••

294.1K

MaHNaZ²

15:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قبرستون ذهنم پر از آدماییه که؛ یه روز برام مهم بودن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

293.1K

Niyaz

17:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ادما خودشون باعث می‌شن؛ که باهاشون بد بشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

298.7K

nini

19:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه بهم بدی کردی و بهت خندیدم؛ دیگه هیچوقت بهم اعتماد نکن...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

296.8K

sadra

21:46

لای لالای لالای لالای...

291.8K

Noushin -

23:51

چهارشنبه، 18 مهر 1403

اع وا؛ بیدارید؟! :eyes:👁️

291.8K

Noushin -

0:02

دیگه چه بگویم؟!

292.8K

Noushin -

0:09

🐱:scream_cat:واى واى سر به کاکول به
293.3K

AsA

0:10

« تو ساليوان منى...!💖💎 »
ديگه چه بگويم؟!

يك خبر از من ببر هاى هاى 🐱🐱
295K

AsA

0:11

کاش از خدا چيز ديگه ميخواستم:joy:🐱
296.4K

Noushin -

0:11

« تو ساليوان منى...!💖💎 »

🐱:scream_cat:واى واى سر به کاکول به
تاا منووو داريبى:dancer::balloon:
298K

AsA

0:12

« تو ساليوان منى...!💖💎 »

کاش از خدا چيز ديگه ميخواستم:joy:...
حوريای من اومدين؟!💎💎
298.9K

Noushin -

0:12

غمی نداری 🤔🤝

301.9K

AsA

0:12

بمونی واسم قشنگوم 🤔:blue_heart:

310.8K

Noushin -

0:15

« تو سالیوان منی!..! 🤔💖 »

غمی نداری 🤔🤝

بریم پارت!!! 🤔:link:

321.2K

Noushin -

0:16

سالیوان من 🤔:sparkles:

#پارت287

دستم و که از خجالت و استرس خیس عرق شده بود مشت کردم و
نامحسوس روی مانتوم کشیدمش...

این چه کاری بود کرد؟!

هنوز حرارت لب هاش رو می‌تونستم روی دستم حس کنم...

سرم و محکم تگون دادم تا این فکرا ازش بیرون بره و با خجالت از
شیشه به بیرون نگاه کردم...

سعی کردم تا رسیدن به مدرسه حداقل امکان باهاش چشم تو چشم
نشم...

همونطور که به بیرون نگاه میکردم با کفشم رو کف ماشین ضرب گرفته
بودم و دعا دعا میکردم زودتر این مسیر کوفتی تموم شه و برسیم...

انگار قرار نبود این مسیر 10 دقیقه ای به پایان برسه...

سکوت بینمون که طولانی شد؛ تازه می‌خواستم نفس راحتی بکشم که
کیهان گفت :

+ پناه کوچولو چرا ساکته؟!

همچنان نگاهش نکردم و همونطور که خیره به رفت و آمد ماشینا بودم
گفتم:

- همینطوری؛ حرفی ندارم...

نمی‌دونستم چقدر توی پنهون کردن لرزش صدام موفق بودم ولی خب...

تک خنده ای کرد و گفت :

+ استرس داری آره؟!

خواستم جوابشو بدم که با دیدن در مدرسه مون حرفم تو گلو خفه شد و

ناخوداگاه با نگرانی برای دست به سر کردنش فوری گفتم :

- خب رسیدیم؛ ممنون که منو...

هنوز حرفم تموم نشده بود که در مقابل چشمای ناباورم گاز داد و در مدرسه رو رد کرد..

با تعجب و دهنی باز گفتم :

- کجا میری؟!

مدرسه من همون جا بودا...

کیهان همونطور که به روبه روش نگاه میکرد با خنده گفت:

+ فکر می‌کنی من نمیدونم محل کار مامانم کجاست؟!

بهت زده گفتم :

- خب چرا واینسادی؟!

من دیرم شده کیهان؛

لطفا دور بزن باید برم مدرسه...

میدونی که مامانت چقدر از دستم عصبیه!

بهتره بهونه ندیم دستش..

الان وقت این کارا نیست!

323.3K

Noushin -

0:23

› تو سالیوان منی!...! ♡ 🌸 ‹

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت286 همینطو...
بمونی برام؛ خب؟! 🤔:earth_americas::link:
321K

Noushin -

0:41

:nEw...:cherry_blossom::sparkles
319.6K

Noushin -

0:42

› تو سالیوان منی!...! ♡ 🌸 ‹

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت287 دستم و...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

احترامم سنگین بود؛ نتونست نگهش داره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

314.4K

Noushin -

7:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

احساسی باشی باختی؛ منطقی باشی شاید نبری ولی یقیناً نمی‌بازی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

312.8K

sadra

10:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حماقت یعنی؛ صداقت داشتن با کسی که سیاست داره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

313.2K

sadra

11:43

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اون کسی که همیشه امیدوار کننده‌ترین حرف‌هارو بهتون می‌زنه،
خودش تمام راه‌ارو رفته و از همه نا امیدتره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
312.1K
Mahla&mozhi
13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تراپی؟!
نه ممنون صدای دوست پسر هست...

• SaLiVanMaNi@ •
ویرایش شده
307.4K
Niyaz
16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها فرق ما با اصحاب کهف اینه که؛ اونا یه بار بیدار شدن و دیدن همه
چیز عوض شده؛ ما هر روز با چنین چیزی رو به رو می‌شیم...

• SaLiVanMaNi@ •
ویرایش شده
307.1K

Niyaz

17:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همین که یکی یکی دارین کم می‌شین؛ یعنی مسیرم درسته...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

309K

nini

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدما بخشیده می‌شن؛ ولی جایگاهشون دیگه بهشون پس داده
نمیشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

306.7K

Fati/Ayda

21:47

پنجشنبه، 19 مهر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

روانشناسی که هیچی؛ ما جانورشناسی هم یاد گرفتیم؛ ولی نشد بعضیا
رو بشناسیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

296.7K

sadra

7:36

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من فقط با آدمی که برام عزیزه بحث میکنم؛ از بقیه میگذرم و اهمیت
نمیدم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

293.1K

sadra

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضی حرف ها ارزش گفتن ندارن؛ چون بعضی گوش ها لیاقت شنیدن
رو ندارن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

290.7K

Noushin -

11:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

صبرم زیاده؛

ولی تو امتحانش نکن؛ پایان خوشی نداره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

290.3K

Mahla&mozhi

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاهو با دوتا فیله شد سزار ؛ ما هرچی به تو محبت کردیم شد دوزار ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

285.4K

Niyaz

16:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ترجیح میدم یه راست دروغ بگم؛ تا اینکه واقعیتو واسه ی گاو توضیح بدم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

285.6K

Niyaz

17:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاراتو کردی؟!

حالا بشین کارای کارمارو تماشا کنیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

286.9K

Niyaz

19:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عزیزم تو اگه قیافه داشتی؛ هیكلتو به نمایش نمی‌داشتی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

285.4K

Fati/Ayda

21:49

:Hello baby... 🧡:bangbang

283.7K

Noushin -

23:48

🌸 😊!?!How are you

ویرایش شده

287.8K

Noushin -

23:51

گیف

› تو سالیوان منی...! 🧡 🌸 ‹

:Hello baby...:angel: 🎭:bangbang

:sunglasses::dancer:!!؟ نشه!

...ArdabilinQizlari#

Ardabilin Qizlari (Www.ArdabilMusic.Com) .mp3

3:12

Yashar Moradiyan (Www.ArdabilMusic.Com) •

ویرایش شده

289.4K

Noushin -

23:54

روز فرشته های روی زمینم مُبالک!!! 🌸 🤔

291.7K

Noushin -

23:57

مخصوصا خودم:joy::relieved:

299.2K

Noushin -

23:58

« تو سالیوان منی...! 🌸 ♥ »

روز فرشته های روی زمینم مُبالک...

بریم پارت؟! 🤔:crescent_moon:

302.6K

Noushin -

23:59

جمعه، 20 مهر 1403

سالیوان من 🌸:sparkles:

#پارت288

جوابمو که نداد؛ تن صدامو بالاتر بردم و با حرص گفتم :

- کیهاننن؟!!

با توام...
کر شدی به امید خدا؟!!

تک خنده ای کرد و از گوشه چشم نگاهی به منی که مثل اسپند روی
آتیش جلز و ولز می کردم انداخت و گفت :

+ نگران نباش وزه خانوم؛ تو خیابون که نمی ذارمت...
بالاخره یه جا می ریم دیگه!

چند ثانیه طول کشید تا بتونم جوابش رو هضم کنم...

مبهوت نگاهش کردم و با دهن باز گفتم :

- هن؟!
شوخی می کنی داداچ؟!
یعنی چی؟!
اصلا پشیمون شدم!
لطفا منو برگردون دم مدرسه مون پیادهم کن...

چند لحظه صبر کردم ولی وقتی دیدم حرفم و به کتفشم نگرفت با حال
زاری گفتم :

- کیهان؟!
مثل اینکه بدت نمیاد مامانت منو اخراج کنه نه؟!!

با همون خنده اش که شدیداً رو اعصابم بود گفت :

+ چه بهتر ...
اینطوری بیشتر میتونی باهام وقت بگذرونی...

نیم نگاهی بهم انداخت و با شرارت ادامه داد :

+ اصلا روزایی که تایم مدرسته بیا پیش من باش؛ هوم نظرته؟!!

جدید بود؛ نبود؟!!

عجیب بود؛ نبود؟!!

داشتم از حرف هاش شاخ درمیاوردم...

چی داشت می‌گفت برای خودش؟!!

چرا انقدر مبهم حرف میزد؟!!

نا خود آگاه از این وضعیتی که توش بودم و نمی‌تونستم هیچی رو
بفهمم بغض کردم و با صدای لرزونی گفتم :

- میشه بس کنی؟!!

منو برگردون...

جوابی بهم نداد...

کم مونده بود اشکم دربیاد که تقریبا با جیغ گفتم :

- الان ما کجا داریم میریم؟!

همونطور که به روبه روش خیره بود بی توجه به حال زار من، خونسرد
لب زد :

+ خونه خالی...

319.2K

Noushin -

0:07

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت287 دستم و...

کنارم باش؛

تا قلبم با قلب تو یکی بشه:(((♥ 🌀 ...

318.2K

Noushin -

0:23

پارت جدیدو خوندی فرشته؟! 🌀:cherry_blossom:

317.9K

Noushin -

0:24

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت288 جوابمو...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از دستت دادم؟!
دوستام منو به خاطر تو مسخره می کردن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

313.3K

حمیده

7:10

:Porf:sunflower::crescent_moon#

چیزی که شیر پس میزنه رو شغالا رو هوا میزنن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

309.5K

حمیده

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه روزی میرسه که؛ اون عکسی که می ترسیدی پاک بشه رو خودت پاک می کنی..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

309.4K

Mozhi

11:02

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها ترین آدم؛ اونیه که خودش باید حاله خودشو خوب کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

303.5K

Mahla&mozhi

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضی وقتا یه کلمه تورو می‌بره به گذشته و هزار جمله نمیتونه برت
گردونه ...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

298.7K

Niyaz

16:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مهم تر از حرف هایی که می زنی؛ حرف هایی هستش که بهشون فکر می کنی...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

297.2K

Niyaz

17:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بدتو نمی گم؛ ولی اگه ی جایی ازت تعریف کردن بدجور می خندم ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

300.1K

Niyaz

19:26

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو بدترین بی احترامی‌ای بودی که من به خودم کردم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

297.3K

Niyaz

21:50

شنبه، 21 مهر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچوقت؛ پیگیر قهری که مقصرش نیستی نباش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

285.7K

sadra

7:13

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه تیم دو نفره؛ بهتر از یه لشکر جمعیت جعلیه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

284.7K

sadra

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیگران خدا را شنیده‌اند؛ ما دیده‌ایم؛ آنچه دیگران شنیده‌اند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

285K

sadra

11:38

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه قیمت بگیرید؛

بعضی از رفیقاتونو مفت می‌فروشید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

283.8K

Mahla&mozhi

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسی رو که ترس از دست دادنت و نداره؛ از دست بده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

278.5K

sadra2

16:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قشنگ تر از من که زیاده؛ ولی نمیتونی کسی و پیدا کنی که قشنگ تر
از من تورو بخواد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

278.5K

sadra2

17:43

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش میشد قبل از آشنا شدن با کسی؛ اول تیزرش رو ببینیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

283K

Niyaz

19:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از آدم‌هایی که دوست صمیمی‌شون دائما تغییر می‌کنه؛ فرار کنید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

280.7K

Fati/Ayda

21:48

های گایز!!

276.3K

Niyaz

23:54

اومدیم سر شماری خوشگلا 🍓🍓

276.6K

Niyaz

23:56

بیدارین یا نه!?

277.1K

Niyaz

23:57

وا نیستین؟! بریم فردا بیایم؟! 😊💧

277.7K

Niyaz

23:59

یکشنبه، 22 مهر 1403

امشب نوشین بمرده من در خدمتونم؛:sunglasses: 🕶️

282.6K

Niyaz

0:02

اما از فردا خودش میاد!! 😊👁️

284.2K

Niyaz

0:04

خب بریم پارت؟! 🤔❤️

287.6K

Niyaz

0:05

سالیوان من 🧸:sparkles:

#پارت289

بی اراده با صدای بلندی گفتم :

- هالان؟!!

با دیدن بهتم خندید و فوری گفت :

+ شوخی کردم؛
می‌خوام ببرمت پیش مامانم...

با وحشت برگشتم سمتشو با لکنت گفتم:

+ چی داری میگویی؟!
حالت خوبه؟!

نیم نگاهی بهم انداخت و با خنده گفت:

+ بهتر از این نمیشم...

خدایا اینجا چه خبره؟!
چی داره میگه برای خودش؟!
میخواد منو ببره پیش مامانش؟؟
برای چی؟؟

دوباره روبهش گفتم:

- کیهان میخوای منو ببری پیش مامانت؟!
میفهمی داری چیکار میکنی؟؟
بخدا بدبخت میشیم...

تک خنده ای کرد و صدای اهنگ و بلند کرد و با خوشحالی گفت:

+ قشنگ میفهم دارم چیکار میکنم!!

صدای اهنگ و بلند تر کرد و داد زد:

+ نمیخوام دیگه چیزی بشنوم!!

داشتم از استرس میمردم...

ضربان قلبم شدت گرفته بود و حس میکردم میخواد از جاش کنده شه!!

کیهان با تمام سرعت رانندگی میکرد و کبکش خروس میخوند!!

نیم نگاهی بهش انداختم و با خودم گفتم:

- یعنی واقعا براش مهم نیست؟؟
داره منو میبره پیش مامانش چرا؟!
وای کم مونده دیوونه بشم دیگه

291.2K

Niyaz

0:08

› تو سالیوان منی...! ♥ ✨ ‹

سالیوان من ✨:sparkles: #پارت288 جوابمو...

درسته همه ی آدما هیولان؛

ولی تو هیولا مورد علاقمی (: 🧡

ویرایش شده

290.9K

Niyaz

0:15

«پارت جدید خوندی دلبر 🌸 🌸...»

291K

Niyaz

0:17

« تو سالیوان منی!..! 🌸 🌸 »

سالیوان من 🌸:sparkles: #پارت289 بی ارا...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

مرسی عزیزم؛ به لطف همون یه کم اعتمادی هم که به آدما داشتم
دیگه ندارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

285.6K

sadra2

8:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من فقط فکر می‌کردم اگه به کسی بدی نکنم کسی بهم بدی نمی‌کنه؛
همین...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

285K

sadra2

10:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اونجایی که من می‌رم؛ کسی تورو آدم حساب نمی‌کنه که راجبت حرف
بزنیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

285.2K

Niyaz

11:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

غمگین؛ زیبا؛ امیدوار؛
معنای دختران ایران....

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

284.5K

Niyaz

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خودت خودتو بساز؛ اینجا کسی نمی‌خواد بهتر از اون باشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

280K

Niyaz

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچکس نمی‌فهمه؛ بعضی‌ها چه عذابی رو تحمل می‌کنن تا آرام به نظر
برسن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

279.8K

Niyaz

17:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تقصیر شماها نیست؛
من آدم حسابتون کردم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

283K

nini

19:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدما همیشه از خودیا می‌خورن، وگرنه غریبه که نمی‌دونه تو زندگیت چی
می‌گذره..

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

282.2K

Fati/Ayda

21:45

سلام و عرض ادب 😊❤

278K

نینی.

23:58

دوشنبه، 23 مهر 1403

بیدارید که خوشگلام؟! 🤪🤪

280.3K

نینی.

0:02

آیا میدانستید که پارت داریم؟ 🤪❤️

281.7K

نینی.

0:04

بلهه نینیتون براتون پارت آورده 🤪🔥:fire:

286.5K

نینی.

0:07

نوشین فداش شه الهی 🤪

288.9K

نینی.

0:09

خب طنازی بسه بریم پااارت؟! 🤪❤️

293.7K

نینی.

0:12

سالیوان من 🤪:sparkles:

#پارت290

کم مونده بود از فکر و خیال خل بشم دیگه..

انقدر تو افکارم غرق بودم که اصلا نفهمیدم کی رسیدیم..

نگاهی به دور و بر انداختم و وقتی محل ناشناخته رو دیدم؛ با استرس
منتظر موندم تا شاید یه حرفی بزنه...

کیهان ماشین و روبه روی یک نمایشگاه ماشین نگه داشت و بعد
برگشت سمتمو گفت:

+ خب رسیدیم..
پیاده شو خانوم کوچولو ...

بهت زده پرسیدم :

- اینجا کجاست؟!
منو آوردی ماشین ببینیم!؟

چند لحظه صبر کردم و بعد با زاری گفتم :

- وای کیهان تورو خدا بس کن...
داری اذیتم میکنی!؟

با تعجب نگاهم کرد و تک خنده ناباوری کرد و گفت :

+ اذیت چرا؟!
اینجا نمایشگاه خودمه...

مامانم داخلش نشسته و متظر ماست..

چشمکی زد و همونطور که داشت از پایین پیاده می‌شد ادامه داد :

+ بدو که خانوم ناظم و بیشتر از این معطل نکنیم..

گفت و بدون اینکه بهم فرصت اعتراض بده از ماشین پیاده شد..

مجبورا با استرس زیاد از ماشین پیاده شدم...

مثل بچه هایی که تو جایی گم شدن سرگردون بودم که کیهان اومد و کنارم وایستاد و دستاش برد پشت کمرم و با فاصله نگه داشت...

پا به پای هم به سمت نمایشگاه حرکت کردیم..

حس می‌کردم هر قدم که بر میدارم تواناییمو برای راه رفتن از دست میدم...

295.9K

نینی.

0:16

› تو سالیوان منی...! ♥ 🍀 ‹

سالیوان من 🍀:sparkles: #پارت289 بی ارا...

من یهو آروم گرفتم بی هوا... 🍀 ♥ 🍀

295.1K

Niyaz

0:28

(1.6MB) 0:18

پارت جدید خوندی قشنگم؟!@:tada:

ویرایش شده

294.6K

Niyaz

0:29

« تو سالیوان منی!..!♡ ❁ »

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت290 کم مون...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لول واقعی آدما؛ موقع دعوا و قطع ارتباط مشخص میشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

291.1K

Noushin -

6:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پيله نكن بهش؛

يهو مي بيني پروانه مي شه ميره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

288.8K

sadra2

11:44

:Porf:sunflower::crescent_moon#

امیدوارم دلگرمی زندگیتون هرچی که هست؛ همیشگی باشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

290.7K

asal

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدمای تونن یه شخص سالم و بی نقص رو؛ تبدیل به یه روانی فاقد سلامت کنن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

283.6K

Niyaz

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بزرگترین افتخارم اینه که؛ هیچکسی نمیتونه بهم اشاره کنه و بگه این
اکس منه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

283.4K

Niyaz

17:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

احتیاج دارم به اینکه یکی منو بشنوه؛ حتی وقتی ساکتم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

285.5K

nini

19:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من از چیزی که همه دوستش دارن؛ خوشم نمیاد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

283.5K

Fati/Ayda

21:45

:Hi baby... 😊:cherry_blossom

279.4K

Noushin -

23:49

:eyes:!!؟هستید؟

282.1K

Noushin -

23:54

:link::sparkles: 😊!!؟قراره بیاید؟

ویرایش شده

283.2K

Noushin -

23:56

گیف

سه شنبه، 24 مهر 1403

دروغ میگه منتظر منه 😊☑

287.9K

نینی.

0:04

› تو سالیوانِ منی...! ♡ 🍀
گیف, منتظرم ببینم کی قراره بیاید؟! 🎲...
تو که عشقی؛ گلی؛ نفسی... 🤪:bangbang:
296.5K

Noushin -

0:09

› تو سالیوانِ منی...! ♡ 🍀
دروغ میگه منتظر منه 🤪:white_check_mark:
بریم پارت؟!::relieved::tada:
306.7K

Noushin -

0:13

سالیوان من 🍀:sparkles:
#پارت291

حالا چی می شد؟!

بعد از رویارویی با مامان کیهان انتظار خیلی چیزا رو داشتم..

از بین رفتن اعتماد مامانم و پیمان نسبت بهم...

رفتن آبروم تو مدرسه...

اصلا شاید هم اخراج از مدرسه!

همه چیز ممکن بود..

زودتر از چیزی که فکرش رو می‌کردم به در نمایشگاه رسیدیم..

از استرس زیاد حتی جون راه رفتن نداشتم...

کیهان که متوجه سستیم شد؛ در و برام باز کرد و دوتایی باهم وارد نمایشگاه شدیم..

بدون اینکه فرصت نفس کشیدن بهم بده؛ مستقیم به سمت اتاق کارش رفتیم و بعد از باز کردن در تو اتاق رفتیم...

با خجالت سرم و بالا آوردم که دیدمش!!!

مامانش روی صندلی مدیریت نشسته بود و با برگه توی دستش مشغول بود که به محض شنیدن صدای سر سرش و بالا آورد و مارو کنار هم دید...

سعی کردم نامحسوس فاصله بین خودم و کیهان رو بیشتر کنم ولی اجازه نداد..

مامانش با اخم های درهم از جاش بلند شد و منتظر بهمون نگاه کرد .

به خاطر انداختنم تو این موقعیت؛ تو دلم فحشی نمونده بود که به کیهان نداده باشم...

ناچار بدون نگاه کردن بهش با صدای ضعیفی گفتم :

- سلام خانوم...

مکثی کرد و بدون اینکه جواب سلامم رو بده؛ سرش رو به نشونه سلام
تکون داد..

از حرکات دست و صورتش کاملاً می‌شد فهمید که چقدر عصبیه...

چند لحظه ای تو همون حال گذشت که کیهان تک سرفه ای کرد و با تشر
رو به مامانش گفت :

+ مامان؟!!

پناه بهت سلام کرد...

مامانش از رو ناچاری آهی کشید و با بی میلی گفت :

+ سلام!!!

سرم پایین بود و جرئت نداشتم باهاش چشم تو چشم بشم!!!

کیهان یکی از صندلی های دور میز و بیرون کشید و رو به من گفت :

+ بیا اینجا بشین...

سری تکون دادم و بدون حرف رفتم روی صندلی نشستم..

همچنان سرم پایین بود و داشتم با انگشتم بازی میکردم..

کیهان اومد کنارم نشست و گفت :

+ خب...

ویرایش شده

309.6K

Noushin -

0:19

› تو سالیوان منی!...! ♥ ❄

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت290 کم مون...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خیلیا به غیر از اومدنشون؛ رفتن شونم به آدم آرامش میده...

• SaLiVanMaNi@ ••

303.5K

Noushin -

6:29

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ذهن جدید؛

از تو یه آدم جدید میسازه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

298.4K

sadra2

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

باید نزدیک شید؛ تا بفهمید از دور قشنگ تر بود...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

298.4K

sadra2

11:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انتقام چیز قشنگی نیست؛ من وایمیستم پشیمونیتو نگاه کنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

296.8K

Niyaz

13:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یهو به خودت میای میبینی دیگه هیچ حسی به هیچ اتفاقی نداری...

• SaLiVanMaNi@ ••

292.5K

Niyaz

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انسان؛ موجودیه که کل زندگیش رو با قضاوت سر می‌کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

293K

Niyaz

17:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به هر کی خوبی کردیم؛ تهش امضا زد وظیفه بوده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

294.8K

nini

19:27

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه؛

نمی‌شه رو شخصیت بد فیلتر گذاشت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

292.3K

Niyaz

21:48

چهارشنبه، 25 مهر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اندیشه ات جایی رود؛

آنگه تو را آن جا کشد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

281.5K

Noushin -

6:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچ نیازی به هیچکس نیست؛ مشکلی باش خودمون هستیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

279.6K

Wizi 9

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه وقتایی کمرنگ شید؛

ببینید واقعا مهمید یا نه؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

279.1K

Wizi 9

11:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر چند حق ما نبود؛ ولی کشیدیم رنج این دنیا را...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

278.2K

Leili.mobi

13:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرچی تو مغزت میگذره رو ما کردیم؛ ولی هیچ وقت نامردی نکردیم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

275.5K

αλαε

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ما قلبمون از خودمون قشنگتره؛ ولی هیچکس به قلبمون نگاه نمیکنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

276K

αλαε

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اینجا هیچکس عشق اول کسی نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

277.6K

Leili.mobi

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شوق آدم که کور بشه؛ دیگه واسه خیلی چیزا دیر میشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

277.6K

Fati/Ayda

21:48

خب خب ؛

272.7K

Noushin -

23:51

یه خبراییه...

273.2K

Noushin -

23:52

شب زمینی شدن یه فرشته مهربونه:(((🐼 🦋 ...

273.9K

Noushin -

23:54

› تو سالیوانِ منی!..! 🦋 🤍 ‹

یه خبراییه...

جا داره از همین جا بگم ؛

274.7K

Noushin -

23:56

مرسی از اینکه دارمت قشنگم " 🤍 ✨ !!!

274.9K

Noushin -

23:57

پنجشنبه، 26 مهر 1403

🤍 🐼 (((: Happy birthday my heart

280.5K

Noushin -

0:01

« تو سالیوان منی...! ♥ ❁ »

مرسی از اینکه دارمت قشنگم " ♥ :sparkles:...

Moham12mab@

اول تولد دخترمو تبریک بگید؛

بعد بیاید پارت بخونید... 😊 :cherry_blossom:

ویرایش شده

284.1K

Noushin -

0:03

این پیام و کپی کنید و واسش بفرستید...

295.8K

Noushin -

0:04

« تو سالیوان منی...! ♥ ❁ »

...💎 Happy birthday m

بریم پارت؟! :eyes::crescent_moon:

310.8K

Noushin -

0:05

سالیوان من ❁ :sparkles:

#پارت292

مامان کیهان که معلوم بود عصبیه؛ پوفی کشید و عینکشو از روی میز برداشت و به چشماش زد و همزمان که به سمت ما می اومد گفت :

+ ما الان برای چی اینجااییم؟!
یا واضح تر بگم...

اشاره ای به منی که تقریبا چسبیده به کیهان نشسته بودم و فاصله ای
بین مون وجود نداشت کرد و ادامه داد :

+ اینجا چخبره؟!

چشم هام و محکم روی هم فشار دادم و سرم و حدالامکان پایین
انداختم...

روی نگاه کردن تو صورتش رو نداشتم!!!

این چه غلطی بود که کردم؟!

بعد از چند ثانیه وقتی دیدم سکوت بین مون داره طولانی می شه؛
نامحسوس با پام ضربه آرومی به پای کیهان زدم تا به خودش بیاد..

خوشبختانه سریع متوجه منظورم شد و با تک سرفه ای گلوش و صاف
کرد و گفت :

+ خب مامان من الان میخوام جواب سوالاتتو بدم ولی باید قول بدی که
تا آخر حرف هام ساکت بمونی و فقط شنونده باشی!!!

همونطور که سرم و پایین نگه داشتم بودم از گوشه چشم نگاهی به

مامانش انداختم که با دیدن اخم هاش که بیشتر از قبل توهم فرو رفت
قالب تهی کردم...

با جدیت و تا حدی عجول گفت :

+ چه سوالی؟!
چی داری می‌گی؟!
واضح تر حرف بزن...

کیهان ابرویی بالا انداخت و با صدای رسا و محکمی گفت :

+ مگه نمی‌خواستی از رابطه ی منو پناه سر در بیاری؟!!

مامانش سری به نشونه تایید تکون داد و عصبی تر از قبل گفت :

+ خب الان این دختره رو آوردی که چیو ثابت کنی؟!
چیزی که خودم می‌دونستم؟!!

کیهان تک خنده ای کرد و با ناباوری گفت :

+ نه!!
یعنی آره؛ تو جریان و میدونی ولی از درست و غلط بودنش خبری
نداری...

کم کم قلبم از استرس داشت بیرون میوفتاد..

چی میخواست به مامانش بگه؟!

منظورش از راست و دروغ چیه؟!

تو همین فکر بودم که مامانش گفت :

+ خب ...

تو بگو که بدونم...

من منتظرم!!!

313.1K

Noushin -

0:17

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ‹

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 291 حالا چ...

منم همینطور (((❄ !!!

ویرایش شده

310.9K

Noushin -

0:34

پارت جدیدو خوندی زیبا؟! 😊:cherry_blossom:

309.9K

Noushin -

0:35

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ‹

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت 292 ماما...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دلتنگی؛
تنها هدیه ایه که از تو دارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
303.3K
مصطفی
7:27

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انقدری تند رفتی؛ که دیگه تقاطعی نیست که برگردی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
298.6K
👑 *Mostafa*
10:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همیشه اونی که می‌گیم این کاره نیست؛ از همه این کاره تره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

295.8K

👑 *Mostafa*

12:04

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدم شادی بودم؛ تا اینکه بزرگ شدم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

293.3K

Niyaz

13:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرچی بیشتر پیشرفت کنی؛ بوی سوختگی بیشتری از دوروبر میاد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

290.8K

Niyaz

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

چرا وقتی بهت گفتم قلبم پره از زخمه؛ ترجیح دادی نمک باشی؟!:

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

292K

Niyaz

17:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حرفاتون جایی قشنگ بود؛ که واقعیتو نمی دونستم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

295.5K

nini

19:27

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حرفات قشنگه عزیزم ولی ببخشید دیگه؛ حس شیشم نمیذاره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

295.5K

Fati/Ayda

21:46

جمعه، 27 مهر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیگه روی چیزی پافشاری نمی‌کنم؛ شدنی می‌شه..!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

284.4K

Mostafa -

7:29

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از من منی ماند؛

که دگر شوق چیزی را ندارد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

279.9K

Mostafa -

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دلتنگ توام؛ بی هیچ امیدی؛ نه به در؛ نه به راه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

277.5K

👑 *Mostafa*

11:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها ساز شکسته‌ای که کار می‌کند؛ قلب است...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

275.8K

👑 *Mostafa*

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اینو همیشه یادت باشه؛ چسب زخما بعد از خوب شدن زخم دور
انداخته میشن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

270.9K

Niyaz

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من رنجیدم ولی نرنجوندم؛ فقط جایگاه هیچکس رو بهش پس ندادم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

269.6K

Niyaz

18:04

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همیشه انسان هایی با باطن زشت؛ ویتربینای قشنگی دارن !...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

271K

Leili.mobi

19:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پاییز مال عاشقاست؛ ما معمولیا سرما می‌خوریم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

268.9K

Fati/Ayda

21:46

ساعت 00:00 پارت داریم!!! 🎧:cherry_blossom::interrobang:

268K

Noushin -

22:04

درود فراوان!!! 🎧:boom:

263.7K

Noushin -

23:56

زودتر از موعد اومدم...

264.2K

Noushin -

23:58

› تو سالیوانِ منی...! ♥ 🍀 ‹

درود فراوان!!! 🍀:boom:

شنبه، 28 مهر 1403

اع تایم

264.6K

Noushin -

0:00

با یه بیت شعر از مولانا چطورید؟! 🍀 🍀

264.7K

Noushin -

0:02

اشتیاقی که به دیدار تو دارد دل من ؛

264.9K

Noushin -

0:07

دل من داند و من داند و دل داند و من (((♥ 🍀 ...

268.3K

Noushin -

0:08

› تو سالیوانِ منی...! ♥ 🍀 ‹

اشتیاقی که به دیدار تو دارد دل...

ای ای؛ این بده...

ویرایش شده

274.9K

Noushin -

0:11

گیف

هستید پارت بخونید؟! 🤪:pizza:

279.1K

Noushin -

0:12

سالیوان من 🧸:sparkles:

#پارت293

از استرس تمام بدنم می لرزید و دستام یخ زده بود...

ناخودآگاه سرمو بلند کردم و به لب های کیهان نگاه کردم و منتظر شنیدن جوابش شدم...

دعا دعا میکردم چیزی نگو که بر علیه من تموم شه!!!

حتی نمی تونستم حدس بزنم که اصلا چی تو سرشه؟!

وقتی کیهان همونطوری ساکت موند؛ ناخود آگاه ترسیده نگاهم سمت مامانش چرخید که با دیدن من با چندش روش و ازم برگردوند و همونطور که به کیهان نگاه می کرد با بی صبری گفت :

+ خب ادامش؟!

بگو دیگه..

نکنه حرفی نداری؟!

یا شایدم پشیمون شدی...

با استرس بی اراده به دست کیهان چنگ زدم که با دیدن این حرکت من متوجه شد که فاصله ای تا از هوش رفتن ندارم...

برای همین رضایت داد و بی مقدمه گفت :

+ می‌خوامش!!!

چند لحظه بدون پلک زدن یا حتی نفس کشیدن تو همون حال موندم...

درست شنیدم؟!

از تعجب چشم هام گرد شد و خیره بهش همزمان با مامانش بلند گفتیم :

- چیییییی؟!

کیهان نگاهی به قیافه ی متعجب من انداخت و بدون لبخند با جدیتی بیشتر از قبل گفت:

+ می‌خوامت!!!

می... خوا... مت!!!

رواله؟!

هنگ کرده بودم...

اصلا نمی‌دونستم باید چی بگم...

تو شوک اعتراف یهویش بودم و از طرفی ترس از واکنش مامانش اجازه نمی‌داد به عمق حرفش فکر کنم!!!

شایدم به خاطر حفظ ظاهر این حرفو زده بود؛ نه؟!

الان اومده بود درست کنه؟!

اینطوری که بیشتر خراب کرده بود!!!

برای اینکه وضعیت از این خراب تر نشه؛ با صدای لرزونی گفتم :

- می‌فهمی اصلا چی داری می‌گی؟!

کیهان بدون تردید سری به نشونه تایید تکون داد و گفت :

+ بله خانوم کوچولو...

خیلی هم خوب می‌فهمم!!!

یعنی راستش و بخوای تا حالا تو عمرم به این واضحی چیزی رو

نفهمیدم!!!

281.1K

Noushin -

0:22

› تو سالیوانِ منی...! ♥ ❁ ‹

سالیوان من 8: sparkles: #پارت 292 مامان ...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

حداقل خوبه من شر و شیطونم؛ مثل بعضیا بد ذات نیستم...

• SaLiVanMaNi@ ••
275.2K
Noushin -
6:35

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه اسلحه که گلولش کلمست!

• SaLiVanMaNi@ ••
272.4K
Wizi 13
10:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

چه انسان‌هایی که گمان می‌کردیم پناه ما هستند، در حالی که پرتگاه‌مان
بودند....

• SaLiVanMaNi@ ••
272.7K

Wizi 13

11:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شادی زندگیت؛ به کیفیت افکارت بستگی داره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

272.1K

Wizi 13

13:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه روز میفروشننت ، یکی به پول یکی به دشمن!

• SaLiVanMaNi@ ••

267.2K

Niyaz

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

روزگار قسمت مارو کجا فرستادی که هر وقت نوبت ما شد ، گفتن
قسمت نیست!

• SaLiVanMaNi@ ••

266.8K

Niyaz

17:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ولی هیچ وقت هیشکی نفهمید توی دل ما چی میگذره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

267.8K

nini

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسی باش که شرایط رو عوض میکنه نه کسی که شرایط عوضش میکنه.

• SaLiVanMaNi@ ••

268.3K

Fati/Ayda

21:47

دروووود

266.5K

Noushin -

23:50

267.6K

Noushin -

23:56

امشب میخوام چندتا دعا کنم!!!:joy:🙏:no_mouth:

268.1K

Noushin -

23:58

یکشنبه، 29 مهر 1403

تخلیه فشار عوامل پشت صحنه..🙏🙏

271.9K

Noushin -

0:00

آمین🙏🙏

273.7K

نینی.

0:02

› تو سالیوانِ منی!..!💖🙏‹

تخلیه فشار عوامل پشت صحنه....

شفای بی نوبت همه گُ... نه یعنی اُسکلا!..🙏:joy:

275.1K

Noushin -

0:02

☞:sunglasses::facepunch:!!!دم خودمون گرم

278.2K

Noushin -

0:04

🙏🏻🤲🏻 آمین

284.1K

AsA

0:05

› تو سالیوانِ منی...!💎💎💎

شفای بی نوبت همه گُ... نه یعنی...

هستید که؟!

295.9K

Noushin -

0:06

:sparkles:💎 سالیوان من

#پارت294

ناظممون چند قدم جلو تر اومد و تقریبا داد زد :

+ هیچ می فهمی داری چی میگی؟!

جمع کن خودتو کیهان!!!

شوخی کافیه...

کیهان برخلاف عز و جز مامانش خیلی خونسرد شونه ای بالا انداخت و با صدای آرومی لب زد :

+ الان مشکل کجاست مامان؟!
مگه کلید نکرده بودی بفهمی طرف کیه؟!
خب منم که آوردمش و نشونت دادم!!!
الان دیگه حرفت چیه؟!

با دست بهم اشاره کرد و ادامه داد :

+ این همون دختریه که دوستش دارم...

وای وای...

رسمًا کم مونده بود از خجالت بمیرم!!!

این پسر ی کله خراب چی داره میگه؟!

اصلا نمی‌تونستم بفهمم همه اینا شوخیه یا نه؟!

مامانش که دیگه واقعا فاصله ای تا همرنگ گوجه بودن نداشت؛ عصبی تر از قبل گفت :

+ چی داری میگی کیهان؟!
این همه آدم؛ چرا دانش آموز مدرسه ی من؟!
تو اصلا می‌دونی چندسال باهاش اختلاف سنی داری؟!

کیهان تک خنده ای کرد و گفت :

+ دله دیگه مامان!!!
گیر کرد پیش این خانوم!!!
سن و سال و دانش آموز مدرسه‌ی مامان حالیش نیست که...
وای خدایا...

یکی منو بگیره که الانه از سر خوشی غش کنم!!!

یعنی کیهان واقعا منو دوست داشت؟!

مامانش چند لحظه فقط نگاهش کرد و بعد انگار از روی ناچاری کوتاه
اومده باشه؛ پوفی کشید و گفت :

+ نمی‌دونم چی بگم...
زبونم بند اومده!!!
اصلا چی می‌تونم بگم؟!

همزمان که پشت به ما کیفش رو بر می‌داشت بدون نگاه کردن بهمون
گفت :

+ مارو برسون مدرسه...
تا همین الانشم به اندازه کافی دیر کردیم!!!

کیهان از جاش بلند شد و "چشم" کشداری گفت که منم به تقلید ازش
با تردید از جام بلند شدم...

خدایا اگه این قضیه به خیر بگذره سور میدم...

قسم می‌خورم!!!

حالا با کدوم پول و چطوریشو نمی‌دونم...

منتظر بودم تا بقیه حرکت کنن و منم پشت سرشون برم ولی برخلاف
تصورم کیهان جلوی چشم مامانش به طرفم اومد و ...

297.6K

Noushin -

0:16

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❀ ‹

سالیوان من ❀:sparkles: #پارت293 از است...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ما حتی اگه از چاه آب بخوریم؛ دریا حسادت می‌کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

290.8K

Noushin -

7:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با من بودن؛
جرئت می‌خواد گلم!!!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

288K

Wizi 13

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شاید ما بنده خوبی نبودیم؛ ولی تو همیشه خدای خوبی بودی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

288.2K

Wizi 13

11:45

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فرشته ای بود آشوب طلب؛ شیطانی بودم به دنبال آرامش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

287.7K

Wizi18

13:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیدمت، دیدی که دیدن دیده‌ام را پیر کرد!

• SaLiVanMaNi@ ••

281K

MoStafa-

18:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

امیدوارم بعضی از آدمارو دیگه حتی تصادفی هم نبینم!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

282.5K

nini

19:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

- بخشیدن های مکرر ؛
تکرار کردن های مجدد میاره

• SaLiVanMaNi@ ••

280.4K

sadra

21:47

دوشنبه، 30 مهر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه با همه مهربونی؛ با من مهربون نباش..!

• SaLiVanMaNi@ ••

270K

Noushin -

7:07

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به زمین خوردنم میخندن ولی از بلند شدنم میترسن!

• SaLiVanMaNi@ ••

268.5K

Wizi 4

10:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

منم میدونم اینروزا تموم میشه ولی این روزا عمر منه:

• SaLiVanMaNi@ ••

268.4K

Wizi 4

11:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شاید ببخشم ولی دیگه فرصتی بهت داده نمیشه!

• SaLiVanMaNi@ ••

268.2K

Wizi 17

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زمان میگذره و چیزایی برات عادی میشه که فکر میکردی بدون اونا
هیچی نیستی .

• SaLiVanMaNi@ ••

265.4K

Niyaz

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من عادت کردم که دیگه به هیشکی عادت نکنم!

• SaLiVanMaNi@ ••

265.6K

Niyaz

17:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

- یادت باشه! چیزی که تو آتیش از دست دادی تو خاکستر پیدا میکنی...

• SaLiVanMaNi@ ••

269.2K

Dyana

19:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

- تا اطلاع ثانوی واسه هیچ آدمی تلاشی نمیکنم، میخوام ببینم تهش
چی میشه

• SaLiVanMaNi@ ••

267K

Fati/Ayda

21:51

سه شنبه، 1 آبان 1403

سلام گلبارام 🥰👉

262.9K

نینی.

0:01

عشقتون اومدههه 🥰💖

263K

نینی.

0:04

نیستید شما؟! 🥰:broken_heart:

263.9K

نینی.

0:06

عع وا پارت داریم!! 🥰👉

267.3K

نینی.

0:08

ای بابا پارت نمیخواید شوما؟! 🥺:heart:💊

269.4K

نینی.

0:11

پس بریم پارت ❤️💧

272.9K

نینی.

0:13

سالیوان من 🧚:sparkles:

#پارت295

به طرفم اومد و دستم و گرفت و همراه با خودش به طرف ماشین برد..

مامانش زودتر از من در جلوی ماشین و باز کرد و نشست..

منم بدون حرف و مثل بچه های خوب پشت نشستم...

کیهان هم روی صندلی راننده جا گرفت و بعد از روشن کردن ماشین حرکت کرد..

از آینه نگاهی به خانوم ناظم انداختم؛ درسته عینک زده بود اما از پشت همون عینک هم می شد فهمید که چقدر عصبیه...

بخاطر معذب بودنم خودمو کامل به در چسبوندم تا در معرض دید
هیچکدومشون نباشم...

دستام یخ زده بود و خودمم بدجور سردم بود...

چرا یهو اینطوری شده بودم؟!

شاید بخاطر استرس زیادی که تحمل کرده بودم ؛ بود...

دستم داخل جیبم بردم و سعی کردم خودمو گرم کنم که یهو با
احساس خییییسی بین پاهام از ترس سر جام سیخ شدم...

وای واییییییی
خداااااااااا الان وقتش بود؟!

لب پایینم و از خجالت گاز گرفتم و با خودم گفتم

- هی واییییییی؛ حتما الان باید پریود میشدم؟!
وای اگه ماشینشو کثیف کنم همین نیمچه ابرومم میره..

از شدت فشار دیگه کم مونده بود فشارمم بیفته و از هوش برم...

باید یه کاری می کردم، باید زودتر از ماشین پیاده می شدم، اما چطوری؟!

خدایا خودت نجاتم بدهههه...

از داخل آینه نگاهی به کیهان انداختم که داشت به رو به روش نگاه میکرد...

همونطوری بهش خیره موندم که سنگینی نگاهم و حس کرد و اونم نگاهم کرد و باهم چشم تو چشم شدیم ...

به حالت التماس نگاهش می کردم که بی تفاوت چشمکی بهم زد و دوباره به رو به روش نگاه کرد...

لعنتی!!!

با حرص آروم ضربه ای به پیشونیم زدم و باز از داخل آینه نگاهش کردم تا نگاهم کنه و بهش بفهمونم ماشین و نگه داره...

276.3K

Niyaz

0:18

« تو سالیوان منی...! ♥ ❁ »

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت294 ناظممو...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من فقط کارای اشتباه رو درست انجام میدم...

• SaLiVanMaNi@ ••

270.5K

Noushin -

6:38

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر آنکه به مقصد رسید؛ ز ما بیگانه شد...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

267.3K

Wizi 4

10:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از خوب‌ها بیشتر می‌ترسم؛ چون ی روز تو خوب من بودی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

267.8K

Wizi 4

11:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بنده خدا؛ ادعای خدایی داری؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

267.6K

Wizi 9

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

در مقابل احمق ها؛ یک سکوت و یک لبخند کافیه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

264.2K

MaHNaZ²

15:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انقدر دنبال آدم اشتباه ندویین؛ آدم درست فرار نمی‌کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

264.1K

asal

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گاهی وقتا لازمه اشتباه کنی؛ تا ببینی کی کنارته؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

272K

nini

19:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

- دوستان اعتماد به نفس تا یه حدی جذابه بعدش دیگه خنده داره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

272K

Fati/Ayda

21:15

چهارشنبه، 2 آبان 1403

به به ببینین کی اینجاست؟! 🍓 🤪

268.3K

Niyaz

0:03

های گایز...

269.7K

Niyaz

0:07

خوشگلا تشریف دارید!! 🤖❤️

271.8K

Niyaz

0:09

خبر مهم؛ 🤖!!

277.5K

Niyaz

0:11

آیا می دانستید پارت داریم؟! 😊❤️

280.6K

Niyaz

0:12

خب خب بریم پارت...

287.4K

Niyaz

0:15

سالیوان من 🤖:sparkles:

#پارت296

چند دقیقه تو بحرانی ترین حالم نگاهش کردم ولی هیچی به هیچی...

داشتم حرص می‌خوردم که حس کردم خی‌سی بی‌ن پاهام داره بیشتر میشه...

از روی ناچاری فوری گوشیم و از کوله ام در آوردم و همونطور که حواسم بود صدای تایپم بلند نشه سریع بهش مسیج دادم :

- میشه ماشین و نگه داری من پیاده شم؟!

با بلند شدن صدای نوتیف گوشیش لبخندی زدم و منتظر موندم پیام و بخونه...

کیهان نگاهی به گوشیش که روی داشبورد بود انداخت ولی برش نداشت!!!

حرصی با درد چشم هام و بستم و دوباره براش نوشتم :

- کیهانننن؟!

محض احتیاط چندتا پیام دیگه هم فرستادم تا شاید افتخار بده و ی نگاهی به گوشیش بندازه...

برای بار چندم که صدای نوتیف گوشیش بلند شد بالاخره باعث شد تا گوشیش و برداره و ببینه که کی بهش پیام داده..

قفل گوشیش و باز کرد و با دیدن پیام من از داخل آینه نگاهم کرد!!!

سری به نشونه ی اینکه وایسه تکون دادم که با صدای بلند جلوی
مامانش خطاب به من گفتم :

+ وایسم؟! چرا!؟!

ناخودآگاه محکم ضربه ای به پیشونیم زدم و برای اینکه جمع کنم اوضاع
رو فوری گفتم :

- چی؟!
از چی حرف می زنی؟!!

مامان کیهان کنجکاو از مکالمه ی ما عینکشو در آورد و پرسید :

+ چیزی شده؟!!

290.1K

Niyaz

0:19

› تو سالیوان منی...!♡ ❁ ‹

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت295 به طرف...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از پاییز لذت می برم؛ البته اگه سرماخوردگی بزاره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

281K

Wizi 4

8:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فراموشست خواهم کرد؛ آنچنان که گویا هرگز نبوده ای...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

280.2K

Wizi 4

10:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گاهی درست شدن یه چیزی؛ همون تموم شدنشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

279.4K

Wizi 4

11:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بسه دیگه؛
هرچی راجبم شنیدی دوتا هم بزار روش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

278.6K

Wizi 5

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچکس نمیتونه روی اعصاب من بره؛ چون روی چیزی که وجود نداره
نمیشه راه رفت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

273.9K

Niyaz

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدما بالاخره ذات واقعی خودشونو نشون میدن؛ نقش بازی کردن تا یه

جایی جواب میده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

272.6K

Niyaz

17:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی رنگ واقعی کسی برات نمایان شد؛ سعی نکن دوباره رنگش کنی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

274.4K

nini

19:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه آدمای روزی که مهمن می‌رن و روزی که مهم نیستن
برمی‌گردن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

274K

Fati/Ayda

21:17

پنجشنبه، 3 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برای سلامت روانم باشگاه رو شروع کردم؛ الان یک روانی قوی ام...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

257.9K

👑 *Mostafa*

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر وقت پشت سرت حرف زیاد شد؛ بدون راهو درست داری می‌ری...

• SaLiVanMaNi@ ••

257K

Noushin -

11:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خیلی کم پیش میاد از یکی متنفر بشم؛ اما اگه بشم دیگه یا حضرت

عباس...!

• SaLiVanMaNi@ ••

257K

Mostafa -

12:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه تنها دختر زندگیت نباشم؛ تنها دختری می‌شم که هیچوقت وارد
زندگیت نمیشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

256.1K

Mostafa -

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با همه پریدن افتخار نیست؛ افتخار اینه همه بخوان باهات بیرون؛ ولی
نتونن...

• SaLiVanMaNi@ ••

251.9K

MoStafa-

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسایی مارو فروختن که وقتی اسممون میاد؛ دنبالمون می‌گردن...

• SaLiVanMaNi@ ••

250.9K

MoStafa-

17:56

:Porf:sunflower::crescent_moon#

غمگین ترین حس دنیا؟!
اون لحظه که دلت واسه خودت می‌سوزه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

253.9K

nini

19:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

واسه من استوری معنادار نزارید؛ من اگه معنا سرم می‌شد؛ با شما رفت
و آمد نمی‌کردم...

• SaLiVanMaNi@ ••

254.9K

Fati/Ayda

21:19

اععع

250.4K

Noushin -

23:52

سلام عرض شد...

250.7K

Noushin -

23:55

چطورید قیشتنگاااا!؟:mask::nail_care:

250.9K

Noushin -

23:56

جمعه، 4 آبان 1403

دلتون برام تنگ شده بود؟! 😊 🦋

نظرسنجی

آرهههه زیاد

نه زیاد (بی ادب)

5204 رای

255K

Noushin -

0:00

خدا بی ادبان را دوست ندارد!!! 😬 😬

256.4K

Noushin -

0:05

« تو سالیوان منی!..! ♥ 🦋 »

دلِتون برام تنگ شده بود؟! 😬 🦋

می‌دونم از دستم شکارین... 😬 :joy:

257.5K

Noushin -

0:10

دیگه از فردا پر قدرت شروع

می‌کنم!!! :stuck_out_tongue_closed_eyes: //

ویرایش شده

263.6K

Noushin -

0:11

« تو سالیوان منی!..! ♥ 🦋 »

می‌دونم از دستم شکارین... 😬 :joy:...

الان بریم پارت؟! :boom::sunglasses:

268.6K

Noushin -

0:11

سالیوان من 🦋 :sparkles:

#پارت297

آب دهنمو قورت دادم و چپ چپ نگاهی به کیهان انداختم و اونم خیر
سرش خواست جمعش کنه گفت :

+ چی؟!
من چیزی گفتم؟!!

مامانش بهت زده نگاهی بهش انداخت و گفت :

+ گفتمی چرا وایسم!!!
منظورت چی بود؟!
چرا انقد شوتی مادر؟!!

به سختی جلوی خودم و گرفتم تا تو این هیری ویری از خنده نترکم...

شوت؟!!

خانوم ناظم و این لفظا؟!!

با دستی که جلوی دهنم گرفته بودم منتظر به کیهان نگاه کردم که بعد
از چند ثانیه سکوت سرشو خاروند و گفت :

+ آها لابد بازم داشتم بلند بلند فکر می کردم...
ای بابا...!

مامانش سری از روی تاسف تگون داد و گفت :

+ ده بار گفتم از این آهنگای بی معنی گوش نده... عقلتم از دست دادی!!!

کیهان نگاهی از داخل آینه بهم انداخت و چشمکی ریزی بهم زد و خطاب به مامانش گفت :

+ چشم آسیه خانوم چشمم...
ولی ما عقلمون و سر یه چیز دیگه از دست دادیم!!!

ای خدا باز شروع کرد...

با اینکه از حرفاش قند تو دلم آب می‌شد ولی جلوی مامانش راحت نبودم!!!

کلافه هوفی کشیدم و شروع به جوییدن ناخونم کردم...

هر لحظه وضعیتم بدتر از قبل می‌شد...

با ناچاری دوباره برای کیهان نوشتم :

- پریود شدم...
هر چه سریع تر نگو دار وگرنه ماشینت بفنا میره!!!

کیهان نگاهی به گوشیش انداخت و با دیدن پیامم فوری برام نوشت :

+ ای وای باشه دورت بگردم...
فقط بلند ازم بخواه که هرجا دستشویی دیدم نگه دارم تا مامانم شک
نکنه!!!

کم کم داشت دلم درد میگرفت!!!

داشتم با خودم کلنجار می رفتم برای اینکه بگم یا نه؟!

بعد از چند دقیقه من من کردن؛ بالاخره بلند گفتم:

- ببخشید...

می شه لطفا هرجا دستشویی بود نگه دارید؟!

کیهان به حرفم آروم خندید که توی دلم کوفتی نثارش کردم...

272.5K

Noushin -

0:15

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❁ ‹

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت296 چند دق...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

"هزاران چشم به دُنْبَالَ پیک خَطای مَن...!"

• SaLiVanMaNi@ ••

265.2K

Dyana

9:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خود زمین روزی یه بار خودشو دور می‌زنه؛ از آدماش چه انتظاری دارین؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

264.8K

Dyana

10:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرگز در مقابل بی عدالتی تماشاگر نباش؛ در گور وقت برای ساکت بودن بسیار است...

• SaLiVanMaNi@ ••

261.1K

Noushin -

12:11

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همیشه اونی که فکر میکنه از دماغ فیل افتاده؛ پر از عقده و کمبوده...

• SaLiVanMaNi@ ••

254.5K

MaHNaZ²

15:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من اخلاق ندارم؛ تو قیافه!!!
من و تو باهم زیادی فرق داریم رفیق...

• SaLiVanMaNi@ ••

254.5K

Niyaz

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدم حسابی بودن برمیگرده به اصالت خانواده؛ که تو نداری...

• SaLiVanMaNi@ ••

254.6K

Niyaz

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با کسی از راه دوستی دشمنی نکنید؛ امتیاز بی ذاتی هیچ جا ثبت نشده...

• SaLiVanMaNi@ ••

259.3K

nini

19:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گوشتی که سهم شغال می‌شه؛ بو کشیدنشم برای شیر حرامه...

• SaLiVanMaNi@ ••

259.1K

Fati/Ayda

21:16

های

256K

Noushin -

23:53

258.4K

Noushin -

23:55

من :

260.3K

Noushin -

23:56

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❀ »

استیکر

تو چنین وضعیتی اومدم واستون پارت بزارم!!!:joy::mask:

263.2K

Noushin -

23:57

قدرمو

میدونید؟!:cherry_blossom::stuck_out_tongue_closed_eyes:

264.6K

Noushin -

23:57

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❀ »

تو چنین وضعیتی اومدم واستون پا...

شنبه، 5 آبان 1403

اع اومدید؟!:

277.2K

Noushin -

0:05

خب بریم پارت...:bangbang::sunglasses:

288.3K

Noushin -

0:06

سالیوان من 8:sparkles:

#پارت298

مادر کیهان بدون اینکه نگاهم کنه گفت :

+ یکم صبر کنی ی ربع دیگه می‌رسیم مدرسه...

وای خدایا نه!!!

اگه می‌تونستم صبر کنم جلوی توی عجزه حرفشو می‌زدم اصلا!؟!

چشمامو تو حدقه چرخوندم و از حرص لبمو محکم روی هم فشار
دادم...

عجب زنیکه ی نفهمی بود...

اگه تا یه ربع من تو این ماشین بمونم که همه جا قرمز میشه...

به تو چه اصلا!!!!

حتما یه مرگیم هست که میگم نگه داره دیگه...

همونطوری تو دلم داشتم جolz و ولز میکردم که خدا روشکر کیهان یه

تکونی به خودش داد و گفت :

+ طوری نیست!!!

این نزدیکی ها یه مسجد هست اونجا نگه میدارم برو کارتو انجام بده و بیا...

چقدر دلم می‌خواست تو صورت مامانش پوزخند بزنی و بگم :

- هه خوردی؟!

حالا هستشو تف کن...

ولی حیف که جرعتشو نداشتم!!!

فقط لبخند پیروزمندانه ای زدم و منتظر موندم...

طولی نکشید که جلوی ی مسجد نگه داشت...

تشکری کردم و فوری از ماشین پیاده شدم...

کیفمو روی دوشم تنظیم کردم و بعد از دیدن تابلوی سرویس بهداشتی زنانه به سمتش حرکت کردم...

همین که وارد یکی از دستشویی ها شدم کم مونده بود از بوی بدش بالا بیارم...

اما خب چاره ای نداشتم مجبور بودم!!!

با دیدن لباسم که خونی و کثیف شده بود کم مونده بود اشکم در
بیاد!!!

با زاری و البته آروم گفتم :

- ولی این شرت مورد علاقه ام بود...

پوفی کشیدم و فوری پد اضطراریمو از تو کیفم برداشتم و گذاشتمش...

تو آینه نگاهی به خودم انداختم و بعد از اینکه مطمئن شدم همه چی
اوکیه از سرویس اومدم بیرون...

به محض بیرون اومدنم با قیافه ی نگران کیهان روبه رو شدم که پرسید
:

+ خوبی؟!

درد نداری؟!

291.3K

Noushin -

0:08

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ›

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت297 آب دهن...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بعضیا تو خواب می بینن موفق شدن؛ بعضیا نمی خوابن که موفق

بشن...

• SaLiVanMaNi@ ••

281.8K

Noushin -

7:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اونی که فکر می‌کنی بهت آسیب نمی‌زنه؛ تیکه پاره می‌کنه و می‌ذاره
میره...

• SaLiVanMaNi@ ••

280.4K

Wizi 21

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فاصله اهمیت دادن تا ندادنم شب تا صبحه؛ سعی کن لیاقتشو داشته
باشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

280.2K

Wizi 21

11:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه از ریشه آدم حسابی نباشی؛ دیگه با هیچ پولی آدم حساب
نمی‌شی...

• SaLiVanMaNi@ ••

279.1K

Wizi 21

13:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گرفتار مردمی شدیم که همه‌چی رو می‌دونن؛ غیر از عیبای خودشون...

• SaLiVanMaNi@ ••

273.8K

Niyaz

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حالت عادی من ؛

حالت غیر عادی آدمای معمولیه...

• SaLiVanMaNi@ ••

272.7K

Niyaz

17:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیگه قتل و خشونت از مد افتاده؛ جدیداً همه با خنده و شوخی سر
می‌برن!...

• SaLiVanMaNi@ ••

273.8K

nini

19:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پسرا بعد جدایی یه دختر دیگه پیدا می‌کنن؛ دخترا خودشون رو پیدا
می‌کنن...

• SaLiVanMaNi@ ••

271.9K

Fati/Ayda

21:21

یکشنبه، 6 آبان 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

مردم خدارو بخاطر وعده‌هاش می‌پرستن؛ تو می‌خوای تورو به خاطر
خودت بخوان؟!

• SaLiVanMaNi@ ••
258.9K
Noushin -
7:13

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تا حالا دیدین یه آدم هم سخت پسند باشه هم عن پسند؟!
اگه ندیدین اون آدم منم...

• SaLiVanMaNi@ ••
258.4K
Wizi 21
10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دارم به اون نقطه می‌رسم که تو صورتتون نگاه کنم و بگم یه قطع
ارتباطمون نشه؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

258.3K

Noushin -

12:14

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متوجه همه چی می‌شم؛ ولی خوشم میاد نشون بدم هیچی حالیم
نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

258.7K

Wizi 17

13:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عزیزم لازمه بهت یاد آوری کنم؛ که من باختمم از تاج گذاری تو باشکوه
تره...

• SaLiVanMaNi@ ••

254.1K

Niyaz

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بیخودی نصیحتم نکن؛ من تا اون کارو نکنم شب خوابم نمیبره...

• SaLiVanMaNi@ ••

254.2K

Niyaz

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه روز هم می‌رسه که به نکرده‌ها افتخار میکنی؛ همه چی ارزش تجربه نداره...

• SaLiVanMaNi@ ••

257.4K

nini

19:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ما در این عقرب سرا هر لحظه از سر تا به پا؛ نیش یاران؛ نیش جانان خورده‌ایم...

• SaLiVanMaNi@ ••

257.3K

Fati/Ayda

21:15

نیاز ظاهر شو... 😊:joy:

252.5K

Noushin -

23:57

الان میاد...:stuck_out_tongue_closed_eyes::cherry_blossom:

253.6K

Noushin -

23:58

« تو سالیوان منی!..! ♥ 🌸 »

نیاز ظاهر شو... 😊:joy:

دوشنبه، 7 آبان 1403

من اومدم وای وای 😊 🌸

256.5K

Niyaz

0:00

خیلی منتظرم بودین؟! 🐱 🐾

257.8K

Niyaz

0:03

نیاز اومده... چی چی آورده 😊!!

259.3K

Niyaz

0:05

البته که پارت آورده... 😍👁️❤️

262.2K

Niyaz

0:08

پارت و کیشمیش؟! 🤔👁️

یا پارت خالی...

278.5K

Noushin -

0:09

› تو سالیوان منی...! ♥️👁️ ‹

البته که پارت آورده... :sunglasses::link::hearts:

سالیوان من :sparkles: 👁️

#پارت299

چون روز اول پری و دم بود؛ یکم گیج می زدم و به خاطر سرگیجه ای که داشتم خوب نمی شنیدم که چی می گه...

بخاطر همین گنگ نگاهش کردم و فقط گفتم :

- نه اوکیم!!!

لبخندی زد و گفت:

+ خب خداوشکر ...
پد همراهات داشتی؟!
تازه می‌خواستم برم برات بگیرم...

از خجالت گونه هام گل انداخت که برای بیشتر ضایع نشدنم سرم و
پایین انداختم...

خندید و با انگشت اشارش ضربه ای به گونه‌م زد و تو همون حال گفت :

+ خوب شد این دور و بر پارک بودااا...
وگرنه حسابی اذیت می‌شدی!!!

آب دهنمو قورت دادم و با خودم گفتم :

- وای خدایا...

نکنه ماشینشو کثیف کردم و بخاطر همین داره این سوالو ازم می‌پرسه؟!

از ترس شنیدن جوابش؛ جرئت پرسیدن سوالم رو نداشتم...

فقط مثل بچه ی آدم سرم و پایین انداختم و همراه کیهان به سمت
ماشین حرکت کردم...

در ماشین و که باز کردم قبل از سوار شدن به صندلی نگاه کردم که
ببینم یه وقت کثیف نشده باشه که خداوشکر نشده بود...

مثل اینکه یه بار شانس باهام یار بوده!!!

کیهان هم پشت رل نشست و ماشین و روشن کرد...

حدودا 20 دقیقه ای گذشته بود که بالاخره به مدرسه رسیدیم...

فوری خداحافظی و تشکر کردم و خواستم با دو به مدرسه برم که کیهان دور از چشم مامانش چشمکی بهم زد و بعد با چشمش به گوشیش اشاره کرد..

هان؟!

وقتی دید عین منگلا دارم نگاهش می‌کنم با همون خنده روی لبش سرشو به نشونه تاسف تکون داد و آروم لب زد :

+ بهت اس می‌دم!!!
جوابمو بده باید حرف بزنیم...

وقتی سنگینی نگاه مامانش رو حس کردم نتونستم مخالفت کنم و با تکون دادن سرم به نشونه باشه؛ با بیشترین سرعت از ماشین پیاده شدم...

انقدر خجالت می‌کشیدم و نمیتونستم تو روی مامانش نگاه کنم که قبل اینکه از ماشین پیاده شه دوییدم و از اونجا دور شدم..

حیات مدرسه خلوت خلوت بود و همه ی بچه ها سر کلاس بودن...

فوری به سمت کلاس خودمون رفتیم و از اونجایی که معلم داخل بود؛
نفس عمیقی کشیدم و ضربه ای به در زدم :

+ بفرمایید!!!

280.8K

Niyaz

0:13

« تو سالیوان منی!..!♡ ❁ »

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت298 مادر ک...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسی که با عصبانیت رفته ممکنه برگرده؛ ولی کسی که با لبخند میره
دیگه بر نمیگرده...

• SaLiVanMaNi@ ••

271.6K

Wizi18

8:27

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به اونی که میخواد خم شدن منو ببینه؛ بگو وقت نماز بیاد...

• SaLiVanMaNi@ ••

269.9K

Wizi18

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه می‌تونستم آب رو قبل خوردن می‌شستم؛ با من از اعتماد حرف
نزن...

• SaLiVanMaNi@ ••

269.9K

Wizi18

12:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گاهی باید داشته هاتو تو دست‌های یکی دیگه ببینی؛ تا بفهمی چی
داشتی...

• SaLiVanMaNi@ ••

269.4K

Wizi 13

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرموقع خواستید اندازه صبر یه دختر و بفهمید؛ به موهاش نگاه کنید...

• SaLiVanMaNi@ ••

261.4K

17:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عزیزانی که سرتون تو زندگی منه؛ تسلیم نشید؛ فصل جدید زندگیم به زودی میاد...

• SaLiVanMaNi@ ••

262K

nini

19:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با کسی باشید ؛ که جیگر ناراحت کردن بقیه سر شمارو داشته باشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

264.1K

nini

19:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همه ما دیوونه ایم ؛
فقط اونا که تو تیمارستانن لو رفتن...

• SaLiVanMaNi@ ••
264.4K
Wizi 13
21:18

سه شنبه، 8 آبان 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه باعث خندت می شم دلک پدرت نیستم؛ دوست دارم...

• SaLiVanMaNi@ ••
254.8K
Noushin -
7:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زندگی برای کسی که پدر و مادرش زندگی کردن بلد نبودن؛ خیلی
سخته...

• SaLiVanMaNi@ ••

253.7K

Wizi18

10:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حسود؟!؟

من سر اونیکه دوستش دارم کلثوم اکبری هستمِه...!

• SaLiVanMaNi@ ••

253.6K

Wizi18

12:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرکی شمارو تو آب نمک خوابوند؛ شمام تو قبر بخوابوندیش...

• SaLiVanMaNi@ ••

252.1K

Wizi 13

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ولی حاجی خودمونیم؛ متاسفانه یسریاتونو پولم آدم نکرد...!

• SaLiVanMaNi@ ••

245.5K

Niyaz

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فکر نکن که خیلی بالایی؛ طوفان کارش بلند کردن آشغاله...

• SaLiVanMaNi@ ••

242.7K

Niyaz

17:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

فکر نکن که خیلی بالایی؛ طوفان کارش بلند کردن آشغاله...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

244.1K

19:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

و آرزوها هرگز نزد خدا نمی‌میرند...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

246.1K

19:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همه چیز رو از همه کس انتظار داشته باشید؛ اینطوری کمتر غافلگیر
میشید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

245.6K

Fati/Ayda

21:18

دیرین دیرین...

240.3K

Noushin -

23:56

چهارشنبه، 9 آبان 1403

242K

Noushin -

0:00

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❁ »

دیرین دیرین...

این صدایی که هم اکنون می‌شنوید ؛

243.1K

Noushin -

0:01

صدای اعلام تایم پارت است!!! 😊:alarm_clock:

243.9K

Noushin -

0:02

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❁ »

این صدایی که هم اکنون می‌شنوید...

پس آیا ایمان آوردید

بهم؟!::cherry_blossom::stuck_out_tongue_closed_eyes:

245.4K

Noushin -

0:04

عه اینجاروو 🧛:ghost:

246.8K

AsA

0:11

« تو سالیوان منی...! ♥ 🍀 »

پس آیا ایمان آوردید

بهم؟! :stuck_out_tongue_closed_eyes::cherry_blossom:

سلام خدافظ:relieved: 🍀

251.8K

Noushin -

0:12

« تو سالیوان منی...! ♥ 🍀 »

عه اینجاروو 🤪:ghost:

بدویید بریم پالارت... 🤪:rocket:

255.6K

Noushin -

0:12

سالیوان من 🍀:sparkles:

#پارت300

با شنیدن صدای معلمون آب دهنمو قورت دادم و در و باز کردم و آروم
گفتم :

- سلام...

از شانس بدم زنگ اول ریاضی داشتیم و معلمشم از اون سگ اخلاقا
بود...

اخمی کرد و گفت :

+ الان چه وقت اومدنه؟!

سرمو پایین انداختم و با شرمندگی و برای خلاصی از دستش گفتم :

- ببخشید خانوم...

یه مشکلی پیش اومده بود؛ برای همین تا الان پیش خانوم ناظم
بودم!!!

عصبی خودکارش و تو هوا تکون داد و گفت :

+ دروغم که می‌گی!

خانوم ناظم امروز اصلا مدرسه نیومده...
برو دفتر تا پیام تکلیفتو مشخص کنم!!!

ای بخشی شانس...

نفس تند کشیدم و به سختی گفتم :

- خانوم بخدا با خانوم ناظم بودم؛ تازه اومدیم!!!
اگرم که باور نمی‌کنید می‌تونید از خودشون بپرسید...

چشماش و ریز کرد و چند لحظه تو همون حال نگاهم کرد و بالاخره گفت
:

+ الان بیا داخل...
زنگ تفریح می‌پرسم؛
اگه دروغ گفته باشی خیلی بد میشه ها...

نیشم باز شد و کشیده گفتم :

- چشم...-

گوشه ای ترین نقطه کلاس که یه صندلی خالی داشت نشستم و بعد از
بازکردن کیفم کتابم و برداشتم و روی میز گذاشتم...

بعد هم گوشیم و بین کتاب گذاشتم تا معلم نبینه!!!

با دیدن اس ام اسی از طرف کیهان؛ فوری نیشم باز شد و مشغول پیام
دادن بهش شدم...

انقدری درگیر صحبت کردن و ریز ریز خندیدن بودم که اصلا متوجه گذر
زمان نشدم...

زیاد از تایم اومدنم نگذشته بود که خوشبختانه زنگ تفریح به صدا در
اومد...

بچه ها یکی یکی از کلاس می‌رفتن بیرون و منم بعد از جمع کردن
وسایلم و برداشتن کتابم؛ گوشیم و خاموش کردم و تو کوله‌م انداختم و
از کلاس بیرون رفتم...

با احساس گرسنگی که حس می‌کردم راهم و به طرف بوفه مدرسه کج
کردم و تو مسیر به این فکر کردم که در جواب درخواست کیهان که ازم
خواست باهاش برم بیرون چی باید بگم؟!

258.9K

Noushin -

0:13

› تو سالیوان منی...!♡ ❁ ‹

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت299 چون رو...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

از دست پخت مامانت بخوام بگم؛ بله واقعا پسر خوشمزه‌ای درست
کرده...

• SaLiVanMaNi@ ••

252.9K

Noushin -

6:11

:Porf:sunflower::crescent_moon#

چجوری احساس ناکافی بودن می‌کنید؟!
من احساس میکنم کسی لیاقتمو نداره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

250.5K

Wizi18

10:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خطرناک ترین ذات ها؛ پشت معصوم ترین چهره هاست...

• SaLiVanMaNi@ ••

250.4K

Wizi18

11:44

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از اینایی که شب دیر می خوابن و صبحا زود بلند می شن دوری کنید؛ اینا روانین...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

248.5K

Leili.mobi

13:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسی باش که برای صعود خودش می‌جنگه؛ نه سقوط آدم‌ها...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

244K

Niyaz

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من اگه قرار بود با هرکسی؛ برم؛ پیام؛ بشینم؛ حرف بزنم؛ گرم بگیرم؛
می‌شدم تو؛ نه من...

• SaLiVanMaNi@ ••

243.2K

Noushin -

17:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه خوابی واست دیدم؛ که یوسف هم نمیتونه تعبیرش کنه!

• SaLiVanMaNi@ ••

243.4K

ИЄVЄЯ

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیگه دوست دخترت بودن بسه؛ وقتشه مامان دخترت بشم...

• SaLiVanMaNi@ ••

243.2K

Fati/Ayda

21:21

خب سلام... 🍯 ✨

242.6K

Noushin -

21:49

حذف شدہ

چطورید قیشنگا؟! 👻:cherry_blossom:

243.2K

Noushin -

21:52

سوپرايزم چيه بنظرتون؟!🤪:rocket:

آزمون

قطعاً! یا اارت...

نمیدانم؛ اطلاعی ندارم

4510 پاسخ

244.6K

Noushin -

21:54

تست هوشه ها؛ فقط زرنگا بگن!!! 🤪:joy:

245K

Noushin -

21:59

« تو سالیوانِ منی!..! 🌸 ♥ »

سوپرایزم چیه بنظرتون؟! 🤪 🚀

پارت داریم ولی انگار نیستید؟! 🤪:pizza:

246.7K

Noushin -

22:03

آیا برم؟! آیا نرم؟!

251.9K

Noushin -

22:09

« تو سالیوانِ منی!..! 🌸 ♥ »

پارت داریم ولی انگار نیستید؟! 🤪...

نمیرم...

253.9K

Noushin -

22:11

بدویید بیاید پالارت...:sunglasses: 🌸

258.7K

Noushin -

22:11

سالیوان من 8:sparkles:

#پارت 301

تو همین فکر بودم که به بوفه رسیدم...

فکر کردن راجب کیهان و پیشنهادش رو به زمان دیگه ای موکول کردم و
کیک و شیر موزی برای خودم خریدم...

بعد از تموم شدن کارم به سمت حیاط رفتم و روی گوشه ای ترین
نیمکت حیاط نشستم و کتابم و باز کردم...

همونطور که کیک و شیر موزم رو می‌خوردم تند تند صفحات کتاب رو
هم ورق می‌زدم تا شاید یه فرجی بشه...

با اینکه خیلی سخت بود ولی هرچور که شده باید یاد می‌گرفتم..

بعد از گذشت 10 دقیقه زنگ کلاس خورد و مجبور شدم به داخل
مدرسه برگردم!!!

رسمای هیچی نخونده بودم و با این وضعیت نمره خیلی پایینی
می‌گرفتم...

انقدر استرس داشتم که مطمئن بودم اگه معلم صدام کنه تمام
چیزهایی که ناقص خونده بودمم از ذهنم می‌پره...

به محض وارد شدنم به کلاس روی دم دستی ترین صندلی نشستم و دوباره مشغول شدم...

با دقت در حال خوندن بودم؛ اون قدری که اصلا متوجه رهایی که کنارم نشست نشدم...

با شنیدن صداش اونم دقیقا کنار گوشم از ترس شونه هام بالا پرید و چپ چپ نگاهش کردم که به روی خودش نیاورد و با پرویی گفت :

+ چته خرخون؟!
می بینم که داری خر میزنی...
میخوای 22 بشی?!

همونطور که با صفحه کتاب درگیر بودم کلافه گفتم :

- وای ولم کنا؛
هیچی نخوندم...

رها خندید و با کنایه گفت :

+ نترس؛ از تو نمی پرسه...

به سمتش برگشتم و ابرویی بالا انداختم و با کنجکاوی گفتم :

- چطور?!

از کجا میدونی؟!

به سمت دیگه ای نگاه کرد و تو همون حال گفت :

+ ناسلامتی تو مدرسه پارتی داری!!!
معلمان هم هوات و نگه می‌دارن دیگه...

نمی‌فهمیدم رها از چی حرف می‌زنه...

نکنه از ماجرای من و کیهان و مامانش چیزی فهمیده؟!

وای خدایا الان باید چی می‌گفتم؟!

از اونجایی که چیزی به ذهنم نمی‌رسید با اخم نگاهش کردم و گفتم :

- متوجه منظورت نمی‌شم!!!
واضح تر حرف بزن...

شونه ای بالا انداخت و با بیخیالی گفت :

+ همینجوری!!!
حس شیشم بهم می‌گه...

برو بابایی زیر لب نثارش کردم و به خوندن ادامه دادم...

262.2K

Noushin -

22:16

« تو سالیوان منی!...! ♡ 🍀 »
سالیوان من 🍀:sparkles: #پارت300 با شنی...
... 🍀 ♡(((fact#
261.5K

Noushin -

22:35

:nEw PaRt...:panda_face::sparkles
260.3K

Noushin -

22:36

« تو سالیوان منی!...! ♡ 🍀 »
سالیوان من 🍀:sparkles: #پارت301 تو همی...
پنجشنبه، 10 آبان 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

به بچه هاتون؛ دُنگ دادن؛ متعهد بودن؛ حرمت نون و نمک نگه داشتن
رو پیاموزید...

• SaLiVanMaNi@ ••

251.6K

مصطفی؛

6:47

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زندگے منہ؛ انتخاب منہ؛ اشتباہ منہ؛ تورو سننه آخه قربونت برم؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

246.3K

Noushin -

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جا داره بگم؛ خیلی خوشحالم از اینکه باهاتون در ارتباط نیستم...

• SaLiVanMaNi@ ••

246.6K

Noushin -

10:32

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تا چشم کار می‌کنه بدخواه دارم؛ موردی نیست سگم پشت سر واق واق
می‌کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

247.5K

Noushin -

10:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لول خیلی مهمه؛ پشت هیچ دکوری نمیشه مخفیش کرد...

• SaLiVanMaNi@ ••

244.3K

Noushin -

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یا با پای خودت میای؛ یا میگم دعانویس بیارتن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

240.9K

"Niyam"

16:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

درسته ادعات مثل دُلاَر میره بالا؛ ولی شعورت هنوز مثل ریال پایینه...

• SaLiVanMaNi@ ••

240.2K

"*Niyam*

18:04

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه هرچی بیشتر ذوم کردم روت؛ بی کیفیت تر شدے...

• SaLiVanMaNi@ ••

243.8K

nini

19:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچوقت نمی‌تونی با ادم چشم و دل سیر ؛ به مشکل بخوری...

• SaLiVanMaNi@ ••

244.5K

Wizi 21

21:21

:sunglasses::link:!سلوم

247.3K

Noushin -

21:52

حذف شده

248.3K

Noushin -

22:00

« تو سالیوانِ منی!..! ♥ ❀ »

:sunglasses::link!: سلوم!

حال شما؟!!

249.5K

Noushin -

22:04

بینازم؛ هستید؟!!

251K

Noushin -

22:08

:innocent::sparkles:... بیبیِ داریم پارت

256.6K

Noushin -

22:13

:cherry_blossom: 🍷! پارت میقولید؟!!

نظرسنجی

بلیییی

خیررررر

5113 رای

276K

Noushin -

22:22

سالیوان من 8:sparkles:

#پارت 302

هنوز چند دقیقه بیشتر نگذشته بود که معلم وارد کلاس شد و به محض نشستنش روی صندلی گفت :

+ خب امروز امتحان داریم؛
کریمی بیا این برگه هارو پخش کن بین بچه ها...

با دیدن برگه ها چپ چپ نگاهی به رها انداختم که با استرس سرشو
خاروند...

خاک تو سرم...

فکر می کردم در حد یه پرسش شفاهیه و با چندتا کلمه راست و ریست
کردن می تونم از سرم وا کنم ولی الان میخواست امتحان بگیره!!!

چیکار باید می کردم حالا؟!

برگه ها که پخش شد؛ با دیدن سوالا سری تکون دادم و شروع به
نوشتن کردم...

هرچیزی که می دونستم و نمی دونستم و بدون مطمئن شدن از درست و
غلط بودنش در جواب سوالا می نوشتم...

انقد هول شده بودم که نمی‌فهمیدم چی مینویسم و انگاری فقط داشتم صفحه رو پر میکردم...

زمان امتحان که تموم شد؛ معلم برگه هارو جمع کرد و گفت :

+ یکم استراحت کنید تا من برگه هارو تصحیح کنم!!!
همین الان نمره هاتونو بهتون می‌گم...

لعنتی به بخت بدم فرستادم...

آب دهنمو قورت دادم و با ترس رو به رها گفتم :

- حالا حتما الان باید تصحیح کنه؟!
هوففف...

+ خراب کردی؟!!

نفس تندی کشیدم و با استرس گفتم :

- من چه زبان بخونم چه نخونم قطعا خراب میکنم...
این چیزیه که هیچوقت تازگی نداره!!!

رها که کلا از اول درس و مدرسه به چپش بود آدامسی رو که نمی‌دونستم تو اون لحظه از کجا و چطور پیدا کرده بود و تو دهنش باد کرد و با بیخیالی گفت :

+ شل کن بابا دنیا دوروزه...

ای رهای احمق؛ مگه من برای نمره نگرانم؟!

از استرس اینکه باز باید با مامان کیهان روبه رو شم دارم خل میشم...

این بار دیگه چی باید بهش می‌گفتم؟!

278.3K

Noushin -

22:26

› تو سالیوان منی...! ♡ 🍀 ‹

سالیوان من 🍀:sparkles: #پارت 301 تو همی...

هنوزم

گیر کنی جایی من هستما:(((😊 🙌 ...

277.3K

Noushin -

22:44

(3.6MB) 0:15

:nEw PaRt...:koala::feet

276.5K

Noushin -

22:44

› تو سالیوان منی...! ♡ 🍀 ‹

سالیوان من 🍀:sparkles: #پارت 302 هنوز چ...

جمعه، 11 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدم نادون؛ تو اصلا حساب نمیشی که بخوای دشمنمونم باشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

266.5K

MoStafa -

7:34

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اون کسایی که برا تو آرزو شدن؛ من سال ها پیش بلاکشون کردم...

• SaLiVanMaNi@ ••

263.2K

MoStafa -

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به من دروغ نگو چون می فهمم ؛ فقط حوصله ندارم به روت بیارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

262.7K

Noushin -

11:26

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من سر انتخاب تو به عنوان رفیق؛ یه عمر به خودم عذرخواهی
بدهکارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

253.5K

Noushin -

16:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با برنده‌ها بازی کنید؛ شاید نتونید ببرید ولی راه بردن یاد میگیرید...

• SaLiVanMaNi@ ••

255.9K

«Mm³»

17:49

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با برنده‌ها بازی کنید؛ شاید نتونید ببرید ولی راه بردن یاد میگیرید...

• SaLiVanMaNi@ ••

256.7K

ИЄVЄЯ

19:22

شنبه، 12 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حواسمون به دشمنامون بود؛ اما هرچی خوردیم از خودی بود...

• SaLiVanMaNi@ ••

243.8K

Noushin -

6:26

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گزینه اول بدبختیا اعتیاد نیست؛ اعتماد...

• SaLiVanMaNi@ ••

241.2K

Wizi 4

10:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سخت ترین زبون دنیا؛ زبون انسان ہاے زبون نفہمہ...

• SaLiVanMaNi@ ••

241.7K

Wizi 4

11:42

:Porf:sunflower::crescent_moon#

واسہ منے کہ حوصلہ ے یہ روتونم ندارم؛ دورویی نکنید...

• SaLiVanMaNi@ ••

239.6K

Wizi 5

13:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانہ؛ خدا چہرہ ہایی کہ تایپمہ رو روانی آفریدہ...

• SaLiVanMaNi@ ••

234.9K

"*Niyam*

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تازگیا سرعت افتادن آدما از چشمم؛ از میگ‌میگ بیشتره...

• SaLiVanMaNi@ ••

232.8K

"*Niyam*

17:58

دروود فراوان!!! 🌸🌍

232.7K

Noushin -

18:10

با تو میشه صدبارو خورد زمین...

233K

Noushin -

18:16

دوباره پاشد و رفت همون راه و مستقیم:(((👁️👁️...👉

233.3K

Noushin -

18:17

› تو سالیوانِ منی...!💖🌸 ‹

با تو میشه صدبارو خورد زمین....

تو نباشی عمرا کنه جاتو پر کسی...

233.8K

Noushin -

18:18

مهم نی کی رو به رومه تا تو پشتمی:(((😞 ❀ ...

235.4K

Noushin -

18:19

« تو سالیوانِ منی!..! ❀ ♥ »
تو نباشی عمرا کنه جاتو پر کسی....

237.3K

Noushin -

18:20

گیف

« تو سالیوانِ منی!..! ❀ ♥ »
مهم نی کی رو به رومه تا تو پشت...
سالیوانِ من: ❀:sparkles:
#پارت303

از اونجایی که حوصله کلکل کردن نداشتم بی حوصله گفتم :

- باشه تو راس میگی!!!

فهمیدم که از جوابم ناراحت شد ولی اصلا حوصله اینو نداشتم که ناز
کشی کنم و از دلش دربیارم...

بعدا هم می‌تونستم این کارو بکنم!!!

بی فکر تند تند توی دفترم هرچیزی که به ذهنم رو می‌رسید و
می‌نوشتم تا ساعت زودتر بگذره...

نمی‌دونم چقدر گذشته بود که با شنیدن صدای معلممون به خودم
اومدم...

با دیدن برگه ی دفترم که پر از اسم کیهان شده بود بی اراده خندیدم و
آروم با خودم گفتم :

- ببین چیکار کردی با من!!!

با بلند شدن دوباره ی صدای رو مخش حواسم و جمع کردم و منتظر
نشستم تا اسمم و صدا کنه و نمره ی درخشانم رو ببینم...

بعد از گفتن اسم سه چهار تا از بچه ها که رفتن و برگه هاشونو تحویل
گرفتن؛ متاسفانه نوبت به من رسید!!!

+ پناه؟!
بیا جلو ببینم...

با استرس از جام بلند شدم و با چندتا قدم بلند خودم و به میز معلم
رسوندم...

خوشبختانه با دیدن من تن صداش و پایین آورد و آروم تر از قبل گفت :

+ بازم که امتحانتو خراب کردی!!!

چرا درس نمی‌خونی؟!
نکنه عاشق شدی?!?

با خجالت سرم و پایین انداختم که همونطوری ادامه داد :

+ اگه بخوای با این وضعیت ادامه بدی اصلا نمیتونی آخر سال نمره
قبولیو بگیری!!!
هفته بعد یه امتحان دیگه ازتون می‌گیرم اگه نمرت زیر 16 باشه با
اولیات میای مدرسه...

سر به زیر آروم گفتم :

- چشم!!!

+ اینم برگه‌ت...
برش دار و بشین سرجات!!!

با بیشترین سرعتی که از خودم سراغ داشتم اون کاغذ نحس و برداشتم
و برگشتم سرجام...

انقدری درگیر فکر و خیال بودم که اصلا نفهمیدم کی ساعت 12:30 شد
و زنگ خورد...

ویرایش شده

239.1K

Noushin -

18:20

مهم نی ؛
کی رو به رومه تا تو پشتمی :(((🐼 🦋 ...
240.3K

Noushin -
18:37

(2.7MB) 0:10
:Porf:sunflower::crescent_moon#

این روزا ؛ صداقت تو دشمنامون بیشتره تا رفیقامون...

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
243.1K
Noushin -
19:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو زندگی به غیر از وجدانت؛ مجبور نیستی به کسی جواب پس بدی...

• SaLiVanMaNi@ ••
242.5K
Noushin -
21:20

خب خب...

238.5K

Noushin -

23:53

:stuck_out_tongue_closed_eyes::rocket:!!! داریم پارت جدید

238.9K

Noushin -

23:58

حذف شده

یکشنبه، 13 آبان 1403

اع تایم

240.6K

Noushin -

0:00

دعا کنید هرشب حوصله‌م سربره... 😊:joy:

243K

Noushin -

0:03

چون اینطوری دوتا پارت میذارم واستون:))) 😊 🙌

244.2K

Noushin -

0:05

« تو سالیوان منی!..! ♥ 🌸 »

دعا کنید هرشب حوصله‌م سربره.....

بریم پارت؟! 😊👀

251.1K

Noushin -

0:06

:Let's go...:dancer::fire

259.1K

Noushin -

0:12

› تو سالیوان منی!..! 🌸💖 ‹

بریم پارت؟! 😊👀

:sparkles: 🌸 سالیوان من

#پارت304

زودتر از همه از جام بلند شدم و با عجله همه ی وسایلم رو جمع کردم و
با مرتب کردن کوله روی دوشم با گفتن "خسته نباشید" بلندی از کلاس
بیرون رفتم...

برای حرف زدن با کیهان ذوق داشتم و می خواستم هرچه زودتر خودم و
به خونه برسونم!!!

پس منتظر اومدن کسی نشدم و تو مسیر خونه شروع به راه رفتن
کردم...

در طول مسیر هر چند دقیقه یک بار سنگینی نگاهی رو روی خودم حس
می کردم ولی هرچقدر وایمیستادم و به دور و بر نگاه می کردم کسی رو
نمی دیدم...

کوچه مدرسه تا خونه مون از همیشه خلوت تر بود و این خلوتی بیش از حدش واقعا عجیب بود...

کم کم داشتم می ترسیدم!!!

اصلا سابقه نداشته این محله اونم تو این وقت روز انقدر خلوت باشه...

بی اختیار سرعت قدم هام و بیشتر کردم تا هرچه زودتر از این کوچه برم بیرون ولی هنوز چند قدم بیشتر برنداشته بودم که ماشینی با سرعت جلوم پیچید و محکم روی ترمز زد...

شونه هام از ترس بالا پرید و تنها واکنشی که تونستم از خودم نشون بدم جیغ زدنم بود!!!

ماشین درست تو چند سانتی متری من وایستاده بود...

اگه فقط چند ثانیه دیرتر ترمز می کرد معلوم نبود چه بلایی سرم می اومد...

یه ماشین شاسی بلند مشکی که شیشه هاشم تا درجه آخر دودی بود!!!

از ترس بدنم می لرزید و حتی نمی تونستم سرپا وایستم...

توقع داشتم راننده ماشین پیاده بشه تا حداقل حالم رو بپرسه ولی انگار نه انگار...

در کمال ناباوری دنده عقب گرفت و با دور زدن توی کوچه با آخرین
سرعت از اینجا دور شد!!!

طوری که انگار هیچوقت ماشینی جلوی من نیپیچیده و تا مرز کشتنم
نبرده بود...

اگه ضعف و لرزش بدنم نبود؛ حتما فکر می‌کردم دچار توهم شدم ولی
خب اینطوری نبود!!!

همه چیز بیش از اندازه دارک و ترسناک بود...

شک نداشتم به خاطر ترس زیادم رنگ و روم پریده ولی راه دیگه ای
نداشتم...

باید تا قبل از اینکه بلای دیگه ای سرم می‌اومد خودم و به خونه
می‌رسوندم...

ویرایش شده

260.9K

Noushin -

0:17

حذف شده

...(((::sparkles:♡

260K

Noushin -

0:29

(1.6MB) 0:06

:nEw PaRt...:yum::strawberry

259.5K

Noushin -

0:30

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❀ »

سالیوان من ❀:sparkles: #پارت304 زودتر ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به قد و هیکل و اندازه تو ؛ نمی‌رسه از من جایی صحبت کنی...

• SaLiVanMaNi@ ••

255.1K

Noushin -

6:29

:Porf:sunflower::crescent_moon#

منو با فاصله گرفتن تست نکنید ؛ خیلی زود عادت میکنم به
نبودناتون...

• SaLiVanMaNi@ ••

252.8K

wizi 19

10:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من وقعاً کیس مناسبی ام؛ نمیدونم چرا همیشه گیر آدمای نامناسبی
می افتم...

• SaLiVanMaNi@ ••

252.1K

wizi 19

11:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من تو سیمای هندزفریم میپیچم؛ تو تو زندگی مردم...

• SaLiVanMaNi@ ••

249.7K

Wizi 22

13:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش بلد بودید یکم واقعی باشید؛ کیکای بی خاصیت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

245K

"*Niyam*

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اعصاب سرد شدنتونو ندارم؛ لطفا یهویی برید گم شید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

244.5K

"*Niyam*

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ادعائے پوچ و همه بلدن؛ بیبی شما یکم عمل لازمی...

• SaLiVanMaNi@ ••

246.4K

Noushin -

19:34

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ساختم از شکسته های خود؛ خنجرى بُرنده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

246.8K

Fati/Ayda

21:17

ساعت 00:00 منتظرم باشید!!! 🤖🔥:fire:

249.8K

Noushin -

21:48

247.7K

Noushin -

23:51

« تو سالیوان منی!..! 🤖❤️ »

ساعت 00:00 منتظرم باشید!!! 🤖🔥...

چطورید!؟

248.4K

Noushin -

23:53

اع سلام و یادم شد 😊:joy:

249.6K

Noushin -

23:56

پارت داریم قند و

:stuck_out_tongue_closed_eyes::cherry_blossom:!!!!عسل!

251.1K

Noushin -

23:57

دوشنبه، 14 آبان 1403

هستید؟!

268K

Noushin -

0:03

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄️ ‹

پارت داریم قند و

:stuck_out_tongue_closed_eyes::cherry_blossom:!!!!عسل!

:sparkles: ❄️ سالیوان من

#پارت305

به سختی از رو زمین بلند شدم و بعد از تمیز کردن گرد و خاک روی
لباس هام با عجله شروع به راه رفتن کردم...

تو کل مسیر بی اراده برمی گشتم و به عقب نگاه می کردم تا ببینم کسی
پشت سرم میاد یا نه؟!

نمی دونم چرا حس می کردم یکی داره تعقیبم می کنه!!!

مثلا همون شاسی بلند مشکی...

دیگه فاصله ای تا سخته کردن نداشتم که خوشبختانه به خونه رسیدم...

قبل از اینکه کامل وارد خونه بشم سرکی تو کوچه کشیدم...

یه ماشین سیاه رنگ و دیدم با سرعت زیادی از اونجا رد شد...

وای که چقدر شبیه همون ماشینی که جلوم پیچیده بود، بود!!!

سرم و تکون دادم تا این فکر از یادم برن...

زمزمه وار گفتم :

- نکنه این همون ماشین باشه؟!

بعد خودم جواب خودم و دادم :

- دیوونه ای پناه؟!

مگه تو کی هستی که بیوفتن دنبالت یا مثلا بخوان با ماشین زیرت بگیرن؟!

اون فقط یه اتفاق بود که ممکنه برای همه پیش بیاد پس بیخودی حساس نشو...

با این حرف ها به خودم امید می دادم ولی نمی دونستم که همیشه ماجرا اونطوری که ما فکر می کنیم رقم نمی خوره...

کم کم داشتم توهم می‌زدم و اگه همینطوری ادامه می‌دادم بدون شک
دیوونه می‌شدم!!!

نفس عمیقی کشیدم و با ذهن آروم تری درو بستم و وارد خونه شدم...

برای اینکه حال و هوای دیو از خودم دور کنم از همون جلوی در سلام
بلند و بالایی گفتم با خنده وارد خونه شدم...

مستقیم به طرف آشپزخونه رفتم و مامان و که جلوی اجاق گاز وایستاده
بود و مشغول نهار پختن بودو از پشت بغلش کردم...

سرم و خم کردم و صدا دار گونه‌ش رو بوسیدم و با خوشحالی گفتم :

- خوشگل من چگونه؟! -

269.8K

Noushin -

0:07

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ‹

سالیوان من ❄:sparkles: #پارت304 زودتر ...

قلب مال منه ولی ضربانش تویی :(((♥ ...

268.3K

Noushin -

0:22

...nEw PaRt ☹

ویرایش شده

268K

Noushin -

0:23

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❁ »

سالیوان من ❁:sparkles: #پارت305 به سخت...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اون بهشتی که من دنبالشم؛ مسیرش از جهنم میگذره...

• SaLiVanMaNi@ ••

260.3K

Noushin -

7:30

:Porf:sunflower::crescent_moon#

درست زمانی که قرار بود؛ شرایط بدتر از اونی که هست نشه، تو رفتی ...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

258.7K

wizi 19

10:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قلب آدما به نسبت دردهایی که کشیده؛ پیره؛ سن فقط یه عددده...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

258.1K

wizi 19

11:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش می‌چربید زور عقلم به قلبم ؛ که حالا نبینم دلم از همه
خسته‌س...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

256.7K

Wizi 22

13:47

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها چیزے که برای رفتنش ناراحت میشم ؛ 'اینترنته'

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

252.9K

"*Niyam*

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

باخت واسه همه اس؛ من همه نیستم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

255.8K

"*Niyam*

17:48

:Porf:sunflower::crescent_moon#

احمق جان نگران نباش؛ وقتی دورش خلوت شد برمی‌گرده...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

254.6K

nini

19:23

سه شنبه، 15 آبان 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

خدا روشکر اونقدری درگیر خودم هستم ؛ که پیگیر زندگی کس دیگه
نباشم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

238.4K

wizi 19

8:06

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ولی خب به وقتش که نباشید، دیگه بود و نبودتون فرقی نداره...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

238.3K

wizi 19

10:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از درد لذت ببر ؛ اون موقع دیگه صدمه نمیبینی ؛ فقط قوی تر

میشی...

• SaLiVanMaNi@ •

ویرایش شده

238.9K

wizi 19

11:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اونقدری راحت فراموشت کردم؛ که پشماے خوده آلايمرم ريخت...

• SaLiVanMaNi@ •

ویرایش شده

236.9K

Wizi 22

13:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با ما شدن سخته ولی؛ توانا بود هرکه با ما بود...

• SaLiVanMaNi@ •

235.9K

"*Niyam*

16:15

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه اونقدرے کہ آدماے دورم هارن؛ حیوونا نیستن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

236K

"*Niyam*

17:53

🦋🤪...!!!!Hi Hi

237.6K

Noushin -

17:56

🐍:stuck_out_tongue_closed_eyes:!!؟ کیوتا؟!

240.2K

Noushin -

18:00

› تو سالیوان منی...!🦋❤‹

🦋🤪...!!!!Hi Hi

🕶:sunglasses:!!؟ دیدی دیگه؟!

248K

Noushin -

18:02

› تو سالیوان منی...!🦋❤‹

سالیوان من 🧸:sparkles: #پارت305 به سخت...

بریم پارت بعدی؟!🌊:grimacing:
250.3K

Noushin -

18:05

به به بینازم 🍷:cherry_blossom:
254.3K

Noushin -

18:08

بزنید بریم!!!👊:innocent::facepunch:
260.9K

Noushin -

18:10

سالیوان من 🧸:sparkles:
#پارت306

با چنـدش منو از خودش جدا کرد و همزمان که صورتشو تمیز می کرد غر
زد :

+ ای ای دختره دیوونه!!!
ببین صورتم و کثیف کردی...

با بهت و دهنی باز معترض گفتم :

- اع مامان!!!

+ یامان...

برو یه آبی به دست و صورتت بزن شب مهمون داریم...

همونطور که آروم آروم به سیب زمینی های سرخ شده کنار گاز ناخونک می‌زدم با فضولی پرسیدم :

- حالا مهمونه کی هست؟!

با کفگیر توی دستش محکم زد پشت دستم و همزمان گفت :

+ صدبار بهت گفتم اینطوری به غذا ناخونک نزن!!!

کی میخواد باشه؟!

مگه ما کیو داریم؟!

خالتینان دیگه...

بی اراده "وای" بلندی از دهنم بیرون پرید که مامان چپ چپ نگاهم کرد...

با حال زاری گفتم :

- برا چی می‌خوان بیان؟!

با بیخیالی شونه ای بالا انداخت و بی توجه به جلز و ولز کردن من؛ جواب داد :

+ آلزایمر گرفتی مامان جان؟!

مثل اینکه پریروز شب‌نم (جاری خاله‌م) با پسرش سیامک برای انجام
کارای ارث و میراثشون اومدن ایران...
امروز که با خاله‌ت حرف می‌زدم همش عجز و ناله می‌کرد از دستشون!!!
هی می‌گفت اینطورین اونطورین برای ما قیافه می‌گیرن و اینا...
دیگه منم گفتم امشب همشونو واسه شام دعوت کنم یه گلی به سر
خواهرم بزنم!!!
جلو جاریش باعث افتخارش بشم...

لنگه ابرویی بالا انداختم و با خنده گفتم :

- بنده خدا مهسا...

چقدر دلشو واسه این پسرعموی فرنگ رفته‌ش صابون زده بود!!!

مامان چشم غره توپی بهم رفت و همونطور که به طرف یخچال حرکت
می‌کرد با تهدید گفت :

+ چشه مگه؟!

بچه خواهرم مثل ماه می‌مونه...

بدو برو انقد عیب نزار روش!!!

یه لباس درست درمون بیوش آبروداری کنیم جلوی بقیه...

به سختی جلوی خودم و گرفتم تا "ایش" کش داری به زبون نیارم چون
بدون شک مامان پاره‌م می‌کرد...

263.4K

Noushin -

18:13

› تو سالیوان منی!...! ♡ 🦋
سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت305 به سخت...

متضاد منی ؛

ولی رفیقم باهات (((: 🤔 ♡ 🦋...

262.2K

Noushin -

18:34

(7.5MB) 0:24

🦋 🤔...nEw PaRt

261K

Noushin -

18:34

› تو سالیوان منی!...! ♡ 🦋
سالیوان من 🦋:sparkles: #پارت306 با چند...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

شهرے کہ آدماش کثیف تر از هواشن؛ تعطیل کردن نداره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

263.3K

nini

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدمک خرنشوے؛ مست صدایش بشوی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

263.4K

Fati/Ayda

21:17

چهارشنبه، 16 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نه تنها پشتت حرف نمیزنم ؛ بلکه اسمتم میاد گردن نمیگیرمت...

• SaLiVanMaNi@ ••

251.7K

Noushin -

7:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

با آدم اشتباه که وارد رابطه بشید؛ درس‌هایی یاد می‌گیرین که هیچ‌جا تدریس نمیشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

249.5K

«Mm³»

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تایپم اون کسیه که که با همه سگ باشه؛ با من "میو" ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

249.3K

«Mm³»

12:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو بگو جهنم؛ من باهاش میرم (((:

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

248.6K

Wizi 22

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدمی که ذاتش درست باشه؛ هیچوقت نمی‌تونه دورو باشه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

244.7K

"*Niyam*

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بیبی؛

از داشته هات مایه بزار نه عقده‌هات...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

244.9K

"*Niyam*

17:54

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نوشته بود :

" بیا پایین در حد یه سیگار ببینمت..."

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

244.5K

ИЄVЄЯ

19:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به بعضیام باید گفت :

- در حد ساعتتم نیستی که دست بندازمت...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

245K

Fati/Ayda

21:15

ساعت 00:00 منتظرم باشید!!!:fire::bangbang::sunglasses:

244.9K

Noushin -

21:52

:Hi...🤪:pizza

241.9K

Noushin -

23:44

:Bah Bah!!!:yum::strawberry

242.3K

Noushin -

23:47

« تو ساليوان منى!..! ♥ ❁ »

...:sunglasses::bangbang:!!! منتظرم باشيد 00:00 ساعت

:relieved::cherry_blossom:!!؟ اينجاس كى ببينيد

245.9K

Noushin -

23:50

پارت بزارم آيا؟! ❁ 😊

نظرسنجى

بلى

خير

4943 راي

247.2K

Noushin -

23:53

پنجشنبه، 17 آبان 1403

⚡(((Time

257.1K

Noushin -

0:00

🐍:stuck_out_tongue_closed_eyes:... بريم پارت ببى

274.3K

Noushin -

0:08

› تو سالیوان منی...! ♡ 🍷 ‹

پارت بزارم آیا؟! 🤪 🍷

سالیوان منی 🍷:sparkles:

#پارت307

پس مثل یه بچه خوب بی چون و چرا گفتم :

- باشه!!!

دیگه منتظر نموندم چیزی بگه و با عجله به طرف اتاقم دویدم...

خوشبختانه انقدری درگیر مهمونی و شام شبش بود که متوجه پریشون
حالم نشد!!!

به محض وارد شدنم به اتاق؛ خواستم مانتوم و دربیارم که نوتیف پیام
گوشیم بلند شد...

با تصور اینکه کیهان پیام داده؛ خوشحال خم شدم و گوشیم و برداشتم
و بعد از زدن رمزش فوری وارد پیامک هام شدم...

ولی با دیدن شماره ناشناس ضد حال خوردم و با اخم های درهم پیامش
و باز کردم که با دیدن متن پیام انقدری ترسیدم که گوشی از دستم
افتاد...

با یاد آوری چیزی که دیدم کل بدنم به لرزش افتاد...

محتوای پیام فقط چند کلمه بود و همون چند کلمه منو به این حال انداخت!!!

چیزی رو که خونده بودم و نمی‌تونستم هضمش کنم...

شاید هم نمی‌خواستم که باورش کنم!!!

مثل آدم طلسم شده؛ همون قدر بی حس و روح خم شدم و گوشی و از رو زمین برداشتم و دوباره پیامشو خوندم :

" بوی خون؛ بوی ترس؛ بوی خشم "

همونطور خیره به این چند کلمه بودم که گوشی توی دستم لرزید و پیام دیگه ای از همون شماره برام اومد...

اصلا کنترلی روی رفتار خودم نداشتم!!!

" آلارم فعال شد!!! "

فرصت خیلی کمی داری کوچولو...

با دست های لرزون و چشم هایی که شک نداشتم از ترس زیاد قرمز شدن جوری گوشی و تو دستم فشار می‌دادم که از شدت فشار زیاد دست هام سفید شده بودن!!!

اینجا چخبر بود؟!

این پیام ها و حرف ها چه معنی می‌تونست داشته باشه؟!

بخاطر ضعف و ناتوانی زیادی که توی بدنم حس می‌کردم با شدت خودم
و روی تخت پرت کردم...

همونطور که به صفحه گوشیم خیره بودم و حتی پلک هم نمی‌زد؛ به
این فکر کردم که این پیام ها که بوی تهدید و خطر می‌داد از طرف کی
می‌تونست باشه؟!

276.9K

Noushin -

0:12

› تو سالیوان منی...!♡ ❄️ ‹

سالیوان من ❄️:sparkles: #پارت306 با چند...

الهی همیشه؛ بمونی کنارم (((♡ ❄️...

274.6K

Noushin -

0:31

👁️👁️...nEw PaRt

نظرات؛ انتقادات؛ پیشنهادات و ... خودتونو اینجا به صورت ناشناس

بهم بگید :🤪:wave:📺

<https://harfeto.timefriend.net/17309264335476>

274K

Noushin -

0:32

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❁ »

سالیوان منی ❁:sparkles: #پارت307 پس مٹ...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لاشی بازیاتون رو با آدمای سالم انجام ندید ؛ انصاف نیست...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

262.4K

wizi 19

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو بلاک کردن و حذف کردن آدمای مزخرف؛ به شدت دست به نقدم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

260.3K

Noushin -

11:52

:Porf:sunflower::crescent_moon#

احترام مثل یه دست لباس شیکه؛ به هرکسی نمیداد...

•• SaLiVanMaNi@ ••

258.3K

Noushin -

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه از باخت می‌ترسی؛ پس بدون لایق برد نیستی...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

254.8K

نعنا

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بزرگترین دشمن شما ؛ ذهن کنترل نشده شماست...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

253.7K

ИЄVЄЯ

17:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ادعای زرنگی نکن بیبی؛ هنوز گیر اهلش نیوفتادی...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

254.8K

nini

19:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از آدم‌هایی که دوست صمیمی‌شون دائما تغییر می‌کنه؛ فرار کنید...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

254.7K

Fati/Ayda

21:23

جمعه، 18 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وفاداری یعنی؛ اگه تو سیاره‌ت یه گل دیگه باشه، تو عاشق گل خودت باشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

245.8K

wizi 19

8:11

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حداقل من همین‌ی ام که هستم ؛ تو چی هستی پشت این همه نقاب؟!

•• SaLiVanMaNi@ ••

236.3K

Noushin -

14:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسی که به آینده خودش اعتماد داره ؛ به زندگی بقیه حسودی نمی‌کنه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

237K

Noushin -

14:02

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دهن شماسٽ!؟

ممنون میشم کمتر گوه بخورید...

•• SaLiVanMaNi@ ••

234.9K

Noushin -

16:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

«په روز میفهمید منتظر گذاشتن آدما فرقی با از دست دادنشون نداره!!»

•• SaLiVanMaNi@ ••

238K

[illegible]

18:04

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه قیمت بگیرید؛ بعضی از رفیقاتونو مفت نفروشید...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

240.8K

ИЄVЄЯ

19:23

:Hi...:stuck_out_tongue_closed_eyes::cherry_blossom

233.5K

Noushin -

23:50

امشب چه شبیست؟!

234.3K

Noushin -

23:56

یه نفر قراره از نو زاده بشه!!! 🤪:joy:

235.9K

Noushin -

23:57

› تو سالیوان منی!..! 🍀 ♡ ‹

امشب چه شبیست؟!

قراره بکوبیم از اول بسازیم 🤪 🖐

236.9K

Noushin -

23:59

شنبه، 19 آبان 1403

این بار آهنیشو... 😊 🌸 !!

242.1K

Noushin -

0:00

« تو سالیوانِ منی...! 🌸 ❤️ »

قراره بکوبیم از اول بسازیم 🤖 🙌 ...

به همین مناسبت پارت داریم!!! :tired_face: 🌸

248.9K

Noushin -

0:02

هستید که؟! :heart_eyes::strawberry:

261.7K

Noushin -

0:03

« تو سالیوانِ منی...! 🌸 ❤️ »

به همین مناسبت پارت داریم!!! 🎲 ...

سالیوانِ منی 🌸 :sparkles:

#پارت308

+ پناه آماده شدی؟!!

با شنیدن صدای داد مامان به خودم اومدم و کلافه "هوفی" کشیدم...

شاید اصلا یکی از بچه های کلاس بود و اینطوری میخواست باهام شوخی کنه؟!!

با همین فکر خودم و آروم کردم و بیخیال گوشیم شدم...

از جا بلند شدم و بعد از در آوردن لباس هام وارد حمام شدم و سر سری دوش گرفتم...

مشغول سشوار کشیدن موهام بودم که صدای نوتیف پیام گوشیم بلند شد...

با ترس و لرز از اینکه مبادا دوباره یه پیام تهدید آمیز برام فرستاده باشن؛ گوشی و برداشتم که با دیدن اسم کیهان بالای صفحه نفس راحتی کشیدم...

"پناه کجایی؟! "

بی معطلی جواب دادم :

"سلام ؛ خونه م "

جوری که انگار روی گوشی ش خیمه زده باشه ؛ درجا جواب داد :

"پس چرا هرچقد زنگ زدم جواب ندادی؟! "

با تعجب وارد لیست تماسام شدم که با دیدن 3 تماس از دست رفته از کیهان بادم خالی شد...

دوباره وارد صفحه چتش شدم و نوشتم :

" ببخشید حموم بودم؛ متوجه نشدم!!! "

این بار پیامش با تاخیر اومد :

" چی تنته؟! "

نگاهی به تیشرت و شلوار گشادی که پوشیده بودم انداختم و با
شیطنت لبم و گاز گرفتم و جواب دادم :

" تاپ و شورتک "

" چه رنگین؟! "

خندیدم و بی توجه به رنگ آبی لباسم نوشتم :

" قرمز "

چند لحظه گذشت و وقتی جوابی ازش نیومد خواستم گوشی و کنار بزارم
و آماده بشم که دیدم داره تصویری زنگ میزنه...

263.7K

Noushin -

0:07

‹ تو سالیوان منی...! ♥ ❀ ›

سالیوان منی ❀:sparkles: #پارت307 پس مٹ...

واسه من ستاره نه؛
یه کهکشونی:(((🌍🔮...

ویرایش شده
260.8K

Noushin -
0:27

(4.4MB) 0:18
🤪🤪...nEw PaRt
260.2K

Noushin -
0:28

› تو سالیوان منی!..!🌸🌸
سالیوان منی🌸:sparkles: #پارت308 + پنا...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

من چیزی نمی‌گم؛ چیزی نمی‌گم؛ یهو یه چیزی می‌گم که دیوارم
می‌شکنه...

•• SaLiVanMaNi@ ••
254.8K
Noushin -
6:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

احمق!!! قدرت زبونتو به مامانت که حرف زدن یادت داده؛ نشون نده...

•• SaLiVanMaNi@ ••

251.1K

Wizi 4

10:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من برای کسی که هست صدمو میزارم؛ ولی امکان نداره موندن کسیو
گدایی کنم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

250.8K

Wizi 4

12:05

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شاید هیچوقت بین پولدارا قرار نگیرم؛ ولی تو دسته پول خرج‌گنا صاحب
مقام هستم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

249.9K

Wizi 22

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عیب نداره زمین گرده ؛ سرت گیج میره میوفتی جلو پاهام...

•• SaLiVanMaNi@ ••

244.5K

Noushin -

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دنیا مال نابغه‌هاست ؛ بقیه واسه خوشبختی باید برن پیش فالگیر و
دعانویس...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

244.6K

"Niyam"

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جایگاه حرف مردم تو زندگیم بد جاییه ؛ جوری که حتی خجالت می‌کشم
بگم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

247.9K

nini

19:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نبودنت سخته ولی موردی نیست؛ به اونم عادت میکنم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

247.3K

Fati/Ayda

21:22

یکشنبه، 20 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

این پسرارو که اسمتونو میزنن بیو اینستا و تلگرام ؛ از کجا پیدا می‌کنید؟!

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

233.3K

Wizi 4

8:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اصلیه من بودم ؛ که نفهمیدی و بین فرعیا پیچیدی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

232.6K

Wizi 4

10:35

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه به سردی باشه ؛

برات یخ بندونی میشم که حالشو ببری...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

232.7K

Wizi 4

12:09

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من روانم خراب بود؛ اونا خونِ تو رگاشون؛ تفاوتمون دقیقا همین جا بود...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

231.8K

Wizi 22

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شخصیت آدمای شبیه اکسپلور اینستا شده؛ کپی؛ کم عمق و تلاش برای دیده شدن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

227.3K

"*Niyam*"

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از خداوند متعال ؛ دادن یه صبر ایوب از دست این جماعت تقاضا دارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

227.2K

"*Niyam*

17:55

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدمی که همه چیزو بلده خفه میشه؛ انقدر راجب همه چیز زر نمیزنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

233.4K

nini

19:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وفارو از قفل یاد بگیرید؛ تن به شکستن میده ولی با هیچ کلید دیگه ای باز نمیشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

234.2K

Fati/Ayda

21:16

سلاااام قلباااام @two_hearts:

229.7K

NINA

23:54

حالتون چطور هه؟! 😊❤️

231.1K

NINA

23:56

عالی 😊🦋

232.4K

Noushin -

23:57

« تو سالیوان منی...!❤️🦋 »

حالتون چطور هه؟! 😊:heart:🩹

دوشنبه، 21 آبان 1403

هستید که؟! :eyes::fire:

236K

NINA

0:01

نینیتون براتون پارت آورده هالا 😊💧

241.6K

NINA

0:03

چون نوشمک معیوبه من براتون پارت آوردما 😊👤

247.4K

NINA

0:06

« تو سالیوانِ منی...! ♥ ✨ »
نینیتون براتون پارت آورده ها...
کیشته؛ از فردا مثل شیر اینجام!!!:sunglasses: ✨

259K

Noushin -

0:08

« تو سالیوانِ منی...! ♥ ✨ »
چون نوشمک معیوبه من براتون پار...
دروغ میگه ، هر شب همینو میگه 🗿

279K

NINA

0:08

« تو سالیوانِ منی...! ♥ ✨ »
کیشته؛ از فردا مثل شیر اینجام!...
سالیوانِ منی ✨:sparkles:
#پارت309

خب بدبخت شدم!!!

الان من تاپ و شرتک قرمز و از کجا میاوردم؟!

با استرس سشوار و خاموش کردم و به طرف کمد دوییدم تا ببینم
می‌تونم چیزی که می‌خوام و پیدا کنم یا نه؟!

همون لحظه که می‌خواستم در کمد و باز کنم با شنیدن صدای فریاد
مامان خشکم زد :

+ پناه؟!!

مثل خودش بلند داد زدم :

- بله؟!!

+ مهمونا اومدن ذلیل مرده!!!
کجایی تو؟!!

ریز خندیدم و جواب دادم :

- الان میام...

از اونجایی که می‌دونستم اگه چند دقیقه دیگه دیر کنم با جارو میاد بالا
سرم ، جواب دادن به کیهان و به زمان دیگه ای موکول کردم و با
بیشترین سرعتی که از خودم سراغ داشتم آماده شدم...

کت و شلوار یاسی رنگی پوشیدم و شال سفیدی سر کردم...

صندل های سفید رنگم و پوشیدم و بعد از انجام یه آرایش لایت و
دخترانه روی صورتم؛ تقریبا با عطر دوش گرفتم و بالاخره رضایت دادم
تا از اتاق برم بیرون...

همزمان با رسیدن من به راهرو ؛ صدای بلند آیفون تو خونه پیچید...

سرعت راه رفتنم و بیشتر کردم و خودم و به مانیتور کنار در رسوندم...

با دیدن قیافه آشنای خاله که از همین جا هم مشخص بود شدیداً در حال حرص خوردنه ریز خندیدم و درو باز کردم...

بعد از باز کردن در ورودی، همون جا کنار دیوار وایستادم تا مثلاً از مهمونا استقبال کنم!!!

استرس و هیجان ریزی داشتم که دلیلش رو هم نمی‌دونستم...

تو فاصله بالا اومدن مهمونا، مامانم خودش و بهم رسوند و تا خواست به خاطر کوتاهی بیش از حد کتم بهم گیر بده، سر و کله خاله و دخترش پیدا شد و خوشبختانه نتونست واکنشی نشون بده!!!

پشت سر خاله، شبنم خانوم با یه لبخند گنده و دست گل شیکی که تو دستش گرفته بود وارد خونه شد و مشغول خوش و بش کردن با مامان شد...

همونطور که مشغول فکر کردن بودم؛ بی حواس درو محکم هل دادم که با شدت به چیزی برخورد کرد و صدای داد مردونه ای رو بلند شد...

281.7K

NINA

0:16

› تو سالیوان منی...!♡🦋
سالیوان منی🦋:sparkles: #پارت308 + پنا...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

نژاد پرست نیستم؛
اما نژادم قابل پرستیدنه...

•• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
272.8K
Wizi 4
9:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ضعیف نبودم؛ حریف من کسی بود که دوستش داشتم...

•• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
271.8K
Wizi 4
10:26

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه یکی از داشتنم دیونه شد؛ یکی از نداشتنم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

269.8K

Wizi 22

13:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرچیزی که تو خیال بگنجه ؛ واقعیت پیدا میکنه...!

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

261.9K

"*Niyam*"

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من می‌خواستم توی دلت خونه بسازم ؛ بعدا فهمیدم یه شهرک توش
بوده...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

261.3K

NINA²

19:27

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه تعداد از اطرافیان من ؛ از واژه شعور فقط هجی کردنشو یاد گرفتن...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

260.3K

Fati/Ayda

21:16

سه شنبه، 22 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من سکوت میکنم؛ موردی نداره تو احساس زرنگی کن...

•• SaLiVanMaNi@ ••

248.3K

Noushin -

6:57

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه تا دیروز منو داشتی به لطف قلبم بود ؛ اختیارم که بیوفته دست

مغزم دیدنم واست آرزو میشه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

245.6K

Wizi 4

10:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سبز کجا بود؟!

پیر شدیم بابا جان...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

245.4K

Wizi 4

11:47

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بیبی اگه بهت احترام میزارن ؛ واسه اینه که با من دیدنت...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

244.2K

Wizi 22

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدم حسابيا آخر قصه مشخص ميشن ، اول قصه همه خوش آب و رنگن!!

•• SaLiVanMaNi@ ••

238.5K

"*Niyam*"

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اعتماد کُشتم ، لا به لاي دردام!!

•• SaLiVanMaNi@ ••

236.6K

"*Niyam*"

17:51

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر کاری داری میکنی ، فقط قبلش به این فکر کن که زمین گرده!!

•• SaLiVanMaNi@ ••

240.4K

NINA²

19:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر کاری داری میکنی ، فقط قبلش به این فکر کن که زمین گرده!!

•• SaLiVanMaNi@ ••

238.9K

Fati/Ayda

21:17

چهارشنبه، 23 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انقدر دنبال آدم اشتباه ندویین،آدم درست اصلا فرار نمیکنه.....!

•• SaLiVanMaNi@ ••

225.7K

Wizi 4

8:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گاهی جهان فقط با یک نفر پر می شود....

•• SaLiVanMaNi@ ••

225.2K

! Amir -

10:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دنیا متعلق به اوناییه که ترس از دست دادن ندارن

•• SaLiVanMaNi@ ••

224.2K

! Amir -

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من و تو وطن یکدیگریم:seedling:

•• SaLiVanMaNi@ ••

219.5K

! Amir -

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بهترین حسی که یه نفر میتونه بهت بده؛
عشق نیست. ارامشه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

218.8K

.

19:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ما خیلی زخم خوردیم ، حالا وقتشه یکم دلمون خنک شه.

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

219.8K

! Amir -

21:19

خیلی وقته که دیگه دلت برام تنگ نمیشه:sob::joy:

217.8K

! Amir -

23:43

گل ابریشم من، گل که دلت سنگنمیشه 🌸

219K

! Amir -

23:43

خیلی وقته که دیگه یه پیغامی ندادی واسه من 😊

220.2K

! Amir -

23:44

خیلی وقته که دیگه واسمون پارت نداشتی 🌀:pensive:

221.4K

! Amir -

23:44

امشب دست پر اومدم با یدونه پارت:cherry_blossom::relieved:

222.5K

! Amir -

23:44

آماده؟:hibiscus:

226K

! Amir -

23:51

.3

227.1K

! Amir -

23:51

.2

229.1K

! Amir -

23:51

.1

233.7K

! Amir -

23:51

سالیوان منی 8:sparkles:

#پارت310

هول شدم و بی فکر به جای عقب کشیدن و باز کردن در ؛ محکم تر از
قبل کوبیدمش که دوباره صدای دادی بلند شد...

بی اراده "وایی" گفتم و تا خواستم درو باز کنم دستی دور بازوم پیچید و
منو با شدت عقب کشید...

+ بیا این ور ببینم؛ کشتی شوهرمو...

با بهت و دهن باز به مهسا که این حرفو زدو منو رسماً از سر راهش
شوت کرد اون ور نگاه کردم و تنها ری اکشنی که تونستم نشون بدم،
پلک زدنم بود...

ادمم انقدر فول و هول؟!!

نمی‌دونستم بخندم یا گریه کنم!!!

خواستم ابروش و درست کنم؛ زدم چشمشم کور کردم...

از روی عذاب وجدان تکونی به خودم دادم و با لحنی پر از پشیمونی؛
خطاب به شب‌نم خانوم که داشت پسرش و معاینه می‌کرد گفتم :

- وای بخدا من یادم رفت اینم داره دنبالتون میاد!!!
ببخشید...

چیزیش شد؟!

شب‌نم خانوم لب‌هاش و محکم رو هم فشار داد تا نخنده...

چرا؟!

مگه چی گفتم؟!

+ خیلی ممنون از لطفتون خانوم پناه...
اینی که من باشم خوبم ولی احتمالا یه عمل دماغ رو دستم گذاشته
باشی!!!

با شنیدن صدای مسعودِ مصدوم؛ از خجالت سر تا پام هم‌رنگ لبو
شد...

کاش خدا منو بکشه که انقد سوتی ندم!!!

دستم و محکم جلوی دهنم نگه داشتم تا حرف دیگه ای نزنم و کار و از
اینی که هست خراب تر نکنم...

بالاخره با کنار کشیدن بقیه و کندن مهسای کنه از آقا مسعود اونم به
دست شبنم خانوم تونستم حضرت والای زخمی رو ببینم!!!

دیدنش همانا و ریختن پشمام همانا...

یا حضرت جذابیت!!!

من درو تو صورت این آدم کوبیده بودم؟!!

خدایا کاش دستم و می شکستی ولی دماغ اینو نمی شکستی (اصلا هم
کار من نبود!!!)

زمین تا آسمون با عکس هاش فرق می کرد...

باید به مهسا بابت این حجم از کنه بودنش حق می دادم...

239.8K

! Amir -

23:53

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄️ ‹

سالیوان منی ❄️:sparkles: #پارت309 خب بد...

پنجشنبه، 24 آبان 1403

پارت جذاب امشبمون:joy:🤪

بیاین اینجا چرت و پرتامو بخونید ♥ @Rozaye_Roshan

238.6K

! Amir -

0:02

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »

سالیوان منی ❄️ :sparkles: #پارت310 هول ش...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه روزی هم می‌رسه؛ به نکرده هات افتخار میکنی...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

230.1K

! Amir -

8:10

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من جوریم که حتی افتخار می‌کنم؛ به اشتباهام...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

227.3K

! Amir -

10:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از همه چیز بریده ام؛ جز رحمتِ تو...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

224.4K

! Amir -

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جانا مراد بخت و جوانی؛ وصالِ توست...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

221.2K

1m ◯ □

16:05

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اونی که یه روزی خودت بزرگش کردی؛ میشه بزرگترین حریفِت...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

221.7K

! Amir -

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اره خلاصه؛ ما آدم باخت دادن نیستیم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

223.2K

! Amir -

21:22

:heart_eyes: سلام سلام

223.7K

! Amir -

23:52

خوبید 😊

224.8K

! Amir -

23:56

:stuck_out_tongue_winking_eye::heartpulse:؟بخونیم؟

227.3K

! Amir -

23:57

جمعه، 25 آبان 1403

سالیوان منی: sparkles: 88

#پارت 311

قدش بلند بود و از بازوهای حجیمش که سعی می‌کردن لباسشو پاره کنن؛ مشخص بود که آقا ورزشکار تشریف داره!!!

مهسا به چه امیدی به این بشر دل بسته بود؟!

این که با این سر و وضع حتی نگاهشم نمی‌کرد...

تو همین فکر بودم که صدای مامان؛ رشته افکارم و برید :

+ شرمنده تورو خدا...

این پناه من هول شدنی همش دست گل به آب می‌ده!!!

لطفا شما به دل نگیرید...

خداروشکر انگار دماغتونم به خیر گذشت!!!

مسعود با صدای آروم و مردونه ای خندید و همانطور که زیر چشمی

نگاهم می‌کرد؛ زمزمه وار طوری که فقط خودم متوجه بشم گفت :

+ اگرم به خیر نمی‌گذشت فدا سرش!!!

با چشم های وق زده و دهن باز نگاهش کردم که چشمک ریزی زد و

خندید...

با استرس فوری سرم و چرخوندم و به بقیه نگاه کردم تا ببینم این حرکتشو دیدن یا نه؟!

همه تو حال خودشون بودن جز شبنم خانوم...

جوری نگاهم می‌کرد؛ که انگار هم حرفی که پسرش زد و شنیده و هم چشمکی که زد و دیده!!!

ولی چرا حس می‌کردم چشم هاش داره می‌خنده؟!

جلل الجالب...

مگه مامانش نباید بابت این موضوع فشاری می‌شد؟!

جدای این موضوع؛ اون حرف مسعود و چشمکی که زد چه معنی می‌تونست داشته باشه؟!

خدایا نکنه از من خوشش اومده؟!

با گذشتن این فکر از سرم؛ مغزم فوری نهیب زد :

" دیوونه شدی؟!

اون چرا باید از یکی که تو همون دیدار اول زده دماغشو بگا داده خوشش بیاد؟!

از اون گذشته مهسا اونو دوشش داره!!!

تو حق نداری به چنین چیزی فکر بکنی..."

سرم و تند تند به چپ و راست تکون دادم تا ذهنم از این فکر خالی بشه...

از اونجایی که همچنان جلوی در وایستاده بودیم، آروم با دستم به دست مامان کوبیدم تا به خودش بیاد و دعوتشون کنه تا برن و تو پذیرایی بشینن...

خوشبختانه فوری منظورم و گرفت و همونطور که لبخند مصلحتی ای زده بود؛ گفت :

+ اع وا خاکبرسرم شما که هنوز سرپایین!!!
بفرمایین تو...

بفرمایین...

ویرایش شده

235.1K

! Amir -

0:01

› تو سالیوان منی...!♡ ❄›

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت310 هول ش...

پارت جدید تقدیمتون خوشگلای بابا:cherry_blossom::relieved:

234.9K

! Amir -

0:10

› تو سالیوان منی...!♡ ❄›

سالیوان منی 8:sparkles: #پارت311 قدش ب...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدم ضعیف دنبال لذت ، آدم قوی دنبال پیشرفت!

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

228.7K

Wizi 22

7:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

جنگو باید تو خود زندگی یاد گرفت...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

219.1K

! Amir -

13:18

:relaxed::joy:سلام عشقام

218.6K

! Amir -

13:54

خوبید ؟

219.7K

! Amir -

13:55

روز جمعه خوش میگذره؟:see_no_evil::cherry_blossom:

220.7K

! Amir -

13:55

یه پارت بخونیم؟👁️👁️

227.3K

! Amir -

13:55

.3

228.7K

! Amir -

13:58

.2

232.4K

! Amir -

13:58

.1

238.2K

! Amir -

13:58

سالیوان منی👹:sparkles:

گفت و خودش پیش قدم شد و بعد از گرفتن دست خاله و مامان مسعود؛ جلوتر از ما راه افتاد...

فقط ما سه نفر مونده بودیم!!!

مهسا هم با تشر مسعود از بازوش جدا شد و همونطور که به دنبال مامانش می‌رفت؛ چشم هاش و واسم چپ کرد و تنه ای بهم زد که با تعجب نگاهش کردم...

همونطور که داشتم به این موجود ناقص خدا نگاه می‌کردم؛ صدای مسعود و با لحن نرم و مهربونی شنیدم که گفت :

+ این دخترعموی ما یکم کم داره!!!
ناراحت نشی ازش...

برای اینکه ضایع بازی در نیارم؛ لبخندی زدم و سر سری گفتم :

- آره می‌شناسمش!!!
مثل اینکه دختر خاله خودمم هست...

بعد از تموم شدن حرفم؛ فوری به طرف پذیرایی دویدم با این کارم اجازه ای برای حرف زدن بهش ندادم...

نمی‌دونم چرا ولی اصلا از طرز نگاه کردنش حس خوبی نمی‌گرفتم!!!

عجیب بود و پر معنا...

به دستور مامان و برای پذیرایی از مهمونا؛ از خدا خواسته چپیدم تو
آشپزخونه و سعی کردم حدالامکان جلو چشمشون آفتابی نشم...

داشتم دست هام و می‌شستم که صدای داد مامان و شنیدم :

+ پناه مامان چایی بیار ...

"هوفی" کشیدم و بعد از برداشتن سینی و چندتا لیوان؛ مشغول چای
ریختن شدم...

بعد از تموم شدن کارم؛ همزمان که سینی رو بر می‌داشتم و از آشپزخونه
بیرون می‌رفتم؛ زیر لب زمزمه وار گفتم :

- خدایا خودت به خیر بگذرون!!!
نذر می‌کنم اگه امشب به خیر و خوشی تموم بشه دوزخ ساندویچ
مدرسه مو بدم پریا گنده بک بخوره...

از اونجایی که هربار چای می‌ریختم دست گل به آب می‌دادم و یه اتفاقی
می افتاد الان شدیداً استرس داشتم!!!

سینی چایی رو با به به و چه چه و تعریف مامان و شب‌نم خانوم و زیر
نگاه سنگین خاله و دخترش بین همه چرخوندم و در نهایت کاملاً اتفاقی
به مسعود رسیدم...

از استرس دست هام نامحسوس می لرزید...

خم شدم و سینی رو جلوش گرفتم و منتظر موندم تا چاییش رو برداره
که پام به گوشه فرش گیر کرد و همه چیز در عرض چند لحظه اتفاق
افتاد...

240.1K

! Amir -

14:04

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت311 قدش ب...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

خاکی؛ ساده؛ واقعی؛

نشانه های کیفیت بالا بودن آدم هاست..

.. SaLiVanMaNi@ ..

ویرایش شده

237.4K

! Amir -

15:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

واسه بقیه خوشحال باشی؛ نوبت خودتم می رسه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

235.9K

"*Niyam*

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همیشه؛ با ترس هام جنگیدم که بازنده نباشم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

233.7K

! Amir -

19:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

زنده باد؛ اشتباه خوب من...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

232.2K

! Amir -

21:22

شنبه، 26 آبان 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

لیاقت نمیبینم؛ وگرنه ادم کم گذاشتن نیستم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

218.6K

Wizi 22

8:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من میتونم صد بار ببخشم؛ اما فقط یه بار میتونم بهت اعتماد کنم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

216.8K

Wizi 4

12:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی تاریکی آسمونتو محاصره میکنه؛ مثل ماه بدرخش...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

217.1K

! Amir -

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

برنده اونی بود؛ که رو موندن کسی حساب نکرد...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

213.5K

niYaz

16:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

افتادی از چشمم ، مثل اشک:

•• SaLiVanMaNi@ ••

218.6K

NINA²

19:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی تاریکی آسمونتو محاصره میکنه
مثل ماه بدرخش...

•• SaLiVanMaNi@ ••

222.4K

! Amir -

21:22

سلام سلام 🤩

223.4K

1m 🌙

23:56

هستین یا چی؟؟ 🤩

226.9K

1m 🌙

23:56

:see_no_evil: پارت داریم!

234.4K

1m 🌙

23:56

:sparkles: سالیوان منی 🧚

#پارت313

با بهت به اثر هنریم خیره شدم!
این همه جا.. چرا؟!
چرا باید دقیقاً بریزه روی خ شتکش؟!

سکوت عمیق فضا با صدای پر درد مسعود شکست!!

وای بدبخت دم و دستگاهش آب پز شد
خاله با نگرانی گفت:

_خدا مرگم بده..

اخه یکی نیست بگه زن؛ مرگ دادن تو چه دردی از خیشتک این دوا
میکنه؟!

دستم و گزاشتم روی پیشونیم و نادم گفتم؛

_چیزه... داغ بود؟!

با چهره سرخ شده نگاهم کرد

زیرلب گفت:

_خودت چی فکر میکنی؟!

خودم؟! خودم فکر میکنم آب جوش بود.

مامان که تا اون لحظه سعی داشت سینی و حداقل از روی پا برداره با
لبخند کج و کوله ای گفت:

_دخترم پاشو از روی زمین..

عه وا.. من چرا پخش زمینم؟!
خب دیوونه پات پیچ خورد همه چی و چپه کردی روی بدبخت فلک زده
که الان از روش بخار بلند میشه

با توصیه های جمع مسعود رفت سمت سرویس و مامان هم به من
گفت از اتاق پماد بیارم

آبرو شرف نذاشتم!!
اینو از نگاهای پر تاسف و تهدید خانواده گرامی میشد فهمید

از راهرو گذشتم و داخل اتاق شدم

حالا پماد کدوم بود؟!
یکم تو کشو ها گشتم و بلاخره یه پماد سفید به چشمم خورد

خب همینه ایشالله!!

خواستم از اتاق خارج بشم که با قامت مسعود رو به رو شدم

شوکه هینی کشیدم که دستشو گذاشت روی بینیش

هیس...

237.1K

1m 🌙

23:58

› تو سالیوان منی...! 🌙❤️ ‹

سالیوان منی 🌙:sparkles: #پارت312 گفت و...

پارت جدید قشنگِ مامان 🌙❤️

236.5K

1m 🌙

23:59

› تو سالیوان منی...! 🌙❤️ ‹

سالیوان منی 🌙:sparkles: #پارت313 با به...

یکشنبه، 27 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سکوت بیشتر از آنچه که فکر کنی میگوید...

• SaLiVanMaNi@ ••

227.6K

! Amir -

7:07

:Porf:sunflower::crescent_moon#

«خسته از تمام چیزهایی که در بیرون به پایان رسید اما در درون من
ادامه یافت!»

•• SaLiVanMaNi@ ••

227.1K

Wizi 21

10:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی دیدی همه چیز دوطرفه نیست دیگه تلاش نکن»

• SaLiVanMaNi@ ••

226.9K

Wizi 22

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قبل از به کار گرفتن زبان؛ باید مغز را به کار گرفت...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

225K

niYaz

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بدترین درد؛ زخم خوردن از آدمیه که درداتو براش گفتی...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

221.2K

NINA²

19:53

دوشنبه، 28 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من بودنارو بودم؛ الان دیگه وقت نبوده...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

209.1K

! Amir -

8:40

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بیبی؛ احترام به خودت باید قوی‌تر از احساساتت باشه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

207.9K

Wizi 4

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دلتنگی؛ بدترین حس دنیاس...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

207K

! Amir -

13:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگر احساس میکنی به تغییر نیازی هست؛ به درون خودت سفر کن...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

201.8K

niYaz

16:18

با تو بودن واسه من نعمت بود ♥:sparkles:
1:45

Dasthaye To.mp3

5:51

Hayedeh •

ویرایش شده

199.2K

! Amir -

18:41

با تو بودن واسه من نعمت بود 😊😊

199.4K

! Amir -

18:43

از تو گفتن واسه من عادت بود 😊

200.2K

! Amir -

18:44

غم حرفات واسه من آیه ی عشق 😊

200.6K

! Amir -

18:44

نفسست زمزمه ی رحمت بود:relieved:

201.2K

! Amir -

18:44

پارت داریم 🤔🤔

201.8K

! Amir -

18:45

.3

204.1K

! Amir -

18:51

.2

205.3K

! Amir -

18:51

.1

208.1K

! Amir -

18:51

سالیوان منی:sparkles:

#پارت314

با ترس قدمی عقب رفتم و تو همون حال گفتم :

- ت...تو ای..اینجا چی...کار می...کنی!؟

وقتی متوجه ترسم شد؛ دست هاش رو به نشونه تسلیم بودن بالا برد و همزمان گفت :

+ خب خب باشه پناه کوچولو!!!
آروم باش کاریت ندارم که...
فقط اومدم دست گلی که به آب دادی و جمعش کنم!!!

این و گفت و به شلوارش اشاره کرد که خجالت کشیدم و بدون نگاه کردن به جایی که گفته بود؛ فقط به یقه‌ش خیره شدم که ادامه داد :

+ مامانت گفت پیام دنبالت و ازت پماد بگیرم!!!

شرم زده از بابت قضاوتی که از پیش تو ذهنم کرده بودم؛ با عذاب وجدان گفتم :

- خیلی سوختین؟!

تک خنده ای کرد و همونطور که سعی می‌کرد درد توی صورتش و پنهون کنه گفت :

+ فعلا که انگاری سالمم!!!
یه در باز کردی کوبیدیش تو دماغم؛ یه چای آوردی ریختیش رو شلوارم...
خدا سومیشو بخیر کنه...

نمی‌دونستم بخندم یا شرمنده باشم!!!

تنها کاری که می‌تونستم بکنم این بود که پماد و بهش بدم تا هرچه
زودتر کارش و تموم کنه و بره بیرون...

پماد توی دستم و به طرفش گرفتم که دستشو دراز کرد و ازم گرفتش...

یه لحظه حس کردم موقع گرفتن پماد؛ با انگشت شستش پشت
دستم نوازش کرد ولی انقدری سریع و لحظه ای بود که بعید نبود توهم
زده باشم!!!

هرچی که بود ولی اصلا احساس خوبی نداشتم!!!

اصلا...

خواستم از اتاقم برم بیرون ولی با شنیدن صدای زنگ گوشیم مسیرم و
به طرف میز آرایشم کج کردم و بدون نگاه کردن به اسمش تماس و
وصل کردم...

فکر می‌کردم رها؛ یکی از بچه های مدرسه یا شاید هم پیمان باشه ولی
غافل بودم از اینکه...

به محض جواب دادن، با شنیدن صدای آشنا و بمش خشکم زد :

+ به به پناه خانوم...

چه عجب جواب دادی این تماس مارو!!!

نمی‌گی یه نفرو پشت این گوشی بی تاب ولش کردی چی به سرش
میاد؟!

تا خواستم حرفی بزنم و تماسشو قطع کنم؛ بدترین اتفاق ممکن افتاد...

صدای مسعود بلند شد که...

211.2K

! Amir -

18:55

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❄

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت313 با به...

شخصیت زیبای پناه (((: 😊 ❄ ✨...

211.5K

Noushin -

19:01

پارت جدیدو خوندی ببیی؟! 😊:cherry_blossom:

امشب بازم پارت داریم!!!

210.8K

Noushin -

19:02

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❄

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت314 با تر...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دنبال من خواهی گشت؛ اما در آدم‌های بعد از من...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

205.7K

! Amir -

22:09

:Hi baby... 😊:strawberry

200.9K

Noushin -

23:47

چطورید قلبیام؟!>

201K

Noushin -

23:51

< تو سالیوان منی...! ♥ ❄ >

:Hi baby... 😊:strawberry

عرض ادب و احترام...

201.8K

Noushin -

23:53

202.6K

Noushin -

23:54

Noushin -

0:01

﴿ تو سالیوان منی!..! ♥ ﴾

بشتااااا بید به سوی یارت...🌹:blue_heart:

ساليوان منى :sparkles: 

#پارت315

صدای مسعود بلند شد که رنگم پیرید...

پشتم بهش بود ولی به خاطر فاصله کم بینمون صداش واضح به گوشم رسید :

+ پناه میای په کمکی بدی من؟!

لامصب بد چارو سوزوندى اصلا نمىتونم اونجاھارو كرم بزنم!!!

اون به شوخی می‌گفت ولی صدای نفس‌های تند و عمیق کیهان پشت خط اجازه نمی‌داد به چیز دیگه ای فکر کنم...

+ صدای کدوم پیشرفیه؟!

آب دهنم و قورت دادم و لعنتی به بخت سپاهم فرستادم...

الان چه فکری می‌کرد راجبم؟!

خدا لعنتت كنه مسعود آخه الان وقت حرف زدن بود؟!

داشتم فکر می‌کردم تا دقیقا چه جوابی باید بهش بدم که صدای
فریادش و شنیدم :

+ مگه من با تو نیستممم؟!
میگم کدوم بیشرفی کنارت؟!!

هول شده و بدون فکر گفتم :

- هی...هیچکس ب..خدا...

جوری عربده کشید که حس کردم گلوش پاره شد :

+ منو خر فرض کردی تو؟!
با گوشای خودم شنیدم...
کدوم جهنمی هستی؟!!

محکم دستم و روی چشم هام کشیدم تا گریه نکنم...

با بغض توی گلوم و صدای لرزونی گفتم :

- بخدا خونه خودمونمم!!!
آروم باش الان سخته می‌کنی...
من واست توضیح میدم باشه؟!!

منتظر شنیدن صداش بودم که دوباره صدای نحس مسعود و شنیدم...

کاش خفه می شد!!!

+ چیشد پناه خانومی؟!
نمیای؟!

پناه خانومی و زهرمار ...

اینم درست الان که کیهان پشت خط بود و داشت حرف هاش رو
می شنید لاس زدنش گرفته بود!!!

کاش لال می شد!!!

از استرس به جون ناخن هام افتاده بودم و داشتم می جوییدمشون...

هیچ صدایی از کیهان جز نفس های عمیق و پر از حرصش نمی شنیدم!!!

بالاخره بعد از گذشت چند ثانیه گفت :

+ گفתי خونتونی دیگه آره؟!

- آ...آره...

+ الان میام اونجا!!!

ویرایش شده

215.1K

Noushin -

0:18

« تو سالیوان منی!...! 🍷💖 »

سالیوان منی 🍷:sparkles: #پارت314 با تر...
کیهان خفنمونووو:sparkles:♥:sunglasses:
215.1K

Noushin -

0:21

:nEw:yellow_heart

213.6K

Noushin -

0:21

« تو سالیوان منی!...! 🍷💖 »

سالیوان منی 🍷:sparkles: #پارت315 صدای ...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

شریف زندگی کنید؛ مدت زیادی در این تن نخواهید ماند...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

209.2K

🌐 🍷🍷HAMIDE

6:12

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ذوق من خودش عینکیه؛ لطفا تو دیگه کورش نکن...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

205.9K

Wizi 4

10:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

"نظر کنم به تو؛ نازم به انتخابِ خود"

•• SaLiVanMaNi@ ••

204.4K

! Amir -

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه کسی ازم ناراحته یه نقطه بفرسته بلاکش کنم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

199.1K

niYaz

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سبز ماندن میان این ویرانی ها؛ ریشه میخواد...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

200.4K

! Amir -

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قدرت سکوت؛

خیلی بیشتر از حرف زدنه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

202.5K

! Amir -

21:21

بشه های مامان 🙄

200.8K

1m 🌞

23:52

:speak_no_evil:؟؟ خوبین

202.5K

1m 🗨️

23:52

هستین؟ 🤔

204.3K

1m 🗨️

23:53

با پارت اومدم 🤖

208.9K

1m 🗨️

23:53

سالیوان منی 🧙:sparkles:

#پارت316

- چیبی؟! -

جوری بلند و با تعجب اینو گفتم که بدتر از قبل عصبانی شد...

+ نشنیدی؟! -

گفتم دارم میام اونجا...

با زاری نالیدم :

- وای تورو خدا نیای...

+ مگه نگفتی خونه ای؟! -

در جواب سوالِ مسعود که پرسید :

+ با کی داری حرف می‌زنی؟!

چیزی نگفتم و با صدای آرومی خطاب به کیهان گفتم :

- آره بخدا خونه‌م...

ولی مهمون داریم!!!

من حتما واست توضیح میدم باشه؟!

یه دنده و کله شق غرید :

+ من این حرفا حالیم نمی‌شه!!!

همین الان راه می‌وفتم و تا چند دقیقه دیگه دم خونتونم...

توام تشریف میاری پایین!!!

اون موقع می‌تونی رو در رو واسم توضیح بدی...

هوم؟!

- کی...

حتی فرصت نداد تا اسمشو کامل به زبون بیارم و با جدیت گفت :

+ کیهان بی کیهان!!!

همین که گفتم دیگه هم حرفی نباشه...

بعد از تموم شدن حرف هاش؛ امون حرف زدن بهم نداد و در کمال
ناباوری تماس و قطع کرد....

ای خدا...

الان باید چه غلطی می کردم؟!

+ با تو امااااا...

وقتی برای بار چندم صدای رو مخشو شنیدم؛ از کوره در رفتم و به
طرفش چرخیدم و حرصم از کیهان و هم سرش خالی کردم :

- چی میگی؟!

ولم کن دیگه...

دست از سرم بردار...

غلط کردم اصلا خوبه؟!

گفتم و بدون اینکه بهش اجازه واکنش نشون دادن بدم؛ در مقابل
چشم های شوکه ش از اتاق بیرون رفتم و درو محکم بستم که خودمم از
شنیدن صدای بلندش ترسیدم...

کلافه نفس تندی کشیدم و از تو آینه نگاهی به خودم انداختم...

باید با این لباسا می رفتم پیش کیهان؟!

از اونجایی که اون پسره هنوز تو اتاقم بود نمی تونستم لباس دیگه ای

بیوشم!!!

با بلند شدن صدای نوتیف پیام گوشیم؛ نگاهی به اس ام اسی که از
طرف کیهان واسم اومده بود انداختم...

ویرایش شده

212.7K

1m

23:57

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄ »

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت315 صدای ...

چهارشنبه، 30 آبان 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انقدر سکوت کن تا برنده بشی...

.. SaLiVanMaNi@ ..

ویرایش شده

204.8K

1m

6:30

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش حداقل به لفظایی که تایپ می‌کنی بخوری...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

203.3K

Wizi 4

10:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

روزی اومده که بلاخره داری برمی‌گردی به اون ورژن قویت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

201.9K

! Amir -

13:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بیپ؛ در حدی نیستی که مانع خنده هام بشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

195.6K

Noushin -

18:10

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یعنی جدی جدی دلت واسم تنگ نمیشه؟

• SaLiVanMaNi@ ••

201.5K

! Amir -

19:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر که از ما بگذرد چون آب، ممنونیم ما...

• SaLiVanMaNi@ ••

204.5K

! Amir -

21:20

:speak_no_evil:سلام

204.5K

1m 🗨

23:52

👁:eyes:هستین؟

205.5K

1m 🗨

23:53

:heart_eyes_cat:پارت آوردما:

207.4K

1m

23:53

پنجشنبه، 1 آذر 1403

سالیوان منی: sparkles: 8

#پارت317

محتوای پیامش این بود که :

" گوشى دستت باشه؛ وقتى رسیدم جلوى خونتون خبرت مى‌کنم!!! "

با احساس سرگیجه یهویی ای که بهم دست داد؛ خودم و قایمکی به آشپزخونه رسوندم و از بین شیرینی های باقی مونده توی ظرف؛ یکیش رو برداشتم و مشغول خوردنش شدم...

از استرس قندم افتاده بود!!!

درسته خطایی نکرده بودم ولی خب شرایط جوری دست به دست هم داده بود که هیچی به نفع من نبود...

انقدری طول و عرض آشپزخونه رو قدم رو رفتم که اصلا متوجه گذر زمان نشدم...

خوشبختانه تو این فاصله کسی هم سراغمو نگرفت!!!

انگار می‌ترسیدن برم و دست گل دیگه ای به آب بدم...

مشغول آب کشیدن فنجون ها بودم که با میس کالی که روی گوشیم افتاد؛ شیر آب و بستم و تقریبا به طرف گوشی شیرجه زدم...

با دیدن اسم کیهان بالای صفحه گوشی؛ استرس با شدت بیشتری از قبل به جونم افتاد ولی خب راهی نداشتم!!!

رسیده بود...

می ترسیدم اگه جوابش رو ندم و نرم پایین؛ عصبانی بشه و دست به کارهای غیر قابل جبرانی بزنه...

پاورچین پاورچین از آشپزخونه بیرون رفتم و بعد از نگاه کردن به پذیرایی و مطمئن شدن از وضعیت عادی بین جمع؛ آخرین نگاه و تو آینه قدی کنار در به خودم انداختم و به آروم ترین شکلی که می تونستم درو باز کردم...

رسما خودم و از خونه بیرون انداختم!!!

با دیدن ماشین آشنای کیهان؛ نفس عمیقی کشیدم تا یکم به خودم مسلط بشم...

خدایا خودم و به تو می سپرم!!!

به آرومی و بدون عجله به طرف ماشین حرکت کردم و بعد از باز کردن در جلو؛ روی صندلی نشستم...

هنوز صورتش رو ندیده بودم و نمی‌دونستم تو چه وضعیه!!!

همونطور که خیره به کف پوش زیر پاهام بودم؛ با صدای آرومی گفتم :

- سلام...

218K

1m ◯ □

0:02

› تو سالیوان منی!...! ♡ ☼ ‹

سالیوان منی ☼:sparkles: #پارت316 - چیی...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر چقدر که دنیا بد باشد. تو مراقب پاکی قلبت همانطور که هست
باش...

• SaLiVanMaNi@ ••

208.5K

! Amir -

8:12

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مُرده‌های روی خاک؛ از مُرده‌های زیر خاک بیش‌ترن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

201.8K

Mr.H

13:29

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقت طلا نیست؛

اونی که برات وقت میزاره "طلاست"

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

198.5K

! Amir -

16:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

راه خودتونو با ذهن خودتون بسازید..

• SaLiVanMaNi@ ••

200.7K

NINA²

19:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه چیزاییم هستن که بدون اطلاع قبلی تموم می‌شن؛ مثل صبر آدمای...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

201.4K

Reza Tutk

21:16

سلام فرزندانم :blush:

200K

! Amir -

23:47

209.6K

! Amir -

23:54

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❄ ›

سلام فرزندانم :blush:

پارت داریم!!!:joy::heart_eyes:

214.3K

! Amir -

23:54

جمعه، 2 آذر 1403

سالیوان منی ❄:sparkles:

بدون اینکه نگاهم کنه یا جواب سلاممو بده؛ سرسنگین گفت :

+ می‌شنوم...

دست هام و بین هم پیچیدم و مشغول بازی کردن با انگشت هام شدم
و چندتا نفس کشیدم؛ تا بتونم حرف بزنم...

واقعا نمی‌دونستم از کجا باید شروع به تعریف می‌کردم!!!

آخه اصلا موضوع مهمی نبود که...

داشتم کلمه هارو تو ذهنم کنار هم می‌چیدم تا شاید بتونم یه توضیح
غیر مسخره بهش بدم ولی هیچی به هیچی...

انقدری دست دست کردم تا صداش در اومد :

+ من منتظر توامایااا...

دلم و به دریا زدم و نگاهش کردم...

وقتی اون حجم از پریشونیش رو دیدم دلم نیومد بیشتر از این اذیتش
کنم؛ برای همین صادقانه گفتم :

- خب الان چی باید بگم؟!

بگو تا واست تعریف کنم...

دستش رو بین موهای پریشونش برد و محکم کشیدشون که هم دلم
ضعف رفت واسش هم نگرانش شدم!!!

دیوانه بود بخدا...

+ اون پسری که صداش و شنیدم کدوم بی ناموسی بود؟!

لبم و گاز گرفتم و با صدای آرومی گفتم :

- پسرعموی دخترخاله...
یعنی پسر برادرشوهر خاله...

با تمسخر خندید و با لحنی که مشخص بود باور نکرده پرسید :

+ آها...

اونوقت خونه شما چه گوهی می‌خورد؟!
خودت گفتی خونه ای دیگه!!!

اینکه تا این حد بهم بی اعتماد بود؛ طبیعی بود؟!

کم کم داشتم به خاطر این رفتارش ازش ناراحت می‌شدم...

جوری باهام حرف می‌زد که انگار داشتم خلاف می‌کردم و اون حین
ارتکاب جرم مچمو گرفته!!!

با همون ناراحتی که از صدام کامل مشخص بود گفتم :

- بله آقا کیهان خونه بودم!!!
اون پسر و مامانشم با خاله و دخترخاله‌م؛ به دعوت مامانم امروز اومدن
خونه ما...

حاضریم قسم بخورم که حتی یه ذره به حرف هام توجه نمی‌کرد...

چون با بی منطقی کامل و تلخی زیاد گفت :

ویرایش شده

224.4K

! Amir -

0:00

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت317 محتوا...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

معذرت خواهی یه تایمی داره؛ وقتش بگذره میخوام چیکار؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

207.5K

pārī

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من عاشق بازی کردن با آدمایی هستم که خیال می کنن دارم با من بازی می کنند.

• SaLiVanMaNi@ ••

207.6K

paṛi

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

«آدم هایی که دوستشون داریم سرمایه ی ما هستند.»

• SaLiVanMaNi@ ••

207.9K

! Amir -

19:20

:sparkles: سلام سلام 🤩

211.9K

1m 🌙

23:49

225.9K

1m 🌙

23:50

گیف

پارت داریم 🧡🧡

238.3K

1m 🗑

23:54

سالیوان منی 🧡:sparkles:

#پارت319

+ چرا اون وقت؟!

اصلا چه دلیلی داره که انقد احساس صمیمیت می‌کنه باهات؟!

دیگه داشتم از جواب پس دادن خسته می‌شدم و این به مرور رو لحنم
تاثیر می‌داشت :

- اولاً که خارج بودن و همین دیروز یا پریروز رسیدن و خالهم از مامانم
خواست تا دعوتشون کنیم!!!
دوما مقصر اینکه باهام احساس صمیمیت کرده منم؟!

وقتی جوابی ازش نشنیدم؛ خودم ادامه دادم :

- کیهان لطفا آروم باش و یکم منطقی فکرکن چون با این رفتارت داری
منو ناراحت می‌کنی!!!
من هیچ گناهی مرتکب نشده‌م که شنیدن این حرف ها حقم باشه!!!

باید از همین اول تکلیفمو باهاش روشن می‌کردم...

هنوز رابطه جدی ای بینمون نبود و اون نسبت به همچین موضوعی اینطوری واکنش نشون می داد...

اگه فردا روزی پیشنهادش و قبول می کردم؛ اون می خواست سر هر اتفاقی داد و بی داد راه بندازه و استرس دنیارو به جونم بریزه؟!

با گذر این فکر از سرم؛ ذهنم باز می شد و همین موضوع روی زبونمم تاثیر می داشت...

اصلا چرا استرس گناه نکرده رو گرفته بودم؟!

خودم و جمع و جور کردم و برخلاف دقیقه های قبل؛ با اعتماد به نفس و لحن آروم و صدای بدون لرزشی گفتم :

- تو جوری با من رفتار می کنی که انگار بهت خیانت کردم...
در صورتی که اگه همون پشت تلفن حقیقت و ازم می پرسیدی من واست تعریف می کردم!!!
با این رفتارها داری باعث می شی من توی تصمیمی که راجب تو گرفتم صرف نظر بکنم...

درسته دوسش داشتم ولی این نباید باعث می شد تا بهش اجازه بدم هرطوری می خواد باهام رفتار کنه!!!

وقتی دیدم همچنان قصد جواب دادن نداره؛ جدی جدی بهم بر خورد و این بار با اخم های درهم گفتم :

- رابطه ای که بخواد شروع نشده اینطوری باشه؛ همون بهتر که از اول
نباشه!!!
با اجازه...

گفتم و دستم و به طرف دستگیره دراز کردم تا درو باز کنم و از ماشین
پیاده بشم...

هنوز دستم به دستگیره نرسیده بود که بازوی دست دیگه اسیر دست
قدرتمندش شد و با شدت به عقب کشیده شدم...

به خاطر کار یهویییش هول شدم و نتونستم خودم و جمع کنم و با شدت
تو بغلش پرت شدم...

سرم درست روی سینهش جا گرفت...

ویرایش شده

241.9K

1m

23:57

› تو سالیوان منی!...! ♡ ✨ ‹

سالیوان منی! ✨:sparkles: #پارت318 بدون ...

شنبه، 3 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

براتون «دوست داشته شدن توسط آدمی که دوستش دارین» رو آرزو میکنم.

• SaLiVanMaNi@ ••

230K

1m ☺

6:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همه میرن؛ فقط اونایی که قول دادن زودتر ...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

226.5K

! Amir -

10:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لطفا قبل از گرفتن قیافه از داشتن آن اطمینان حاصل فرمایید:((((

•• SaLiVanMaNi@ ••

224.4K

Wizi 22

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرچیزو که نمی‌ذاره بدرخشید رو رها کنید...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

217.4K

niYaz

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گذشتن از کسی که آخرین ذوق بود باشه؛ سخته...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

215.6K

NINA²

19:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیگه انگیزه ای برای جنگیدن ندارم...

• SaLiVanMaNi@ •

ویرایش شده

214.9K

! Amir -

21:19

یکشنبه، 4 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اون که نباشه این تن نفس نداره؛ تویی...

• SaLiVanMaNi@ •

ویرایش شده

204K

1m 

6:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هرچیزی فقط تا یه حدی ارزش جنگیدن داره...

• SaLiVanMaNi@ •

ویرایش شده

200.7K

! Amir -

12:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

درس امروز:
از کسایی که انتظارشو ندارین بیشتر انتظارشو داشته باشین..!

•• SaLiVanMaNi@ ••
202K
Wizi 22
13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سلام بر آدم‌هایی که؛ وجودشان از غصه این دنیا می‌کاهد....

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
196.6K
niYaz
16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من تو زندگیم به هیچکس بدی نکردم؛ مگه اینکه حقش بوده باشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

198.4K

NINA²

19:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وفادار باش؛ به عشقی که فقط تو را برگزید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

199.7K

! Amir -

21:20

:heart_eyes::heart_eyes: سلام سلام

198.6K

! Amir -

23:43

پارت بخونیم آماده

:stuck_out_tongue_winking_eye::cherry_blossom:؟؟؟اید

201.8K

- Amir !

23:47

سالیوان منی 8:sparkles:

#پارت320

بوم...

بوم...

بوم...

صدای ضربان کوبنده قلبش رو می شنیدم...

داشتم خواب می دیدم؟!!

نمی تونستم هضم کنم که دقیقا چه اتفاق لعنتی ای داره میوفته...

یعنی من الان تو بغل کیهان بودم؟!!

خدایا اگه این یه خوابه؛ باید بگم که من دلم نمی خواد هیچوقت بیدار بشم!!!

هرچقدر این وضعیت بیشتر ادامه پیدا می کرد؛ احساسات عجیب و غریب و صد البته لذت بخشی توی مولکول به مولکول بدنم پخش می شد...

خواستم نیشگونی از خودم بگیرم تا ببینم خوابم یا بیدار که در عرض چند ثانیه اتفاق جهنمی ای افتاد!!!

دست های قدرتمندش دور شونه هام پیچید و منو محکم به خودش
سنجاق کرد...

دقیقا همین جا بود که فهمیدم خواب نیستم!!!

مغز به کما رفته‌م به خودش اومد و همه ی اتفاقات چند دقیقه گذشته
رو بهم یاد آوری کرد...

از اومدن مهمونا و دست گل هایی که به آب دادم بگیر تا زنگ زدن
کیهان و شنیدن صدای مسعود و از همه مهم تر اومدنش به اینجا؛ در
نهایت هم قهر کردم و بعد کشیده شدنم تو بغل کیهان و....

خودمم نفهمیدم چطوری این موقعیت پیش اومد ولی چرا دلم
نمی‌خواست ازش جدا بشم؟!

بغلش گرم و آرامش بخش بود!!!

دست هایی که دورم حلقه شده بود؛ حس امنیت عجیبی بهم می‌داد...

اولین بار بود که جز پیمان و بابا به جنس مخالف بغلم کرده بود!!!

مگه من الان نباید جیغ و داد می‌کردم؛ ازش جدا می‌شدم و به خاطر این
کارش تنبیهش می‌کردم؟!

پس چرا ابدًا دلم جدا شدن از این بغل گرم و پر از امنیت و

نمی‌خواست؟!

تو همین فکر بودم که با شنیدن صدای نفس عمیقش؛ لرز کوچیکی به تنم نشست...

حس می‌کردم با کشیدن نفس های عمیق؛ داره موهامو بو می‌کنه!!!
205.4K
! Amir -
23:52

› تو سالیوان منی...!♡ ❄️
سالیوان منی ❄️:sparkles: #پارت319 + چرا...
دوشنبه، 5 آذر 1403
:Porf:sunflower::crescent_moon#

خدایا؛ مارو در برابر اتفاقی که تو حکمتش رو می‌دونی صبور کن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

196.7K

1m 🗑

6:58

:Porf:sunflower::crescent_moon#

باش با من؛ که همه رهگذران می‌گذرند..»

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

195K

Wizi 4

10:28

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه میای لااقل اونقدری باهام بمون که موهای سفیدمو بیگودی کنی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

193.7K

! Amir -

13:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سلام بر کسانی که وجودشون از غم این دنیا میکاهد

• SaLiVanMaNi@ ••

190K

niYaz

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی دلتون تنگ شد؛ یادتون بیفته باهاتون چیکار کرد؛ خود ب خود
ازش بدتون میاد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

192.1K

NINA²

19:26

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدم ممکنه شادیاشو به خلیا بگه ولی غم نه؛ غم آدم محرم میخواد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

194.1K

! Amir -

21:17

:grin::heartpulse: سلام سلام

195.4K

! Amir -

23:48

:scream::innocent: خوبین

196.8K

! Amir -

23:52

پارت بخونیم؟ 🤪🤪

199.9K

! Amir -

23:54

سه شنبه، 6 آذر 1403

سالیوان منی 🍷:sparkles:

#پارت321

نمی‌دونستم کار درست تو این موقعیت چیه و باید چه واکنشی نشون

بدم ولی؛

تصمیم گرفتم برای یک بار هم که شده تو زندگیم به صدای قلبم گوش

بدم!!!

قلبی که الان بیشتر از همه موندن توی این بغل و می‌خواست...

بیخیال جدال بین عقل و قلبم شدم و عضلات بدنم رو که به بدترین

شکل ممکن منقبض کرده بودم و شل کردم و با خیال راحت تو بغلش

لم دادم...

متوجه جا خوردنش شدم ولی اهمیتی نداشت...

من دلم بغلش و می‌خواست و امکان نداشت این سری قید خواسته‌مو

بزنم!!!

با فکری که از سرم گذشت؛ چشم هام برق زد...

اگه دستامو دورش حلقه می‌کردم چه واکنشی نشون می‌داد؟!

برای اینکه جای خودم و تو بغلش محکم تر کنم؛ با تردید دست هامو بالا آوردم و از فاصله بین کمرش و صندلی به سختی ردشون کردم و محکم تر از خودش بغلش کردم...

همزمان چشم هام رو روی هم فشار دادم تا واکنشی که نسبت به این کارم نشون می‌ده رو نبینم!!!

شدیدا خجالت می‌کشیدم ولی اصلا نمی‌تونستم جلوی خودم و حرکاتمو بگیرم...

درست مثل یه بچه کوچولو تو بغلش بودم و تازه داشتم به اختلاف هیکل هامون پی می‌بردم...

صدای خنده آرومش رو شنیدم و خجالت زده؛ بیشتر از قبل توی بغلش جمع شدم...

نه به خجالت کشیدنم؛ نه به این که مثل کوالا ازش آویزون شده بودم!!!

دستش رو نوازش وار روی کمرم کشید و با صدایی که بر خلاف چند دقیقه قبل نه عصبی بود و نه کلافه؛ گفت :

+ چرا می لرزی جوجه کوچولو؟!

عوضی!!!

حسابی کیفش کوک بود....

سرمو تو سینه ش قايم کردم که دوباره خندید و ادامه داد :

+ وای چقدر کوچولویی پناه!!!
بغل کردنت خیلی خوبه...

با زاری و از روی خجالت مشت کم جونی به بازوش زدم و به نشونه
اعتراض گفتم :

- اع کیهان اینطوری نگو دیگه!!!

عزیزایی من پارت بعدی به خاطره صد...نه هایی جینگولی و
#هیجانی در چنل زیر قرار میگیره:see_no_evil::fire::point_down:
<https://rubika.ir/joinc/CEJCCJCH0YUBEZXMCHHWPTTMNO>
SOSKK

لینک تا یک ساعت دیگه باطل میشه🙄
زود باش برو پارت جدیدو بخون🙄X
#تبلیغ نیست:X::X:

208K

- Amir !

0:02

› تو سالیوان منی...! ♡ 🌸 ‹

سالیوان منی 🌸:sparkles: #پارت320 بوم....

پارت جدید عشقاممم:kissing: 🤔

207.1K

! Amir -

0:10

› تو سالیوان منی...! ♡ 🌸 ‹

سالیوان منی 🌸:sparkles: #پارت321 نمی د...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

همونایی که باباشون اجازه گوشی داشتنم بهشون نمی دادن، شهر و آباد کردن!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

197.8K

Wizi 4

8:12

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ظاهری خندان؛

درونی آسیب دیده و زخمی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

196.8K

Wizi 4

10:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اونقدری که شب دلمون گرفت خوابمون نگرفت...

• SaLiVanMaNi@ ••

193.8K

Wizi 22

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انشالله نیّت؛ قسمت بشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

189.5K

niYaz

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تنها به روزنه نور کافیه؛ برای نابود کردن تاریکی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

189.1K

Reza Turk²

19:21

:kiss: سلاممم

188.4K

1m

23:52

گوگولیای من

190.8K

1m

23:53

پارت آوردم

194.7K

1m

23:53

:sparkles: سالیوان منی

#پارت322

مردونه خندید و سر خوش گفت :

+ چه عجیب پناه خانوم!!!
ما خجالت کشیدن شمارو هم دیدیم...

لبخند ریزی زدم و بدون اینکه نگاهش کنم گفتم :

- خیلی نامردی!!!
همش فشاریم می‌کنی...

تکون ریزی تو جاش خورد و همونطور که از دو طرف کمرم گرفت و جوری
روی پاش نشوندم که دسترسی کامل بهم داشته باشه؛ ابرویی بالا
انداخت و گفت :

+ می‌خوای نشون بدم چقدر مردم؟!!

- نشون بده ببینم!!!

خدای من؛
اون کسی که جوابش رو داد و اون حرف رو زد قطعاً من پناه نبودم!!!

وقتی پیش کیهان بودم؛ حتی زبون لعنتیمم در اختیار خودم نبود!!!

لعنت بهم؛
نه به خجالت چند لحظه پیشم...
نه به زبون درازی الانم!!!
رسماً داشتم دعوتش می‌کردم به...

با شنیدن این حرفم چشم هاش برق زد و عمیق نگاهم کرد...

عوضی!!!

حسابی از شنیدن جوابم کیف کرد...

سعی کردم به اینکه روی پاش نشستم و هر لحظه که بیشتر می‌گذشت یه سری تغییرات و حس می‌کردم؛ توجهی نشون ندادم...

حسابی معذب بودم ولی اصلا دلم نمی‌خواست با تکون خوردن یا عقب کشیدن این لحظه هامون رو خراب کنم!!!

همیشه دختر خوب و سر به زیر خونه بودم و به خاطر راضی نگه داشتن بقیه؛ هیچوقت خطایی ازم سر نزده بود...

ولی الان دلم می‌خواست برای چند دقیقه هم که شده کاری رو که دلم می‌خواست انجام بدم...

هرچقدرم که اشتباه باشه...

هرچقدرم که گناه باشه...

به خاطر همین بی توجه به افکاری که مثل موریانه توی مغزم جولون می‌دادن؛ مشتاقانه نگاهش کردم که با لحن منظور داری گفت :

- می‌خوای بهت نشون بدم چقدر مردم؟! -

گوشه لبمو گاز گرفتم و با خنده گفتم :

ویرایش شده

198.6K

1m ◯ □

23:58

› تو سالیوان منی!..! ♥ ❄ ‹

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت 321 نمی د...د...

چهارشنبه، 7 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

درسته من خوبم؛ ولی تو باور نکن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

189.1K

1m ◯ □

6:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیگ نه از حرفاتون ناراحت میشم؛ نه به دل میگیرم؛ راحت باشید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

186.9K

! Amir -
10:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از سیگار یاد بگیرید؛
به پای کسی بسوزید که نفسشو بهتون می‌ده...

• SaLiVanMaNi@ ••
186.9K
Wizi 22
13:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه؛ معرفتتونم مثل استوریاتون 24 ساعته‌ست...

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
184.8K
niYaz
16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدمای صبور هم بالاخره تو زندگیشون یه جا کم میارن دیگه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

181K

! Amir -

21:21

دروووود فراوان . . . 🤔:cherry_blossom:

176K

Noushin -

23:52

چطورید جینگولا؟! :relieved::umbrella:

180K

Noushin -

23:55

کی بود پارت میخواست؟! 🤔:joy::rocket:

نظرسنجی

مننننن

من خوابمممم (منطقیه)

نظری ندارم

5013 رای

181.8K

Noushin -

23:57

پنجشنبه، 8 آذر 1403

بی تربیتا... 🤖 🤖

192.2K

Noushin -

0:00

« تو سالیوان منی...! ♥️ 🌸 »

کی بود پارت میخواست؟! 🤖 🤖 🚀

تند و تیز بریم سراغ پارتمون؟! 🤖:balloon:

199.9K

Noushin -

0:02

سالیوان منی 🌸:sparkles:

#پارت323

گوشه ل بمو گاز گرفتم و با خنده گفتم :

- آره نشون بده...

لبخند مرموزی زد و همونطور که جز به جز صورتم و نگاه می کرد؛ با صدای
آرومی گفت :

+ باشه پس...

چیزی بود که خودت خواستی!!!

بی خبر از افکار شومی که تو سرش بود؛ کشیده گفتم :

- هوم...

هنوز "میم" آخر کلمه‌م تموم نشده بود که تو یه حرکت سرش و جلو آورد
و بدون اینکه بهم فرصت هضم بده؛ دماغ بیچاره‌مو بین دندون هاش
گرفت و محکم فشار داد...

از درد تیزی که یهو توی بدنم پیچید؛ جیغ بلندی کشیدم و سعی کردم
صورت‌م و از دسترس این وحشی خارج کنم...

لعنتی جوری دندون هاش رو فشار می‌داد که انگار ارث باباشو ازم طلب
داره!!!

هرچقدر برای رهایی دست و پا زدم ولی هیچی به هیچی...

کم کم داشت گریه‌م می‌گرفت...

وقتی دیدم قرار نیست ولم کنه؛ منم دست‌م و روی پاش گذاشتم و به
اولین چیزی که حسش کردم چنگ زدم...

رونِ پای بیچاره‌ش رو با تمام قدرت فشار می‌دادم تا شاید این وحشی‌رم
کرده ولم کنه ولی انگار اصلاً روش تاثیر نداشت!!!

با طولانی‌تر شدن این پروسه؛ از شدت درد دماغم بی‌حس شده بود و
فقط منتظر بودم که ببینم کی بیخیالم می‌شه!!!

نمی‌دونم چند لحظه یا حتی چند دقیقه گذشت تا بالاخره رضایت داد و
ولم کرد...

با ناراحتی زیادی دستم و روی دماغم گذاشتم و تو چشم هاش خیره
شدم که از شدت خوشی برق می‌زدن...

با اعتراض نالیدم :

- وحشی دماغم کنده شد!!!

با بیخیالی شونه ای بالا انداخت و همونطور که به شاهکارش نگاه
می‌کرد؛ گفت :

+ حقت بود!!!

تا تو باشی دیگه با اراده ی مرد بازی نکنی!!!
براش ناز نیای و با اون صدای دلبرونت طلب شکارچی نکنی...

نگاهش از رو سرخی احتمالی دماغم پایین اومد و وقتی به لب هام
رسید؛ ادامه داد :

203.9K

Noushin -

0:03

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ›

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت322 مردو...

شخصیت زیبای پناهم...:cherry_blossom::sparkles: 🍷

ویرایش شده

204.2K

Noushin -

0:16

پارت جدیدو خوندی قلبم؟! 🌸:blue_heart::sparkles:

204.1K

Noushin -

0:21

› تو سالیوان منی!..! 🌸 ♥ ‹

سالیوان منی 🌸:sparkles: #پارت323 گوشه...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من میخوام از این به بعد زندگی کنم؛ اونم مثل یه آدم عادی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

197.5K

! Amir -

7:53

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مهم اینه کسی که انتخاب می‌کنیم به چشم ما بدرخشه؛ نه به چشم

دیگران...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

188.5K

! Amir -

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

این خصلت منه؛ به اهدافم میرسم و مسیرمو روشن میکنم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

183.9K

♣️^{1m} **Bahar**

17:36

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ما تو زندگی اینطوری بودیم که؛ هم از غریبه خوردیم هم از خودی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

186.4K

! Amir -

19:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدما وقتی از چشمت میوفتن؛ زشت تر میشن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

187.1K

! Amir -

21:16

جمعه، 9 آذر 1403

آهنگ بگوشیم؟ 🧐

1:30

Sogand.mp3

4:45

Viguen - [Listen2Music.ir] •

ویرایش شده

174.6K

! Amir -

9:56

عشقت خاکسترم کرد:sleepy:

175.3K

! Amir -

9:58

سلام صبحتون بخیر:speak_no_evil::cherry_blossom:

176.2K

! Amir -

9:58

آماده آید پارت بخونیم?:heartpulse:

178.4K

! Amir -

9:59

192.1K

! Amir -

10:01

› تو سالیوان منی...!♡ ❄️ ‹

آماده آید پارت بخونیم?:heartpulse:

سالیوان منی ❄️:sparkles:

#پارت324

نگاهش از رو سرخی احتمالی دماغم پایین اومد و وقتی به لب هام رسید؛ ادامه داد :

+ وگرنه که منم خوب بلدم این زبون درازتو چطوری کوتاهش کنم ؛
فلفل خانوم...

چشم غره غلیظی بهش رفتم و همونطور که با دستم دماغم رو ماساژ می‌دادم تا شاید یکم از دردش کمتر بشه؛ غر زدم :

- دماغمو از جاش کندی خب!!!
الان که من رفتم به بقیه چی بگم؟!

با بی قیدی شونه ای بالا انداخت و رسماً منو به چپش گرفت...

چشم هاش می‌خندید!!!

چرا حس می‌کردم از عمد این کارو کرده؟!

لنگه ابرویی بالا انداختم و با لحن مشکوکی پرسیدم :

- وایسا ببینم...
کیهان تو از عمد این کارو کردی؟!

بدون اینکه نگاهم کنه؛ آروم گفت :

+ نه...

برای اینکه به چشم هام نگاه کنه؛ ناچار دستمو جلو بردم و چونه‌ش رو
گرفتم و سرش رو به طرف خودم چرخوندم که چشم هاش قفل چشم
هام شد...

با همون لحن دوباره پرسیدم :

- زود باش اعتراف کن ببینم!!!
تو از قصد گازم گرفتی؟!

لب هاش رو بهم فشار داد تا نخنده...

اونطوری که من چونه‌ش رو گرفته بودم هم نمی‌تونست به جای دیگه ای نگاه کنه...

مجبوری گفت :

+ خب آره!!!

متعجب و با دهنی باز گفتم :

- آخه چرا؟!

این بار بدون تردید گفت :

+ چون نمی‌خوام اون مرتیکه نزدیکت بشه!!!
حالا فهمیدی؟!

جاهای دیگه رو که اجازه ندارم کبود کنم...
حالا یه دماغتو یه کاریش کردم که بفهمه صاحب داری!!!

با دست دیگه‌م محکم کوبیدم تو پیشونیم و با حال زاری گفتم :

- وای کیهان مگه بچه ای؟!
دیوونه جز مسعود آدمای دیگه ای هم تو اون خونه هستن...
من با این رد دندونا رو دماغم برم تو خونه بگم چی؟!

انگشت اشاره‌ش رو روی لبم گذاشت و اجازه نداد حرفم و تکمیل کنم

و...

195.1K

! Amir -

10:06

« تو سالیوان منی...! ♥ ❄️ »

سالیوان منی ❄️ :sparkles: #پارت323 گوشه...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر چیزی رو که بدرد بخور نیست؛ بریز دور تا اوج بگیری...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

186.8K

! Amir -

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

حالا تو تا صبح چرتکه بنداز ؛ " ذات خراب زندگیش برکت نداره"...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

181.4K

کیارش

16:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از کسی که قبلاً قلباً یکیو دوست داشته؛ دوری کنید...!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

181.3K

- مری؛

19:28

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه لایقش باشی؛ حتما بهت تعلق میگیره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

180.7K

! Amir -

21:18

:hearts: سلام 🤗

177K

1m 🌟

23:59

خوشگلای من 🌟

179.7K

1m 🌟

23:59

شنبه، 10 آذر 1403

پارت داریم: see_no_evil:

183.9K

1m 🌟

0:00

سالیوان منی 🌟:sparkles:

#پارت325

با چشمای گرد شده نگاهش کردم که همون انگشتش و روی لبم سر داد!!

یا جد سادات این باز رد داد..

با صدای خشداری که در صدم ثانیه تغییر کرده بود گفت:

نظرت چیه ایناهم تغییر رنگ بدن...

چون صاحبشون داره میره رو مخم!!

چشمام و چرخوندم

خدایا مرسی حداقل خودم و صاحب لبام میدونست!
این یه مورد و بهم حق میداد

واقعا جای شکر داشت برای این بشری که تو هر موردی خودش و محق
میدونست

و مثل الان که حق به جانب گندی که زده بود و گردن نمیگرفت و به روی
خودش نمیآورد

دستش و پس زدم و سرتق گفتم:

_با این حرفا خام و کور و کر نمیشم آقاها.. بفرمایید چطوری تو ملعام
ظاهر شم؟!

خم شد روی صورتم؛ دقیق و از فاصله چند سانتی متری دماغم و نگاه
کرد

_همچین بدم نشده.. انگار چیز زدی.. چیه میگی شما؟!
وسایل آرایشی؟!

به قیافه گیج و مبهمش خندیدم

منظورش کانتور بود احتمالا؛ ولی به روی خودم نیاوردم و گفتم:

_کدوم میگی؟!
اصلا روی بینی چیزی نمیزنیم که..

کارشناسانه گفت:

_برای تو خوشگله.. خوشمزس.. عسله!
جذابه.. کوچولوعه.. عروسکیه!!
واسه همین نمیزنی ولی بقیه میزنن..

از این همه تعریفی که به ریش دماغم بست خردوق خندیدم

ولی آخه خوشمزه؟! ایش..

اذیتش نکردم و گفتم:

_منظورت کانتوره؟!

بشکنی زد و گفت:

_آ قربونت.. دقیقا همین!!

ویرایش شده

188.1K

1m ◉

0:00

› تو سالیوان منی!..! ♡ ✨ ‹

سالیوان منی ✨:sparkles: #پارت324 نگاه...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آرزو میکنم اگه مبتلا به رنج و غم شدی؛
پناهی داشته باشی...

• SaLiVanMaNi@ ••

180.5K

1m ◯ []

6:50

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پای یک نفر موندن؛ ادمارو قشنگ می کنه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

175.8K

! Amir -

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیس؛ صداتو در نیار ...
بردن توی سکوت قشنگ تره!!!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

171.6K

niYaz

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من برات تراپیست بودم؛ ولی تو به دامپزشک نیاز داشتی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

172.3K

! Amir -

19:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عشقت؛ خاکسترم کرد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

172.2K

! Amir -

21:18

:heart::fire: سلام سلام

168.8K

! Amir -

23:49

175.7K

! Amir -

23:54

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄️ »

سلام سلام :heart::fire:

پارت داریم 🤖

179K

! Amir -

23:54

یکشنبه، 11 آذر 1403

سالیوان منی ❄️ :sparkles:

#پارت326

+ خب حالا جدای شوخی جدا می‌خوای چیکار کنی؟!

با گيجی پرسیدم :

- چيو؟! -

با چشم به دماغ اشاره کرد و همونطور که سعی می‌کرد خنده هاش رو کنترل کنه؛ گفت :

+ اینو دیگه...

با یاد آوری دوباره‌ی دست گلش؛ با زاری "وایی" گفتم و فکر کردم که
واقعا باید به مامان چی بگم؟!

چه بهونه ای جور کنم؟!

همونطور که توی فکر بودم و از پنجره ماشین به بیرون نگاه می‌کردم؛ با
دیدن نوه‌ی سادات خانوم که مشغول دوچرخه سواری بود؛ فکری به
سرم رسید...

یهویی بشکنی زدم و بلند گفتم :

- خودشه!!!

کیهان با تعجب نگاهم کرد و گفت :

+ چی خودشه؟!

حالت خوبه؟!

ریز خندیدم و سرم و به نشونه آره تکون دادم...

به نورا اشاره کردم و با خوشحالی گفتم :

- به مامانم میگم نورا گازم گرفت!!!

نیست یکم وحشیه؛

هرموقع هم که میاد خونه‌ی مامان‌بزرگش که همسایه ما می‌شه؛ همیشه
باهام سر جنگ داره...

خندید و همونطور که سرشو به نشونه تاسف واسم تکون می‌داد گفت :

+ باشه پناه خانوم...

فکر نکن که نفهمیدم این وسط یه وحشی هم به ریشمون بستى!!!
عیب نداره...

حالا که نقشه‌ت رو هم جور کردی بپر پایین که منم باید برم!!!

هه...

خب معلومه دیگه؛

الان که خیالش راحت شد می‌خواست من و بزاره و بره!!!

بخدا حقش بود باهاش قهر می‌کردم و تا چندروز جوابشم نمی‌دادماااا..

پشت چشمی واسش نازک کردم و همونطور که می‌خواستم در ماشین و
باز کنم؛ مثلاً با لحن قهر آلودی گفتم :

- باشه آقا کیهان!!!

مرسی از اینکه اومدی دم خونمونو و مجبورم کردی از بین مهمونا بلند
شم و پیام پیشت...

بعدشم دماغم و گاز گرفتی و مجبورم کردی که به مامانم دروغ بگم...
ویرایش شده

186.5K

! Amir -

0:02

« تو سالیوان منی...! ♥ ✨ »

سالیوان منی ✨:sparkles: #پارت325 با چشم...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پس می زند " دلم " هر که به جز تو را...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

175.4K

Wizi 4

8:01

:Porf:sunflower::crescent_moon#

صبور باش؛ انتقام وقت داره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

175.6K

! Amir -

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

دوست داشتن؛ به موندنای اخراشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

173.4K

! Amir -

13:23

:Porf:sunflower::crescent_moon#

معلومه که عوض شدم؛ فهمیدم ارزشم خیلی بیشتر از این حرفاس...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

170.3K

Niyazm

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ببخشید بابا ؛

زدم زیر هر قولی که دادم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

169.1K

! Amir -
19:24

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه روزای سختیو داری می‌گذرونی؛ نا امید نشو و با قدرت ادامه بده...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده
170.1K
AVA-ZEYNAB
21:22

سلام خوشگلای من 😊:joy:
170.2K
! Amir -
23:46

بریم واسه پارت امشب?:grinning:
174.2K
! Amir -
23:52

امادههههه:heart::fire::interrobang:
178.3K
! Amir -

23:52

سالیوان منی 8:sparkles:

#پارت 327

این بار نوبت اون بود که با تعجب نگاهم کنه...

شوکه و با دهنی باز جوری که انگار موجود عجیب و غریبی جلوش
وایستاده باشه؛ گفت :

+ هان؟!

چیشد؟!

تو الان با من قهر کردی؟!

این حرفا چیه می زنی دیوونه؟!

لب برچیدم و شونه ای به نشونه بیخیالی بالا انداختم و مثل خودش
گفتم :

- نه دیگه حقیقت و گفتم!!!

ببخشید که وقت جنابعالی و گفتم...

الان شرمو کم می کنم...

بعد از تموم شدن حرف هام؛ خواستم از ماشین پیاده بشم که بازمو
گرفت و مانع شد...

این بار قبل از اینکه منو به طرف خودش بکشه و دوباره موضوع رو
منکراتیش کنه؛ دستمو رو دستش گذاشتم و ازش فاصله گرفتم...

از این حرکت‌م جا خورد و انگار حسابی بهم ریخت...

چون با لحن جدی ای گفت :

+ تو چشم‌م نگاه کن پناه!!!

وقتی توجهی از سمت‌م ندید؛ با حرص غرید :

+ با توام می‌گم به من نگاه کن...

"پوفی" کشیدم و به اجبار بهش نگاه کردم که با همون اخم‌های درهمش گفت :

+ من نمی‌خوام تورو از سرم باز کنم یا هرچی...
چون خودتم می‌دونی اگه به خاطر تو و شرایطت نبود همین الان ماشین
و روشن می‌کردم و تورو می‌بردم پیش خودم و ...

خجالت زده؛ از ترس اینکه حرف و به‌جاهای باریک‌نکشونه آروم پچ زدم
:

- خب حالا...

باشه!!!

با دیدن سرخی گونه‌هام کوتاه اومدم و یکم اخم‌هاش و باز کرد ولی باز
ادامه داد :

+ من اصلا راضی به رفتن تو از کنار خودم نیستم!!!
اونم الان که اون مرتیکه تو خونتونه...
فقط نخواستم به خاطر من مامانت گیر بیشتری بهت بده و خدای نکرده
اذیت بشی!!!

ای به فدای تو پسر ...

حقش بود الان می‌پریدم رو سرش و یه مچ آب‌دارش می‌کردم...!!!

با گذشت این فکر از سرم...

181.1K

! Amir -

23:58

› تو سالیوان منی...!♡ ❄

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت326 + خب ...

دوشنبه، 12 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از قوی ترین بهونت؛ قوی تر باش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

171.7K

! Amir -

6:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی در حال فروپاشی بودم کی نجاتم داد؟!
هیچکس؛ به تنهایی فروپاشیدم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

169K

Wizi 4

10:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از من توقعی نداشته باشید!!!
وقتی من شکستم؛ هیچکس پشتم نبود...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

167.2K

! Amir -

13:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شرمنده اگه نزديكت شدم؛ آخه از دور قشنگ تر بودی...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

162.4K

Niyazm

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

این مهربون بودنته که لذت و آرامش رو به قلب و روح میاره...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

164.3K

! Amir -

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عاسیسم واقعا فکر می کنی برام مهمه که برات مهمه؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

163.7K

! Amir -

21:22

سلام عروسکام 😊

163.1K

1m 🗨

23:51

خوبین؟ 😊

165.1K

1m 🗨

23:51

پارت آوردما:smiley:

169.4K

1m 🗨

23:51

سالیوان منی 🧚:sparkles:

#پارت328

با گذشت این فکر از سرم خیره نگاهش کردم که با تشر دوبارهش؛ به
خودم اومدم...

+ پناه؟!!

در جواب لحن شاکیش؛ با آرامش گفتم :

- جانم؟!!

چند لحظه مکث کرد و با چشم های براقی نگاهم کرد و بالاخره گفت :

+ جانت بی بلا کوچولو ...
یادم رفت چی می‌خواستم بگم!!!

ریز خندید و فوری گفت :

+ آها...
می‌خواستم بگم اگه می‌خوای جای دیگه ت کبود نشه و بتونی سالم بری
خونتون؛ بهتره اینطوری نگاهم نکنی...

دستمو زیر چونه‌م زدم و بیخیال مامان و مهمونای داخل خونه؛ بدون
عجله گفتم :

- مگه چطوری نگاهت می‌کنم؟!

آب دهنش و قورت داد که سیبک گلوش بالا و پایین شد و نگاه منم با
خودش کشید...

+ همینطوری...
خوشمزه و وسوسه کننده!!!
اون چشم های لعنتیت کاری می‌کنه باهام که...

با شوق منتظر شنیدن ادامه حرفش بودم که از شانس بدم ساکت شد
و دیگه چیزی نگفت...

برای از بین بردن جو سنگین بینمون؛ لب هام و روی هم فشار دادم و

زمزمه وار گفتم :

- هوممم...

اگه کاری نداری من برم دیگه؟!

واقعا داره دیرم میشه!!!

بدون اینکه نگاهم کنه؛ همونطور که سعی می‌کرد خودشو مشغول دست کاری کردن فرمون نشون بده گفت :

+ نه کاریت ندارم...

مواظب خودت باش!!!

نزدیک اون مرتیکه هم نشو...

باهام در ارتباط باش ؛ همین و خدافظ...

"چشمی" گفتم و خودم و یکم جلو کشیدم تا بتونم از توی آینه دماغم و چک کنم و به وخامت اوضاع پی ببرم...

با دیدن قرمزی دور تا دور بینیم و رد دندون هایی که کاملا واضح و مشخص بودن؛ "لعنتی" گفتم و با زاری به کیهان نگاه کردم که متوجه شد و خندید...

از این خنده بی موقعش انقدری حرصی شدم که نفهمیدم دارم چیکار می‌کنم...

در عرض چند ثانیه خودم و به طرفش انداختم و قبل از اینکه بهش اجازه واکنش نشون دادن بدم؛ دندون هام رو محکم تو گوشت بازوش

فرو کردم و با تمام توانم فشار دادم...

صدای دادش بلند شد و...

173.9K

1m 🌙

23:53

« تو سالیوان منی!..! 🌻 »

سالیوان منی 🌻:sparkles: #پارت327 این ب...

سه شنبه، 13 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هر چه می‌خواهی ببر ، اما مرا از یاد نه ...

• SaLiVanMaNi@ ••

165.8K

! Amir -

6:35

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قلب آدما به نسبت دردهایی که کشیده، پیره؛ سن فقط یه عددده...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

163K

Wizi 4

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو تنها بودن قدرتی هست که؛
هر کسی نمیتونه از پسش بر بیاد...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

161.8K

! Amir -

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

غمی هم اگر هست؛ تو دلخوشی منی...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

158.3K

! Amir -

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

در دلم میماند حسرت داشتن طُ.!

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

158.1K

- مَری؛

18:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من عاشق چشما تم! ماتم ماتم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

156.3K

! Amir -

21:19

سلام خوشگلای من:joy::neutral_face:

152.2K

! Amir -

23:40

جا نمیخورید یه پسر می نویسه خوشگلای

من؟:joy::joy::joy::neutral_face:

152.9K

! Amir -

23:41

حالا خیلی بحثو عوض نمی کنم:unamused:🙄

153.6K

! Amir -

23:41

بریم سراغ پارت امشب:heart_eyes:

156.3K

! Amir -

23:41

162.8K

! Amir -

23:48

« تو سالیوان منی...!❤️🌸 »

بریم سراغ پارت امشب:heart_eyes:

سالیوان منی🌸:sparkles:

#پارت329

صدای دادش بلند شد و خواست منی رو که مثل سگ ازش آویزون شده
بودم و از خودش دور کنه که اجازه ندادم و محکم تر از قبل دندون هام
و فشار دادم که رسماً عربده کشید...

جوری با صدای بلند داد و بی داد می کرد که حس می کردم گوش هام داره
سوت می کشه!!!

می‌دونستم که می‌تونه با گرفتن سرم و یکم خشونت به خرج دادن به راحتی منو از خودش جدا کنه ولی چرا این کارو نمی‌کرد؟!

بعد از گذشت چند لحظه که حسابی خسته شده بودم؛ زیرچشمی نگاهی بهش انداختم که با دیدن صورت سرخ از دردش یه ذره پشیمون شدم ولی نه...

بیشتر از این ها حقش بود!!!

یه دستش رو که من فلج کرده بودم؛ دست دیگه‌ش رو هم مشت کرده بود و جلوی دهنش نگه داشته بود و تند تند توش فوت می‌کرد تا بتونه دردشو تحمل کنه...

با یه حساب ریز به این نتیجه رسیدم که اگه در عرض پنج ثانیه بتونم خودم و از کیهان جدا کنم و به در ماشین برسونم؛ بازش کنم و خودم و ازش بیرون بندازم می‌تونم جون سالم به در ببرم...

چشم هام رو بستم و با استرس تو دلم شمردم :

- یک...

فشار دندون هام و کمتر کردم و یکم سرم و عقب تر کشیدم...

- دو...

دستم و تکیه گاه صندلی کردم تا بتونم موقع فرار تعادل خودم و حفظ کنم...

- سه...

با یه خیز بلند خودم و روی صندلی خودم انداختم...

- چهار...

دستم و به دستگیره ماشین رسوندم و بازش کردم...

- پنج...

قبل از اینکه دست کیهان بهم برسه؛ خودم و از ماشین به بیرون پرت کردم و با سرعت شروع به دویدن کردم...

با عجله در خونه رو باز کردم و فوری واردش شدم...

دستم و روی قلبم گذاشتم و چندتا نفس عمیق کشیدم تا ضربان قلبم به حالت عادی خودش برگرده...

لعنتی اگه یه ثانیه دیرتر می‌جنبیدم معلوم نبود چه بلایی سرم می‌آورد!!!

تو همین حال و هوا بودم که با شنیدن صدایی از جام پریدم :

+ به به!!!

پناه خانوم...

کجا تشریف داشتی؟!

ویرایش شده

166.8K

! Amir -

23:53

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄ »

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت328 با گذ...

چهارشنبه، 14 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خود را چو یافتی؛ همه عالم از آن توست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

156.7K

! Amir -

8:00

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از شما حسادت و پیگیری؛ از ما دایورت...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

157.4K

Wizi 4

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

+ می‌دونی تلخ ترین قسمت زندگی کجاست؟!
- جایی که به خودت میگی؛
چی فکر میکردیم و چی شد...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

157.6K

Wizi 22

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به کسی جز خودت اعتماد نکن؛ آدما دوست ندارن تو بخندی...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

150.6K

.afsan

19:28

منم اون یارِ با ناز:sparkles: 151.3K

1m

20:51

واسه یه عاشق دلتنگ:new_moon_with_face: 153.9K

1m

20:51

دلم خونه‌ی دلهاست:speak_no_evil::honey_pot: 155.7K

1m

20:52

پارت داریم:lips: 159.5K

1m

20:56

سالیوان منی:sparkles: 330پارت#

دستم و روی قلبم گذاشتم و با صدایی که به خاطر ترسیدنم حسابی
لرزشش گرفته بود؛ گفتم :

- پناه خانوم و ...

لا اله الا لله!!!

چرا مثل جن ظاهر می‌شی آقا مسعود؟!
قلبم افتاد که...

خندید و همونطور که فاصله‌ش رو باهام کم می‌کرد با تن صدای آرومی گفت :

+ با اون عجله از کجا داشتی می‌اومدی؟!

چشم هام از این حجم پررویی و وقاحتش گرد شد...

با دهنی باز و لحنی که بهت توش بی داد می‌کرد؛ گفتم :

- شما کی باشی که از من سوال جواب بکنی؟!

با شنیدن این سوالم؛ مثل اینکه تازه متوجه حرفی که زده بود شد چون خودش و جمع کرد و این بار محترمانه تر گفت :

+ قصد جسارت نداشتم پناه کوچولو!!!

فقط دیدم هراسون اومدی تو خونه...

نگران شدم!!!

آخه تا چند دقیقه پیش تو خونه بودی...

برای اینکه آتویی دستش ندیم و هرچه زودتر بتونم دست به سرش کنم؛ کوتاه گفتم :

- اهوم...

دوستم اومده بود دم در کارم داشت؛

رفتم پیش اون و برگشتم...

شما اینجا چیکار می کردی؟!

سرش و به نشونه تایید حرف هام تکون داد و گفت :

+ باشه..

من؟!

هیچی فقط خواستم برم بیرون یکم هوا بخورم...

"اهانی" گفتم و خداروشکر کردم که قبل از بیرون اومدن اون به خونه برگشته بودم وگرنه معلوم نبود اگه منو کیهان و باهم می دید چه اتفاقی می افتاد!!!

خودش که مهم نبود ولی نمی خواستم حرف تو دهن بقیه بچرخه و اسممون سر زبون ها بیوفته...

برای اینکه بتونم هرچه سریع تر از دستش فرار کنم؛ زیر لب گفتم :

- من برم پیش مامان اینا دیگه...

زشته بیشتر از این اینجا بمونیم!!!

با اجازه...

بعد از تموم شدن حرفم تا خواستم فلنگو ببندم؛ با شنیدن سوالی که با بدبینی پرسید پاهام میخ زمین شد :

+ پناه کوچولو جسارت نباشه ها...

ولی دماغت چرا کبوده؟!

رد دندون روشه!!!
انگار کسی گازت گرفته...

165.2K

1m 🗑

21:01

« تو سالیوان منی!..! 🌸 »
سالیوان منی 🌸:sparkles: #پارت329 صدای ...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

هنوز عشقِ تو امید بخشِ جانِ من است...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

164.3K

1m 🗑

23:29

سلام سلام 🤖

164.7K

1m 🗑

23:30

قشنگای مامان 🤖

165.8K

1m 🗑

23:30

پارت آوردما 🤖

168.3K

1m

23:30

سالیوان منی: sparkles: 8

#پارت 331

هول شده و با استرس با دستم دماغم و پوشوندم و دستپاچه گفتم :

- هی...هیچی...

چیز شد...

یعنی...

از این حجم بی دست و پایی و ضایع بودنم کلافه شدم و با حرص محکم
با دستم به پیشونیم کوبیدم و سعی کردم به مغزم فشار بیاورم تا
ببینم دقیقا باید چی بهش بگم؟!

با اینکه از قبل خودم و آماده کرده بودم ولی الان که تو موقعیتش قرار
گرفته بودم؛ همه چیز از ذهنم پریده بود!!!

خاکتوسرت پناه...

الحق که خنگی!!!

اون کنه هم که انگار قسم خورده بود امروزو کوفتم کنه؛ با لحن منظور
داری گفت :

+ چیشد؟!

نکنه با کابینت دندون دار برخورد کردی؟!

حس بدی از این حرفش بهم دست داد...

همینطوری داشتم این پا و اون پا می‌کردم تا شاید بتونم از زیر جواب دادن در برم که خوشبختانه این بار و شانس باهام یار بود!!!

با شنیدن صدای آشنای پیمان؛ جوری چشم هام از خوشحالی درخشید که انگار دنیارو بهم دادن...

اولین بار بود که از اومدنش تا این حد خوشحال می‌شدم!!!

نفس راحتی کشیدم و با لبخندی که هیچ جوهره نمی‌تونستم جمعش کنم؛ در خونه رو باز کردم و همونطور که به عقب می‌چرخیدم تا قبل از دیده شدنم توسط پیمان فلنگو ببندم؛ با صدای بلندی گفتم :

- سلام داداشی!!!

خوش اومدی...

بدو بیا تو که مهمون داریم...

خوشبختانه فقط صدای متعجبش رو می‌شنیدم و تصویری ازش نداشتم...

+ سلام پناه...

مهمونمون کیه؟!

جوابی بهش ندادم و همزمان که با قدم های بلندی از اونجا فرار می کردم؛ اشاره ای به مسعود زدم تا جلو بره و خودش و معرفی کنه...

از اونجایی که می دونستم اگه پیمان من و با این سر و وضع جلوی بقیه ببینه حسابی دعوام می کنه؛ اول از همه پاورچین پاورچین به طرف اتاقم دویدم تا بعد از عوض کردن لباس هام و پوشش دادن شاهکار کیهان پیش بقیه برگردم...

به محض اینکه پامو توی اتاقم گذاشتم...
ویرایش شده

172.6K

1m

23:35

« تو سالیوان منی...! ♥ ✨ »

سالیوان منی ✨:sparkles: #پارت330 دستم ...

پنجشنبه، 15 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همان قدر که می ارزد درد خواهد داشت...

•• SaLiVanMaNi@ ••

167.6K

! Amir -

6:38

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از این ظاهر پرستان؛
باطن آرایي نمی آید....

• SaLiVanMaNi@ ••
175.1K
Wizi 4
10:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خیلی ممنونم ازت...
چون تو باعث شدی؛ من با زندگیم آشتی کنم...

• SaLiVanMaNi@ ••
ویرایش شده
173.8K
! Amir -
13:20

سلام قشنگام 😊
167K

1m 🗑

23:50

چطورید یا نه؟ 🤖

170.5K

1m 🗑

23:50

پارت آوردم 🤖

180.1K

1m 🗑

23:50

سالیوان منی 🤖:sparkles:

#پارت332

به محض اینکه پامو توی اتاقم گذاشتم با بالاترین سرعتی که از خودم سراغ داشتم یه مانتوی پوشیده تر و بلندتر از لباس فعلیم برداشتم و پوشیدمش...

یکم شالم رو جلوتر کشیدم و موهام رو کامل زیرش جمع کردم...

با کرم پودر رد دندون های کیهان و که به صورت جالب و مشخصی دیده می شدن و حداالامکان پوشش دادم...

درنهایت از تو آینه نگاهی به خودم انداختم و وقتی از مرتب بودن همه چیز مطمئن شدم؛ بعد از کشیدن نفس عمیقی گوشیم و برداشتم و از اتاق بیرون رفتم...

زیر چشمی نگاهی به صفحه خاموش گوشیم انداختم تا ببینم پیامی از
کیهان دارم یا نه...

ولی خبری نبود!!!

مثل اینکه هنوز نرسیده بود...

با یاد آوری کیهان و اتفاقاتی که توی ماشین افتاد لبخند ریزی زدم که با
شنیدن صدای پیمان؛ شونه هام از ترس بالا پرید...

+ می خندی آبجی کوچولو...
مثل اینکه کیفیت حسابی کوکه!!!
چی هست تو اون گوشی؟!
بگو منم بخندم...

خندهم روی لب هام ماسید و فوری گوشیم و از جلوی چشمش دور کردم
تا الکی بهم گیر نده...

- کی من؟!

آها...

رها یه جوک واسم فرستاده بود داشتم به اون می خندیدم...

نیشخندی زد و سرش و به نشونه تایید تکون داد ولی مشخص بود که
اصلا باور نکرده...

ای پناه بخت برگشته...

آش نخورده و دهن سوخته هم شدی!!!

منتظر بودم ازم بخواد تا جوکو واسش تعریف کنم؛ یا بهش نشون بدم؛
و از اونجایی که جوکی درکار نبود حسابی ضایع بشم؛ ولی مثل اینکه این
بارم دل خدا به حالم سوخت...

قبل از اینکه پیمان بتونه حرفی بزنه؛ صدای شاکی مامان و که دست کمی
از جیغ کشیدن نداشت و شنیدیم :

+ پناه؟!

پیمان؟!

هیچ معلومه شماها کجایید؟!

ما که بالای پله ها وایستاده بودیم می‌تونستیم ببینیمش ولی اون هنوز
مارو ندیده بود...

سرش و جلوتر کشید و...

182.4K

1m

23:57

› تو سالیوان منی...! ♥ ✨ ‹

سالیوان منی ✨:sparkles: #پارت331 هول ش...

جمعه، 16 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کسی که دوستت دارد؛ با تو خواهد ماند...
نه کسی که تو دوستش داری!!!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

171.4K

! Amir -

7:35

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بگو چیشد که یهو شدم دچار تو؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

167.2K

! Amir -

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اینو بدونید که؛ گریه نکردن به معنای قوی بودن نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

163.6K

1m ◯ □

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اهم اهم؛ خوبی‌های منو کسی می‌بینه که خودشم خوب باشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

158.7K

- مری؛

16:35

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قابل توجه شما دوستان عزیز ؛ این هوا لباس گرم نمیخواد؛ بغل نرم
میخواد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

157.6K

! Amir -

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من اینطوریم که؛ یا خیلی اهمیت میدم؛ یا اصلا مهم نیست؛ حد وسط ندارم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

158K

AVA-ZEYNAB

21:23

شنبه، 17 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

وقتی آب زندگیت گل آلود بشه؛ متوجه میشی همه ماهیگیرهاش
آشنا...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

145.9K

Wizi 4

8:09

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شبیه یه فیلم درامم؛ که هی داره تلخ تر میشه ادامش...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

145.8K

! Amir -

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

باورت بشه یا نشه؛ چشمات زیباترین استان منطقه ست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

144K

! Amir -

13:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خدا در نهایت دلبری خطاب به بنده هاش :

- تو در حفاظت کامل مایی....

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

139.1K

- Amir !

16:18

#crescent_moon::sunflower:Porf:

از اینکه انقدر خلاف ادعاهاتون هستید؛ اذیت نمی‌شید؟!

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

141.5K

- مَری؛

19:20

#crescent_moon::sunflower:Porf:

چشمی که از ارتفاع پروازتون ترسیدو کور کنید...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

142.1K

AVA-ZEYNAB

21:19

سلامممم:kiss::speak_no_evil:

141.1K

1m 🗨

23:50

قشنگای مامان::octopus:wink:

143K

1m 🗨

23:51

پارت داریمم 🤔❤

147K

1m 🗨

23:51

سالیوان منی 🧚::sparkles:

#پارت333

سرش و جلوتر کشید و از پایین نگاهی به بالا انداخت و با دیدن ما که
مثل گاو بر و بر نگاهش می کردیم؛ تن صداش و پایین آورد و با غر غر
گفت :

+ چگونه شماها؟!!

چرا مثل بز زل زدید به من؟!!

ذلیل مرده ها می خواهید آبروی منو ببرید؟!!

اینا که این پایین نشستن قاراه با دیوار حرف بززن؟!!

زود باشید بیاید پایین ببینم...

نفس راحتی کشیدم و قبل از اینکه اجازه بدم پیمان حرفی بزنه؛ تند تند

از پله ها پایین رفتم تا فرصت نکنه جایی گیرم بندازه و ازم حرف
بکشه!!!

کنار مامان که وایستادم؛ سرش و چرخوند و نگاه موشکافانه ای بهم
انداخت و چند لحظه بعد با لحن مشکوکی گفت :

+ دوباره آرایش کردی؟!!

گلویی صاف کردم و سعی کردم همزمان که استرس و لرزش صدام و
کنترل می‌کنم؛ جواب بدم :

- عامممم...

آره؛

راستش از شرمندگی زیادی خجالت کشیدم...
کرمم ماسیده بود دیگه رفتم بالا لباسام و عوض کنم یه دستیم به
صورتم کشیدم!!!

و تو دلم اضافه کردم :

- خدایا ببخشید مجبور بودم!!!
وگرنه آبرو و شرف واسم نمی‌موند...

خوشبختانه زیاد بهم پیله نکرد و بعد از تگون دادن سرش به نشونه
تایید؛ مچ دستم و گرفت و همونطور که به سمت مهمونا می‌رفت منم به
دنبال خودش کشید....

روی مبل دو نفره ای نشست و منم کنار خودش نشوند...

سنگینی نگاه مسعود رو روی خودم حس می‌کردم!!!

از یه طرف اون نگاهم می‌کرد و از طرف دیگه مهسا با چشم هاش به سمتم آتیش پرت می‌کرد...

آخه به من چه اصلا؟!

مگه من گفتم کراشش بهم نگاه کنه؟!

نگاهی به دور و بر انداختم تا بهونه ای پیدا کنم و از زیر سنگینی نگاه هاشون در برم که با شنیدن صدای پیچ پیچ مامان؛ سرم و نزدیک تر بردم تا ببینم چی می‌گه...

+ پناه از جات تکون خوردی نخوردیااا...
همین جا بشین شبنم خانوم می‌گه باهامون حرف داره!!!

با تعجب ابرویی بالا انداختم ولی حرفی نزد...

شبنم خانوم چه حرف جدی ای می‌تونست با ما داشته باشه؟!

تو همین فکر بودم که صدای نوتیف پیام گوشیم بلند شد...

ویرایش شده

151.4K

1m

23:54

› تو سالیوان منی!...! ♡ 🌸 ‹

سالیوان منی 🌸:sparkles: #پارت332 به مح...

یکشنبه، 18 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نمیدونم بابت آرامشم خوشحال باشم یا برای تنهاییم ناراحت..

• SaLiVanMaNi@ ••

140.3K

Wizi 4

8:33

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پیشاپیش به خانواده همسرم؛ بخاطر سلیقه خوبشون تبریک میگم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

141.4K

Wizi 4

10:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

انسان در خیال و وهم خود بیشتر آسیب می بیند؛ تا در واقعیت...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

141.4K

! Amir -

13:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یک شب در خوابی فرو خواهم رفت؛ هیچ نوری؛ هیچ صبحی؛ مرا بیدار
نخواهد کرد...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

136.8K

- مَری؛

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تا وقتی از دست ندی؛ یاد نمیگیری قدر بدونی...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

137.9K

! Amir -

21:22

ولی عاشقی این پسر👤:two_hearts:<<<<<

134.8K

♥nil

23:39

حذف شده

سلام سلام👤

135.7K

! Amir -

23:46

پارت داریم👤👤

138.1K

! Amir -

23:46

151.1K

! Amir -

23:46

› تو سالیوان منی!...♥👤‹

پارت داریم👤👤

سالیوان منی👤:sparkles:

#پارت334

تو همین فکر بودم که صدای نوتیف پیام گوشیم بلند شد...

صفحه گوشیم و روشن کردم و نگاهی بهش انداختم که با دیدن اسم
کیهان بالای صفحه؛ لب هام بی اراده به دو طرف کشیده شد...

با نیش باز و بی توجه به بقیه سرم و کردم تو گوشی و وارد صفحه
چتمون شدم...

با دیدن عکسی که فرستاده بود؛ آب دهنم و قورت دادم و با استرس از
گوشه چشم نگاهی به مامان انداختم و وقتی دیدم حواسش نیست؛ با
خیال راحت عکس و آپلود کردم...

به محض باز شدن عکس؛ با دیدن عکسی که از نیم تنه‌ی بزرگوار
خودش فرستاده بود؛ جوری هول کردم که آب دهنم پرید تو گلو...

با چشم های از کاسه در اومده؛ اول صفحه گوشیم و خاموش کردم تا
کسی چشمش بهش نیوفته و بعد با گرفتن گلو شروع به سرفه کردن
کردم...

مامان با دیدن سرفه های شدید و بی امان من چشم غره ای بهم رفت و
هونطور که با دستش بین دوتا کتفم رو ماساژ می داد تا راه تنفسم و باز
کنه؛ با حرص پچ زد :

+ امروز آبرو واسم نداشتی!!!
بزار اینا برن اون وقته که من می دونم و تو...

از اونجایی که بیشتر از خفگی داشتم از ضربه های دست مامان آسیب

می‌دیدم؛ به سختی لبخندی برای حفظ ظاهر زدم و خودم و از زیر نوازش
های سخت و سنگین مامان دور کردم...

حق هم داشت!!!

امروز واقعا گند بالا آورده بودم!!!

از اونجایی که روی نگاه کردن به صورت بقیه رو نداشتم؛ با همون سر
پایین در جواب سوال هاشون که همش می‌پرسیدن :

+ پناه خوبی؟!!

چیشد؟!!

آب بیارم؟!!

فقط به گفتن " خوبمی " بسنده کردم و بعد از برگشت وضعیت به رنگ
سفید؛ دوباره گوشیمو برداشتم و روشنش کردم...

قبلش نفس عمیقی کشیدم تا این بار بتونم خودم و کنترل کنم...

روی عکس ارسالی کیهان زدم و با هیزی نگاهی به بدن هشت تیکه و رو
فرمش انداختم و ناخود آگاه آب دهنم و قورت دادم...

شرم کجا رفته بود؟!!

حیا کجا رفته بود؟!!

155.3K

! Amir -

23:57

› تو سالیوان منی...! ♡ ✨ ‹

سالیوان منی ✨:sparkles: #پارت333 سرش و...

دوشنبه، 19 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه سوال ؛

- داری با خودت چیکار می‌کنی؟!

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

149.6K

! Amir -

7:10

:Porf:sunflower::crescent_moon#

لا به لای سیگارم؛ دود می‌شی میری هوا...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

144.4K

- مَری؛

13:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مگر دشمن کند با من؛ که من با جان خود کردم...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

139.1K

Niyazm

16:18

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خواهی نشوی رسوا؛

همرنگ جماعت شو...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

137.9K

🌿❤ MLI

19:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچی زیادیش خوب نیست؛ حتی صبوری کردن...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

138.2K

AVA-ZEYNAB

21:21

چطور مطورید قشنگا؟! 😊❤

135.2K

- مری؛

23:49

نظرتون راجبِ یه پارت فول هیجانی چیه؟ 😊💧

136.4K

- مری؛

23:50

خب انگار نظرتون مثبته 😊 ↔ 🤔

139.8K

- مری؛

23:51

سالیوان منی 🧚:sparkles:

#پارت335

ولی خدایی استایلی داشت!!!

رو فرم و ورزشکاری؛ پر از عضله و ماهیچه های پیچ در پیچ...

اولین باری بود که اینطوری و بدون پوشش می‌دیدمش...

جلوی آینه وایستاده بود و مثل این پروفایل های پسرانه؛ گوشیش رو جلوی صورتش گرفته بود و از هیکلش عکس گرفته بود...

چیز زیادی از صورتش مشخص نبود ولی من مطمئن بودم که خودشه!!!

نمی‌دونم چقدر به عکسش زل زده بودم و نگاهش می‌کردم که is... typing شد...

با هیجان گوشه لبم و گاز گرفتم و منتظر به صفحه گوشی نگاه کردم تا ببینم چی می‌خواد بگه؟!

خیلی طول نکشید که با دیدن پیامش؛ از خجالت سرخ شدم...

"مورد پسند واقع شدم؟!"

از اونجایی که تو صفحه چتش خوابیده بودم؛ به محض اومدن پیامش سین شد و فهمید که کل این مدت داشتم به عکسش نگاه می‌کردم!!!

وای وای...

خراب کاری پشت خراب کاری!!!

نمی‌دونستم چی باید بگم و چطوری گندی که زدم و جمع کنم که دوباره

پیام داد :

" می‌گن سکوت علامت رضاست!!! انگاری شدم "

واقعا نمی‌دونستم چی باید بگم که نه سیخ بسوزه و نه کباب!!!

اگه می‌گفتم آره که حتما با خودش می‌گفت ببین دختره چقدر هوله که
این حرفو زده...

اگه می‌گفتم نه که خب دروغ حساب می‌شد!!!

اگه هم چیزی نمی‌گفتم بازم بی ادبی بود...

پس باید بحث و عوض می‌کردم...

از روی ناچاری نوشتم :

" چند وقته باشگاه می‌ری؟! "

خوشبختانه کشش نداد و عادی جواب داد :

" حدودا چهار سال؛ یه لحظه وایسا می‌خوام یه چیزو نشونت بدم..."

با استرس ناخودآگاه سیخ سر جام نشستم و گوشی و محکم تو دستم
فشار دادم تا مبادا حواسم پرت بشه...

چند ثانیه که گذشت دوباره یه عکس فرستاد...

ویرایش شده

143.6K

- مری؛

23:53

« تو سالیوان منی!..! ♥ ❄ »

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت334 تو ه...

سه شنبه، 20 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

شجاع باش؛ نترس؛ تو یه ببر درون داری...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

135.9K

! Amir -

6:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

کاش می تونستم انقدری که بهت فکر می کنم؛ باهات وقتم بگذرونم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

132.3K

Wizi 4

10:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من میتونم صد بار ببخشم؛ اما فقط یه بار میتونم بهت اعتماد کنم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

129.7K

Wizi 22

13:57

:Porf:sunflower::crescent_moon#

سلامتی اونجایی که می‌دونست منتظرشم و از قصد دیر کرد...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

127.2K

pāī

16:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچی تا تهش موندگار نیست؛ حتی روح برای جسمت...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

129.1K

- مَری؛

19:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

مغرور باش و بخند؛

بذار دنبال علت شادی تو غرورت باشه...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

130.7K

AVA-ZEYNAB

21:20

سلام سلام ↔ 🙏

128.6K

- مَری؛

23:39

من اومدممم 🙏💧

131.8K

- مَری؛

23:43

با یه پارتِ جذاب هم اومدم تازه 🤔💖

133.2K

- مری؛

23:46

آماده‌ی خوندن هستید سیسیا؟ 🤔💖

137.5K

- مری؛

23:48

سالیوان منی 🧚:sparkles:

#پارت336

چند ثانیه که گذشت دوباره یه عکس فرستاد...

بلافاصله عکس و باز کردم که این بار با دیدن محتویات داخل عکس؛
لبخند شرارت باری روی لب هام نشست...

از رد دن دون هام روی بازوش عکس گرفته بود و واسم فرستاده بود!!!

همونطور با با خنده به شاهکارم نگاه می‌کردم که پیامش اومد :

" قسم می‌خورم الان با نیش باز داری به دست گلت نگاه می‌کنی و به
خودتم افتخار می‌کنی!!! "

ریز خندیدم و سریع از روی شوخی تایپ کردم :

" نكنه دوربينى چيزى بهم وصل كردى؟! "

اين بار با يكم تاخير جواب داد :

" همچين زياد دوربينم نيست؛ يه چيزيه كه منو از نزديك شدن اون مرتيکه بهت خبردار مى‌کنه و همچنين بهم کمک مى‌کنه تا تورو ازش دورت کنم!!! البته اگه نمى‌خواى جلوى بقيه رسوا بشى!!! "

براى لحظه اى لرز از تنم گذشت...

شوخی مى‌کرد ديگه؟!

اين حرفاش چه معنى مى‌تونست داشته باشه؟!

با استرس نوشتم :

" اصلا شوخی جالبی نبود!!! "

" اوکی ولی اصلا شوخی نبود!!! كاملا جدی گفتم...

می‌تونى نزديك اون پسره بشى تا به واقعى بودن حرف هام پى ببرى!!! "

مطمئن بودم كه داره شوخی مى‌کنه!!!

اصلا چطور چنین چيزى امكان داشت؟!

حتما اين حرفارو زد كه از مسعود دور باشم...

آره وگرنه اصلا همچین چیزی امکان نداره...

با این حرف ها سعی می‌کردم به خودم دل‌داری بدم ولی ناخودآگاه نگاهم سمت مسعود کشیده شد که با یاد آوری تهدید های کیهان تا خواستم فوری نگاهم و از روش بردارم متوجه شد و خندید...

لعنتی الان چه فکری با خودش می‌کرد؟!

حتما می‌گه دختره عاشقمه که اینطوری بهم زل زده...

از استرس حرف هایی که کیهان بهم زده بود نمی‌تونستم سرجام بند بمونم...

می‌دونستم چنین چیزی غیر ممکنه ولی برای راحت کردن خیال خودم هم که شده باید امتحانش کنم...

واسه همین دل به دریا زدم و از جام بلند شدم و ...
ویرایش شده

140.6K

- مری؛

23:56

› تو سالیوان منی...! ♡ ☼ ‹

سالیوان منی ☼:sparkles: #پارت335 ولی خ...

چهارشنبه، 21 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

هیچ وقت جا نزن؛ این دنیا جای بازنده ها نیست...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

133.9K

! Amir -

6:46

:Porf:sunflower::crescent_moon#

عجله نکنید؛ آروم آروم تبدیل میشوید به شخصی که مدتها پیش باید میشدید...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

131.2K

Wizi 4

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

آدما میشکنن فقط دیده نمیشه؛ احتیاط کنید تو رفتارتون...

• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

130.3K

Mli

13:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

• SaLiVanMaNi@ ••

127.2K

Niyazm

16:17

:Porf:sunflower::crescent_moon#

• SaLiVanMaNi@ ••

129.7K

🌿❤ MLI

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اگه بخواد خودش دورشو خلوت میکنه، نیازی نیست تو دست و پا بزنی
که بهت اهمیت بده.

• SaLiVanMaNi@ ••

131.5K

AVA-ZEYNAB

21:20

سلام سلام 😘:kiss:

131.7K

1m 🗑

23:46

حالتون چطوره:relieved:

133.6K

1m 🗑

23:46

پارت داریم:smiley:♥

136.5K

1m 🗑

23:46

سالیوان منی 🧚:sparkles:

#پارت337

واسه همین دل به دریا زدم و از جام بلند شدم و با استرس به مسعود
نزدیک شدم...

نرسیده بهش با فکری که از سرم گذشت سر جا خشکم زد...

منِ خر با چه بهونه ای داشتم می‌رفتم سمتش؟!

می‌گفتم ببخشید من اومدم نزدیک تو تا ببینم تهدید دوست پسر
واقعیه یا نه؟!

کلافه نفسی کشیدم و سعی کردم یه بهانه ای برای این بلند شدنم پیدا
کنم...

نگاهی به دور و بر انداختم و با دیدن سینی خالی روی میز عسلی و
لیوان خالی جلوی مسعود؛ لبخند ملیحی زدم و به طرف سینی پا تند
کردم...

حواسم و کامل جمع کرده بودم تا گند دیگه ای بالا نیارم!!!

سینی رو برداشتم و برای ضایع نکردن موضوع؛ شروع به جمع کردن همه
لیوانا کردم...

وقتی خواستم آخرین لیوان و از جلوی مسعود بردارم؛ خم شدنم همانا و
پیچیدن درد و لذت شیرینی تو بدنم همانا...

یه کشیدگی نرم و رو روی سی‌نهم حس می‌کردم که هم درد داشت و
هم لذت!!!

لعنتی!!!

این دیگه چه کوفتی بود؟!

منظور کیهان از اون چیزی که می گفت؛ همین بود؟!

ولی آخه چطوری؟!

کی و چطوری این لامصب عجیب و غریب و به من وصل کرده بود که
حتی متوجه نشده بودم؟!

دلم می خواست بی توجه به همه سینی رو روی زمین ول بدم و به خاطر
این حس غریب توی بدنم؛ نفس های تند و عمیق بکشم...

برای تموم شدن این شکنجه لذت بخش؛ به کارم سرعت دادم و با
برداشتن لیوان؛ به سختی سینی رو روی میز گذاشتم و رسماً از اونجا به
طرف اتاقم دویدم...

نفس نفس می زدم و دوست داشتم هرچه زودتر این لعنتیاریو از خودم
بکنم شون...

به محض ورودم به اتاق گوشیم زنگ خورد که با دیدن اسم کیهان...

140.2K

1m ☾

23:56

› تو سالیوان منی!..! ☾ ‹

سالیوان منی ☾:sparkles: #پارت336 چند ث...

پنجشنبه، 22 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پشت محکم‌ترین شخصیت‌ها، صدای خورد شدن استخوان تجربه میاد
(:

• SaLiVanMaNi@ ••

133.1K

! Amir -

7:41

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یکی از داشتتم دیونه شد یکی از نداشتتم!

•• SaLiVanMaNi@ ••

130.2K

Wizi 4

10:20

:new_moon_with_face::crescent_moon:..تو مه شب تار منی.

2:10

Khazan.mp3

3:42

Viguen •

ویرایش شده

123.2K

! Amir -

18:47

سلام خوشگلای من 🤗

ویرایش شده

124K

🌿❤️ MLI

18:48

:see_no_evil::heartpulse:خوبید؟

124.7K

! Amir -

18:53

پارت بخونیم؟؟؟؟

126K

! Amir -

18:55

134.4K

! Amir -

18:55

› تو سالیوان منی!..!❤️🌿‹

پارت بخونیم؟؟؟؟

:sob::joy:خوشگلای عمو بگو:

144.8K

♣️👉^{1m} **Bahar**

18:55

› تو سالیوان منی!..!❤️🌿‹

سلام خوشگلای من 😊
سالیوان منی 🧸:sparkles:
#پارت338

به محض ورودم به اتاق گوشیم زنگ خورد که با دیدن اسم کیهان با
عجله تماس و وصل کردم و منتظر شنیدن صداش شدم...

برخلاف تصورم حرفی نزد و فقط می‌تونستم صدای نفس هاش رو
بشنوم...

صدای نفس کشیدن اون و نفس نفس زدن من؛ باهم ترکیب شده
بودن...

اون لرزش و کشش لعنتی قطع شده بود و فقط حال بدش برام مونده
بود!!!

نمی‌دونم چند دقیقه گذشته بود که بالاخره صداش رو شنیدم :

+ حالت چطوره کوچولو؟!

هنوز حالم کامل جا نیومده بود؛ برای همین با زاری تنها چیزی رو که
می‌تونستم نالیدم :

- کیهان؟!

بلافاصله صدای اخطارش رو شنیدم :

+ ناله نکن پناه!!!

لعنت بهش؛ خودش باعث این حال شده بود و الانم داشت اذیتم می کرد!!!

ناخودآگاه بغض کردم و با حرص غریدم :

- این چه کاری بود که باهام کردی؟!

برخلاف من؛ با آرامش گفت :

+ مگه چیکار کردم باهات پناه کوچولو؟!

لبمو محکم زیر دندون کشیدم و با همون حال گفتم :

- این چیه که بهم وصل کردی؟!

کم مونده بود آبروم جلوی بقیه بره...

صدای نفس عمیقی که کشید رو شنیدم و بعد با تن صدای آروم تری گفت :

+ مگه بهت نگفتم نزدیکش نشو؟!

خودت خواستی صبر و تحمل منو بسنجی!!!

وگرنه می تونستی این کارو نکنی و اون اتفاق هم واست نیوفته...

- من...

من... فقط... می خواستم ببینم واقعیه یا نه...

به آرومی خندید و جواب داد :

+ امتحان کردی و دیدی واقعیه!!!
حالا بگو ببینم چه حسی داشتی؟!

با یاد آوری حال و روزم و آثاری که هنوز حسش می کردم؛ خجالت زده
گفتم :

- وای ساکت شوهاااا...

+ پس حسابی خوش گذشته بهت...
میخوای دوباره امتحانش کنیم؟!

147.2K

- Amir !

18:59

› تو سالیوان منی...! ♥ ❄ ‹

سالیوان منی ❄:sparkles: #پارت337 واسه ...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

دیر می فهمی بهترین دوران؛ مدرسه ست...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

145.4K

! Amir -

21:16

جمعه، 23 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

بهترین انتقام ، بهتر شدن خویش است

•• SaLiVanMaNi@ ••

133.8K

! Amir -

7:38

:Porf:sunflower::crescent_moon#

نفهمیدی ؟ دوست دارم عمیقا با عشق (:

•• SaLiVanMaNi@ ••

130.4K

! Amir -

10:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

خداکنه خدا برات بسازه بی منت ، یهویی ، ابدی

•• SaLiVanMaNi@ ••

125.6K

ИЄVЄЯ

13:21

:Porf:sunflower::crescent_moon#

+خوشبخت؟

-کسی که رفاقت و عشق رو تو یه نفر پیدا کنه.

•• SaLiVanMaNi@ ••

121.8K

Niyazm

16:16

:Porf:sunflower::crescent_moon#

یه حلقه بخر برای عهد بستن با اهدافت:ring::green_heart:

•• SaLiVanMaNi@ ••

125.8K

♥ @Medusa

19:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

از آدما به آدما پناه نبرید، بی پناه تر میشید..♥

•• SaLiVanMaNi@ ••

126K

! Amir -

21:17

سلام 🤗

125.4K

! Amir -

23:44

خوبین پارت داریم!! 🤗:kiss:

127.7K

! Amir -

23:47

شنبه، 24 آذر 1403

سالیوان منی 🤗:sparkles:

#پارت339

با خجالت جیغ زدم :

- نه!!!

بی توجه به جلز و ولز کردن من؛ با لحن مرموزی گفت :

+ چرا اتفاقا الان که دارم بهش فکر می‌کنم همچین فکر بدیم نیست!!!
من که خیلی دوست دارم صدای نفسای از روی لذتو بشنوم...

کف دست هام رو محکم روی صورتم فشار دادم و با عجز گفتم :

- کیهان توروخدا بس کن!!!

چند ثانیه سر و صدا از اون ور بلند شد و بعد صدای خودش رو شنیدم
که با آرامش گفت :

+ هوممم...

یه شرط داره!!!

بدون معطلی گفتم :

- چه شرطی؟!

با زرنگی گفت :

+ اول باید قول بدی که قبولش می‌کنی!!!

دو دل گفتم :

- تا نفهمم شرطت چی هست که نمی‌تونم قبولش کنم!!!

نفس عمیقی کشید و با لجبازی گفت :

+ انتخاب با خودته پناه کوچولو!!!
یا لذت دوباره اون کوچولو هارو حس می‌کنی؛ یا شرط منو عملی می‌کنی...

کلافه نفس تندی کشیدم و سعی کردم از مغز به خواب رفته‌م کار
بکشم...

خب انتخاب اولم که خود خود جهنم بود!!!

قطعا انتخاب دوم و شرط کیهان نمی‌تونست بدتر از گزینه اول باشه!!!

خوش خیالانه فکر می‌کردم ولی خبر نداشتم شرط کیهان قراره چه
طوفانی به پا بکنه...

لب هام رو با زبون تر کردم و با تردید گفتم :

- قبوله!!!
شرطت چیه؟!

با اطمینان کامل گفت :

+ مثل اون روز پی‌راهنت دربی‌ار ؛ الان بهت تصویری زنگ می‌زنم...
ویرایش شده

135K

! Amir -

0:05

« تو سالیوان منی...! ♥ ✨ »

سالیوان منی ✨:sparkles: #پارت338 به مح...
:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو هر چقدر هم به یکی احترام بذاری؛ در آخر اون اندازه فهمش با تو رفتار میکنه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

126.8K

! Amir -

7:10

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قدرت واقعی؛ تو یهویی ساکت شدنه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

125.9K

! Amir -

8:04

:Porf:sunflower::crescent_moon#

متاسفانه بعضی از آدم‌ها رو؛ پول هم نمی‌تونه گرون کنه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

118.4K

! Amir -

16:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

پشت محکم‌ترین شخصیت‌ها؛
صدای خورد شدن استخون تجربه‌ها میاد...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

117.9K

♥ @Medusa

19:15

یکشنبه، 25 آذر 1403

:Porf:sunflower::crescent_moon#

اوج بگیر که ببینی؛ نه با این هدف که دیده بشی...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

105.6K

! Amir -

7:06

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من خودم به تنهایی؛

صد هیچ از همتون جلوترم!!!

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

97.3K

! Amir -

13:25

:Porf:sunflower::crescent_moon#

باور کن تا دست از گذشته بر نداری؛ دستت به آینده نمیرسه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

93K

! Amir -

16:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

ای آنکه دوست دارمت؛ اما ندارمت؛ جایت همیشه در دل من درد
می‌کند...

•• SaLiVanMaNi@ ••

91.6K

Noushin -

19:17

یوهووووو

:stuck_out_tongue_closed_eyes::cherry_blossom:!!! سلام

91.8K

Noushin -

19:18

:relieved::hearts:!!؟ اینجاست کی ببینید

91.7K

Noushin -

19:22

مامان نوشین اومده هالو 🤗🤗

91.8K

Noushin -

19:26

پارت آورده واستون ؛
92.1K

Noushin -

19:29

هستید؟!🤪:fire:

93.6K

Noushin -

19:30

96K

Noushin -

19:30

› تو سالیوان منی!..!❤️🦋‹

هستید؟!🤪:fire:

بریم سراغ پارتمون!!!🤪🦋

97.4K

Noushin -

19:34

سالیوان منی🦋:sparkles:

#پارت340

بی اراده بلند داد زدم :

- چیییی؟!!

+ پیچ پیچی...

چخبرته دختر؟!
چرا جیغ می‌زنی؟!
پرده گوشم پاره شد...

آب دهنم و قورت دادم و با ناباوری بدون توجه به حرف هاش گفتم :

- چی گفتی؟!
دوباره تکرارش کن...

+ همون که شنیدی!!!
خودت گفتی شرطمو قبول می‌کنی...
منم اینو ازت می‌خوام...

با صدای لرزون و پر استرسی گفتم :

- و...ولی من نمی...تونم!!!

با خونسردی گفت :

+ چرا عزیزم می‌تونی!!!
اصلا کار سختی نیست؛ قبلا یه بار انجامش دادی...
خب ببی بدو ببینم چیکار می‌کنی!!!
من دقیقا سه دقیقه دیگه بهت زنگ می‌زنم...
فعلا!!!

این و گفت و بدون اینکه بهم فرصت اعتراض کردن بده؛ در کمال

ناباوریم تماس و قطع کرد...

شوکه صفحه گوشی رو جلوی صورتم گرفته بودم و سعی می‌کردم
چیزهایی که شنیده بودم رو هضمشون کنم...

آخه یعنی چی؟!

انگار کیهان قسم خورده تا پدر منو امروز در نیاره بیخیال نشه!!!

از اونجایی که عین اسکلا شرطش رو نشنیده قبول کرده بودم؛
می‌ترسیدم این بار هم به حرفش گوش نکنم و کار بدتری باهام بکنه!!!

برای همین با ترس و لرز گوشی رو کنار گذاشتم و مشغول در آوردن
لباس هام شدم...

وقتی به لباس زیر هام رسیدم؛ مکث کردم...

کیهان می‌گفت باید مثل اون روز که بهم زنگ زده بود بشم؛ پس تا
همین حد کافی بود!!!

من اون روز زیر ملافه بودم و اون چیز زیادی ازم ندیده بود!!!

پس طبق خواسته خودش؛ امروز هم همون کارو می‌کردم!!!

با هیجان و استرس زیادی روی تختم نشستم و ملافه رو جوری رو خودم
انداختم که چیز زیادی ازم مشخص نباشه...

راس سه دقیقه ای که حرفشو زده بود؛ گوشیم زنگ خورد...

ویرایش شده

98.8K

Noushin -

19:41

« تو سالیوان منی...! ♥ ✨ »

سالیوان منی ✨:sparkles: #پارت339 با خج...

وقتی پناه کوچولو امتحان داره : 🤔 🤔 :open_hands: 📺

99.2K

Noushin -

19:48

(3.1MB) 0:11

:nEw PaRt... 🤔 ✨:sparkles

پارت بعدی 00:00...

100.1K

Noushin -

19:48

« تو سالیوان منی...! ♥ ✨ »

سالیوان منی ✨:sparkles: #پارت340 بی ا...

:Porf:sunflower::crescent_moon#

قدرت دست اونیه که می زاره همه فکر کنن هیچی نداره...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

99.2K

! Amir -

21:53

سلامی دوباره...

96K

Noushin -

23:44

خوش می‌گذره؟! joy::tired_face:

97.5K

Noushin -

23:47

پارت

میقولید؟! cherry_blossom::stuck_out_tongue_closed_eyes:

نظرسنجی

بلییییی

خیررررر

4807 رای

99.8K

Noushin -

23:51

میبینم که همه بیدار و منتظر پارتین!!! joy:🤪:

99.6K

Noushin -

23:57

› تو سالیوانِ منی...! ♡ 🦋 ‹

پارت میقولید؟! 😊 🌸

دوشنبه، 26 آذر 1403

زیاد منتظرتون نمیذارم...

105.3K

Noushin -

0:00

اع تایم

107.4K

Noushin -

0:00

بریم سراغ پارتمون قشنگام!!! 🥰:cherry_blossom:

113K

Noushin -

0:00

سالیوانِ منی 🦋:sparkles:

#پارت341

با استرس نگاهی به خودم انداختم و وقتی از پوشیده بودنم مطمئن شدم؛ تماس و جواب دادم..

به محض بالا اومدن صفحه و دیدنش توی اون حال ماتم برد...

به معنای واقعی کلمه خشکم زد!!!

مگه اصلا چنین چیزی می‌تونست واقعی باشه؟!

چندبار پشت سر هم پلک زدم تا شاید این رویا و وهم از جلوی چشم
هام کنار بره ولی نه...

رویا نبود ؛

واقعی واقعی بود!!!

اون مردی که توی تاریکی اتاق با بالا تنه برهنه روی مبل چرمی
نشسته بود و سیگار گوشه لبش بود؛ کیهان بود؟!

ژست و نحوه نشستنش درست مثل مردهای اروپایی توی تابلوهای
نفیسی بود که عکس هاشون رو توی اینترنت می‌دیدم!!!

خدای من...

خودش می‌دونست تو این حال تا چه اندازه ای جذاب و خیره کننده
می‌شه و از عمد تو چنین وضعیتی بهم زنگ زده بود؟!

انقدری مات و مبهوتش بودم که حتی متوجه شل شدن دست هام از
روی ملافه و پایین افتادنش نشدم...

همونطور با دهن باز نگاهش می‌کردم که با دیدن منی که رسماً با چشم
هام داشتم قورتش می‌دادم؛ سیگار و از لبش فاصله داد...

تک خنده ای کرد و با صدایی که در اثر سیگار بم تر از همیشه شده بود؛

گفت :

+ پسندیدی پناه کوچولو؟!!

آب دهنم و قورت دادم و در کمال بی شرمی بدون فکر کردن به هیچ چیزی با ولع نگاهش کردم...

همه چیز توی تصویر مقابلم جوری باهم تناسب و زیبایی داشت که من ندیده رو مات و مبهوت خودش کرده بود!!!

حتی حس می کردم از عمد پرده های اتاقش رو کشیده تا ذره ای نور به اتاقش راه پیدا نکنه...

فقط و فقط نور کم جون دیوار کوب روی نصف صورتش افتاده بود و تمام!!!

عوضی جذاب...

+ به به چه منظره جذابی!!!

ویرایش شده

114.1K

Noushin -

0:11

› تو سالیوان منی...! ♥ ✨ ‹

سالیوان منی ✨:sparkles: #پارت340 بی ا...!

(((:(Me and You ♥ ✨ ...

114.4K

Noushin -

0:18

دومین پارت امشبو خوندی قلبم؟! 🧡🧡:sparkles:

114.3K

Noushin -

0:18

› تو سالیوان منی!..! 🧡🧡 <

سالیوان منی 🧡:sparkles: #پارت341 با اس...

#crescent_moon::sunflower:Porf:

آرزو میکنم هیچوقت غم هاتون برای کسی که دوستش دارین؛ بی اهمیت نباشه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

106.5K

! Amir -

7:28

#crescent_moon::sunflower:Porf:

عیب نداره؛ خراب کن؛ بریز دور؛ ولی جاش از اول بساز...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

102.6K

! Amir -

10:19

:Porf:sunflower::crescent_moon#

من پرندگان غمگین زیادی را دیدم که هنوز پرواز می‌کنند؛ معنی کلمه
امید...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

99.8K

! Amir -

13:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

تو با اون سلیقه افتضاحت؛ همون بهتر که از من خوشت نیاد...

•• SaLiVanMaNi@ ••

93.7K

Noushin -

19:59

:Porf:sunflower::crescent_moon#

به مومیرسه ولی پاره نمیشه که.

•• SaLiVanMaNi@ ••

93.2K

! Amir -

21:21

:hi...:wave

88.6K

♣️👉^{1m} **Bahar**

23:46

:fire::violin: میسوزد آواز

89K

♣️👉^{1m} **Bahar**

23:48

:musical_score: غم دارد این ساز 🎻

89.4K

♣️👉^{1m} **Bahar**

23:51

🌸 🥰 ای الهه ناز

89.9K

♣️👉^{1m} **Bahar**

23:51

امشب امشب امشب...:new_moon_with_face:
90.4K

♣️👉^{1m} **Bahar**

23:52

مهتابم باش...:crescent_moon::sparkles:🤩
91K

♣️👉^{1m} **Bahar**

23:53

یک امشب را...:last_quarter_moon_with_face:
91.5K

♣️👉^{1m} **Bahar**

23:54

مهمان خوابم باش!🤩
92.3K

♣️👉^{1m} **Bahar**

23:54

سالیوان منی:sparkles:🧸
#پارت342

گیج و منگ به صورتش نگاه کردم و سوالی گفتم :

- هوممم؟!

خندید و با چشم به نقطه ای اشاره کرد و زمزمه وار گفت :

+ دارم از منظره دلپذیر جلوم لذت می برم...

توقع نداشتم انقدر عالی ازم استقبال کنی!!!

با همون گیجی رد نگاهش رو گرفتم و وقتی به خط سی‌نهم رسیدم؛
جیغی کشیدم و با هول و ولا مشغول بالا کشیدن ملافه روم شدم...

انقدری با عجله این کارو کردم که گوشی از دستم افتاد و صدای خنده
بلند کیهان و شنیدم...

گند پشت گند...

این بار ملافه رو تا زیر گردنم بالا کشیدم و برای محکم کاری چونم رو به
قفسه سی‌نهم چسبوندم تا دیگه ول نشه!!!

گوشی رو برداشتم و با خجالت گفتم :

- خیلییی بدی...

+ اوه اوه ناز نگاهشووو!!!

به من چه خب تو خودت باشی میتونی وقتی بهشت جلوته بهش نگاه
نکنی؟!

معترض و باناله اسمش و صدا زدم :

- کیهان؟!

می‌شه انقدر خجالت‌م ندی؟!

قطع میکنم!!!!...

فوری تو جاش تکونی خورد و با حرص گفت :

+ نه قطع نکنی!!!
تازه می‌خوام یه چیز خفن و بهت نشون بدم...

با کنجکاوی نگاهش کردم که گوشی رو روی میز تنظیم کرد و کشوی میز رو باز کرد و از توش یه چیزی شبیه به کنترل بیرون آورد...

- این چیه؟!

همونطور که کنترل توی دستش رو زیر و رو می‌کرد؛ با لبخند شرورانه ای گفت :

+ این همونیه که تورو به اون حال انداخته بود!!!

لبم و گاز گرفتم و با استفهام گفتم :

- ولی آخه چطوری؟!

+ اینطوری!!!

این و گفت و با فشار دادن دکمه‌ی قرمز وسط کنترل؛ مشتاق نگاهم کرد که تو یه لحظه دوباره اون درد و لذت لعنتی توش بدنم پخش شد که تکونی تو جام خوردم...
ویرایش شده

92.7K

♣️👉^{1m} *Bahar*

23:59

سه شنبه، 27 آذر 1403

اینم پارت جدید 😊❤️

ویرایش شده

93.2K

♣️👉^{1m} *Bahar*

0:00

حذف شده

:Porf:sunflower::crescent_moon#

امیدوارم اونجا که تو عمق تاریکی نشستی؛ نور بتابه بهت...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

78.9K

! Amir -

8:03

:Porf:sunflower::crescent_moon#

همیشه خواستم خودمو ببینم جدا از جمع...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

76.3K

! Amir -

10:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

درسته با همه می‌گیم می‌خندیم؛ ولی تو دلمون میدونیم بلیط کی چقدر
می‌ارزه...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

71.7K

! Amir -

13:22

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گر هیچ مرا در دلِ تو جاست؛ بگو!!!
گر هست بگو؛ نیست بگو؛ راست بگو!!!

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

67.1K

! Amir -

17:26

:Porf:sunflower::crescent_moon#

گاهی میان مردم؛ در ازدحام شهر ؛ غیر از تو هرچه هست فراموش
میکنم...

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

67.7K

! Amir -

19:20

:Porf:sunflower::crescent_moon#

درسته سخت میگذره؛ ولی ما تخصیم؛ باخت نمیدیم!!!

•• SaLiVanMaNi@ ••

ویرایش شده

64.6K

! Amir -

21:17

:kiss:👤 سلام سلام

58.9K

1m 🗨

23:42

هستین قشنگام؟ 😊

58.9K

1m 🗨

23:43

پارت آوردم 😊

59.2K

1m 🗨

23:43

سالیوان منی 🧸:sparkles:

#پارت343

با سختی همونطور که سعی می‌کردم چیزی توی ظاهرم مشخص نباشه؛
منقطع گفتم :

- بس...بسه...کیهان!!!
ت...مومش...کن...این...شکن..جه...لعنتیو...

با لذت نگاهی به پریشون حالیم کرد و همونطور که حتی لحظه ای
نگاهش رو از چشم هام بر نمی‌داشت؛ زمزمه وار گفت :

+ چرا؟!
لذت نمی‌بری کوچولو؟!

تمام بدنم داد می‌زدن که "چرا؛ به این لذت لعنتی ادامه بده!!!"

ولی برخلاف میل باطنیم مثل کرم تو جام وول خوردم و پا زاری گفتم :

- نه!!!

قطعش کن لطفااااا...

بی توجه به حال زار من؛ با لحن قبلیش گفت :

+ ولی چشم هات چیز دیگه ای رو به من می‌گن...

از این لذتی که هر لحظه بیشتر توی بدنم می پیچید؛ کلافه شدم و با حرص گفتم :

- چشم هام غلط می‌کنن!!!

به چیزی که زبونم می‌گه عمل کن...

چشم هام هر لحظه بیشتر از قبل خمار و حالم بدتر می شد...

اون لعنتی از دیدن من توی این حال لذت می‌برد!!!

صدای خنده آرومش رو شنیدم و بعد یچ یچ وار گفتم :

+ چشم‌ها هیچ وقت دروغ نمی‌گویند پناه کوچولو...

با حرص سرم و تو بالشت کو بیدم و همونطور که سعی می‌کردم دستم و کنترل کنم تا جایی که نباید نره؛ با خواهش گفتم :

- التماس است می‌کنم کیهان!!!
التماس است می‌کنم...

جوری با خواهش این حرف و زدم که دلش به رحم اومد؛ چون با نرمی
گفت :

+ باشه؛ این دیگه آخریشه!!!

با بهت سرم و بالا آوردم تا ببینم منظورش چیه و با دیدن اونی که
صفحه کنترل و به طرفم گرفته بود و جلوی چشم هام درجه‌شو به
بالا ترین سطحش رسوند؛ چشم هام گرد شد و جیغی از لذت کشیدم
که...